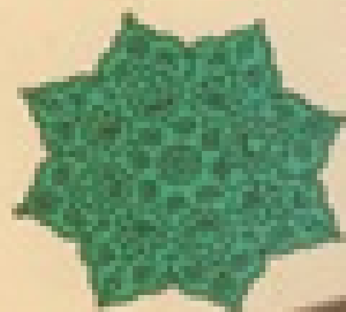
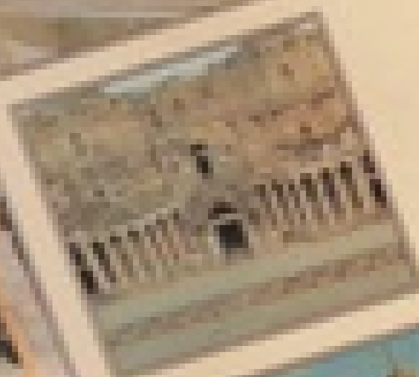
تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

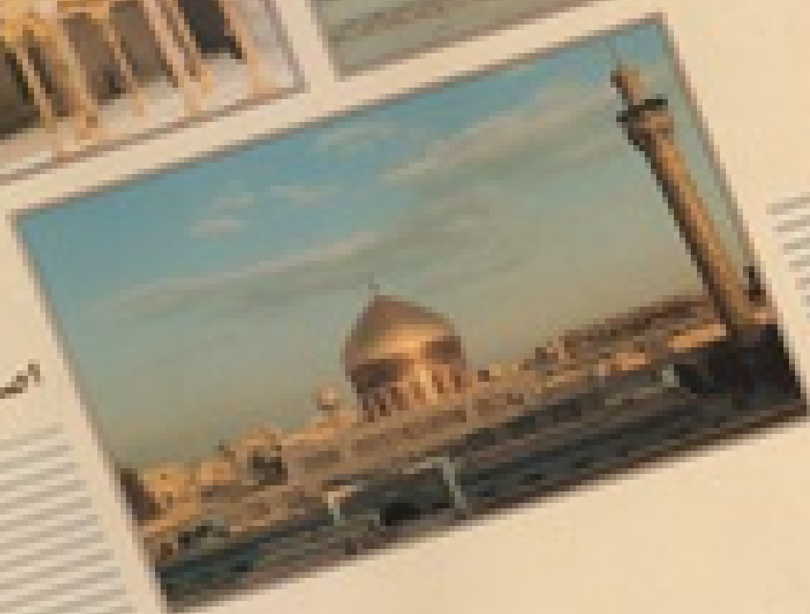












اصغر قائدان

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه

مشخصات کتاب

سرشناسه : قائدان اصغر، - ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه تالیف اصغر قائدان مشخصات نشر : تهران نشر مشعر، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : [۳۸۹] ص مصور، نقشه شابک : ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال وضعیت

فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : عنوان روی جلد: تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

یادداشت : کتابنامهص [۳۵۵] - ۳۶۸

عنوان روی جلد : تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- سوریه موضوع : سوریه -- راهنماها

رده بندی کنگره : BP۲۶۳/۶/ق۲ت۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۵

شماره کتابشناسی ملی : م۸۰-۵۴۸۷

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۵

ص:۱۶

مقدمه

اشاره

ص:۱۷

سوریه کنونی که در گذشته، با کشورهای اردن، لبنان و فلسطین اشغالی بخشی از سرزمین شام شمرده می‌شد، سابقه‌ای بس دراز در تاریخ دارد که مورّخان، این قدمت را به حدود پنج هزار سال پیش می‌رسانند. از آنجا که این سرزمین در مدت یاد شده، از فرهنگ و تمدّن درخشانی برخوردار بوده، آثار و نشانه‌هایی از تمدن خود بر جا گذاشته است. پیش از فتح این کشور به دست مسلمانان، اقوام مختلفی؛ از جمله اقوام سامی آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی که هر از چند گاهی این کشور را سکونت‌گاه خویش ساخته و یا آن را در معرض تاخت و تاز قرار داده‌اند، نشانه‌هایی از تمدّن خاص خویش را برای اعصار بعدی به یادگار گذاشته‌اند.

با فتح شام، در سال سیزده یا شانزده هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ غنیِ این دین جدید، بر تمدّن‌های چندین سده اقوام یاد شده چیره شد. از این پس، آثار تاریخی این منطقه، صبغه‌ای اسلامی یافت و رنگ و بویی دیگر به خود گرفت. از یک سو علاقه ساکنان تازه مسلمان و حاکمان اسلامی آن، به این دعوت جدید و از سوی دیگر پویایی تمدّن اسلام، نیروی محرّکه و فعالی در میان آنان پدید آورد تا برای تثبیت و تحکیم این دین، به ساخت و احداث مساجد، ابنیه مذهبی، مدارس، دارالقرآن‌ها و ... بپردازند که امروزه صدها اثر تاریخی در این خصوص زینت‌بخش آن سرزمین است. حضور ده‌ها تن از صحابه و تعدادی از بازماندگان اهل‌بیت پیامبرخدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و مهاجرت ایشان به این ناحیه برای نشر عقاید اسلام و سرانجام خاکسپاری آنان در آن‌جا، ناخودآگاه انبوه مقابر و مشاهد متبرکه‌ای را به‌وجود آورد که امروزه پس از گذشت قرن‌ها، بسیاری از مسلمانان، مشتاقان و ارادتمندان اهل‌بیت را برای زیارت این قبور، به‌ویژه مرقد

ص: ۱۸

مطهّر زینب کبری و رقیه بنت‌الحسین علیها السلام از اقصی نقاط عالم و نیز ایران اسلامی به‌سوی خود می‌کشاند.

حادثه جانفزا و مصیبت‌بار کربلا و ورود کاروان اسیران اهل‌بیت و نیز سرهای مقدس شهدای واقعه عاشورا به دمشق، مظلومیت شیعه در این سرزمین را به تصویر کشانیده است. آثار مرتبط با آن واقعه دردناک در این کشور، دل هر مسلمانی را به درد می‌آورد و چشم هر بیننده‌ای را پر از اشک می‌سازد؛ گویی آن حادثه، دوباره پا به عرصه وجود نهاده است.

در قرن‌های پنجم و ششم هجری، که مقارن با جنگ‌های صلیبی بود، حکّام بسیار مقتدر و دینداری در این کشور بر اریکه سلطنت نشستند و پرچم جهاد بر ضدّ صلیبی‌ها و رومیان را بر افراشتند. کسانی چون نورالدین محمود زنگی شهید، سلطان صلاح‌الدین ایوبی، ملک عادل ایّوبی، ملک ظاهر بیبرس، سیف‌الدوله حمدانی و ... از افتخارات عالم اسلام بودند که نه تنها امور جنگی و نظامی را در رأس اقدامات خود قرار دادند و به ایجاد پایگاه‌های نظامی، ساخت قلعه‌ها، حفر خندق‌ها و ... پرداختند، بلکه به‌خاطر عشق وافری که به گسترش و تحکیم اسلام و تمدّن افتخارآفرین آن داشتند، نسبت به ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی؛ اعم از مساجد، مدارس و ... اهتمام ورزیدند که امروزه وجود صدها اثر تاریخی، از آن دوران، بیانگر این مدعاست.

در قرون بعد، ممالیک و سر انجام ترکان عثمانی، پس از استیلا بر این سرزمین، سیاست پیشگامان خود را تداوم بخشیده و ضمن حفاظت و بازسازی آن آثار اسلامی، به احداث بناهای دیگری نیز پرداختند.

امروزه هر انسانی که به این کشور گام می‌نهد، در جای جای آن، آثاری از قرن‌ها فرهنگ و تمدّنِ درخشان مشاهده می‌کند و از اهل علم کمتر کسی است که از این همه اعجاب، غرق در حیرت و شگفتی نشود. صدها و هزاران اثر تاریخی، از دوران قبل و بعد از اسلام، در دمشق و دیگر استان‌های سوریه، با سکوتِ خویش، از هزاره‌ها و سده‌ها سخن می‌گویند و راست گفته‌اند که «تاریخ، پرونده ملّیِ ملّت‌ها و عامل بقا و سند مالکیت آنان است» و باید گفت: آثار و اماکن تاریخی نیز اوراق این پرونده و مهر سند این مالکیت است.

ص: ۱۹

مورّخان عرب و به‌ویژه تاریخ‌نگاران شام، منابع و تألیفات ارزشمندی در مورد این سرزمین برجای گذاشته‌اند، لیکن هر یک به ابعاد خاصی از تاریخ و یا مقطع و دوره‌ای خاص و یا شهری معین از آن توجه داشته‌اند و کمتر تمامیِ ابعاد و دوره‌های تاریخی و یا تمامی کشور را مورد تشریح قرار داده‌اند. در عصر حاضر نیز محققانِ آن خطه، در باره پیشینه تاریخیِ خود قلم‌ها برگرفته و اثرها به تحریر درآورده‌اند ولی آنان نیز به همان راه رفته و اثری جامع و مانع ارائه نکرده‌اند و یا بعضی نیز بر اساس سلایق مذهبی و اعتقادیِ خود، از شرح و توصیف آثار مرتبط با شیعه طفره رفته و یا به عمد آن‌ها را نادیده گرفته‌اند.

در سال‌های اخیر نیز بعضی از محقّقان شیعه در ایران، دست به تألیفاتی در این باره زده‌اند لیکن آنان توجه خود را بیشتر به اماکن منسوب به شیعه و یا شهر دمشق معطوف ساخته‌اند. خلل و کاستی‌هایی که در این مورد وجود داشت ضروری می‌نمود تا تحقیقی عمیق، علمی، همه جانبه و مستند در باره آثار تاریخی و اسلامیِ تمام نواحی این کشور ارائه گردد تا دانش‌پژوهان و علاقمندان به مسائل تاریخی و هنری، از تمامی ابعاد و جوانب مورد نظر بهره‌مند گردند و سیّاحان، به‌ویژه زائران مرقد منوّر زینب کبری، عقیله بنی‌هاشم و رقیه بنت الحسین علیهما السلام با بینشی کافی و وافی به این کشور گام نهند.

گفتنی است، نگارنده تمامیِ آثار توصیف شده را از نزدیک و به‌طور مستقیم دیده و به تشریح آن پرداخته است.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، که به چاپ این اثر اهتمام ورزیده‌اند، سپاسگزاری کرده و توفیق دیگر دست اندرکاران را که در نشر آن کوشیده‌اند، از خداوند منان مسألت کنم.

اصغر قائدان

پنجم جمادی‌الاول ۱۴۱۵ هجری قمری

سالروز ولادت زینب کبری علیها السلام

ص: ۲۰

مقدمه چاپ جدید

حامداً علی نعمه و مصلیّا علی نبیه و آله

هم اکنون که نزدیک به پانزده سال از نخستین چاپ این اثر می گذرد، تغییرات و تحولات در آثار تاریخی این سرزمین، اگر چه روند پرشتابی ندارد، با این حال تلاشهای سازمانهای فرهنگی سوریه برای حفظ، توسعه و بازسازی اماکن و آثار قابل تقدیر است که البته در این راه حمایتهای مادی و معنوی جمهوری اسلامی بویژه برای بازسازی اماکن مذهبی متعلق به جهان تشیع نیز بر سرعت این روند تاثیر گذار بوده است. بر این اساس نگارنده بر آن شد که چاپ جدید این اثر را با تجدید نظر کلی همراه با اصلاحات و اضافات، اطلاعات و آمارها و تصاویر جدید به راهیان حرم عقیله بنی‌هاشم تقدیم کند در این راه از همکاری جانب آقای سید علی علوی در انتخاب و تنظیم عکسها و طراحی اثر برخوردار بوده‌ام. هم‌چنین آقای سید صلاح موسوی نیز زحمت حرفچینی مجدد آن را بر عهده داشته‌اند که از خداوند توفیق ایشان را خواهانم. در پایان بر خود لازم می‌دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت و همکاران محترمشان در نشر مشعر که به چاپ این اثر در گذشته و حال اهتمام ورزیدند سپاسگذاری کنم.

با آرزوی سلامتی و توفیق همه آنان

والسلام علی عباد الله الصالحین

اصغر قائدان

پاییز ۱۳۸۶

ص: ۲۱

فصل اول: آشنایی با موقعیت جغرافیایی، تاریخی و مذهبی سوریه

اشاره

۱- موقعیّت جغرافیایی و طبیعی سوریه

۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

۳- مذاهب و گروه‌های مذهبی در سوریه

ص:۲۲

ص: ۲۳

۱- موقعیّت جغرافیایی و طبیعی سوریه

اشاره

مساحت: سوریه با ۱۸۰، ۱۸۵ کیلومتر مربع وسعت، هشتاد و سوّمین کشور جهان است و در جنوب غربی قاره آسیا، کنار دریای مدیترانه قرار دارد.

همسایگان: سوریه با کشورهای ترکیه (در شمال)، عراق (در شرق و جنوب شرقی)، اردن (در جنوب)، فلسطین اشغالی (در جنوب غربی) و لبنان (در غرب) مرز مشترك دارد.

آب و هوا: این کشور در کناره‌ها و نواحی جنوب غربی، آب و هوایی معتدل و مرطوب (مدیترانه‌ای) دارد و در دیگر نقاط، گرم و خشك است.

ارتفاع: بلندترین نقطه سوریه از دریا، جبل شیخ با ۲۸۱۴ متر ارتفاع است و مهمترین ارتفاعات آن عبارت‌اند از: کوه‌های لبنان شرقی، علویین، جبل الدروز، بشری، عبدالعزیز و قاسیون.

جلگه‌ها: بیشتر جلگه‌های سوریه، در کناره‌ها و نواحی جنوب غربی واقع شده‌اند.

قسمت اعظم آن را بیابان‌ها پوشانده و در جنوب شرقی آن صحرای سوریه (بادیهٔ الشام) واقع شده است.

رودها: از مهم‌ترین رودهای سوریه، می‌توان به فرات، خابور، عاصی، عفرین، قویق و دجله اشاره کرد. رود فرات با ۶۹۶/ ۲ کیلومتر طولانی‌ترین آن‌ها است که حدود نیمی از آن در ترکیه و عراق جاری است.

جمعیت: طبق آخرین آمار (سال ۲۰۰۲ م.) سوریه بالغ بر ۰۰۰، ۸۶۶، ۱۸ نفر جمعیت دارد و شصت و سوّمین کشور جهان محسوب می‌شود. از این تعداد، ۵۰٪ آن

ص: ۲۴

شهر نشین‌اند. پر جمعیت‌ترین شهرهای آن عبارت‌اند از: حلب، دمشق، حمص، حماة و لاذقیه.

بنادر: از بنادر مهم سوریه می‌توان به لاذقیه، طرطوس و بانیاس اشاره کرد که در کنار دریای مدیترانه واقع شده‌اند.

صنایع: صنایع مهم این کشور، عبارت‌اند از پالایش نفت، نساجی، سیمان، شیشه، مواد غذایی، صابون سازی، پوشاک و صنایع دستی.

معادن و منابع: گاز طبیعی و نفت، فسفات، گچ، کرم، نیکل، منگنز، سرب، سنگ نمک و «(۱)» ... از منابع با ارزش سوریه به شمار می‌رود.

استان‌ها و شهرهای مهم: بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، سوریه از ۱۳ استان تشکیل شده که زیر نظر فرماندار و یک شورای منتخب اداره می‌شود و استان‌های آن به ترتیبِ وسعت عبارت‌اند از:

۱. حُمص ۲. دَیر الزُّور ۳. حَسکَه ۴. رِقَّه ۵. حَلَب ۶. دمشق ۷. حَماه ۸. سُوَیدا ۹. دَرعا ۱۰. اِدْلب ۱۱. لاذقیه ۱۲. قُنَیطره ۱۳. طَرسوس.

وجه تسمیّه شام و سوریه

در دوران گذشته، سوریه کنونی، بخش عمده‌ای از شام بوده و در واقع سرزمین شام، شامل کشورهای کنونیِ سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می‌شده است. «(۲)» «الشأْم و الشَأم و الشآم» در واقع «(۳)» نامی بوده که جغرافی‌دانان عرب بر این منطقه نهاده‌اند. منطقه‌ای که از یک سو به دریای روم و بیابان ممتد- از ایله تا فرات- و از سوی دیگر- از فرات تا مرز روم- منتهی می‌شود. بدین‌صورت، سرزمین‌های روم در شمال، مرز مصر و بیابان بنی‌اسرائیل در جنوب آن واقع شده و آخرین محدوده آن- در سمت مصر «رَفَحْ» و

۱- محمود محبوب، فرامرز زیارودی، گیتاشناسی کشورها، ص ۱۸۴؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱، ص ۲۳

۲- تقسیم این سرزمین به چهار کشور کنونی، به‌دنبال جنگ جهانی اول و در پی اهداف استعماری کشورهای سلطه‌گر انجام گردیده است.

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۱۱

ص: ۲۵

سمت روم «الثغور» است. «(۱)»

در دوران‌های گذشته، به سرزمین شام، سوریه نیز می‌گفتند. بکری گوید: «سوریه» (به ضم اول و کسر الراء و تخفیف الیاء) نامی برای شام است. «(۲)»

ارنست هرتز فیلد گوید: سوریه نامی «آشوری» است که هنگام غلبه آشوریان بر این کشور اطلاق می‌شده و سین و شین در زبان سامی، به‌طور یکسان به کار می‌رفته است. نام سوریه برای نخستین بار در اثر «هرودوت» به شکل «shryn»، در خط «میخی» و «siryon» در زبان «عبری» استعمال می‌شده که بر لبنان شرقی اطلاق می‌شده است. «(۳)»

در دوران یونانی‌ها و بعد از آن، استعمال این نام گسترش یافت و بر همه منطقه نهاده شد و تا پایان جنگ جهانی اول به همین معنا به‌کار می‌رفت. «(۴)» بنابراین، سوریه نامی است برگرفته از قوم آسوری یا آشوری.

در اثر هرودوت، فلسطین قسمتی از سوریه بوده و مورّخان جنگ‌های صلیبی، فلسطین را جزئی از سوریه دانسته‌اند. اصطلاح «syrian»- در زبان انگلیسی- در عصر حاضر، برای این کشور استفاده می‌شود که البته منظور کشور جمهوری عربیِ سوریه است و گاهی به پیروان کنیسه قدیم سوریه یا کنیسه سریانیه کاتولیک نیز گفته شده است. «(۵)»

در حقیقت اسم سریانی «syriac» مفهومی لغوی و دینی و «syrian» نیز برای اعراب مفهومی جغرافیایی و وطنی دارد. «(۶)»

جغرافی‌دانان و زبان‌دانان، هر یک در مورد وجه تسمیه شام چیزی گفته‌اند. بعضی معتقدند آن را بدین سبب شام نامیده‌اند که قومی از کنعان در این سرزمین ساکن شده‌اند؛ «فَتَشاءَمُوا إِلَيْها» برخی دیگر گویند: بدین علت که اهل یمن در آن «تشاءُمْ» کرده‌اند؛

۱- اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۵۵

۲- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۱، ص ۴۷

۳- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۷؛ عفیف البهنسی، الشام الحضاره، صص ۲۳- ۲۲

۴- نجدت خماس، الشام فی صدر الاسلام، ص ۴۰ به نقل از:

syria history» The modern encyclopedia ۱۶۹۱- Article »

۵-

Syria religeouse groups ,Encyclopedia britannica ۵۱ th .p .۹۱۹ -۲۲۹-

۶- نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۰

ص: ۲۶

یعنی به آنجا رو آورده‌اند. گروهی نیز گفته‌اند: به علّت کثرت و فراوانی قریه‌ها و دهات آن، که نزدیک به یکدیگرند، یا این‌که سرزمین شام به رنگ‌های مختلفی مثل سرخ، سفید و سیاه است، همان‌طور که خال بدن انسان را شام گویند. «(۱)»

مجموع سرزمین‌های این منطقه را شامات گویند. گاهی دمشق را نیز از باب اطلاق کل بر جزء، شام گفته‌اند و عرب شهرها را اغلب به اسم سرزمین‌های آن می‌نامیده است. «(۲)»

فضایل فراوانی در مورد شام گفته‌اند. بعضی از مورّخان احادیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد فضایل آن نقل کرده‌اند «(۳)» که به‌نظر می‌رسد این احادیث را وابستگان و محدثان اموی ساخته‌اند تا به‌گونه‌ای سرزمین شام را در مقابل شهر پیامبر؛ یعنی مدینهٔ النبی صلی الله علیه و آله مطرح کنند؛ زیرا این سرزمین، مقرّ حکومتی بنی‌امیه بوده است.

۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

الف) قبل از اسلام

شام و سوریه کنونی، از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی آسیا بوده و در هزاره سوم قبل از میلاد، قوم «سامی آموری» در این سرزمین ساکن و حکومتی در آن تشکیل دادند که تا سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد پایدار بود. در اواخر قرن یازدهم قبل از میلاد، قوم دیگری به نام «آرامی» نیز در این کشور مستقر شدند.

سوریه در پیش از میلاد، بارها به تصرّف مصریان، آشوریان، بابلیان و ایرانیان در آمد و هر یک از آنان، این سرزمین را در زمانی کوتاه یا طولانی در دست داشتند. «(۴)» ۲ کندر مقدونی، ۲ اسکندر مقدونی نیز آن را تصرف کرد و سپس این سرزمین با مرگ وی، جزو

۱- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفهٔ الأقالیم، ص ۱۴۰؛ نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۰

۲- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۸

۳- نک: ابی البقاء عبداللّٰه البدری، نزههٔ الأنام فی محاسن الشام، بیروت، دارالرائد ۱۹۸۰؛ ابن طولون، بهجهٔ‌الأنام فی فضل دمشق الشام

۴- ر. ک. به: احسان عباس، تاریخ بلاد الشام، ص ۵۰ به بعد؛ عفیف البهنسی، همان کتاب، صص ۱۴۰- ۱۲۰. نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۵ به بعد.

ص: ۲۷

قلمرو سلوکیان شد. در سال ۶۳ میلادی، حکومت سلوکی‌ها بر این سرزمین به‌وسیله امپراتوری روم پایان یافت. در طی دوره تسلّط روم، جنگ‌های فراوانی با دولت اشکانی در سوریه به‌وقوع پیوست. دولت ساسانی نیز مدتی بخش‌هایی از آن را به تصرّف درآورد. در سال ۳۹۵ میلادی، پس از تجزیه دولت روم، به شرقی و غربی، این کشور جزو قلمرو امپراتوری روم شرقی (بیزانس) گردید. «(۱)» سرانجام استیلای بیزانس بر سوریه، به تدریج روبه ضعف نهاد تا این‌که در قرن اول هجری (هفتم میلادی) در زمان خلافت ابوبکر، خالدبن ولید مأمور فتح شامات گردید.

ب) پس از اسلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مدت حیات خویش، دو بار به مرزهای امپراتوری روم در سرزمین شام حمله کرد. سپاه اسلام نخستین بار در غزوه «مؤته» با سپاه انبوه و تا دندان مسلّح رومیان روبه‌رو شد. این غزوه بود که مقدمات نفوذ به سرزمین شام را برای مسلمانان فراهم ساخت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمانی دیگر، خود همراه لشکریانش به «تبوک» رفت و به مرزهای روم یورش برد. آن حضرت در واپسین روزهای حیات خود (سال یازدهم هجری)، سپاهی به فرماندهی اسامهٔ بن زید برای هجوم به سرزمین شام تدارک دید، لیکن خود به ملکوت اعلی پیوست و ابوبکر اعزام آن سپاه را دنبال کرد.

سپاه اسامه در یک درگیری با رومیان به پیروزی رسید و موفق شد نتیجه تلخ شکست موته را به یک پیروزی تبدیل کند. پس از اندکی، خلیفه اوّل، هجوم به مناطق تحت سلطه روم؛ از جمله شامات را در استراتژی نظامی خویش قرار داد.

او در این جنگ، با فراخوانی مسلمانان از نقاط مختلف، سپاهی در مدینه فراهم آورد و آن را چهار گروه کرد؛ گروهی را به فرماندهی «ابوعبیدهٔ بن جراح» به سوی «حمص»، دسته دیگر را به فرماندهی «عمرو بن عاص» راهی فلسطین و دسته سوم را به فرماندهی «یزید بن ابی سفیان» به سوی «دمشق» و دسته چهارم را به سرپرستی

۱- المعجم القطر العربی السوری، ج ۱، ص ۲۴ به بعد.

ص: ۲۸

«شرحبیل بن حسنه» عازم «اردن» کرد. اندکی بعد، از شام خبر رسید که ابو عبیده، از عهده مقابله با رومیان برنیامده است، از این رو خلیفه نامه‌ای به خالدبن ولید نوشت که به کمک سپاه شام بشتابد و به‌جای ابوعبیده فرماندهی سپاه را به‌عهده گیرد. خالد به سوی شام رفت. او ابتدا «بُصری» را فتح کرد و سپس به مصاف با رومیان شتافت. این جنگ در تاریخ اسلام به «یرموک» معروف شد، «(۱)» زیرا در کنار رودی به همین نام، که امروزه در کشور اردن جاری است، صورت گرفت.

رومیان در این نبرد، ۱۴۰ هزار نفر تلفات دادند و سه هزار تن از مسلمانان نیز کشته شدند. آنان رومی‌ها را تعقیب و «ماهان» سردار آنان را کشتند و سپس به طرف دمشق رفتند؛ پس از آن‌که یک ماه بر دروازه آن شهر متوقف شدند، خبر وفات ابوبکر و خلافت عمر به ایشان رسید. «(۲)»

«هِرَقْل» (: هراکلیوس، امپراتور روم) در بیت‌المقدس از فتح مسلمانان در یرموک خبر یافت و با شتاب به سوی حمص روانه شد تا آن‌جا را مرکز جنگی خود قرار دهد.

ابوعبیده نیز با سپاه حرکت کرد تا به «مرج الصفر» رسید و از خلیفه کسب تکلیف کرد که اول دمشق را فتح کند یا به فحل هجوم برد؟ عمر نیز با صحابه مشورت کرد. در این میان امام علی علیه السلام نظر داد، اول دمشق را بگشایید که قلعه شام است و سپس سپاهی برای جلوگیری از سپاه فحل و مردم فلسطین وحمص بفرستید. خلیفه نیز به همین‌گونه فرمان داد.

محاصره دمشق هفتاد روز طول کشید؛ مسلمانان راه آذوقه و کمک‌رسانی ساکنان شهر را بستند. چون دیوارها و خندق‌های اطراف مانع نفوذ مسلمین می‌شد، چاره‌ای جز ادامه محاصره نداشتند. مردم دمشق که از محاصره به تنگ آمده بودند، از در صلح درآمدند؛ بعضی از دروازه‌های دمشق به صلح باز شد و مسلمین بدان راه یافتند و شهر را

۱- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، صص ۱۱۹- ۸۰؛ واقدی، فتوح الشام، ص ۲۰ به بعد؛ محمد بن عبداللّٰه‌ازدی، تاریخ فتوح الشام، تحقیق عبدالمنعم عبداللّٰه عامر، صص ۷۳- ۲۱

۲-

Muir ,william ,the coliphate its rise ,Dcline and fall ,p .۹.

ص: ۲۹

فتح کردند. مورّخان در تاریخ فتح دمشق اختلاف دارند؛ بعضی سال سیزده هجری و بعضی سال چهارده و یا هفده هجری گفته‌اند. پس از فتح شام، «یزید بن ابی سفیان»، که یکی از چهار فرمانده فاتح دمشق بود، از سوی عمر به حکومت این شهر منصوب شد. وقتی او مرد، عمر قلمرو او را به معاویه سپرد و وی مالک مطلق العنان این سرزمین گشت. «(۱)»

در فتح شام بیشتر مهاجران و انصار حضور داشتند. به گفته ابن سعد، ۱۱۳ صحابه در آن شرکت کردند. «(۲)» شهر «حُمص»- در جنوب دمشق- محل ملاقات و الحاق اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یکدیگر بود. «ابو مسلم خولانی» وقتی داخل مسجد حمص شد، سی تن از ریش سفیدان اصحاب را در آن دید و کثیر بن مره حضرمی نیز هفتاد بدری، از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در آن‌جا ملاقات کرد. آنان مقدمه لشکر اسلام بودند که آموزش فقه و قرآن در سپاه اسلام بر عهده آنان بود. بسیاری از تابعین در شام به دست عبادهٔ بن صامت، ابو دردا و معاذ بن جبل فقه آموختند. این کار به سبب درخواست یزید پسر ابوسفیان صورت گرفت که به عمر نوشته بود مردم شام فراوان‌اند و به تعلیم قرآن و فقه نیاز دارند. بدین سان حمص پایگاه عباده شد، ابو دردا به دمشق رفت و معاذ نیز عازم فلسطین گردید. «(۳)»

معاویه پس از آن‌که از سوی عمر به‌جای برادرش یزید بن ابوسفیان به حکومت دمشق منصوب شد، به فتح سایر شهرهای شام اقدام کرد. وی در دوران خلافت عثمان قدرت بلامنازعی یافت و علاوه بر شام به حکومت «جزیره» نیز دست یافت. او تمامی ولایات شام را به قیسی‌ها سپرد و همین قیسی‌ها و بعد کلبی‌ها بودند که او را در مقابل امام علی علیه السلام تقویت کردند. معاویه پیراهن خونین عثمان را بر منبر مسجدی، که بعدها، جامع اموی به‌جای آن ساخته شد، گذاشت و رؤسا، اشراف و قبایل را فراخواند. آنان نیز

۱- نک: واقدی، همان کتاب، ص ۵۰ به بعد؛ ابن اعثم کوفی، همان کتاب، ج ۱، صص ۱۳۰- ۸۰؛ نویری، همان کتاب، ج ۳، ص ۸۰- ۱۴۰؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ السیاسی الاسلام، ج ۱، صص ۲۸۱- ۲۷۶

۲- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۷، صص ۱۵۱- ۱۱۱

۳- نجدت خماس، همان کتاب، صص ۹۸- ۹۷؛ احسان عباس، همان کتاب، صص ۲۴۳- ۲۲۲

ص: ۳۰

سوگند خوردند که کشندگان عثمان را قصاص کنند. «(۱)» سپس جنگ صفین را علیه امام به‌راه انداختند. در این جنگ تمامی مردم شام جز «ابو دردا» و «ابو امامه باهلی» حضور یافتند. «(۲)»

ج) دوران معاصر

سوریه در ۱۷۹۹ م، پس از فتح مصر، توسط ناپلئون بناپارت، به اشغال فرانسه در آمد. پس از چندی با استقلال نسبی مصر، سوریه نیز بار دیگر به عثمانی واگذار گردید.

آزار مسیحیان و سرکوبی شورش‌های آنان در این شهر، راه مداخله دولت‌های اروپایی را بیش از پیش به این کشور باز کرد و سرانجام در ۱۸۶۰ م. فرانسه به‌عنوان کمک به سلطان عثمانی در اداره سوریه، نیروهای نظامی خود را در بیروت (که آن زمان جزو سوریه بود) پیاده کرد. «(۳)» با ورود دولت عثمانی به جنگ جهانی اول (در ۱۹۱۴ م)، ملّی گرایان عرب، زمینه را برای اجرای مقاصد استقلال طلبانه خود مساعد دیدند و آغاز به فعالیت کردند. در همین زمان‌ها بود که زمینه برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین نیز آغاز شده بود. با پایان یافتن جنگ اول جهانی و شکست دولت عثمانی، امیر فیصل بن حسین (که بعدها پادشاه عراق شد) از سوی کنگره مردم سوریه به پادشاهی این کشور برگزیده شد. «(۴)»

در ۱۹۱۸ م. با حکومت وی، موقعیت و مرکزیت سیاسی دمشق تثبیت شد و با رهایی از یوغ ترکان عثمانی می‌رفت تا اهمیت خود را مثل دوران ایوبی‌ها و صلاح‌الدّین ایّوبی باز یابد امّا زمان این آزادی اندک شد؛ زیرا در سال ۱۹۲۰ م، سوریه و لبنان با رأی جامعه ملل، تحت قیمومت و سلطه فرانسه قرار گرفت.

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۶۲

۲- منطقه صفین، در شمال شرقی سوریه کنونی قرار داشته است. برای آگاهی بیشتر در خصوص این منطقه، نک: بحث مربوط به استان رقّه در همین کتاب.

۳-

«

A .H .Hourani.

.syria and lebanon under french mandate oxford university by press ,۱۹۶۸

stephen hemsley «

۴- نک: علی سلطان، تاریخ السوریه ۱۹۱۸- ۱۹۰۸ دارطلاس ۱۹۸۷

ص: ۳۱

در ۱۹۲۶ م لبنان از سوریه تجزیه و کشوری جداگانه شد. پس از مذاکرات طولانی در ۱۹۳۰ م و ۱۹۳۲ م توافق‌هایی برای تأسیس سوریه خود مختار به‌عمل آمد.

با واگذاری ناحیه اسکندرون از سوریه به ترکیه در ۱۹۳۲ م. احساسات ضدّ فرانسوی شدت یافت. «(۱)» فرانسوی‌ها در اوایل جنگ جهانی دوم، پایگاه‌هایی در سوریه مستقر کردند که پس از شکست فرانسه در سال ۱۹۴۰ م.- به دست آلمان هیتلری- نسبت به دولت دست نشانده نازی‌ها اعلام وفاداری کردند.

در ۱۹۱۴ م نیروهای انگلیس و فرانسه آزاد، سوریه را به اشغال خود در آوردند.

ژنرال کاترو، فرمانده نیروهای فرانسه آزاد، استقلال و سپس تأسیس جمهوری سوریه را در شانزدهم سپتامبر ۱۹۴۱ م. اعلام کرد و «شیخ تاج‌الدین حسنی» رییس جمهور شد.

در سال ۱۹۴۳ م نیز «شکری الغوتلی» به‌عنوان رییس جمهور این کشور انتخاب و از این سال استقلال کامل سوریه با خروج سربازان خارجی آغاز شد. این کشور در ۱۹۴۸ م در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد. «(۲)» از ۱۹۴۹ م تا ۱۹۵۳ م چند کودتا در سوریه به‌وقوع پیوست که طی آن در ۱۹۵۴ م «هاشم الاتاسی» قدرت خود را باز یافت. در این زمان حزب سوسیالیست بعث با ائتلاف با ملّیون محافظه کار، در صدد اتحاد با مصر در دوران ناصر بود و سوریه با انعقاد پیمانی با شوروی به دول سوسیالیستی پیوست. «(۳)» در این هنگام (۱۹۵۸ م) اتحاد با مصر محقق شد و سوریه و مصر جمهوری متحد عرب را تشکیل دادند که ریاست این جمهوری به‌عهده جمال عبدالناصر بود.

از ۱۹۶۱ م تا ۱۹۶۶ م چند کودتای دیگر در این کشور صورت گرفت و مخالفان اتحاد با مصر در این سال‌ها به حکومت رسیدند. در همین دوران روابط سوریه با عراق

۱- برای اطلاع از چگونگی تسلّط فرانسه بر سوریه و لبنان نک:

longrig Stephen hemsley syria and lebanon under french mondete ,oxford university press ,۸۶۹۱ .

۲- نک: هیثم گیلانی، الاستراتیجیات العسکریه الحروب العربیهٔ الاسلامیه، مرکز دارسات الوحدهٔ العربیه، بیروت ۱۹۹۱ م.

۳- بشار الجعفری، السیاسهٔ الخارجیهٔ السوریه، ص ۱۴۱؛ عدنان الملوحی، الطریق الی دمشق، ص ۴۳، ۱۹۹۱ م.

ص: ۳۲

رو به تیرگی نهاد. «(۱)» در ۱۹۶۷ م پس از جنگ با اسرائیل، قسمتی از خاک سوریه- از جمله ارتفاعات جولان و بخشی از قنیطره- اشغال شد. سر انجام در ۱۹۷۰ م ژنرال حافظ اسد با کودتایی قدرت را به دست گرفت و به ریاست جمهوری مادام العمر برگزیده شد.

در ۱۹۷۳ م سوریه بار دیگر در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و خسارات زیادی بر اسرائیل وارد آورد. «(۲)» در ۱۹۷۶ م سوریه به سبب خیانت سادات به اعراب و انعقاد پیمان کمپ دیوید، روابط خود را با مصر قطع کرد و با شرکت چند کشور مترقی عربی «جبهه پایداری» را بنیان نهاد. در ۱۳۵۹ ش، پس از به‌قدرت رسیدن صدام حسین در عراق و جنگ آن کشور با ایران، روابط سوریه با عراق نیز کاملًا قطع شد. از آن هنگام، سوریه متّحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران گردید که این اتحاد و اتفاق همچنان ادامه دارد.

در ۱۹۸۲ م. سوریه به‌دنبال هجوم صهیونیست‌ها به جنوب لبنان، تا حدّی درگیر نبرد لبنان بود. «(۳)» از آن هنگام، سوریه و لبنان در کنار یکدیگر، در برابر اسرائیل به عنوان دو متّحد قدرتمند به پایداری و مقاومت پرداختند. نیروهای نظامی سوریه در مناطق غربی و جنوبی لبنان از این کشور در برابر تهاجم اسرائیل ایستاد و در مقاومت مردم مسلمان و حزب اللّه لبنان در برابر اشغال جنوب و تسلیح و حمایت مادی و معنوی از آنان سهم مؤثری ایفا کردند تا ناچار نیروهای اسرائیل خاک لبنان را ترک کردند. حافظ اسد رییس جمهور سوریه، تمامی تلاش‌های خود را مصروف تحقّق این هدف ساخت. سرانجام وی پس از بیش از ۳۰ سال ریاست جمهوری، دار فانی را وداع گفت.

در ۱۹۹۴ م که ۲۴ سال از ریاست جمهوری حافظ اسد می‌گذشت، فرزند او ملقّب به «اباباسل» که قرار بود بعد از پدر جانشین او شود، در یک تصادف کشته شد و لذا فرزند دیگر او بشار اسد به ریاست جمهوری رسید.

۱-

همچنین پاتریک سیل، الصراع علی سوریه، تعریب سمیر عبده و محمود کلام، ص ۱۹۸ به بعد.

۲- اینامار رابینوویچ، جنگ برای لبنان ۱۹۸۵- ۱۹۷۰ ترجمه صفایی و رجبی، صص ۶۴- ۴۹

۳- نک: هیثم گیلانی، الاسترا تیجیات العسکریه للحروب العربیهٔ الاسلامیه ۱۹۹۱؛ پیشین، صص ۱۴۱ و ۱۵۰

ص: ۳۳

قوه مقننه از یک مجلس قانونگذاری به نام «مجلس خلق»، با ۱۹۵ عضو تشکیل یافته است. مهم‌ترین احزاب در سوریه حزب سوسیالیستی عربی بعث، جنبش سوسیالیست‌های عرب، حزب کمونیست، اتحادیه سوسیالیست‌های عرب هستند. «(۱)»

۳- مذاهب و گروه‌های مذهبی در سوریه

مسلمانان ۸۶٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و مسیحیان با ۵/ ۱۳٪ اقلیت نسبتاً قابل توجهی در این کشور هستند. حدود پنج هزار یهودی نیز در دمشق و پیرامون آن زندگی می‌کنند و اما در میان مسلمانان، فرقه‌های مذهبی گوناگون در سوریه وجود دارند که پس از اهل سنت، که اکثریت را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از:

۱. دروزی‌ها

گروهی از غالیان شیعه هستند که بیش از دو میلیون نفر از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. اغلب دروزی‌ها در استان سویدا و «جبل دروز» واقع در جنوب لاذقیه ساکن‌اند. فرقه دروزیه ترکیبی از عقاید شیعه، زرتشت و مسیحیت دارند که «شیخ عقل» اکنون مرجع دینی آنان است.

۲. علویان

آنان خود را شیعه می‌دانند، بیش از سه میلیون نفر هستند و بیشتر در کوه‌های شمال غرب سوریه به موازات ساحل طرطوس تا انطاکیه پراکنده‌اند. علویان پست‌های حساس در سوریه را بر عهده داشته‌اند. حافظ اسد نیز خود یک علوی بوده است. گفتنی است علویان بیشتر صحابه اولیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ از جمله عمار بن یاسر، مقداد، سلمان و اباذر را قبول دارند و به آنان و اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله عشق می‌ورزند. از لحاظ عمل به دستورات دینی چندان تقیّد ندارند و آداب و احکام دینی را به‌جا نمی‌آورند.

۱- ماجد اللحام، دمشق فی نصف قرن، صص ۶۰- ۱۴؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی ترجمه محمد حسین روحانی ۱۳۶۷ ش.

ص: ۳۴

۳. شیعه امامیه یا اثنی عشریه

جمعیت ایشان بیش از هفتصد هزار نفر است. آنان در غرب «باب توما» در دمشق و در قریه داریا زندگی می‌کنند واکنون نیز قریه راویه و اطراف مرقد مطهّر حضرت زینب علیها السلام محل سکونت بیشتر آنان گردیده است. در گذشته مرحوم «محسن الأمین» صاحب دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیه و «سید علی مکی» منشأ تلاش‌هایی برای انسجام اعتقادی و فکری شیعه شده‌اند.

ص: ۳۵

نقشه

ص: ۳۶

نقشه

ص: ۳۷

نقشه

ص: ۳۸

نقشه

ص: ۳۹

فصل دوم: آثار سیاحتی زیارتی دمشق

اشاره

۱- دمشق در گذر تاریخ

۲- مرقد و مزار عقیله بنی‌هاشم زینب کبری علیها السلام

۳- مقام و مقبره حضرت رقیّه علیها السلام

۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق

۶- مدارس و دار القرآن‌های تاریخی دمشق

۷- قبرستان باب الصغیر

۸- سایر قبرستان‌های معروف دمشق

۹- سایر آثار تاریخی دمشق

ص:۴۰

ص: ۴۱

۱- دمشق در گذر تاریخ

واژه «دمشق» یا «دماسکو» «Demascus»، در اصل، آرامی، کلدانی یا سریانی قدیم بوده است. در نوشته‌ای «هیروگلیفی»، که از پانزده قرن قبل از میلاد به‌دست آمده، نام «تمسقو» یا «دماسکو» در آن دیده شده است. همچنین نام دماسکو در آثار معبد «کرنک» متعلق به ۱۸ قرن قبل از میلاد نیز به چشم می‌خورد. «(۱)»

برای دمشق اسامی بسیار گفته‌اند. نخستین نام آن «جَلِقْ» و سپس به‌علت انتساب به جیرون بن سعد بن عاد بن ارم بن سام بن نوح «جیرون» بوده است. «ارم ذات العماد» که در قرآن کریم آمده است و همچنین عذراء، بیت رامون، عین الشرق، باب الکعبه، فسطاط المسلمین نیز از نام‌های دیگر آن است. «(۲)»

دمشق از قدیمی‌ترین شهرهای آباد جهان و از مهم‌ترین پایتخت‌های تمدّنی قدیم محسوب می‌شود و پیشینه تاریخی آن، به حدود پنج هزار سال قبل می‌رسد و از لحاظ قدمت، بعد از «اریحا» (در قدس) است. امّت‌ها و ملت‌های زیادی در این شهر ساکن شده‌اند؛ مانند: لودی‌ها، آرامی‌ها، فینیقی‌ها، حیثون، عبرانیان، آشوریان، بابلی‌ها، میدیون، (مادها- ایرانیان) یونانی‌ها، رومی‌ها، اعراب و اقوام دیگری چون ترک‌ها، کردها و ... «(۳)»

۱- یوسف جمیل نعیسه، مجتمع مدینهٔ دمشق، ج ۱، ص ۶۷، دمشق به معنای سرعت نیز آمده است.

۲- پیشین، همان‌جا؛ ماجد اللحام، دمشق، ص ۲۲

۳- برای آگاهی بیشتر از دولت‌های عرب شام قبل از اسلام نک: احسان عباس، تاریخ بلاد الشام، چاپ عمان ۱۹۹۱، ص ۵۳ به بعد.

ص: ۴۲

در مورد بانی این شهر در منابع، اختلاف فراوانی وجود دارد که هر یک آن را به کسی نسبت داده‌اند؛ بعضی گفته‌اند: دماشق بن قالی بن مالک بن ارفخشد بن سام بن نوح و یا یقطان بن عامر بوده است و برخی دیگر بیوراسف را بانی آن دانسته‌اند. «(۱)»

گروهی برآنند، نخستین شهری که حضرت نوح، بعد از طوفان، احداث کرد، دمشق بوده است. عدّه‌ای براین باورند که ضحاک آن را بنا کرد و جمعی به کسان دیگری چون عاد بن عوض، اسکندر، غلام حضرت ابراهیم به نام دماشق، سلیمان بن داوود، دمشق بن قاین بن مالک بن ارفخشد بن سام بن نوح و دماشق بن نمرود بن کنعان نسبت داده‌اند. «(۲)»

به روایتی دیگر، آن را فرزند ارم بن سام بن نوح؛ یعنی دماشق که برادر فلسطین، ایلیا وحمص بود بنا کرد و هر یک از آنان ولایتی را آباد کرده و به‌اسم خویش نامیدند. «(۳)»

امّا بر اساس نظر بیشترمورخان، اوّلین کسی که دمشق را بنا کرد «اِرَم بن سام بن‌نوح» بوده که در آن زمین باغی ساخت و طرح عمارت انداخت. چون بی‌نظیر و ضرب‌المثل بود، آن را باغ ارم گفتند، آنگاه «شداد بن عاد» در آنجا بناهای فراوان ساخت و چنانکه گویند، طرح بهشت و دوزخی در آن محل ریخت که خداوند در قرآن کریم از آن یاد کرده است؛ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ* الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ. «(۴)»

پس از آنکه اسکندر مقدونی این شهر را ویران کرد، تارخ، که او را آذر نیز گویند (عموی‌حضرت‌ابراهیم علیه السلام) و به وزارت‌نمرود نیز اشتغال‌داشت، آن را تعمیروترمیم کرد.

گویند دمشق حدود ۳۱۴۵ سال پس از آفرینش زمین ساخته شد و بعضی گویند هفت هزار سال پس از آن بوده و حضرت ابراهیم علیه السلام پنجاه سال پس از بنای دمشق، در آن سرزمین متولد شد. «(۵)» آثار تاریخی فراوانی؛ از جمله کتیبه‌های متعلّق به هزاره‌های اول

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۱؛ نویری، منتهی الارب فی فنون الادب، ج ۴، صص ۱۳۶- ۱۳۵

۲- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۱، ص ۴۱۷؛ مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۳

۳- شیروانی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۱۹

۴- فجر: ۷ و ۸

۵- مسعودی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۱۳، همچنین برای اطلاع از شام در دوران قبل از اسلام نک: محمداحمد باسمیل، العرب فی الشام قبل الاسلام، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۸

ص: ۴۳

و دوم قبل از میلاد مسیح در این شهر به‌دست آمده است که دکتر عفیف البهنسی این کتیبه‌ها و مجسمه‌های الهه‌های شام و ظروف متعلق به آن دوران را با تصاویر تشریح کرده است.(۱)

دمشق پس از اسلام

در سال ۴۱ هجری، معاویه پس از صلح با امام حسن علیه السلام، دمشق را مرکز خلافت قرار داد. او ۲۰ سال امیر و ۲۰ سال نیز خلیفه بود. پس از مرگ معاویه دوم، که چهل روز بیشتر خلافت نکرد، حکومت دمشق و در حقیقت خلافت به خاندان مروانیان انتقال یافت.

مروان بن حکم نخستین خلیفه اموی بود. در میان خلفای اموی، «ولید بن عبدالملک» و «عمر بن عبدالعزیز» همواره برای توسعه بناهای فرهنگی و تاریخی شام می‌کوشیدند. دمشق تا سال ۱۳۳ هجری- که عباسیان به خلافت رسیدند- همچنان پایتخت خلافت اسلامی بود تا این‌که در این سال مرکز خلافت به عراق منتقل شد. «(۲)»

از این سال، خلفای عباسی از جانب خود والیانی به دمشق می‌فرستادند. احمد بن طولون پس از تشکیل سلسله طولونیان در مصر، در ۲۶۴ هجری، دمشق را از دست عباسیان خارج ساخت. «(۳)»

در قرن چهارم هجری، پس از آن‌که اخشیدیون در مصر به حکومت رسیدند، دمشق را جزئی از ولایت خود قرار دادند. پس از انقراض دولت اخشیدی‌ها به وسیله فاطمیان (۳۵۸ هجری)، دمشق به سلطه آنان در آمد.

در سال ۲۸۲ و ۳۶۰ هجری، قرامطه دوبار به دمشق هجوم بردند و فجایع فراوانی نسبت به مردم انجام دادند. «(۴)»

۱- همو، الشام الحضاره، ص ۱۷ تا ۱۵۰

۲- p .۲ .V ,malsI'lleD YLANNA .enoel ,ynnateaC. ۲۳۹.

۳- صلاح‌الدین ایبک صفدی، تحفة ذوی الألباب فیمن حکم بدمشق من‌الخلفاء و ...، ج ۱، صص ۳۱۷- ۳۱۳

۴- حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، صص ۳- ۱؛ یوسف نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۶۸؛ صلاح الدین ایبک صفدی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷

ص: ۴۴

در سال ۴۶۸ هجری سلجوقیان این شهر را از دست فاطمیان بیرون ساختند «(۱)» تا این‌که در طی سال‌های (۵۴۳- ۵۲۳) برابر با (۱۱۴۸- ۱۱۲۸ م.) صلیبی‌ها برسرزمین‌های شام هجوم آورده و بارها دمشق را ویران کردند. در ۵۴۹ هجری نورالدّین محمود زنگی (حاکم حلب) توانست صلیبی‌ها را از شهر اخراج سازد. دوران محمود زنگی و صلاح‌الدین ایوبی اعتلای دمشق را به دنبال داشت ولی متأسفانه فرزندان صلاح‌الدین؛ یعنی ملک عادل، افضل و عزیز برای تسلط بر شهر، درگیری‌هایی داشتند و این شهر را دچار ویرانی ساختند.

با این وجود دمشق در ایام «ملک عادل» فرزند صلاح‌الدین رشد چشمگیری یافت و ابنیه و آثار تاریخی فراوانی در آن ساخته شد. در سال ۶۵۸ هجری هلاکو خان مغول، به این شهر حمله کرد و حاکمان ایوبی آن را برانداخت. پس از نیم قرن، ممالیک مصر از جمله «ملک ظاهر بیبرس» دمشق را به تصرّف خود در آوردند که دوباره، این شهر رو به رشد و آبادانی رفت. «(۲)»

دمشق در دوران ممالیک پایتخت دوم آنان بود. چون این شهر راه اصلی قافله‌های حجاج و یا کسانی بود که به سوی پایتخت ایشان؛ یعنی قاهره می‌رفتند، اعتبار فراوانی کسب کرد و بازارهای آن در این دوران گسترش یافت. ممالیک به ساخت مساجد و اماکن فراوانی همت گماشتند و ویرانی‌های دوران مغول را تا حدودی ترمیم کردند. «(۳)» امروزه در جای جای شهرهای سوریه آثار ایوبیان و ممالیک حکایت از این امر دارد.

۱- صلاح الدین ایبک صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۵۶- ۵۴. همچنین نک: ابن طولون، اعلام الوری بمن‌ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الکبری، تحقیق احمد دهقان ۱۳۸۳ ق.

۲- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱، صص ۶۹- ۶۸؛ همچنین نک: به جوزیف نسیم یوسف، العدوان الصلیبی علی بلاد الشام، دارالمعرفه. مصر[بی تا] و نیز نک: Cambridge. The History of Islam. V. ۲. p. ۱۲۳.

۳- اکرم العلبی، دمشق، ص ۱۷؛ همچنین برای اطلاع از تاریخ قرون میانه دمشق و شام و همچنین‌ممالیک مصر و والیان مصری در شام رک به لطیفه محمد سالم، الحکم المصری فی الشام‌قاهره، مکتبهٔ مدبولی ۱۴۱۰ ق.

ص: ۴۵

در ۶۹۹ هجری این شهر باز دچار هجوم سپاه مغول به فرماندهی غازان خان شد و سرانجام در ۸۰۳ هجری به‌دست تیمور ویران گردید تا این‌که در نبرد «مرج دابق» در ۹۲۳ هجری به تسلّط عثمانی‌ها در آمد. «(۱)»

عثمانی‌ها این شهر را به پاشا نشین‌هایی تبدیل کردند و به آبادانی و ترقّی آن همت گماشتند. «(۲)» در این زمان مساجد، تکایا، خان‌ها، زوایا، کاروانسراها، قصرها و مدارس فراوانی در این شهر ساخته شد که تمامی آن‌ها امروزه زینت‌بخش این شهر تاریخی است.

این شهر هم‌اکنون در تقسیمات استانی به عنوان یک شهر مستقل محسوب می‌شود و بر اساس آمار ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ش) با ۰۰۰، ۸۰۰، ۳ نفر دومین شهر پر جمعیت سوریه بعد از شهر حلب است.

۱- دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۹، ص ۲۶۴ ماده دمشق؛ محمد محمد نرسی الشیخ، الامارات العربیه فی بلاد الشام‌مصر ۱۹۸۰ م.

۲- نک: احمد البدیری، سعید القاسمی، حوادث دمشق الیومیه، ص ۱۵۰ به بعد.

ص: ۴۶

نقشه

ص: ۴۷

۲- مرقد و مزار عقیله بنی‌هاشم زینب کبری علیها السلام

اشاره

یکی از زیارتگاه‌های بسیار مهم و مورد توجه همه مذاهب اسلامی در دمشق، مرقد و آرامگاه زینب کبری، دختر امیر مؤمنان علیه السلام است که همواره خیل مشتاقان و ارادتمندان آن بانوی فداکار و بزرگوار، از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران، برای زیارت قبر او عازم این سرزمین هستند.

امیرالمومنین، علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام دو دختر و از سایر زنان نیز چندین دختر داشتند که چند تن از آنان نام زینب داشته و یا ملقّب به امّ‌کلثوم بوده‌اند. بر اساس گفته «مصعب بن عبداللَّه زبیری»، نسب شناس مشهور عرب، زینب کبری که به همسری عبداللَّه بن جعفر در آمد و امّ‌کلثوم کبری (زینب صغری) که همسر عمر بن خطاب شد؛ «(۱)» هر دو از

۱- در مورد ازدواج امّ‌کلثوم با عمر بن خطاب اختلافات فراوانی در منابع تاریخی بوده و علما و مورخان‌شیعه نیز نسبت به آن مواضعی مختلف دارند. بعضی چون شیخ مفید، عبدالرزاق مقرم و شیخ محمد جواد بلاغی، این مسأله را انکار کرده و نمی‌پذیرند. در حالی که کسانی چون قزوینی رازی، ابن شهر آشوب، سید محسن امین و محمد هاشم خراسانی آن را پذیرفته‌اند. در این میان عدّه‌ای چون شیخ طوسی، کلینی، و طبرسی از اجله علما و محدثان و فقهای شیعه ضمن پذیرش آن، ازدواج را امری اجباری دانسته و اظهار می‌دارند که علی علیه السلام در قلب به این امر راضی نبوده است. از سوی دیگر، مورخان اهل سنت، بالاتفاق به این مطلب اشاره داشته، می گویند عمر می‌خواست به وسیله این ازدواج با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فاطمه علیها السلام ارتباط نسبی و سببی برقرار کند؛ زیرا خود گفته است: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام که« کُلُ نَسَبٍ و سبب مُنْقَطِع الی یُومِ القیامه إِلَّا نسبی و سَبَبی» لذا امّ‌کلثوم کبری را که فرزند فاطمه علیها السلام بود، از علی علیه السلام خواستگاری کرد و چون عباس واسطه شد علی علیه السلام پذیرفت. در این میان مورخان و محققان اهل سنتِ متمایل به شیعه؛ از جمله محمدبن جریر بن رستم طبری، ابن صباغ مالکی، محب الدین طبری، ابن عنبه، گنجی شافعی و ... نیز آن را به تشریح، مورد بررسی و پذیرش قرار داده‌اند. در هر حال در متون تاریخی به زید و رقیه به عنوان دو فرزند حاصل از این ازدواج اشاره شده است. زید و مادرش زینب صغری در یک روز در مدینه وفات یافتند و به گفته حرّ عاملی در وسائل الشیعه بر هر دو در یک زمان نماز گزاردند. برای اطلاع بیشتر نک: سید محسن امین اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵؛ محب طبری، ذخائرالعقبی، صص ۱۶۷ تا ۱۷۱؛ قزوینی رازی، النقض، ص ۲۷۸؛ ابن کثیر، البدایهٔ و النهایه، ج ۶، ص ۸۱؛ شریف مرتضی، نکاح علی ابنهٔ عمر، رساله خطی ش ۲۱، ص ۲۷- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

ص: ۴۸

فاطمه زهرا علیها السلام بوده‌اند. وی دختران معروف دیگر ایشان را، که از غیر فاطمه علیها السلام بوده‌اند، چنین نام برده است: رقیه دختر صَهباء، که همسر مسلم بن عقیل شد، زینب صغری به ازدواج محمد بن عقیل درآمد وامّ‌کلثوم صغری که نامش نفیسه بود و همسر عبداللَّه اکبر بن عقیل گردید. «(۱)»

مرحوم محسن امین، تعداد دختران علی علیه السلام، که لقب ام‌کلثوم داشته‌اند را چهار تن دانسته است: ۱. همسر مسلم بن عقیل ۲. همسر عبداللَّه اصغر بن عقیل ۳. همسر عمر بن خطاب ۴. همسر عبداللَّه بن جعفر. «(۲)»

با توجه به تعداد دختران امام علی علیه السلام که هجده تن بوده و برخی القاب مشابه داشته‌اند، بدیهی است مورّخان و نسب‌شناسان و همچنین محققان تاریخ اسلام و شیعه در مورد آنان و نیز محل دفن ایشان، تا حدودی دچار اشتباه و یا تناقض و سرگردانی شوند. این اختلاف در مورد دفن زینب کبری، امّ‌کلثوم‌کبری و زینب صغری شدّت بیشتری می‌یابد لیکن با نقد و بررسی این اختلافات می‌توان به یک نتیجه ترجیحی دست یافت که در ادامه به ذکر اقوال مختصری در این خصوص خواهیم پرداخت.

از آنجاکه محقّقان و پژوهندگان شیعه و سنی، پژوهش گسترده‌ای در مورد محل

۱- کتاب نسب قریش صص ۴۷- ۴۳؛ وی نام هفت دختر دیگر از علی علیه السلام که فرزندان همسران آن حضرت، غیر از فاطمه علیها السلام بوده‌اند را برشمرده و ابن عنبه، نسابی معروف و مشهور نیز بنقل از ابوالحسن العمری در المجدی، تعداد دختران علی علیه السلام را هیجده تن ذکر کرده است عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب ص ۸۳ همچنین ابن صباغ به نقل از روایات مختلف در مورد تعداد دختران و پسران علی علیه السلام پرداخته است الفصول المهمه فی معرفهٔ احوال الائمه، صص ۱۳۴ و ۱۳۵

۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵

ص: ۴۹

دفن زینب کبری علیها السلام به عمل آورده‌اند و ما نیز اشاره‌ای به آن‌ها خواهیم داشت؛ با یک بررسی و تدقیق علمی، به نظر می‌رسد روایت دفن زینب کبری علیها السلام در شهرک راویه ۱ شق، ۲ دمشق به صحت نزدیکتر باشد. در این مبحث کوتاه ابتدا به شمه‌ای مجمل از دوران حیات پرافتخار آن بانوی فداکار پرداخته و سپس نظریات و آرای مختلف در مورد محل دفن ایشان را تشریح خواهیم ساخت.

زینب کبری، ملقّب به امّ‌کلثوم، در سال ششم هجرت- پس از صلح حدیبیه- و دو سال بعد از تولد حسین بن علی علیهما السلام پا به عرصه وجود گذاشت. محیطی که او در آن رشد کرد، مهبط جبرئیل امین و جایگاه وحی سرمدی بود. روزی که خداوند به رسولش فرمان داد تا تمامی درهایی را که به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله گشوده می‌شدند مسدود کند، زادگاه او را مستثنی ساخت. مادرش پاره تن رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله، پدرش بهترین صحابه و نخستین مسلمان در اسلام؛ و خاندان او افضل خاندان عالم بود که خداوند متعال رجس و پلیدی را از آنان دور کرده و تحت «کساء» رسولش، در ظلّ حمایت خویش وارد ساخت.

زینب علیها السلام تحت تربیت چنین خاندان استثنایی رشد کرد. ازهمان ابتدا با مصیبت‌های فراوانی روبه‌رو شد که تحمّل آن بر بسیاری امکان‌پذیر نبوده و نخواهد بود. هنوز پنج سال از تولد او نگذشته بود که- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدر بزرگ گرامی وی- آن‌که همواره او و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام در آغوش پر مهر و محبت او روزگار می‌گذرانیدند، به سوی حق شتافت. این مصیبت عظیم برای او و به‌ویژه مادرش طاقت فرسا و گران بود.

او ازهمان ابتدا درکنار مادر بیمار خودکه به‌دنبال ارتحال جانسوز پدرومصیبت‌های وارده پس از آن، به بستر بیماری افتاده و روزهای آخر را می‌گذرانید، به پرستاری از او پرداخت و سرانجام شاهد مرگ او و بهترین پناه دوران کودکی خود شد. او شب هنگام، همراه برادرانش حسن و حسین علیهما السلام، پدرش علی علیه السلام و چند تن دیگر از محرمان اهل بیت، در مراسم خاک سپاری مادر حضور یافت و پس از آن تلاش می‌کرد تا برای دو برادر، مادری مهربان باشد.

زینب علیها السلام پس از آن که به سن ازدواج رسید، طبق گفته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، که روزی به فرزندان علی علیه السلام و جعفر نگاه کرده و فرموده بود: «دختران ما برای پسران ما و پسران ما

ص: ۵۰

برای دختران ما»؛ از میان آن همه خواستگارانی که داشت به همسری عموزاده‌اش، عبداللَّه بن جعفر بن ابی‌طالب علیه السلام- که پنج سال از او بزرگتر بود- در آمد. وی نخستین نوزاد اسلام در حبشه بود «(۱)». پدر عبداللَّه؛ یعنی جعفر طیار در غزوه موته به شهادت رسید و مادر او، اسماء بنت عمیس، پس از شهادت همسر، به ازدواج ابوبکر درآمد. اسماء پس از مرگ او، همراه فرزند خردسال خود محمد بن ابی بکر و پس از پیمان همسری به خانه علی علیه السلام رفت و برای آن حضرت یحیی و محمد اصغر را به دنیا آورد. «(۲)»

نتیجه ازدواج زینب و عبداللَّه، چند پسر و دختر بود که در تعداد آنان اختلاف است.

مصعب بن عبداللَّه زبیری، فرزندان او را جعفر اکبر، عون اکبر، علی، امّ‌کلثوم و ام‌عبداللَّه ذکر کرده است. «(۳)» علاوه براین‌ها، فرزندان دیگری به نام عباس، عبداللَّه و محمد نیز به او نسبت داده‌اند. «(۴)» ابن عنبه، او را بدون فرزند دانسته است «(۵)» در حالی که عون، عبداللَّه و محمد در رکاب امام حسین علیه السلام- در کربلا- به شهادت رسیدند و امّ‌کلثوم نیز به ازدواج قاسم بن محمد بن جعفر طیّار در آمد. «(۶)»

در هر حال، اندک زمانی نگذشته بود که زینب کبری علیها السلام دوباره شاهد مصیبتی دیگر شد و آن، از دست دادن پدر بزرگوارش علی علیه السلام بود، که در سال چهلم هجری به شهادت رسید. پس از این مصیبت، زینب علیها السلام بیش از بیش تنها ماند و وظیفه او در قبال برادرانش سنگین‌تر شد.

از آنجا که او باید در آتش حوادث می‌سوخت و آبدیده‌تر می‌شد. هنوز از غم فقدان پدر فارغ نشده بود که پاره‌های جگر برادر، مقابل چشمان او ظاهر گشت. او با این

۱- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۸۷

۲- عایشه بنت الشاطی، السیده زینب، ص ۴۸؛ در مورد اسماء بنگرید به پاورقی صفحه ۱۰۴ از کتاب حاضر.

۳- کتاب نسب قریش، ص ۸۲

۴- محب الدین طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القری، ص ۱۶۷؛ اسد الغابه فی معرفهٔ الصحابه، ج ۵، ص ۲۶۹

۵- ابن عنبه، عمدهٔ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۵۵

۶- زبیر بن بکار، همان کتاب، ص ۸۲؛ عایشه بنت الشاطی، همان کتاب، ص ۴۸

ص: ۵۱

همه مصیبت، آموخت که چگونه در کنار تنها برادر بازمانده‌اش، امام حسین علیه السلام، چون کوهی استوار بایستد و پذیرای مصیبت‌های بزرگتر باشد.

زینب علیها السلام در فاجعه کربلا ده‌ها تن از بهترین و عزیزترین کسانش را از دست داد.

سرانجام خود و سایر زنان اهل بیت به اسارت شامیان پلید و ننگین چهره درآمد و با آن همه مصیبت جان‌فزا، دلیرانه در مقابل عبیداللّه بن زیاد در کوفه به خطبه ایستاد و چهره ننگین او را رسوا کرد. سپس، همین اقدام را در مقابل یزید در دمشق کرد و با خطبه‌های غرّا و آتشین خود، به پاسداری از خون امام حسین علیه السلام و قیام او پرداخت. «(۱)»

آن معصومه فداکار، پس از چند روز توقف در دمشق، همراه دیگر زنان اهل بیت و کاروان اسرای کربلا به مدینه بازگشت و در سال ۶۲ هجری از دنیا رفت.

نظریه مورخان و پژوهشگران در مورد محل دفن زینب کبری علیها السلام

در جای دفن عقیله بنی هاشم، میان مورّخان اختلاف است. برای دفن ایشان سه نظریه وجود دارد:

نظریه اوّل

بعضی محل دفن آن بانوی بزرگوار را با استناد به کتاب «اخبار الزینبات» نوشته عبیدلی (متوفای ۲۲۱ هجری) در محلّی به نام «قنطرة السباع» در قاهره ذکر کرده‌اند. «(۲)» از جمله استاد حسن قاسم مصری در پاسخ به نظر شیخ بخیت المطیعی- که معتقد بود در «زینبیه» قاهره، زینب بنت یحیی بن زید بن علی علیه السلام مدفون است نه زینب کبری علیها السلام، به کتاب عبیدلی استناد جسته است. «(۳)»

۱- برای اطلاع از خطبه‌های کوبنده زینب علیها السلام نک: طبرسی، الاحتجاج، جلد دوم؛ مجلسی، بحارالأنوار، جزء ۴۵ از مجلد پانزدهم؛ ابن طیفور، بلاغات النساء؛ عبدالرزاق مقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء.

۲- ابوالحسین یحیی بن الحسن عبیدلی، اخبار الزینبات، به‌اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۱۱۰ به بعد.

۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل البیت بالقاهره، ص ۵۳ به بعد.

ص: ۵۲

امّا روایت دفن ایشان در مصر قطعاً نمی‌تواند صحیح باشد زیرا این روایت را تنها عبیدلی ذکر کرده است. عبیدلی می گوید چون زینب علیه بنی امیّه در مدینه تحرکاتی داشت حاکم مدینه به یزید نامه نوشت و او دستور داد زینب را از مدینه دور سازد لذا او به همراه چند تن از زنان بنی‌هاشم به مصر رفت و مورد استقبال مسلمهٔ بن مخلد حاکم مصر قرار گرفت و او در بهترین مکانها جای داده شد. این روایت قابل قبول نیست زیرا: ۱- در آن زمان (سال ۶۲) بر اثر قیام ابن زبیرمدینه به دست عبداللّه بن حنظله غسیل الملائکه افتاده و از حاکمیت بنی‌امیّه خارج شده بود. ۲- چگونه زینب حاضر است تنها بدون همسر و یا هیچ مردی با چند زن به یک سرزمین دور مسافرت کند. ۳- چگونه زینب مصر را انتخاب کرده در حالی که در این سرزمین کسی نسبت به بنی‌هاشم و اهل بیت چندان نظر خوشایندی نداشته و آنان بیشتر طرفدار عثمان و بنی امیّه بوده‌اند. ۴- حاکم انتصابی یزید یعنی مسلمهٔ بن مخلد از محبان بنی‌امیّه و عثمان است چگونه از زینب به خوبی استقبال کرده است مطلب دیگر که می‌تواند نظر عبیدلی را منتفی و بی‌اعتبار سازد اینکه چرا هیچ یک از مورخان مشهور مصری که در مورد مقابر صحابه در مصر، و زینب‌های مدفون در آن‌جا و کسانی که به مصر وارد شده‌اند، سخن گفته‌اند به زینب کبری دختر علی علیه السلام اشاره نداشته‌اند. این مورخان عبارت‌اند از: ۱. عبدالرحمان بن عبدالحکم مصری (م ۲۵۷ ق.) صاحب منهج السالک فی اخبار مصر والقری و الممالک ۲. ابو عمرو محمد بن یوسف کندی (م ۳۵۴ ق.) مؤلف ولاۀمصر ۳. ابو محمد حسن بن ابراهیم بن ذولاق لیثی مصری (م ۳۸۷ ق.) «(۱)» صاحب ولاۀ مصر ۴. قاضی سلامه قضاعی (م ۴۵۳ ق.) صاحب انس الزائرین ۵. عبدالقادر مقریزی (م ۸۴۵ ق.) صاحب الخطط و الاعتبار ۶. شمس الدین انصاری مصری (م ۸۱۴ ق.) مؤلف الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره. «(۲)» ۷. شمس الدین سخاوی (م ۹۰۲ ق.) صاحب رساله زینبیات. «(۳)» ۱۰. ابراهیم بن علی فخرومی مصری (م ۸۹۱ ق.) مؤلف الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره

۱- وی گوید: نخستین کس از اولاد علی علیه السلام که داخل مصر شد سکینه دختر امام سجاد علیه السلام بود.

۲- وی نیز گوید که یک نفر از فرزندان علی علیه السلام در مصر از دنیا نرفته است همان کتاب، ص ۳۴۲.

۳- سخاوی سخن مؤلف الکواکب السیاره را تأیید کرده است الخطط التوفیقیه، ج ۵، ص ۱۰.

ص: ۵۳

۱۱. سخاوی حنفی مصری (م ۸۱۴ ق.) صاحب تحفهٔ الاحباب ۱۲. عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱ ق.) صاحب حسن المحاضره فی تاریخ مصر و القاهره و نیز درّالسحابه فیمن دخل مصر من الصحابه «(۱)» ۱۳. ابن تغری بردی (م ۷۰۴ ق.) مؤلف النجوم الزاهره فی الخبار ملوک مصر و القاهره ۱۴. ابن دقماق (م ۷۹۲ ق.) صاحب الانتصار لواسطهٔ عقد الامصار. در هر حال امروزه در شهر قاهره مقام و مرقد باشکوهی با نام سته زینب وجود دارد که مردم آن را به عنوان زینب کبری بنت علی می‌دانند و بسیار به آن احترام گذاشته و به زیارت آن می‌شتابند. به نظر نگارنده این قبر باید متعلق به زینب بنت یحیی بن متوج بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام باشد که واسطه‌های آن را حذف و آن را زینب بنت علی علیه السلام دانسته‌اند.

نظریه دوّم

مرحوم محسن امین، از دانشمندان شیعه، قول دیگری مطرح کرده و آن این‌که قبر ۲ نب، ۲ زینب علیه السلام در بقیع است. این نظر قطعاً صحیح نیست زیرا هیچ‌یک از مورّخان مدینه و حجاز به نام زینب کبری که در بقیع مدفون باشد، اشاره نکرده‌اند و زینبی که در بقیع به خاک سپرده شده، امّ کلثوم کبری- همسر عمر بن خطاب مادر زید- بوده که هر دو در یک روز از دنیا رفته‌اند. «(۲)»

نظریه سوّم

بیشتر محققان شیعه؛ از جمله علّامه بحر العلوم، میرزا حسین نوری، محدث قمی، حسون بن زینی حسینی، علامه حسنین سابقی «(۳)» و برخی از مورّخان اهل سنت؛ از جمله ابن بطوطه «(۴)» ابن حورانی «(۵)» ابن جبیر «(۶)» عزالدین محمد صیادی شافعی و ... معتقدند که

۱- سیوطی در این کتاب به نام تمامی صحابه‌ای که به مصر آمده‌اند، اشاره کرده و از زینب بنت علی علیه السلام دررساله زینبات خود نامی نبرده است همان کتاب، ص ۱۹- ۷.

۲- . ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۷۱

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۹۷

۴- الرحله، همان‌جا.

۵- زیارات الشام، ص ۱۳۳

۶- الرحله، همان‌جا.

ص: ۵۴

زینب علیها السلام در «قریه راویه دمشق» به خاک سپرده شده و علت سفر عقیله بنی هاشم را نیز واقعه حرّه (به سال ۶۳ هجری) «(۱)» یا قحطی در مدینه دانسته‌اند که زینب علیها السلام به همراه همسرش عبداللَّه به دمشق رفتند. عبداللَّه در آن شهرک زمین‌هایی داشته و به کشاورزی مشغول بوده است.

در این میان، بعضی چون ابن حورانی و محسن امین، قبر زینب در راویه دمشق را ام‌کلثوم صغری، دختر علی علیه السلام و همسر عمر بن خطاب دانسته‌اند که این سخن در سطور گذشته مورد نقد و پاسخ قرار گرفت. این اشتباه بیشتر به‌خاطر لقب آن دو؛ یعنی ام‌کلثوم است؛ زیرا چنانکه گفتیم چهارتن از دختران علی علیه السلام لقب ام‌کلثوم داشته‌اند. در هر حال بر اساس شواهد و قرائن تاریخی این قول ترجیحاً مقرون به صحت است.

قریه‌ای که حضرت زینب علیها السلام در آن مدفون هستند، در گذشته به «راویه» و اکنون به زینبیه مشهور است. در حال حاضر به شهر متصل و در هفت کیلومتری شرق دمشق قدیم به طرف فرودگاه واقع است.

در خیابان اصلی این شهرک، گنبد و مأذنه‌های مقبره آن بانوی گرامی از دور به چشم می‌خورد. گنبد این مرقد، طلایی است و در سمت شرقی و غربی آن دو مناره کاشی‌کاری شده قرار دارد.

در مدخل درِ غربی حرم و سمت راست آن- داخل اتاق کوچکی- سه قبر وجود دارد که یکی از آن‌ها قبر «آیهٔ‌اللَّه سید حسین یوسف مکی عاملی» متوفای ۱۳۹۷ هجری و دیگری مرحوم «محسن امین عاملی»، صاحب تألیف معروف اعیان الشیعه و سومین آن‌ها نیز دختر میرزا تقی بهبهانی است.

حرم حضرت زینب دارای صحن مربع مستطیل است که شبستان و گنبد و ضریح در

۱- در سال ۶۲ هجری، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، مردم مدینه برضدّ حاکم اموی این شهر شوریدندو یزید را از خلافت خلع کردند. آنان براساس دعوت عبداللَّه بن زبیر در مکّه دست به چنین اقدامی زده و بسیاری نیز تحت تأثیر شدید حادثه شوم کربلا واقع شده بودند. یزید نیز مسلم بن عقبه، یکی از خونخوارترین و سفاک‌ترین مأمورین خود را برای سرکوبی مردم مدینه فرستاد. وی چند شب و روز به کشتار بازماندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سادات و ... پرداخت.

ص: ۵۵

وسط آن قرار گرفته و چهار درِ ورودی دارد. سقف شبستان و حرم از سه قسمت تشکیل شده که به صورت پله‌ای بر روی هم قرار دارند و گنبد نیز در وسط آن است. بر روی این گنبد، آیاتی از قرآن به خط ثلث زیبا نوشته شده و طلاکاری آن نیز در دهه‌های اخیر توسط ایران انجام گردیده است.

در سمت شرق صحن مطهّر، مصلای زینبیه به همّت مرحوم آیهٔ اللّه فهری زنجانی، نماینده ولیّ فقیه در سوریه ساخته شده و مراسم نماز جماعت، دعای کمیل و نماز جمعه در آن برقرار می‌گردد. این شبستان بسیار بزرگ است. مساحت کلّ صحن، حرم و سایر مراکز وابسته حدود ده‌هزار متر مربع است. در صحن‌ها جمعاً ۱۱۴ اتاق وجود دارد که ۶۴ اتاق آن در صحن بزرگ و بقیه در صحن دوم و حسینیه‌های اطراف است.

مقبره آن بانوی بزرگوار در میان حرم، با ضریحی نقره‌ای است و هشت ستون کاشی‌کاری شده، گنبد حرم را نگه داشته‌اند. دیوارهای حرم مطهّر تا نصف آن سنگ سفید و بقیه آیینه‌کاری بوده و جلوه‌ای از هنر و معماری ایرانی- اسلامی است. بنای داخل و خارج حرم و همچنین مناره‌ها و گنبد، از حدود یکصد سال پیش است ولی توسعه‌های اطراف صحن و تزیینات آن‌ها همگی از سوی جمهوری اسلامی انجام شده است.

قبر نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فرزند بهترین حامی و یاور او و خواهر شهید مظلوم کربلا همواره مورد زیارت عامه مردم دمشق و کشورهای مختلف قرار می‌گیرد که به مقصد زیارت آن بانوی مظلوم و ستمدیده با هرگونه وابستگی و اعتقاد مذهبی فرسنگ‌ها راه پیموده و به این قریه کوچک می‌آیند. در میان اهل سنت نیز عقیله بنی هاشم از حرمت و وجاهت ویژه‌ای برخوردار است.

تصاویر شماره ۱ و ۱- ۱ و ۲

قبر مرحوم محسن امین

محسن امین عاملی، از علمای برجسته شیعه در سوریه و صاحب کتاب معروف «اعیان الشیعه» در راهروی ورودی درِ غربی حرم‌مطهر حضرت زینب علیها السلام، داخل

ص: ۵۶

اتاقکی به‌خاک سپرده شده است. وی در تاریخ ۱۳۷۱ هجری وفات یافت. گسترش شیعه در سوریه مرهون زحمات اوست.

قبر مرحوم دکتر علی شریعتی

در مجاورت مرقد عقیله بنی هاشم، در کوچه کنار حرم، قبرستان کوچکی است که قبر مرحوم شریعتی در یک چهار دیواری قرار دارد که با دری آهنین آن را بسته‌اند و در داخل آن سنگ، قبر زیبایی است. عکس‌ها و سخنان و گفته‌های وی این چهاردیواری را زینت بخشیده است.

تصویر شماره ۳

۳- مقام و مقبره حضرت رقیّه علیها السلام

از زیارتگاه‌هایی که پس از مقبره حضرت زینب علیها السلام مورد توجه شیعه قرار دارد، مقبره و حرم «رقیّه علیها السلام»، دختر معصوم و کودک خردسال امام حسین علیه السلام است. بر اساس گزارش‌های منابع، سید الشهدا علیه السلام پنج پسر و دو دختر داشته‌اند. دختران آن حضرت عبارت بودند از: «سکینه» دختر رباب بنت امرءالقیس و خواهر علی اصغر. «فاطمه» دختر امّ‌اسحاق بنت طلحهٔ بن عبیداللَّه. در برخی منابع نیز سه دختر گفته شده و طبق این نقل، سوّمین آن «زینب» است که او نیز خواهر فاطمه و هر دو از یک مادر بوده‌اند.

بیشتر نسب شناسان، به نام این سه دختر اشاره کرده‌اند. «(۱)» احتمال می‌رود رقیّه لقب زینب باشد؛ و این‌که از زینب، بر خلاف فاطمه و سکینه، نقش مؤثر و فعالی در کربلا گزارش نشده، به نظر می‌رسد وی کودکی بیش نبوده است.

براساس آنچه مشهور است، او همراه سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام به اسارت در آمد و در مکانی کنار «باب الفرادیس»- که در آن زمان خرابه‌ای بود- استقرار یافت. رقیّه در این زمان چهار ساله بود که چشم از جهان فرو بست.

آن کودک را، کنار آن مکان، که مقبره‌ای عمومی به نام «مقبره باب الفرادیس» بود، به خاک سپردند. این مقبره در شمال غربی محله قدیمِ دمشق و کنار باب الفرادیس قرار داشت و امروزه به «العماره» معروف است. در ابتدا سلاطین ایوبی بر قبر او، که داخل

۱- محمد بن جَریر طبری، دلائل الامامه، ص ۷۴؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفهٔ الائمه، ص ۱۸۸؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۹، ص ۱۷۴؛ سید حسن الامین، دائرهٔ المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دوم ص ۲۵؛ مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش، ص ۵۹

ص:۵۷

ص: ۵۸

مسجد «رأس الحسین» واقع بود، مقبره‌ای کوچک ولی زیبا ساختند؛ سنگ قبری که نهاده شد، از سنگ موزاییک تزیین شده به وسیله عاج و مرمر بود که اطراف آن را ضریح زیبایی احاطه کرده بود و بر فراز آن نیز گنبد و عمارتی بنا شد. مکان یاد شده که از همان ابتدا به صورت مسجد و مقبره بود، در سال ۱۱۲۵ ق بازسازی شد و در سال ۱۳۲۳ ق نیز(۱)

توسط میرزا علی اصغرخان امین السلطان، صدر اعظم ناصرالدین شاه دوباره ترمیم گردید. در آن زمان، سه کتیبه سنگی در داخل حرم، در سمت محراب شبستان بود. در کتیبه اول چند حدیث در فضایل اهل بیت و نام میرزا بابا مستوفی گیلانی به عنوان تعمیر کننده بقعه مقام رقیه، به تاریخ ۱۱۲۵ هجری دیده می‌شد. درکتیبه دوم به‌مکان دفن ملک کامل ناصرالدین محمد که در ۸۸۰ هجری در این مکان مدفون شده بود، اشاره و بر کتیبه سوم نیز چند بیت شعر نوشته شده بود. «(۲)»

امّا ساکنان محله الامین که رقیه در آن مدفون است نکته‌ای را متذکر می‌شوند و آن اینکه ایشان به خواب یکی از سادات علوی از خاندان مرتضی آمده که آب به داخل قبر ایشان نفوذ و آن را تخریب کرده است. این فرد رقیه علیها السلام را سه شب در خواب می‌بیند و لذا قبر را حفر و در آن جنازه دو کودک خردسال که ۵ سال بیشتر نداشتند را مشاهده می‌کند و آنگاه قبر را تعمیر و مرمت می‌کند و سپس خود از دنیا می‌رود.

چون فضای این مکان گنجایش زائران را نداشت، مرحوم شیخ نصراللّه خلخالی در ۱۳۵۰ ش در صدد توسعه مقبره و حرم برآمد؛ لذا خانه‌های اطراف را با کمک مردم خَیّرِ محل خریداری کرد ولی عده‌ای راضی نشدند و به همین منوال باقی بود تا در سال ۱۳۶۳ ش به گفته جناب حجهْ‌الاسلام فهری زنجانی، نماینده وقت مقام معظم رهبری در سوریه، با خرید آن خانه‌ها و پرداخت چندین برابر قیمت آن‌ها، امر پی‌ریزی بنای جدید حرم از سوی جمهوری اسلامی و با حضور مقامات سوریه آغاز شد.

مساحت ساختمان حرم بیش از چهارهزار متر مربع است که ششصد متر مربع از آن، صحن و فضای باز است و بقیه را حرم و شبستان آن و مسجد دیگری که در مجاورت

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب ص ۳۱۶؛ محسن الأمین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۴

۲- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۲۲۹

ص: ۵۹

ضریح ساخته شد، تشکیل می‌دهند. در بازسازی‌های اخیر، اطراف ضریح و شبستان‌ها را توسعه فراوانی داده‌اند و صحن‌های جدیدی نیز در حال احداث است.

نوع معماری، که اکنون در بنای حرم به کار رفته، معماری ایرانی- اسلامی است.

صحن مسجد که گرداگرد آن به صورت ایوانی به‌اندازه یک و نیم متر مسقف است، با ستون‌های بسیار زیبای سنگی سفید و کنگره‌ای ساخته شده‌اند. گنبد آن به کلی تعویض و براساس معماری ایرانی ساخته شده و دوازده ستون مرمرین در داخل حرم آن را نگه‌داشته‌اند. گرداگرد سقف و دیواره‌ها نیز کاشی کاری است.

ضریح حرم که از دوران امین السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه مانده بود، در ۱۳۷۲ ش با ضریح دیگری که به‌وسیله چهل تن از هنرمندان برجسته اصفهانی، به صورتی زیبا ساخته شد، تعویض گردید. البته ضریح قبلی برداشته نشد بلکه در داخل ضریح جدید قرار گرفت. نگارنده خود در مراسم تعویض آن حضور داشته و تلاش‌های شبانه روزی سازندگان و عشق آنان به اهل بیت را شاهد بوده است. هر چند که این ضریح تقریباً ۱/۵ برابر ضریح قبلی است و به‌علت بزرگی زیاد با سن حضرت رقیّه و کودکی وی تناسبی ندارد، لیکن از شاهکارهای هنر ایرانی و اسلامی است.

کنار حرم مطهّر، بازاری است که در طول تاریخ اسلام به «سوق العماره» مشهور بوده است و باب الفرادیس مذکور نیز در داخل این بازار و حدود بیست متری مقام حضرت رقیّه قرار دارد. گفتنی است از شمال حرم به جامع اموی نیز راهی وجود دارد.

تصاویر شماره ۴ و ۵

ص: ۶۰

۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

اشاره

جامع اموی، جلوه‌ای شگفت‌انگیز از تمدّن و معماری اسلامی

مسجد اموی، از شاهکارهای درخشان تمدّن و فرهنگ اسلامی است و پیشینه آن به دوران هزار و سیصد ساله اسلامی محدود نمی‌شود بلکه ریشه و بنیانی دیرینه، به بلندای چهار هزار سال در تاریخ بشریت دارد و در حقیقت بیانگر سیر و تاریخچه تحول و دگرگونی ادیان و مذاهب است.

مکان این مسجد در چهار هزار سال پیش معبد آتش پرستان بوده است؛ هنگامی که قبیله «حَدَدْ» آرامی به سرزمین شام آمدند، حدود هزار سال، این مکان را معبد خود قرار دادند. این بنا در طول چند قرن تسلّط مصری‌ها بر این سرزمین، به معبد خدایان ایشان؛ یعنی «رامون» و «آمون» تبدیل شد. پس از چندی یونانیان با تصرف این سرزمین، آن را معبد خود قرار دادند و تا قرن اول میلاد حضرت مسیح علیه السلام در این مکان به عبادت خدایان خود می‌نشستند.

پس از یونانی‌ها، رومیان با حضور و سلطه بر این سرزمین، این معبد را توسعه داده و آن را به محل عبادت خدای خویش «ژوپیتر» تغییر دادند. باگسترش مسیحیت درجهان و به‌ویژه در شام، قسمت کوچکی از معبد ژوپیتر به کنیسه تبدیل گشت که به نام «قدیس یوحنا» یا «ماری یوحنا» خوانده می‌شد.

سرانجام در سال هفده هجری، با فتح دمشق به وسیله مسلمانان، این معبد و کلیسا، به مسجد و محل عبادت ذات باری‌تعالی و خدای واحد تبدیل شد که البته نیمی از آن بر اساس مصالحه‌ای که صورت پذیرفته بود، همچنان به صورت کلیسا باقی ماند. مساحت

ص: ۶۱

اولیه آن براساس آنچه که ابن جبیر نقل کرده است از شرق به غرب؛ یعنی در طول دویست قدم (حدود ۱۵۰ متر) و از سمت جنوب به شمال؛ یعنی در عرض ۱۳۵ قدم (حدود صد متر) بوده و در مجموع به پانزده هزار متر مربع می‌رسیده است. «(۱)»

هنگامی که دمشق به وسیله سپاه اسلام محاصره شد، کلیساهای فراوانی در این شهرپوجود داشت که بعضی از آن‌ها طبق معاهده صلح در مقابل نیمی از کلیسای اصلی شهر؛ یعنی مکانی که بعدها جامع اموی ساخته شد، در دست مسیحیان ماند و مسلمانان نیمه مذکور را تبدیل به مسجد کرده و در آن به نماز پرداختند. مسیحیان که نسبت به دین جدید با بی‌اعتنایی برخورد می‌کردند، با ایجاد سر و صدای عمدی در مراسم خود؛ از جمله صدای مهیب ناقوس به هنگام اقامه نماز جماعت، خواندن سرودها به صدای بلند، برای عبادت مسلمانان مزاحمت فراهم می‌کردند.

وقتی معاویه، در شام ولایت یافت، تصمیم گرفت نیمه باقی‌مانده کلیسا را به مسجد ملحق کند ولی مسیحیان نپذیرفتند. پس از وی عبدالملک بن مروان، اموال فراوانی به آنان داد تا اجازه دهند این قسمت نیز به مسجد ملحق شود ولی ایشان نپذیرفتند تا این‌که ولید، فرزندش مال فراوانی به مسیحیان داد و حتی گفت اگر نپذیرید، کنیسه باب توما را که با زور و این‌قسمت را با صلح گرفتیم، به جای آن تخریب خواهم‌کرد. (آن کلیسا بزرگتر و مهمتر بود)؛ لذا مسیحیان راضی شدند که نیمه باقی‌مانده نیز به مسجد افزوده شود. «(۲)»

بعضی گویند: آنان راضی نشدند و ولید تهدید کرد که اگر نپذیرید، خود آن را تخریب می‌کنم، سپس کلنگ به دست گرفت و دیوار آن را خراب و مسجد را بنا کرد.

بعضی نیز گفته‌اند، وی به جای آن چند کلیسای دیگر در داخل شهر به مسیحیان داد و آنان را راضی کرد. «(۳)»

ولید بن عبدالملک که علاقه فراوان به ساختن مساجد و بناهای مذهبی داشت، برای تبدیل این کلیسا به مسجد، مالیات هفت سال کشور خود را خرج آن کرد و گویند

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۱۳

۲- نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن بطوطه، الرحله« تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، ص ۶۳

۳- نعیمی، الجامع الأموی، ص ۹۹؛ ابن العمری، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۵۱

ص: ۶۲

وقتی اسنادِ مخارج آن را بر هیجده شتر بار کردند و برای تصویب نزد خلیفه بردند، وی بدون بررسی، همه آن‌ها را امضا کرد و گفت: این چیزی است که به راه خدا داده‌ایم و در مقابل آن حسابی نمی‌خواهیم.

جامع اموی یکی از شاهکارهای معماری اسلامی و البته تلفیق و ترکیبی از معماری اسلامی و رومی است؛ «(۱)» زیرا در ساخت آن از مهندسان رومی نیز کمک گرفته شد. ولید در ابتدا طرح اولیه بنای آن را به روم فرستاد و هزار نفر از معماران و مهندسان آن سرزمین را برای ساخت آن به دمشق دعوت کرد. عملیات احداث آن از ۸۶ ق آغاز شد «(۲)» و بهترین مصالح و سنگ‌های مرمر برای تزیین آن به کار رفت.

به گفته ابن معلی، پولی که خلیفه اموی در این راه خرج کرد، داخل یک‌صد صندوق قرار داشت که هر صندوق ۲۲۸ هزار دینار در آن بود و مجموع آن به بیش از ۰۰۰/ ۸۰۰/ ۲۲ دینار می‌رسید. «(۳)»

ولید دوازده هزار سنگ رخام و مرمر در آن به کار برد، که هزینه هر قطعه از آن ۱۴۴ قنطار دمشقی بود. هنگام بنای آن، کتیبه‌ای مربوط به هزاران سال پیش، به زبان‌های مختلف، در دیوار قبله و همچنین مناره شرقی یافت که بر آن پندها و اندرزهای اخلاقی نوشته شده بود. «(۴)»

بر فراز شبستان مسجد، گنبدی به نام «نسر» یا «عقاب» ساخت و ستون‌هایی در زیر آن قرار داد و آن را با طلا و جواهر و پوشش‌های حریر مزیّن ساخت. محراب مسجد را با قندیل‌های طلا- و نقره، معرّق‌های زیبا و زنجیرهای طلا آراست. مخارج ساختمان مسجد چندان زیاد بود که مردم ولید را به اسراف متهم کردند و گفتند: مسجد را از بیت‌المال ساخته و از آن به مسلمانان نفعی نمی‌رسد. هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید، چون معتقد بود مالی که در

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ السیاسی الاسلام، ج ۱، صص ۲۷۶ و ۲۷۷ همچنین نک:
Encyclopedia of Islame ,V .۷ .p .۲۳۲-.

۲- ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۳

۳- ابن جبیر، الجامع الأموی، ص ۱۳؛ ابن العمری، الجامع الأموی، ص ۵۲ و ۵۳

۴- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۸؛ نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۶

ص: ۶۳

ساختمان مسجد صرف شد، اسراف بوده در صدد برآمد معرق‌ها و زینت‌های دیگر را بردارد ولی هنگامی که هیأتی رومی از این مسجد دیدن کردند و از عظمت و زیبایی آن در شگفت شدند، عمر بن عبدالعزیز از تصمیم خود منصرف شد. «(۱)» س در این زمان مسیحیان که عمر بن عبدالعزیز را با رأفت و نرمی یافتند، از سخت‌گیری‌هایی که ولید در حق آنان کرده بود، به وی شکایت بردند وخواستند کلیسای خود را، که در نیمی از مسجد اموی قرار داشت، بار دیگر بسازند. عمر بن عبدالعزیز نیز اگرچه به دادن چنین اجازه‌ای تمایل داشت ولی مسلمانان گفتند: مسجدی را که ما در آن اذان گفته و نماز گزارده‌ایم می‌خواهی تخریب کنی؟! در این هنگام فقها و علما نیز مخالفت کردند و نزد مسیحیان وساطت کرده، گفتند: هر کلیسایی که در داخل و اطراف دمشق هست و مسلمانان آن را به‌زور تصرف کرده‌اند، در اختیار مسیحیان قرار گیرد؛ لذا ایشان از کلیسای خود در مسجد اموی گذشتند و رضایت خود را به خلیفه اعلام داشتند. «(۲)»

گفتنی است گرچه ساخت مسجد در دوران ولیدبن عبدالملک هفت سال (۶۸ تا ۷۵ ق.) طول کشید، ولی همچنان نیمه تمام ماند و بقیه قسمت‌ها را سلیمان ب عبدالملک به پایان رسانید. در طول قرون مختلف، تعمیرات و توسعه‌هایی در آن انجام شد، البته بر اثر چندین آتش سوزی، بسیاری از قسمت‌های آن در آتش سوخت که به شرح آن خواهیم پرداخت.

اکنون جامع اموی پس از مختصر تعمیراتی که در اواخر حکمرانی ممالیک؛ یعنی تا قرن هشتم در آن صورت گرفته به همان حال باقی‌مانده است. صحن حیاط و دیوارهای آن از سنگ‌های دوران ممالیک و از سنگ‌های بسیار بزرگ است. نیمی از دیواره‌های شمالی، شرقی و غربی از کلیسا و معبد باقی‌مانده از دوران قبل از اسلام است و نیمه فوقانی دیواره‌ها در دوره ولید و دوره‌های بعد افزوده شده است. ولید بر دیواره‌ها سقف بنا کرد و آن را بر ستون‌های سنگی به سبک گوتیک یا نعل اسبی استوار ساخت. در دوره

۱- حسن ابراهیم حسن، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۲۵ به بعد.

۲- نعیمی، الجامع الأموی، ص ۹۹ و ۱۰۰؛ ابن عمری، همان کتاب، ص ۶۰ و ۶۱؛ در فضائل مسجد اموی گفته‌اند: منظور از« وَ التِّینِ» در قرآن کریم مسجد دمشق است. چون تعدادی در این مسجد درختی از تین یا انجیر دیده بودند که قبل از بنای ولید وجود داشته است.

ص: ۶۴

ممالیک سقف دیوارهای غربی با نقاشی‌هایی به رنگ طلایی که در عربی آن را «فسیفساء» می‌گویند، تزیین گردید. متأسفانه فسیفساء بیشتر سقفها به مرور تخریب شده و اکنون جز بخشی از آن باقی نیست.

تصاویر شماره ۶ و ۷

۱- آثار داخل مسجد اموی

۱- قبّه‌ها و گنبد

اشاره

در صحن سه قبه و گنبد کوچک ساخته شده است.

۱/ ۱. قبّهٔ المال

این قبه در ۱۷۲ هجری توسط امیر دمشق «فضل بن صالح بن علی العباس» پسر عموی منصور عباسی ساخته شد و چون اموال و ذخایر مسجد را در آن نگهداری می‌کردند، به «قبهٔ المال» معروف گردید. «(۱)» این قبه در غرب صحن مسجد قرار دارد که بزرگتر از دو قبه دیگر است. هشت ستون مستطیل از مرمر بر زیر گنبد مذکور قرار دارد.

این قبه و یا مخزن دارای نقاشی‌های زیبا و مزیّن به فسیفساء است.

تصویر شماره ۸

۲/ ۱. قبّهٔ الغواره

این قبه در وسط صحن قرار دارد و در ۳۶۹ هجری ساخته شده است. در زلزله سال ۱۱۷۳ هجری تخریب گردید و عثمان پاشا به سال ۱۱۸۲ هجری آن را بازسازی کرد. این گنبد کوچک، بر شش ستون از سنگ مرمر قرار داد.

گنبد یاد شده به «صخره قربان» نیز معروف بوده است. گویند حضرت هابیل قربانی خویش را، که گوسفندی بود، بر این صخره قرار داد. چون مورد قبول حق قرار گرفت، به وسیله آتش سوخت و قربانی قابیل که گندم بود پذیرفته نشد و به همان حال باقی ماند، لذا به برادرش حسادت ورزید و او را در کوه قاسیون به قتل رسانید. از آن روز این مکان به

۱- . نعیمی، همان کتاب، ص ۱۱۳

ص: ۶۵

صخره قربان معروف شد. «(۱)»

۳/ ۱. قبّهٔ الساعات

این قبه در شرق صحن اموی و کنار «باب الساعات» قرار دارد که در قرن پنجم هجری ساخته شده و محل استقرار ساعت آبی مسجد بوده است. «(۲)»

این ساعت که دوازده استوانه پلاستیکی مدوّر داشت و بر محوری به سقف قبهٔ الساعات تعبیه شده بود، به وسیله آب کار می‌کرد و پر شدن هر یک از این استوانه‌ها، نشانه یک ساعت بوده است. سازنده ساعت مذکور، محمد بن عبدالکریم، حارثی دمشقی بود که در بسیاری از علوم از جمله هندسه، ریاضی، نجوم و طب استاد بوده است. وی در سال ۵۵۹ هجری وفات یافت. «(۳)»

صفدی سازنده آن را رضوان خراسانیِ ساعاتی دانسته، که از خراسان به شام آمده است. «(۴)» گفتنی است که ساعت پیش‌گفته در زمان ملک عادل نورالدین محمود زنگی نصب شد و ازآن هنگام، کسانی متولّی حفظ و اداره‌آن بوده‌اند. اکنون ساعت که‌در وسط صحن جامع اموی قرار دارد، از کار افتاده ولی ادوات آن همچنان بر جای مانده است.

تصویر شماره ۹

۴/ ۱. قبّهٔ النسر یا عقاب

قبّهٔ النسر یا گنبد عقاب بر فراز شبستان، از سنگ مرمر ساخته شده است؛ در زیر این گنبد، سه گنبد کوچک وجود دارد؛ گنبدی که به محراب و گنبدی دیگر به دیواری که در سمت صحن قرار دارد متصل است و سوّمین گنبد نیز زیر گنبد مرمر و بین آن دو است. مجموع این گنبدها به همراه دو سقف پیرامونی بر فراز شبستان، شکل یک عقاب را تشکیل می‌دهند که گنبد بزرگ سر این پرنده و دو سقف شیب‌دار اطراف آن در شرق و

۱- مسعودی، مروج الذهب، حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۲؛ نصرالدین البحره، دمشق الأسرار، ص ۱۲ به‌نقل از عبدالوهاب المقدسی.

۲- مطیع الحافظ، الجامع الأموی، ص ۱۸

۳- نعیمی، همان کتاب، ص ۱۱۴ و ۱۱۵

۴- پیشین همان جا؛ ابن عمری، همان کتاب، ص ۷۰

ص: ۶۶

غرب، دوبال او هستند، گویی این پرنده میان آسمان در حال پرواز است. وجه تسمیه آن به نسر یا عقاب نیز به همین علت است.

تصویر شماره ۱۰

۲- درهای مسجد اموی

در دوران معاویه، پیش از آن‌که جامع اموی به شکلی که در دوران ولید ساخته شده تبدیل شود، چهار دروازه به نام‌های: ۱. المسکیه ۲. باب العماره ۳. باب النوفره ۴. باب الخلفا ساخته بودند. وجه نامگذاری آن‌ها بدین‌گونه است:

۱. «باب المسکیه» گفتند چون بوی مشکی که از سر حضرت اباعبداللَّه علیه السلام- که بر این دروازه گذاشته بودند- به مشام می‌رسید.

۲. «باب العماره» محل ورود حضرت زینب و اسرای کربلا بوده است. گویند آن حضرت، از این دروازه تا مصلّا و محرابِ مسجد، شش مرتبه از فرط خستگی و شدت مصیبت بر زمین نشستند.

۳. «باب النوفره»، به محله قدیمی شام منتهی می‌شد و گویند سر شهدای کربلا از این دروازه وارد مسجد شده است.

۴. باب الخلفا خوانده شد، زیراکه راه ورود خلفای اموی به داخل مسجد بود.

درهای کنونی مسجد عبارتند از:

۲ /۱. باب الزیاده؛ در سمت دیوار قبله و جنوب مسجد، که در دوره عثمانی به «باب العنبرانیین» و بعدها نیز به «باب القوافین» مشهور شد. کاخ معاویه معروف به «قصرالخضراء» در کنار آن قرار داشته است. «(۱)» این در، از سمت قبله به داخل شبستان باز می‌شود. در بیرون آن نیز بازار طلا فروشان است.

۲ /۲. باب الناطفین؛ در شمال مسجد قرار دارد که به «باب الفرادیس» و «باب العماره» نیز معروف است. «(۲)» در کنار دیوار خارجی این در، «مدرسه سمیساطیه» و «خانه

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی، ص ۲۲

۲- پیشین، همان‌جا؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۶

ص: ۶۷

عمر بن عبدالعزیز» قرار داشته که اکنون به «معهدالدراسات الشرعیه» تبدیل شده است.

۲ /۳. باب الساعات؛ باب الساعات که در شرق مسجد قرار دارد. از آن رو، آن را «باب الساعات» گفته‌اند که در مقابل آن قبهٔ الساعات را ساخته بودند.

۲ /۴. باب الحمیدیه؛ این درب در مقابل بازار حمیدیه قرار دارد که در غرب مسجد واقع شده و در کنار این درب، غزالیه و محل تدریس امام محمّد غزالی قرار داشته است.

۳- مأذنه‌های جامع اموی

این مسجد دارای سه مأذنه بزرگ است که از سنگ و به صورت مربع ساخته شده و در سمت شمال، جنوب غربی و جنوب شرقی قرار گرفته است.

۳ /۱. مأذنه شرقی؛ این مئذنه به «منارهٔ البیضاء» و «مناره عیسی» معروف است.

گویند حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان بر این مأذنه فرود خواهد آمد. در گذشته سنگی در کنار آن بوده که می‌پنداشتند قطعه‌ای از همان سنگ است که موسی با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه از آن جاری شد. «(۱)» نعیمی در قرن نهم کتیبه‌ای یونانی به تاریخ ۲۲۴ قبل از میلاد بر روی مئذنه شرقی مشاهده کرده است. «(۲)» بنابراین، روشن است این مناره متعلق به کلیسا و بنای قبلی آن بوده است.

۲. مأذنه شمالی؛ این مئذنه به «العروس» مشهور است. آن را بدین جهت عروس گفته‌اند که در زمان‌های قدیم، مردم به هنگام اجرای مراسم عروسی و جشن‌ها، با نصب چراغ و آویزان کردن دستمال‌ها و پارچه‌های رنگارنگ، آن را تزیین می‌کرده‌اند و معتقد بودند این عمل باعث برکت خواهد شد.

۳. مأذنه غربی؛ به مئذنه «آق بای» معروف است. «(۳)» زالیه یا محل تدریس امام محمد

۱- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸

۲- نعیمی، همان کتاب، ص ۲۸

۳- قتیبه شهابی، مأذن دمشق، صص ۵۷، ۶۵

ص: ۶۸

غزالی در کنار این مأذنه بوده است. این محل که شبستانی کوچک است. امروزه در مجاورت درِ غربی؛ یعنی راه ورود به مسجد در انتهای بازار حمیدیه قرار دارد.

تصویر شماره ۱۱

۴- آثار و مقام انبیا در جامع اموی

۱/ ۴. قبر و مقام هود علیه السلام

در روضهٔ الأنام آمده است که مقبره «حضرت هود» در دیوار جنوبی (دیوار قبله شبستان) مسجد اموی است. بسیاری از مورخان دمشق گفته‌اند که قبر هود در اینجا است و بعضی گفته‌اند در اینجا سنگ قبری بوده که بر آن نوشته شده بود: «من هود بن جلود بن عاد ... هستم که به رسالت نزد قوم خود آمدم و مدّت عمرم را نزد آنان بودم، مرا تکذیب کردند و خداوند ایشان را به بادی شدید عذاب کرد. «(۱)»

این مکان در سمت چپ «مقام رأس یحیی» یعنی در مقابل ستون چهارم، در دیوار قبله از سمت شرق شبستان قرار دارد و بر سنگ دیوار قبله به خطی زیبا در زمینه دایره‌ای سبز نوشته شده است: «هذا مَقام هُود النّبی علیه‌السلام» در این مکان کتیبه‌ای در دوران ولید یافت شد که وقتی ترجمه کردند، پند و اندرزهایی از حضرت هود بوده است. «(۲)»

بعضی گویند: این‌جا معاویه اول مدفون شده است که ممکن است بنی امیه چون از خوارج وحشت داشته‌اند او را در دیواره قبله مسجد مدفون کرده باشند. «(۳)»

۲/ ۴. مقام حضرت خضر علیه السلام

گویند حضرت خضرِنبی علیه السلام در مسجد اموی همواره عبادت می‌کرده است. «(۴)» مکان آن در سمت شرقی قبله (جنوب شرقی) نزدیک مأذنه شرقی بوده است. اکنون نزدیک به

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت در شام، ص ۲۴

۲- ابن عمری، همان کتاب، ص ۴۷

۳- گفتنی‌است قبری نیز درپشت جامع اموی، درکوچه معاویه منسوب به معاویه است که ذکر خواهد شد. همچنین ابن بطوطه قبری در یمن که به حضرت هود منسوب بوده را دیده است الرحله، ص ۶۵

۴- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۱۴ و ۱۵

ص: ۶۹

محراب اصلی مسجد و به موازات مقام هود بر دیوار قبله عنوان «هذا مقام خضر النبی» بر دایره‌ای‌سبزرنگ دیده‌می‌شود. گفتنی‌است مقام‌حضرت‌خضر در بسیاری ازنقاطسوریه دیده می‌شود. آن حضرت بر اساس روایات، تا ظهور حضرت مهدی (عج) زنده هستند.

۳/ ۴. مکان نزول عیسی علیه السلام

مسلم از اوس بن اوس و او از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت عیسی بن مریم، کنار مناره شرقی دمشق؛ یعنی جامع اموی نزول خواهد کرد و کنار آن مناره، قطعه سنگی که حضرت موسی در «کوه طور» با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه جاری شد، وجود دارد. «(۱)»

۴/ ۴. مقام و محل دفن سر یحیی علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام، به قدرت الهی، از پدر و مادر پیری است که امید به فرزند نداشتند. خداوند یحیی را در کودکی علم و حکمت عنایت کرد؛ وَآتَیْنَاهُ الْحُکْمَ صَبِیّاً .... وی از دوران جوانی با عفت و با تقوی بود. همواره در «مسجد الاقصی» به عبادت و ریاضت مشغول بود و از اختلاط با اهل دنیا پرهیز می‌کرد. او به هنگام بعثت عیسی علیه السلام نبوت ایشان را شهادت داد و در همین دوران بود که به دستور پادشاه بنی‌اسرائیل به قتل رسید.

قتل وی بدین سبب بود که در میان قوم بنی اسرائیل پادشاهی به نام «سردوس» از همسرش، دختری به غایت زیبا داشت. این زن که بسیار مفسد و پلید بود، همواره می‌کوشید تا مانع ازدواج شوهرش با زنی دیگر شود، لذا از او می‌خواست که دختر خود را به نکاح خویش درآورد! پادشاه خدمت حضرت یحیی علیه السلام رفت تا نظر شرع را در مورد ازدواج با دختر خود سؤال کند. یحیی علیه السلام آن را جایز ندانست، همسر پادشاه که بدین علت کینه یحیی علیه السلام را به دل گرفته بود، شوهرش را به قتل حضرت یحیی علیه السلام تحریک کرد. پادشاه نیز دستور داد تا سر یحیی را از بدن جدا سازند.

بر اساس روایتی، پس از شهادت او، خداوند فردی بی‌رحم را بر بنی‌اسرائیل مسلط

۱- پیشین، همان‌جا.

ص: ۷۰

ساخت و او در بیت المقدس هفتاد هزار نفر از بنی اسرائیل را کشت. «(۱)»

از «زیـد بن واقـد» که سرپرست ساختمان و بنای جامع اموی در دوره ولید بود، نقل شده است که: من به هنگام کار در جامع اموی شکافی در دیوار یافتم و به ولیـد بن عبـدالملک گزارش دادم. وی آمـد و آن را بررسـی کرد. در داخل آن شـکاف، صـندوقی بود، وقتی آن را گشودیم، در داخل سبدی سری بریده یافتیم. بر روی آن سبد نوشته شده بود: «هذا رَأسُ یَحْییَ بْنِ زَکَریا». ولید فرمان داد آن را بر جای خود گذاشته، ستون‌هایی بر آن قرار دادیم. «(۲)» از «ولیـد بن مسـلم» نقل شده که آن سـر را از زیر گوشه‌ای از زوایای دیوار قبله به دست آوردیم که پوست و مو داشت و هنوز تغییر نیافته بود.

گوینـد سـر یحیی علیه السـلام در ابتـدا از دمشق به «بعلبـک» منتقل شـد و پس از آن به حمص و آنگاه در قلعه حلب قرار داده شـد. هنگام تسلّط مغول بر حلب و قلعه آن، این سر به مکان جامع‌دمشق منتقل گردید. «(۳)»

اکنون مـدفن رأس یحیی علیه السـلام در داخل شبسـتانِ جامع اموی و نیمه شـرقی آن- که پیش‌تر کلیسا بوده و بعد به مسـجد اضافه شـده- قرار گرفته است. مقام به صورت مربع با ۲۲ سـتون سنگی سفید ساخته شده که حدّ فاصل میان آن‌ها پنجره‌هایی ضریح مانند قرار گرفته است. بر بالای این مقـام، گنبـدی کوچک میان دو سـتون، که با رنگ سبز تزیین شـده، اسـتقرار یافته است. داخل مقام، سنگ قبر بزرگی است که با پارچه‌ای سبز رنگ پوشانیده شده و فاصله مقام تا دیوار قبله، حدود ده متر است.

تصویر شماره ۱۲

۵- شبستان جامع اموی

اشاره

شبستان مسجد، بیست ستون در سمت شرق و بیست ستون در سمت غرب دارد و

۱- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲، صص ۴۷۸ و ۴۷۹

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۱۶ و ۱۷؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن عمری، همان کتاب، صص ۵۸ و ۹۷

۳- نعیمی، الجامع الأموی، صص ۹۷ و ۹۸

ص: ۷۱

چهار ستون اصلی و بزرگ به ابعاد ۳* ۲ متر در وسط آن قرار یافته که پایه‌های گنبد بزرگ مسجد؛ یعنی «قبّة النسر» را تشکیل می‌دهد. ارتفاع داخلی این گنبد بیش از سی متر است و همه از سنگ و با گچ سفید تزیین و بازسازی شده است. بر روی چهل ستون مذکور، چهل ستون کوچک دیگر قرار دارد. این ستون‌ها به‌صورت هلالی شکل هستند که سقف مسجد را- که شاید بتوان گفت بلندترین سقف موجود در میان مساجد جهان است- نگه داشته‌اند.

شبستان جامع، همانند صحن و سایر قسمت‌های دیگر، از معماری بسیار عالی برخوردار است. شبستان سه در دارد. در جنوبی آن یکی از ابواب اصلی مسجد است به خارج از مسجد؛ یعنی سوق الصاغه و بازار طلافروشان کنونی باز می‌شود.

تصویر شماره ۱۳

۱/ ۵. محراب‌های چهار گانه

شبستان مسجد اموی، چهار محراب دارد که مخصوص گروه‌های چهارگانه اهل سنت است. یکی از آن‌ها در وسط و دو محراب دیگر در سمت راست آن و محرابی نیز در سمت چپ آن قرار دارد. محراب وسط، که اصلی و بزرگتر از بقیه است، مخصوص مالکی‌ها است. محراب‌های سمت راست از حنفی‌ها و حنبلی‌ها و محراب سمت چپ نیز از آنِ شافعی‌ها است. در عصر ممالیک، در هر چهار محراب نماز می‌گزاردند. «(۱)»

محراب مالکی‌ها کنار منبر واقع شده و به محراب الصحابه نیز معروف است. این نخستین محراب مسلمانان در صدر اسلام بوده که در بنای آغازین مسجد ساخته شده و مالکی‌ها تا قرن هشتم در آن نماز می‌گزاردند. گفتنی است هریک از این محراب‌ها مؤذن، مدرس، امام و جماعتی از فقها داشته‌اند که در کنار آن به تدریس و خطابه می‌نشسته‌اند. «(۲)»

تصویر شماره۱۴

۱- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۱۶۶

۲- ابن عمری، همان کتاب، ص ۶۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۴

ص: ۷۲

۲/ ۵. مصحف عثمانی

در گوشه شرقی محراب اصلی مسجد، مخزنی است که صندوق بزرگی داخل آن قرار دارد و در این صندوق یکی از قرآن‌های عثمان- خلیفه سوم- نگه‌داری می‌شود.

این قرآن در دوران وی به شام فرستاده شده بود. در روزهای جمعه این مخزن باز و مردم آن قرآن را تبرّک می‌کنند. «(۱)» البته به نظر نمی‌رسد این قرآن همان قرآن دوران خلیفه سوم باشد؛ زیرا چنانکه در شرح آتش‌سوزی‌های جامع اموی خواهیم گفت، آن قرآن در آتش سوخته است.

۳/ ۵. منبر مسجد

در کنار محراب اصلی، منبری بسیار زیبا و بی‌مانند و یکپارچه از سنگ مرمر ساخته شده است. این منبر که در صدر اسلام از چوب بوده، در سمت راست محراب کنونی مسجد قرار دارد و بربالای آن قبّه کوچکی موجود است. منبر مذکور، از آثار معماری دوره عثمانی‌هاست.

۴/ ۵. جایگاه اسیران کربلا

در مقابل محراب و منبر اصلی مسجد اموی در شبستان،- بین دو ستون اصلی مسجد- جایگاهی از سنگ با نرده‌های چوبین ساخته شده است. این مکان به صورت مربع مستطیل با ابعاد ۱۲* ۶ متر و ارتفاع چهل سانتی متر است. گویند این‌جا مکان نشستن اسرای اهل بیت و نماز گزاردن امام سجاد علیه السلام بوده است.

۵/ ۵. محل غسل تعمید مسیحیان

همانگونه که در شرح تاریخ جامع اموی گفته شد، نیمی از آن (نیمه شرقی) کلیسا بود و سپس توسط ولید به نیمه دیگر آن الحاق و کلیسای مذکور تخریب شد. دراین نیمه و کنار درِ ورودی شرقی شبستان به فاصله بیست متری، بقایای استوانه و چاهی است که

۱- مطیع الحافظ، الجامع الاموی، ص ۲۲؛ العلبی، همان کتاب، ص ۱۶۶؛ نعیمی، الدراس فی تاریخ‌المدارس، ج ۲، ص ۳۰۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۴

ص: ۷۳

مسیحیان فرزندان خود را در آن غسل تعمید می‌داده‌اند. این مکان نزد آنان از ارزش خاصی برخوردار بوده است. اکنون این چاه و استوانه‌های آن، که از مرمر ساخته شده، موجود ولی چاه آن پوشیده شده است. گویند سر مبارک حضرت یحیی را در این چاه شستشو و غسل داده‌اند.

۶- مقام رأس الحسین علیه السلام

هنگامی که کاروان اسرا و سرهای بریده شهدا را به سمت دمشق می‌بردند، سر مبارک امام حسین علیه السلام در پایان همه سرها و مقابل زنان و اهل بیت حرکت داده می‌شد.

پس از ورود کاروان، یزید (لعنهٔ اللّه علیه)، سر مبارک را طلبید، آن را در حالی که در تشتی از طلا بود، در مقابل او گذاشتند، زنان در پشت آن نشسته، سکینه و فاطمه به آن می‌نگریستند و می گریستند. سپس مردم به داخل مسجد آمدند، یزید با چوب بر دندان‌های مبارک می‌زد «(۱)» و می گفت: امروز در مقابل روز بدرا! «(۲)»

ابو برزه اسلمی به یزید می گفت: این چوب را از لب‌ها بردار که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم بر این لب‌ها بوسه می‌زد. «(۳)»

آنگاه به فرمان یزید سر مبارک را از مجلس بیرون برده و به همراه سایر سرهای شهدا، سه روز بر باب القصر آویزان کردند. «(۴)»

پس از آن مدت، سر مبارک امام حسین علیه السلام را پایین آورده و در گوشه شمال شرقی مسجد در اتاقکی قرار دادند. این سر چند روز در این مکان قرار داشت. بعدها در آن‌جا به یاد بود این حادثه غم انگیز بقعه‌ای ساختند که به «رأس الحسین علیه السلام» مشهور شد. «(۵)»

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۲۶۷؛ ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۴، ص ۳۵؛ ابن کثیر، البدایهٔ و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۲

۲- در روز بدر بسیاری از بزرگان بنی امیه به‌دست علی علیه السلام و سپاه اسلام کشته شدند و این کینه‌ای بود که آل ابی سفیان و بنی امیه همواره از بنی‌هاشم به دل داشتند. سخن وی که بیانگر کینه‌های جاهلی است بدین معنی است که انتقام روز بدر را امروز گرفته‌ایم.

۳- طبری، همان کتاب، ج ۶، ص ۲۶۷؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفهٔ الائمه، ص ۱۸۳؛ باقرشریف القرشی، حیاهٔ الامام حسین، ج ۳، ص ۳۷۴

۴- خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۷۵؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸، ص ۲۰۴

۵- نویری، نهایهٔ الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۷، صص ۲۰۵- ۲۰۳؛ ابن بطوطه، الرحله ص ۶۵

ص: ۷۴

این مکـان در کنار محراب و مسـجد «امام زین العابـدین علیه السـلام» در داخل اتاقی به ابعاد ۴* ۳ متر قرار دارد و در جـدار داخلی گنبد آن، اسامی ائمه نقش بسته است. در داخل شبسـتان مقام امام سـجاد علیه السلام قابی از نقره و بسیار کوچک به‌اندازه سر یک انسان در داخل دیوار به یاد محل قرار دادن سـر مبارک حضـرت جاسازی شـده است. در سـمت چپ این قاب نقره‌ای، شبسـتان و یا اتاقی که از آن یاد کردیم به وسیله دری آهنین جـدا می‌شود. در سـمت چپ آن ضـریحی کوچک از نقره و به صورت مسـتطیل با ابعاد ۵ /۱* ۱ متر دیـده می‌شود. داخل این ضـریح، پایه‌ای مسـتقر شـده و بالای آن سـنگی با پوشـش قرمز رنگ که قرار داده شده است.

در باره محل دفن سر نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اختلاف است. مورّخان شیعه معتقدند که سر مبارک آن حضرت به وسیله حضـرت سـجاد علیه السلام به کربلا باز گردانیده و کنار جسد مطهّر آن حضرت به خاک سپرده شده است. «(۱)» بعضی از آنان نیز معتقدنـد که در کنار بـدن مقبره حضـرت علی علیه السـلام در نجف اشـرف مـدفون شـده و لـذا در بالای سـر امام علی علیه السـلام زیارت امام حسین علیه السلام نیز سفارش شده است. «(۲)»

در این میـان، کسانی چون ابن جوزی، ابن ایاس، قلقشـندی، مقریزی و سایر مورخان اهل سـنت گفته‌انـد سـر مبارک در خزانه یزید بود، سـپس او را کفن کرده و در بـاب الفرادیس (نزدیک حرم حضـرت رقیه) به خاک سپردنـد. بعـدها خلفای فاطمی آن را از باب الفرادیس به عسـقلان مصر و سپس به قاهره منتقل کردند و در قصر زمرد به خاک سپردند که اکنون مقام رأس الحسین علیه السلام در آنجا معروف است. «(۳)»

۱- ابن شهر آشوب، المناقب الائمه، ج ۲، ص ۲۰۰؛ سبط بن جوزی، تذکرهٔ خواص الامه فی معرفهٔ الائمه، ص ۱۵۰؛ فتال نیشابوری، روضهٔ الواعظین، ص ۱۶۵؛ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱۲

۲- مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ و ج ۱۰۰، صص ۲۹۳- ۲۵۷؛ عباس قمی، سفینهٔالبحار، ج ۱، ص ۴۹۲

۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت بالقاهره، صـص ۴۵- ۲۷؛ رأس الحسین در قاهره یکی از اماکن زیارتی و مقدس مردم است که در داخـل مسـجدی قرار دارد و ضـریحی پیرامون آن را احـاطه کرده است. از اول تـا ۱۵ شـعبان هر سال در رأس الحسـین قاهره مردم که از اهل سنت و شافعی هستند، تولد امام حسین علیه السلام را جشن می‌گیرند.

ص: ۷۵

تصویر شماره ۱۵

روایت دیگری حاکی است که سر مبارک تا دوران سلیمان بن عبدالملک در خزانه بنی‌امیه بود و او دستور داد سر را آوردند، در حالی که تنها استخوان سفیدی از آن باقی بود و داخل کیسه‌ای قرار داشت. پس از معطر ساختن، آن‌را کفن کرده و در قبرستان مسلمانان (احتمالًا باب الصغیر) به خاک سپردند. پس از آن‌که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، از محل دفن سر جویا شد و آن محل را شکافت و سر را برداشت و کسی نمی‌داند چه کرد؟ بعضی معتقدند به کربلا فرستاد تا در کنار بدن مطهر به‌خاک سپرده شود. «(۱)» در هر حال، این مکان یکی از شریف‌ترین اماکن است.

۷- محراب و مقام حضرت زین‌العابدین علیه السلام

هنگامی که امام سجاد علیه السلام در مسجد اموی، در حال اسارت بودند، در شمال شرقی جامع و کنار در شرقی آن، در مکانی به تهجّد و عبادت می‌پرداختند.

ابن عساکر گوید آن حضرت هر شب و روز در این مکان هزار رکعت نماز می‌گزاردند. «(۲)» نمازگاه امام سجاد علیه السلام که پس از شبستان بزرگی قرار داشته و دارای محرابی زیبا از سنگ به وسیله محفظه‌ای شیشه‌ای حفاظت می‌شود. این محراب در مجاورت رأس الحسین علیه السلام قرار دارد.

۸- مَشاهد خلفای راشدین

در زوایای چهارگانه‌مسجد، چهارمشهد به نام‌سه‌خلیفه وامام علی علیه السلام موجود است:

۸/ ۱. مشهد ابی بکر؛ در شرق دیوار قبله، که در آن تعدادی کتب و خزائن وقف بوده‌است.

۸/ ۲. مشهد علی علیه السلام؛ در شمال شرقی مسجد، همان‌جا که اکنون مقام رأس

۱- نویری همان کتاب، ج ۷، صص ۲۱۳- ۲۰۸

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۲۱- ۲۰

ص: ۷۶

الحسین علیه السلام قرار دارد. درداخل مشهد علی علیه السلام مکانی به‌نام «السجن» بوده‌است. گویند امام سجاد علیه السلام هنگامی که بر ضدّ یزید سخنانی ارائه کردند، در آن‌جا محبوس شدند.

۸/۳. مشهد عمر؛ در غرب دیوار قبله مسجد بوده و اکنون به مشهد عروه معروف است. در این مکان جماعتی از علما به درس نشسته و کتب و خزائنی در آن داشته‌اند.

۸/۴. مشهد عثمان؛ در سمت شمال مسجد بوده و نایبِ سلطان، بر سمت پنجره آن و حاکم شافعی به سمت راست آن نماز می‌گزاردند. به این مکان کلاسه نیز گفته می‌شد که به مدرسه کلاسه در پشت جامع اموی راه داشت.

در این مشاهد، علمای مذاهب اسلامی به تدریس پرداخته و یا برای حل مشکلات به والیان مشاوره می‌رساندند.

آتش سوزی‌های جامع اموی و بازسازی‌های آن

جامع اموی در دوران‌های مختلف دچار آتش سوزی شده و قسمت‌های عمده‌ای از آن از میان رفته، ولی دوباره بازسازی شده است.

۱. نخستین آتش سوزی

در نیمه شعبان ۴۶۱ هجری رخ داد. علت آن درگیری میان سپاهیان امیر سپاه مصر؛ یعنی بدرالجمالی در دمشق بوده است. دسته‌ای از آنان خانه‌ای در مجاورت جامع اموی را به آتش کشیدند و لذا آتش به مسجد سرایت کرد. مردم بلافاصله به خاموش کردن آن اقدام کردند ولی آتش از صحن گذشت و به شبستان و محراب و بالای قبه رسید. «(۱)»

۲. دوّمین آتش سوزی

در ۷۴۰ هجری به واسطه آتش سوزی که در بازار «طرائفیین» در مجاورت جامع رخ داد، آتش به دیوار قسمت معروف به مشهد ابی‌بکر سرایت کرد و به مناره شرقی

۱- ابن عمری، همان کتاب، ص ۷۱؛ اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۲۸۸؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۲، ص ۹۷ و ۹۸؛ نعیمی، الجامع الأموی، ص ۱۱۹

ص: ۷۷

رسید. «(۱)» البته نسبت به نخستین آتش سوزی، خسارات و خرابی کمتری داشت و بلافاصله مناره آن نیز مرمّت شد.

۳. سومین آتش سوزی

در شعبان ۸۰۳ هجری رخ داد ولی خسارت فراوانی ببار نیاورد «(۲)» که علت آن روشن نیست.

۴. چهارمین آتش سوزی

در سال ۸۸۴ هجری، باز جامع‌اموی دچار حریق گردید، «(۳)» که‌علت‌آن نیز روشن‌نشد.

۵. پنجمین آتش سوزی

در روز شنبه چهارم ربیع الثانی ۱۳۱۱ هجری حریق بزرگی در مسجد رخ داد و علت آن نیز تعمیر سقف صحن غربی بود که به وسیله جرقه‌ای سقف آتش گرفت؛ و شبستان غربی به کلی سوخت ولی در ۱۳۱۶ هجری دوباره تعمیر شد؛ رأس یحیی علیه السلام و رأس الحسین علیه السلام نیز که دچار حریق شده بود تعمیر گشت. گویند در این آتش سوزی مصحف عثمان که به خط کوفی بوده و از مسجد عقیق در بُصری آورده شده بود، سوخت.

در ۱۳۱۷ هجری نیز قسمت شرقی مسجد و در سال ۱۳۲۰ هجری قسمت غربی آن تعمیر گردید. از بنای قدیم این قسمت‌ها جز دو دیوار و بعضی از کتیبه‌های سلاجقه، و ایوبیان و ممالیک چیزی باقی نماند. به جای منبر و محراب آن که سوخته بود محراب جدیدی ساختند. تمامی این تعمیرات به دستور سلطان عبدالمجید عثمانی انجام گردید. «(۴)»

تصویر شماره ۱۶

۱- ابن عمری، همان کتاب، ص ۱۳۵ و همچنین الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۰۲

۲- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۲۸۸

۳- پیشین، همان جا.

۴- مطیع الحافظ، حریق الجامع الأموی، صص ۱۳ و ۵۹؛ اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۲۸۸

ص: ۷۸

سیر تاریخی توسعه و بازسازی جامع اموی

از هنگام بنای جامع اموی، در قرون مختلف، تعمیرات و اصلاحاتی در آن انجام گرفته و گاهی نیز توسعه یافته است. از جمله:

۱. سال ۱۶۰ ه. ق.- ساخت گنبد شرقی در صحن (صخره قربان).

۲. سال ۱۷۲ ه. ق.- ساخت گنبد غربی به نام قبّة المال.

۳. سال ۳۹۶ ه. ق.- ساخت گنبد نوفره مقابل باب جیرون (باب ساعات).

۴. سال ۴۷۵ ه. ق.- تعمیر گنبدها و طاق‌ها در ایام پادشاه سلجوقی تتش بن آلب‌ارسلان.

۵. سال ۵۰۳ ه. ق.- تعمیر رواق شمالی.

۶. سال ۵۵۵ ه. ق.- تجدید مناره عروس.

۷. سال ۵۶۵ ه. ق.- اصلاح و تجدید داخل.

۸. سال ۶۰۲ ه. ق.- سنگفرش مرمر کف مسجد.

۹. سال ۶۰۷ ه. ق.- تعمیر درهای جامع اموی.

۱۰. سال ۶۰۷ ه. ق.- فواره مسجد.

۱۱. سال ۶۱۳ ه. ق.- ترمیم قبه نسر (عقاب).

۱۲. سال ۶۱۴ ه. ق.- اتمام شبستان‌های داخلی.

۱۳. سال ۶۱۷ ه. ق.- ساخت محرابی برای حنبلی‌ها در رواق سوم (غربی) در داخل شبستان، که اکنون موجود است.

۱۴. سال ۶۶۸ ه. ق.- تعمیر و سنگ مرمر ستون‌ها و دیوارها.

۱۵. سال ۷۲۷ ه. ق.- تزیین دیوار شمالی جامع با سنگ مرمر.

۱۶. سال ۷۲۹ ه. ق.- تزیین دیوار قبله جامع با سنگ مرمر. «(۱)»

۱- نک: نعیمی، الجامع الاموی، صص ۱۲۸- ۱۲۲؛ اکرم العلبی، همان کتاب، صص ۲۸۹ و ۲۹۰

ص: ۷۹

نقشه

ص: ۸۰

۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق

اشاره

پس از فتح دمشق، حکّام اسلامی و بزرگان شهر در طی قرون مختلف، اهتمامی ویژه به بنای مساجد داشتند و اکنون هزاران مسجد در این کشور بیانگر سیر تحولات فرهنگی و تمدّن اسلامی در آن است که در این‌جا پس از جامع اموی به چند مسجد مشهور و تاریخی اشاره می گردد:

۱. مسجد السّادات

از کهن‌ترین مساجدِ دمشق، پس از جامع اموی، «مسجد السادات» است.
مکان آن قبل از اسلام همانند جامع اموی کلیسا بوده و پس از فتح دمشق به مسجد تبدیل شد. این مسجد در قرن سیزدهم هجری بازسازی شده است.
«مسجد الصغیر» و «جامع الحمادی» از اسامی دیگر آن است، «(۱)» دارای منـاره‌ای کوچک بوده و در نزدیکی «باب توما»- در محله مسیحی نشین دمشق- قرار دارد و دیر لاتین نیز کنار آن واقع است.

۲. جامع بابُ المُصَلّی

یکی از مساجد بسیار قدیمی دمشق، که هم زمان با مسجد السادات و پس از جامع اموی ساخته شده، جامع باب‌المصلی است. بنای کنونی آن از عصر سلجوقی و سال ۴۹۷

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۸۷

ص: ۸۱

هجری است. این مسجد در «سوق المصلی» یعنی بین السویقه و میدان یرموک در مسیر باب الصغیر ساخته شده است. «(۱)»

۳. مسجد الاقصاب: القصب

این مسجد در سمت «باب الفرادیس» و خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه و حدود پانصد متر پایین‌تر از «سوق العماره» قرار دارد. در این مکان سرهای شـهدای «مرج عـذراء» یعنی حجر بن عـدی و یارانش را به خاک سپرده‌اند. «(۲)» اسامی هفت تن از شـهدا بر کتیبه‌ای در بالای اتاقکی، که در سـمت راست راهروی مسـجد است، دیده می‌شود. این مسجد امروزه به «جامع منجک» نیز معروف است. بنای آن را به امیر ناصر الدین بن منجک نسبت می‌دهند که وی مکان آن را تخریب و جامع بزرگی در سال ۷۲۱ به جای آن ساخت. «(۳)» گفتنی است بدن‌های این شهدا در مرج عذراء کنونی، در ۳۶ کیلومتری دمشق قرار دارد. «(۴)»

۴. مسجد ابیّ بن کعب انصاری

مسـجد ابی بن کعب انصاری به سال پانصـد هجری ساخته شـده است و دارای دو گنبـد سبز و یک مناره کوچک است. دیوارهایش کوتاه و با سـنگ‌های سـفید و سـیاه که گویا در دوره عثمانی ترمیم گشته است. مکان آن در یکصد متری باب شرقی و کنار میدان باب شرقی است. «(۵)» امروزه در آن نمازهای پنجگانه اقامه می‌گردد.

۱- پیشین، ص ۴۳۴

۲- نعیمی، الـدارس فی تاریـخ المدارس، ج ۲، ص ۲۶۴؛ حجر بن عـدی و یارانش از شـیعیان خاص امام‌علی علیه السـلام بودند که توسط زیاد بن امیه به شهادت رسیدند.

۳- پیشین، ج ۲، ص ۳۳۲

۴- بنگرید به ص ۱۶۰ از کتاب حاضر.

۵- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۹۱

ص: ۸۲

۵. جامع قیمریه

این جـامع که ابتـدا مـدرسه بوده، در ۶۶۵ هجری به وسـیله امیر «سـیف بن فـوارس قیمری»، حـاکم دمشق سـاخته شـده است. اکنون مدرسه‌ای برای طلاب و مسـجدی برای عامه است. مکان آن در سوق القیمریه، حدود ده متر بالاتر از جامع فتحیه است. بازار قیمریه در سمت شرق جامع اموی و در کوچه «رابعهٔ العدویه» قرار دارد که از در شرقی جامع اموی می‌توان به آن بازار راه یافت.

۶. جامع ابی دردا

مسـجد ابی دردا در داخل قلعه دمشق (کنار بازار حمیـدیه) است. «(۱)» مسـجدی است بسیار کوچک که در گوشه شمال شرقی آن مقام صـحابی پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله قرار دارد. بر دیواره این مسـجد کتیبه‌ای با تاریخ ۳۳۳ هجری و به خـط کوفی است که اشعاری در مورد ابو دردا بر آن حک شده است. اکنون از پشت دیوار بیرونی قلعه، مقام ابو درداء را می‌توان زیارت کرد.

۷. جامع هشام

این مسـجد به وسـیله «قاضی بدرالدین بن هرمز» به سال ۸۳۱ ساخته شد. «(۲)» منـاره آن از زیباترین مناره‌های دوران ممالیک بوده است که اکنون به علت وجود سـقف بازار به سـختی دیـده می‌شود. مکان مسـجد هشام در سوق مـدحت پاشا (اول بازار) در پشـت «خان الدکه و سوق الصدف» قرار دارد.

۸. جامع جرّاح

این مسجد به وسیله «ملک اشرف موسی ایوبی» به سال ۶۳۱ هجری ساخته شده

۱- احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۸۰؛ یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۱۹۰

۲- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۶۰

ص: ۸۳

است. «(۱)» جامع جراح دارای گنبد و مناره‌ای است و بر سر در ورودی، کتیبه‌ای به خط کوفی دیده می‌شود که از قرن هفتم هجری است. مکان آن در خیابان منتهی به «باب الصغیر» (شارع جراح) واقع و درِ قبرستان مجاور باب الصغیر نیز در کنار آن باز می‌شود.

۹. جامع درویشیه

این مسجد به وسیله «درویش احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در قرن دهم هجری ساخته شد. «(۲)» جامع بزرگی است که دارای صحن مستطیل شکلی بوده و مقبره درویش پاشا نیز در آن قرار دارد. مکان جامع درویشیه در محله «درویشیه» و «شارع المستقیم» و حدود دویست متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه در نبش خیابان قرار دارد. در سمت راست محراب آن کتیبه‌ای به تاریخ ۴۸۸ هجری دیده می‌شود.

تصویر شماره ۱۷

۱۰. جامع سیباهیه

ساخته «امیر سیبای بن بختجا» آخرین نایب السلطنه عهد مملوکی سال ۹۱۹ هجری است. «(۳)» این مسجد در پایان جنوب شرقی بازار درویشیه در شارع مستقیم و پشت مدخل بازار مدحت پاشا بوده و جامع درویشیه نیز کمی بالاتر از آن است.

۱۱. جامع نقشبندیه

این مسجد در ۹۸۱ هجری به وسیله «مراد پاشا» والی عثمانی دمشق برای فرقه نقشبندیه ساخته شد. «(۴)» روبه‌روی این مسجد «مقبره شیخ حسن جباوی» (متوفای ۹۱۴ ق.) است که از اقطاب و بزرگان «فرقه سعدیه» بوده است. مکان جامع نقشبندیه در خیابان

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۶۰

۲- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۲۱۶؛ قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۳۵۴

۳- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۳۷۳

۴- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۴۱۷

ص: ۸۴

«میدان» و کمی بالاتر از درب غربی مقبره باب الصغیر و در مدخل سوق الساروجیه است.

۱۲. جامع احمدیه

ساخته «شمس احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در ۱۲۶۰ هجری است «(۱)». این مسجد در سمت غربی «سوق الحمیدیه» پشت دیوار جنوبی قلعه دمشق قرار دارد که امروزه به جامع حمیدیه- مدرسه احمدیه و خانقاه احمدیه نیز معروف است.

۱۳. جامع سنانیه

جامع سنانیه از بناهای عثمانی است که توسط سنان پاشا، والی دمشق در ۹۹۹ هجری ساخته شد. «(۲)» جامع مذکور در سوق الجابیه و شارع سعد زغلول کمی بالاتر از مدخل سوق الحمیدیه قرار دارد و جامع درویشیه نیز پایین‌تر از آن است.

تصویر شماره ۱۸

۱- پیشین، ص ۷

۲- پیشین، ص ۳۸۱

ص: ۸۵

۶- مدارس و دار القرآن‌های تاریخی دمشق

اشاره

به علّت اهمیت و اعتبـاری که اسـلام نسـبت به علم و آموزش علوم، به‌ویژه علوم اسـلامی و در مجموع تعلیم و تربیت قائـل است، از هنگام نفوذ اسلام در شام و از جمله در دمشق برای تعلیم قرآن، حدیث و علوم شرعی، مدارسی ساخته شد. ساخت مدارس از سوی حکام، امرا و علما به‌ویژه در قرون چهارم تا هفتم هجری به اوج خود رسـید. در این مدارس، دارالقرآن‌ها و دارالحدیث‌ها، جوانان و نوجوانان به کسب علوم شـرعی و فراگیری قرآن و حدیث اشـتغال یافتند. انبوه این مدارس در دمشق و سایر شـهرهای شام، دلیلی بر اهمیت فراوان قرآن و حدیث و امر تَعلّم در این سرزمین است. طُلابی در آن مدارس به کسب علم پرداختند که پس از چندی، خود عالم بزرگی شده و نقش بسـزایی در پیشـرفت وتوسـعه علوم اسـلامی داشتند. قدیمی‌ترین مدرسه یا دارالقرآنی که در دمشق ساخته شـد، «مـدرسه الرشائیه» بود که در ۴۴۴ هجری توسـط «رشاءبن نظیف بن ماشاءاللّه» احـداث گردیـد «(۱)» و بـه‌زودی یکی پس از دیگری دارالقرآن‌ها و دارالحدیث‌ها در دمشق ساختند که در مجموع به بیش از پانصد عدد می‌رسید.
هر یک از فرقه‌های اهل سـنت؛ برای خود مـدرسه‌ای ساخته و به تعلیم و آموزش فقهِ مذهب خویش می‌پرداختند که نام این مدارس و تاریخچه آن در منابع اختصاصی آن آمده «(۲)» و ذکر هریک از آن‌ها از محدوده مبحث ما خارج است. در این‌جا تنها به چند

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۲۴؛ نعیمی، دورالقرآن بدمشق، تحقیق صلاح الدین المنجد، ص ۱۵ به بعد.

۲- نک: نعیمی، الدّراس فی تاریخ المدارس و همچنین دور القرآن بدمشق؛ یوسف بن عبدالهادی، ثمارالمقاصد فی ذکر المساجد.

ص: ۸۶

نمونه از مدارس مشـهور و تاریخی دمشق اشاره می گردد که بنیانگذاران آن از سلاطین و علمای بزرگ «(۱)» بوده و خود بعدها در آن مدارس مدفون شده‌اند.

الف) مدارس

۱. مدرسه نوریه کبری

از قـدیمی‌ترین مـدارس دمشق است که به دسـتور «نورالدّین محمود زنگی» (ملقب به شـهید) یکی از امرای بزرگ شام و از فاتحین جنگ‌های صلیبی در ۵۵۶ هجری ساخته شـد. این مدرسه که از آن به عنوان دارالحدیث اسـتفاده می‌شد، اوّلین دارالحدیث بر روی زمین بوده است. «(۲)» اکنون پس از گـذشت بیش از هشت قرن، همچنان محل تـدریس طلاب است. مدرسه مذکور در دو طبقه با حجره‌های فراوان و دو شبسـتان بزرگ- که در یکی از آن‌ها نماز جماعت برگزار می‌شود- ساخته شـده است. مقبره بانی آن؛ یعنی نورالدّین شـهید نیز در آن‌جا است که از طریق پنجره‌ای در بازار خیاطهای سابق آن را زیارت می کنند. مکان مدرسه نوریه در پشت جـامع اموی، در سـمت چپ، انتهـای بـازار حمیـدیه و در شـارع «(۳)» نورالـدّین واقع است. این شـارع به «سـوق الخیـاطین و سـوق العصرونیه» نیز معروف است.

۲. مدرسه عادلیه کبری

یکی دیگر از مـدارس مشـهور و قـدیمی دمشق توسط «ملک عادل سـیف الدین ابی‌بکربن ایوب» برادر سـلطان صـلاح الدین ایوبی، فاتح جنگ‌های صـلیبی در ۶۱۲ هجری ساخته شـده است. این مـدرسه نقش بسـیار مهمی در رشد وتوسـعه علوم شـرعی و اسـلامی داشته است. در این مکان ابوشامه الروضتین خویش را تألیف کرده و مورخ و

۱- برای اطلاع از بیوگرافی بانیان این مدارس به بخش قبور سلاطین شام از کتاب حاضر مراجعه شود.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۲۶

۳- منظور از شارع در این مباحث کوچه است؛ زیرا بسیاری از کوچه‌های باریک و کوچک دمشق نام شارع‌یعنی خیابان بر آن نهاده شده است.

ص: ۸۷

نسّاب معروف «ابن خلکان»، کتاب و فیات الاعیان را به رشته تحریر در آورده است. ابن خلدون جامعه شناس بزرگ اسلامی و ابن مالک صاحب الفیه نیز در این مدرسه به تدریس پرداخته‌اند. «(۱)»

ملک عادل، بانی مدرسه، که به سال ۶۱۵ هجری وفات یافت، در حجره واتاق سمت چپ مدرسه مدفون شد. در یکی از شبستان‌های مدرسه، کرسی و کتابخانه استاد شهیر معاصر دمشق مرحوم «محمد کرد علی» صاحب کتاب خطط الشام و غوطه دمشق قرار دارد. مدرسه در دو طبقه و چندین حجره برای طلاب ساخته شده است. در قرون بعدی و در عصر حاضر آن را بازسازی کرده‌اند.

در ۱۹۱۹ م. مدرسه مذکور محل موزه ملی دمشق و سپس محلّ فرهنگستان شد و اکنون به عنوان مدرسه علمیه از آن استفاده می‌شود. نمای بیرونی آن، از سنگ است و گنبدی با رنگ قرمز دارد. مکان آن در سمت راست درِ شرقی جامع اموی- که به سوی بازار حمیدیه باز می‌شود- و در نبش «شارع الکلاسه و سبع طوالع» قرار دارد. مدرسه ظاهریه نیز مقابل آن است.

۳. مدرسه ظاهریه کبری

یکی دیگر از مدارس قدیمی و مشهور دمشق است که توسط «ملک ظاهر بَیْبَرس بُنْدُقداری» یکی از امرای بزرگ شام و از فرمانروایان و فاتحان جنگ‌های صلیبی به سال ۶۷۶ هجری ساخته شده است. «(۲)» مدرسه ظاهریه بعدها به بزرگترین کتابخانه دمشق به نام «دارالکتب الظاهریه» تبدیل شد که در آن هزاران نسخه خطی و نفیس نگهداری شده و هم اکنون نیز پا برجاست. تمامی نسخ خطی آن فهرست نویسی شده و فهرست آن به چاپ سپرده شده است.

تعمیرات اندکی در این مدرسه صورت گرفته و قرار است به موزه ملی دمشق تبدیل شود. داخل مدرسه مذکور- در سمت راست درِ ورودی- قبر ملک ظاهر بیبرس بانی آن

۱- اکرم العلبی، خطط دمشق، ص ۱۴۱؛ احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۹۲

۲- احمد دهمان، همان کتاب، ص ۱۱۲؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۵۷

ص: ۸۸

قرار دارد که در آن محراب و گنبدی از سنگ و گچ ساخته و دیوارهای آن نقاشی شده است. مدرسه از دو طبقه تشکیل شده و علاوه بر محلّ کتابخانه، مکانی برای تدریس طلاب نیز در آن وجود دارد.

مکان مدرسه ظاهریه در مقابل مدرسه عادلیه؛ یعنی در شمال غربی جامع اموی و نبش شارع کلاسه و سبع طوالع است. در سمت راست آن نیز حمام ظاهریه- یکی از قدیمی‌ترین حمام‌های دمشق- واقع شده است.

تصویر شماره ۱۹

۴. مدرسه عزیزیه

این مدرسه به فرمان ملک عزیز، فرزند سلطان صلاح‌الدین ایوبی ساخته شد «(۱)» و مقبره صلاح‌الدین نیز در آن قرار دارد. اکنون مردم از مقبره و محل دفن صلاح‌الدین که در اتاقک کوچکی است، دیدار می‌کنند و قرن‌هاست از حالت مدرسه خارج شده است. این مدرسه که کوچک و دارای گنبدی قرمز است. در خارج باب شمالیِ جامع اموی و سمت چپ آن واقع شده و تقریباً حدود پنجاه متر با درِ شمالی جامع فاصله دارد. در صحن و حیاط مدرسه قبر سه افسر از دوره عثمانی‌ها است که در سقوط هواپیما کشته شده‌اند. قبر دکتر صالح شهبندی یکی از مقامات سوریه نیز که در ۱۳۵۹ هجری به شهادت رسیده در کنار آن‌ها است.

۵. مدرسه سمیساطیه

این مدرسه خانه «عمر بن عبدالعزیز» حاکم اموی بوده که به دست ابوالقاسم علیّ‌بن محمد معروف به «سمیساطی»، از بزرگان و رؤسای دمشق به مدرسه و خانقاه تبدیل شد. وی در ۴۵۳ هجری وفات یافت و در خانقاه خود مدفون گشت. این خانقاه برای فقرای صوفی وقف شده بود. «(۲)» کتیبه‌ای به خط کوفی،

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۹۰

۲- ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹۵؛ نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸؛ مطیع الحافظ، الجامع‌الأموی، ص ۲۸

ص: ۸۹

که بر بالای این مدرسه نصب گردیده، از بانی و مالك آن یاد کرده است. در این مدرسه علمای اهل تصوّف به زاویه و تهذیب می‌نشسته‌اند.

مدرسه سمیساطیه در کنار درِ شمالی جامع اموی معروف به «باب الناطفیین» و سمت راست کسی است که از جامع خارج می‌شود. مدرسه یاد شده اکنون به «معهد الدراسات الشرعیه» تبدیل شده و جوانان در آن به تدریس مشغول‌اند.

تصویر شماره ۲۰

۶. مدرسه جوزیه

این مدرسه توسط «محی الدین ابوالفرج یوسف بن‌عبدالرحمان بن‌جوزی»، معروف به سبط بن جوزی، مورخ مشهور در قرن هفتم هجری بنا شده است. و خود در این مدرسه تدریس می‌کرده است. این مورخ به همراه «المستعصم» آخرین خلیفه عباسی به دست هلاکو خان مغول کشته شد. «(۱)»

اکنون این مکان که به جامع و مسجد الجوزه معروف است، در خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه (جنوب آن)، کمی پایین‌تر از بازار العماره قرار دارد. این مدرسه در ۸۴۰ ق. به مسجد تبدیل شد و مناره آن در ۱۰۷۸ ق. تعمیر گردید.

۷. مدرسه جُقْمُقیه

این مدرسه که به فرمان «امیر سیف‌الدین جقمق»، از امرای شام به سال ۸۲۲ ق. بنا شد، تیمور لنگ آن را به آتش کشید ولی بار دیگر ترمیم گردید. «(۲)»

مدرسه یاد شده، در سمت شمال جامع اموی، در «شارع الکلاسه و باب البرید» واقع است که درِ شمالی جامع اموی به آن گشوده می‌شود. مدرسه جُقمقیه مدفن «امیر سیف‌الدین جقمق» است و مدرسه‌ای است بزرگ که اکنون به «معهد العلوم الشرعیه للجمعیهٔ القراء» تبدیل شده است که تابلو در ورودی آن از این امر حکایت می‌کند و

۱- پیشین، ج ۲، صص ۴۰- ۲۳

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۴

ص: ۹۰

تاریخ تأسیس آن، سال ۱۳۵۶ ق. می‌باشد. در کنار مدرسه جقمقیه بقایای ستون‌های معبد ژوپیتر دیده می‌شود.

۸. مدرسه شامیه

به وسیله «دختر نجم‌الدین ایوب» و خواهر توران‌شاه ایوبی به سال ۵۸۷ هجری بنا شده است. «(۱)» در صحن این مدرسه، قبور فرزندش حسام الدین و همسرش محمد بن شیرکوه و برادرش توارن‌شاه نیز قرار دارد. مکان آن در خیابان یوسف العِظَمه و نزدیکی هتل‌های محل استقرار ایرانیان و زیر پل هوایی است. که انتهای این پل به قلعه و بازار حمیدیه منتهی می‌شود.

ب) دار القرآن‌ها

۱. دارالقرآن الرشائیه

از قدیمی‌ترین دارالقرآن‌هایی که در دمشق ساخته شد، دارالقرآن الرشائیه است که به سال ۴۰۰ یا ۴۴۴ ق. به وسیله «شیخ رشا بن نظیف بن ماشاءاللّه» بنا گردید. «(۲)» این مدرسه از ابتدا برای تعلیم قرآن در نظر گرفته شد و بعدها در ۸۲۰ هجری مدرسه اخنائیه به‌جای آن احداث گردید که اکنون موجود و در خارج باب شمالی جامع اموی و کنار مدرسه سمیساطیه است. قاضی القضاة اخنایی شافعی نیز در این مکان مدفون است.

۲. دارالقرآن صابونیه

این دارالقرآن به وسیله «احمد بن سلیمان بن محمد البکری الصابونی» به سال ۸۶۸ هجری ساخته شد. و آن دارای گنبد و مناره بوده و دیواره‌هایش از سنگ است. «(۳)» اکنون علاوه بر تعلیم قرآن، نماز جماعت نیز در آن بر پا می‌شود. دارالقرآن صابونیه در خارج

۱- پیشین، ج ۱، ص ۲۲۷

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۹؛ اکرم العلبی، خطط دمشق، ص ۶۶

۳- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۲۴

ص: ۹۱

«باب الجابیه» در شارع میدان و روبه‌روی درِ غربی مقبره باب الصغیر است.

۳. دارالقرآن افریدونیه

این مکان به دست فریدون العجمیِ ایرانی، از تجار خیّر و مشهور دمشق در ۷۴۹ ق.
بنـا شـد و خود نیز در آن مـدفون گشـته است. این دارالقرآن در خارج باب الجابیه و نرسـیده به دارالقرآن صابونیه، و در غرب باب الصغیر است. «(۱)» ۰

۴. دارالقرآن تنکزیه

در ۷۲۸ هجری به فرمان «امیر تنکز» نایب مملوکی دمشق ساخته شد و در ۱۳۲۹ ق.
«شیخ کامل القصاب» آن را مرمّت کرد. «(۲)» مقبره امیر تنکز نیز در همین مکان است. این مدرسه در شرق بازار «البزوریه» در شارع مستقیم است.

۵. دارالقرآن الاسعریّه

«خواجه ابراهیم اسـعری»، از تاجران بزرگ دمشق به سال ۸۱۷ ق. آن را ساخته است. بعـدها بانی این مدرسه در همان مکان مدفون گردید. «(۳)» این دارالقرآن در کنار «جامع ماردانیه» به سـمت محله محی‌الدین ساخته شده و اکنون نیز جوانان در آن به تعلیم قرآن مشغول‌اند.

۶. دارالقرآن تفتازانیه

«شریف تفتازانی» از علمای معروف دمشق در سال ۷۶۷ ق. آن را بنا کرده و تاج‌الدین سبکی در این مدرسه مشغول به تدریس بوده است. مدرسه مذکور در شمال «مدرسه بادرائیه» در محله بادرائیه است. «(۴)»

۱- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۶۰

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۳۹

۳- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۵۶

۴- پیشین، ص ۶۱

ص: ۹۲

۷- قبرستان باب الصغیر

اشاره

قبرستان باب الصغیر، از قبرستان‌های بسیار مهم و تاریخی دمشق است. این گورستان در نزدیکی «باب الصغیر»، واقع است که از دروازه‌های اصلی شهر قدیمی دمشق به شمار می‌رود. این مکان مدفن ده‌ها نفر از امام‌زادگان، صحابه گرانقدر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، سرهای شهدای کربلا، علمای بزرگ اسلام و شیعه، سادات جلیل القدر، مورخان و محدثان و صدها تن از بزرگان و رجال اسلامی است. در این مبحث به مشهورترین قبور آن اشاره می گردد.

الف) قبور فرزندان گرامی ائمه اطهار علیهم السلام

۱. قبر سکینه دختر امام حسین علیه السلام

«آمنه»، ملقّب به «سکینه» یکی از دختران حضرت امام حسین علیه السلام بود که در حادثه جان‌فزای کربلا حضور داشت. مادر وی «رباب بنت امرءالقیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن جناب» بوده است. «(۱)» سکینه با عبداللّٰه بن حسن علیه السلام یا حسن بن حسن علیه السلام ازدواج کرد، لیکن همسرش قبل از زناشویی با او در کربلا به شهادت رسید. «(۲)» او

۱- مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش، ص ۵۹؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفهٔ احوال الائمه، ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۱۵، ص ۳۲۹؛ حسن الأمین، دائرهٔ المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۲، ص ۲۵

۲- ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲۰، ص ۳۵۹

ص: ۹۳

به همراه خواهرش فاطمه و عمه‌اش زینب و سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام به اسارت در آمده و به دمشق وارد شد. او در سال ۱۱۷ هجری؛ یعنی در سن هفتاد وچند سالگی وفات یافت. «(۱)»

مرحوم محسن امین محلّ دفن او را مدینه دانسته است. و این قبر را از آنِ سکینه دختر یکی از امرای دمشق می‌داند که البته باید گفت هیچ منبعی به دفن سکینه دختر امام حسین در بقیع اشاره نکرده است. «(۲)»

مقبره آن بانو، گنبدی بزرگ به رنگ سبز دارد که دو گنبد دیگر نیز اطراف آن هستند. مناره‌ای به رنگ سبز نیز جلوه‌ای زیبا به این قبرستان بخشیده است. در این زیارتگاه، دختر امام‌حسین علیه السلام ونیز امّ‌کلثوم، زینب صغری دخترامام‌علی علیه السلام دفن هستند.

ساختمان کنونی این مرقد، مربوط به سده پیش است که به‌احتمال زیاد در آن دوران تجدید بنا شده و بر اساس تابلویی که بر درِ ورودی نصب گردیده، در سال ۱۳۳۰ ق. نیز مرمت شده است. در داخل شبستان و حجره مذکور- و سمت راست- ضریحی از چوب و پوشیده از پارچه سبز رنگی دیده می‌شود که به سکینه علیها السلام تعلّق دارد.

سمت چپ آن نیز ضریح دیگری به همان شکل از امّ‌کلثوم صغری است. در کنار دیوار پلکانی است که به زیر زمین باز می‌شود. در آن‌جا ضریح و تابوت هر دو قبر در دو اتاقک بسیار کوچک، با سقفی کوتاه قرار دارند. قبر سکینه علیها السلام به وسیله محفظه‌ای شیشه‌ای احاطه شده و سنگ قبری از قرن پنجم هجری، که مزین به آیاتی از قرآن به خط کوفی عصر سلجوقی و فاطمی است، دیده می‌شود.

۲. قبر امّ‌کلثوم، دختر امام علی علیه السلام

در کنار مرقد سکینه- دختر امام حسین علیه السلام- قبر امّ‌کلثوم، دختر امام علی علیه السلام است.

چنانکه در فصل اوّل گفته شد، امام علی علیه السلام چهار دختر با لقب امّ‌کلثوم داشت: ۱. زینب

۱- محسن‌الأمین، اعیان‌الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۴؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۱، ص ۲۹۷

۲- محسن الأمین، همان‌جا، برای اطلاع بیشتر از زندگانی این بانوی فداکار نک: عایشه بنت الشاطی، سکینه بنت الحسین، بیروت ۱۴۰۶ ق.

ص: ۹۴

کبری علیها السلام ۲. رقیه، امّ‌کلثوم کبری نیز که از فاطمه علیها السلام بود و در مدینه- هنگام حیات امام حسن مجتبی علیه السلام- همراه فرزندش زید بن عمر در یک روز از دنیا رفت و در بقیع مدفون شد. «(۱)» ۳- نفیسه (امّ‌کلثوم صغری)، همسر عبداللَّه اکبر بن عقیل ۴. زینب صغری، همسر محمد بن عقیل. «(۲)» این مرقد متعلّق به نفیسه و ملقب به ام‌کلثوم صغری است.

این بانو در حادثه کربلا، حضور داشته و به هنگام اسارت، با خطبه‌های غرّا و کوبنده، پاسدار خون آن شهدا بوده است. «(۳)»

امّ‌کلثوم وقتی همراه کاروان اسرا وارد کوفه شد، چون مردم به زنان اهل‌بیت نگاه می‌کردند، فریاد زد: آیا از خدا و رسولش شرم ندارید که این‌گونه به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه می‌کنید؟ ایشان همچنین قبل از ورود به دمشق، نزد عمر بن سعد رفت و از وی خواست تا زنان حرم را از دری که مردم کمتری حضور داشته باشند وارد شهر کنند، ولی او نپذیرفته بود. «(۴)»

گفتنی است در قریه داریا، در اطراف دمشق، آرامگاهی نیز به نام سکینه دختر امام علی علیه السلام وجود دارد که مردمِ محل، او را از فاطمه علیها السلام دانسته‌اند که این انتساب به یقین صحیح نیست و حتی امام علی علیه السلام دختری به نام سکینه نداشته‌اند.

تصاویر شماره ۲۱ و ۲۲

۳. قبر منسوب به فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام

فاطمه صغری- دختر امام حسین علیه السلام- از «امّ اسحاق، بنت طلحهٔ بن عبیداللَّه بن تَیمی» بوده است. «(۵)» وی در سی‌ام هجری به دنیا آمد و در واقعه کربلا نیز سی سال سن

۱- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۷۱. یعنی در حقیقت‌ام‌کلثوم کبری در واقعه کربلا در قید حیات نبوده است.

۲- . مصعب بن عبداللَّه زبیری، کتاب نسب قریش، ص ۴۴

۳- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفهٔ الصحابه، ج ۵، ص ۴۶۹؛ همچنین نک: الاحتجاج طبرسی، بلاعات النساء ابن طیفور و ...

۴- عبدالرزاق مقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء، صص ۴۰۰ و ۴۷۷

۵- زبیر بن بکار، کتاب نسب قریش، ص ۵۹؛ مجلسی، همان کتاب، ج ۴۵، ص ۳۳۱؛ حسن الامین، دائرةالمعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دوم، ص ۲۵

ص: ۹۵

داشته است. «(۱)» لذا می‌توان گفت: فرزند ارشد امام حسین علیه السلام بوده است.

فاطمه صغری زنی بزرگوار و دارای مقام عالی دینی و علمی و ادبی بود. به‌طوری که پدرش سیدالشهدا به این امر شهادت داده است و آن هنگامی بود که حسن مثنّی؛ یعنی برادر زاده او برای خواستگاری یکی‌از دختران امام‌حسین علیه السلام آمد، حضرت به‌او فرمود:

من فاطمه را برای تو برمی‌گزینم که در ظاهر، به مادرم فاطمه دختر رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله بسیار شبیه؛ و درعبادت، تمام شب درنماز و روزها روزه‌دار ودرشکل، مشابه حورالعین است. «(۲)»

او از پدر و برادرش- زین‌العابدین علیه السلام- و عمّه‌اش- زینب- و نیز عبداللَّه بن عباس و اسماء بنت عمیس حدیث روایت می‌کرده و امّ‌جعفر، ابو المقدام و زهیر بن معاویه نیز از او حدیث نقل کرده‌اند. احادیث او در کتب حدیثی اهل سنت از جمله در سنن ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، نسائی و تألیفات ابن حجر آمده است. فاطمه صغری ابتدا در منزل فاطمه علیها السلام- مادر بزرگش- در جوار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله می‌زیست. وقتی ولید دستور تخریب خانه‌های کنار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را صادر کرد، او به خارج مسجد رفت و در آن‌جا خانه‌ای ساخت و چاهی حفر کرد که برکت فراوانی داشت. مردم این چاه را زمزم می‌خواندند و از آن تبرّک می‌جستند. «(۳)»

فاطمه همانند زینب، در حوادث کربلا- مأمن و پناهگاه اهل بیت بود و در بارگاه عبیداللَّه ابن زیاد و یزید خطبه‌های غراء خواند. «(۴)» او به سال ۱۱۰ هجری، در هشتاد سالگی وفات یافت.

در قبرستان باب‌الصغیر، پشت قبر سکینه و امّ کلثوم علیهما السلام قبری منسوب به ایشان است

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۲

۲- عبدالرزاق مقرم، همان کتاب، ص ۴۰۵ بنقل از اسعاف الراغبین، ص ۲۰۲

۳- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۹۰۹

۴- مجلسی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۳۳۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سید عبدالکریم سیدعلیخان، مقتل الحسین بن علی، صص ۷۱- ۶۹

ص: ۹۶

که در داخل یک حجره و اتاقک کوچکی قرار دارد. گنبد آن به رنگ سبز و دیوارهای آن به وسیله سنگ‌های سیاه و سفید بر پا شده است. در داخل آن تابوتی چوبین، که به وسیله پارچه‌ای سبز پوشیده، دیده می‌شود و در کنار اتاق پلکانی است که به زیر زمین باز می‌شود. در آن‌جا بر سنگ قبر او آیهٔالکرسی با خط کوفی حجاری شده است.

در پایین این کتیبه جمله‌ای با عنوان «هذا قبرُ فاطِمهٔ بِنْت أَحْمَد بنِ الحُسَینْ الشهید علیه السلام» و تاریخ ۴۳۹ هجری به چشم می‌خورد. این امر ما را در این‌که قبر یاد شده به فاطمه بنت الحسین تعلّق داشته باشد با تردید مواجه می‌سازد، اگرچه عبارت کوفی نیز صحیح نیست؛ زیرا امام حسین علیه السلام فرزند پسری به نام احمد نداشته است. البته در میان فرزندان ایشان به محمّد نامی نیز اشاره شده که شاید این احمد فرزند او یا یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام باشد که واسطه‌های آن حذف شده است.

از سوی دیگر، بیشتر منابع روایت می‌کنند که فاطمه صغری در منزل خود؛ یعنی در پشت مسجد النبی صلی الله علیه و آله وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» پس به احتمال زیاد، چون روایتی هم مبنی بر سکونت فاطمه صغری در دمشق نداریم، قبر مذکور باید متعلق به نواده امام حسین علیه السلام- نه دختر او- باشد، واللّه العالم.

۴. قبر عبداللّه بن جعفر الصادق علیه السلام

قبر فرزند گرامی امام صادق علیه السلام، کمی بالاتر از قبر فاطمه صغری و در سمت چپ آن است که گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و داخل آن تابوتی چوبین با محفظه‌ای فلزی دیده می‌شود.

۵. قبر عبداللّه بن سجاد علیه السلام

قبر عبداللّه بن امام زین‌العابدین علیه السلام- معروف به عبداللّه باهر- در کنار دیواره شرقی باب الصغیر، البته در بیرون از قبرستان و پس از دِر اصلی قرار دارد. این مزار دارای صحن

۱- برای تحقیق بیشتر در این مورد نک: به تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تألیف نگارنده‌این سطور، چاپ سازمان حج و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲، ص ۲۶۰

ص: ۹۷

و گنبد سبز و شبستان نسبتاً بزرگی است. اطراف مقبره و مرقد او که در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده است «(۱)» دیواری کشیده‌اندکه آن را از قبرستان جدا ساخته‌اند.

ب) مدفن سرهای شهدای کربلا در باب الصغیر

پس از آن‌که اهل‌بیت پیامبر علیهم السلام را در کربلا به خاک و خون کشیدند، عمر بن سعد دستور داد سرهای شهدا را قطع کنند. پس از این اقدام شنیع، سرها را میان قبایل تقسیم کرد تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد تقرّب جویند. قبیله کنده سیزده سر، به ریاست محمد بن اشعث کندی. قبیله هوازن دوازده سر، به ریاست شمر بن ذی الجوشن. تمیم هفت سر. بنی‌اسد شانزده سر و بقیه قبایل تعدادی را (که در مجموع به ۷۱ سر بریده می‌رسید) حمل کردند و وارد کوفه شدند. «(۲)» عبیداللَّه دستور داد تمامی سرها را از جلویِ کاروان اسرا حرکت دهند و به شام ببرند. در شب اول ماه صفر، کاروان به دمشق رسید.

قبل از ورود آن، به دستور حکومت یزید، شهر را آراستند. زنان و مردان، هلهله کنان ایستاده و سرهای مقدس را بر نیزه‌ها و کاروان مصیبت دیدگان اهل بیت را به دنبال آن می‌نگریستند. سر مقدس عباس بن علی علیه السلام جلوتر از همه و سر مقدس امام حسین علیه السلام در آخر سرها و در جلو زنان بر نیزه افراشته بود «(۳)»؛ گویی هنوز عباس بن علی علیهما السلام جلو دار و علمدار کربلا بود.

امّ کلثوم از رییس قافله خواسته بود سرها را جلوتر از کاروان وارد شهر کنند تا مردم متوجه سرها شده وبه حرم اهل بیت نگاه نکنند. هنگام طلوع آفتاب سرهای مقدس شهدا و کاروان اسرا از «باب الساعات» وارد مسجد اموی شد. آنگاه به دستور یزید لعنهٔ اللَّه، تمامی سرها به مدت سه روز بر دروازه‌های شهر و مسجد اموی آویزان گردید. امام

۱- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۲۵۲

۲- عبد الرزاق موسوی المقرم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء، ص ۳۹۱؛ ابن صباغ مالکی، همان کتاب، ص ۱۹۷

۳- ابوالحسن شعرانی، دمع السجود، ص ۲۴۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، همان کتاب، ج ۴۵، صص ۱۲۸- ۱۲۴؛ باقر شریف القرشی، حیاهٔ الامام الحسین علیه السلام، ج ۳، صص ۳۶۹- ۳۶۸

ص: ۹۸

زین‌العابدین علیه السلام پس از چندی، موافقت یزید را گرفت تا سرها را به بدن‌ها ملحق سازد و لذا سر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا را به کربلا برد و به اجساد مطهرشان ملحق کرد. «(۱)»

در عین حال، چند سر از شهدا را در پیرامون «باب الصغیر» به خاک سپردند. امروز این مکان که حدود پنجاه متر بالاتر از درِ اصلی قبرستان باب الصغیر و سمت چپ کوچه و در حقیقت خارج از قبرستان است، دارای محوطه‌ای بزرگ است که در وسط آن حجره‌ای کوچک بوده و سرهای مقدس در این حجره دفن شده‌اند.

بر اساس کتیبه سنگی بالای حجره، ضریح قبلیِ آن را که از نقره بوده، فرمانده سپاه فاطمی مصر؛ یعنی جوهر صقلی ساخته که متعلق به قرن چهارم است. اما در سال‌های اخیر به‌جای آن، ضریحی از نقره ساخته‌اند. هر چند که بر سقف این حجره، اسامی شانزده تن از شهدای کربلا نوشته شده، لیکن به احتمال قوی تنها سر سه تن از شهدای کربلا در این مکان به خاک سپرده شده‌اند. این سرها عبارت‌اند از: ۱. سر مقدس حضرت ابوالفضل العباس علیها السلام ۲. سر مقدّس حضرت علی اکبر علیها السلام ۳. سر مقدس حبیب بن مظاهر علیها السلام.

سید محسن امین، در ۱۳۲۱ ق. کتیبه‌ای بر بالای درِ ورودی این مقام، با این عبارت دیده است: «هَذَا رأس عباس و علی بن الحسین علیهم السلام و حبیب بن مظاهر». بعدها که ضریحی بر روی این محل گذاشته شد، نام شانزده تن ذکر گردید. «(۲)» با توجه به این‌که منابع تاریخی شیعه اذعان دارند سرهای شهدای کربلا به بدن‌های آنان ملحق شده است، به نظر نمی‌رسد در این مکان بیش از سه سر به خاک سپرده شده باشد. واللّٰه اعلم بالصواب.

نام سرهایی که بر سقف گنبد این مکان ثبت شده، عبارت‌اند از:

۱. عباس ۲. علی اکبر ۳. حبیب بن مظاهر ۴. قاسم بن الحسن ۵. عبداللّٰه بن علی

۱- . مجلسی، همان کتاب، ج ۴۵، ص ۱۲۸- ۱۲۴؛ ابوالحسن شعرانی، همان کتاب، ص ۲۵۳؛ همچنین حسن الأمین، در دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، جزء دوم، ص ۳۲ و هاشم معروف الحسینی در سیرة الائمه الاثنی عشریه، ج ۲، ص ۸۰، به نقل روایت‌های مختلف در مورد محل دفن سر مقدس امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند.

۲- سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۷؛ حسن الامین، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۲

ص: ۹۹

۶. عمربن علی ۷. حرّ ریاحی ۸. محمـد بن علی ۹. عبـداللَّه بن عون ۱۰. علی بن ابی‌بکر ۱۱. عثمان بن علی ۱۲. جعفر بن علی ۱۳. جعفر بن عقیل ۱۴. محمد بن مسلم ۱۵. عبداللَّه بن عقیل ۱۶. حسین بن عبداللَّه.

تصویر شماره ۲۳

ج) مقابر صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱. قبر منسوب به بلال حبشی

بلال بن رباح، از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مؤذن آن حضرت، از بردگان سیاه پوستِ خریداری شده از حبشه بود که به خدمت امیّهٔ بن خلف در آمد و سال‌ها زیر ستم وی به زندگی خویش ادامه داد تا این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید. چون برابری و مساوات از شعارهای اصلی اسلام بود، بسیاری از بندگان و بردگان، از آن استقبال کردند تا خود را از ستم و ظلم اربابان و بی‌عدالتی در جامعه رهایی بخشند. یکی از این بردگان سیاه، بلال حبشی بود. او به رغم شکنجه‌های طاقت فرسایی که از مشرکان و به‌ویژه ارباب خود؛ امیّه می‌دید، باز از اسلام و آیین خود دست نکشید. ابوبکر او را از صاحبش خرید و آزاد ساخت.

بلال پس از هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد و آن حضرت او را مؤذن خود گردانید. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت، خلیفه (ابوبکر)، از بلال خواست تا همچنان اذان بگوید ولی او نپذیرفت و گفت: سوگند خورده‌ام که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله برای هیچ کس اذان نگویم.

وقتی لشکر اسلام در مدینه آماده عزیمت برای فتح شام شد، بلال از ابوبکر اجازه عزیمت خواست. ابوبکر گفت: هر آنچه خواهی کن ولی دوست داشتم نزد من در مدینه می‌ماندی و اذان می‌گفتی، بلال نپذیرفت و وارد لشکر شد. «(۱)»

۱- ابن اعثم، الفتوح، ج ۱، صص ۹۷- ۹۶

ص: ۱۰۰

او به دمشق آمـد و در «داریـا»، یکی از قریه‌های اطراف دمشق ساکن شـد و سـرانجام در سال بیست هجری «(۱)» یا به روایتی هفده هجری «(۲)» در دوران خلافت عمربن خطاب- در سن ۶۳ سالگی- وفات یافت. «(۳)»

در محـل دفن بلال اختلاف است. ابن کثیر قبری که در باب الصـغیر به او منسوب است را صـحیح ندانسـته و محل دفن وی را همان قریه «داریا» می‌داند. او قبری که اکنون در باب الصـغیر است، را از «بلال بن ابی الدرداء» قاضـی دمشق دانسته که فردی عابد و زاهد بوده است. «(۴)» در هر حـال، قبری که اکنون به نـام بلاـل در باب الصـغیر معروف است، کمی بالاتر از قبور سـکینه و ام‌کلثوم قرار دارد؛ و با قبر منسوب به عبداللّٰه بن جعفر طیار در یک بقعه هستند.

قبر بلال بزرگترین قبرِ داخل این بقعه است که در میان قبور دیگر متمایز و اطراف آن نیز با محفظه‌ای از شـیشه پوشانیـده شده است. تاریخ سنگ قبر وی ۶۳۵ هجری است.

بر بنای مقبره بلال گنبدی است به رنگ سبز و سوّمین گنبد از درِ ورودی قبرسـتان باب الصـغیر است. این گنبد، در ۱۰۰۷ هجری و ۱۲۸۹ هجری مرمّت شد. در ۱۳۶۱ هجری در آتش سوخت و اداره اوقاف آن را بازسازی کرد. «(۵)»

۲. قبر منسوب به عبداللّٰه بن جعفر بن ابوطالب علیها السلام

کنار قبر بلال قبری منسوب به عبداللّٰه بن جعفر، همسـر حضرت زینب علیها السلام است که به قطع ویقین صحّت ندارد؛ زیرا عبداللّٰه در سال جحاف، در مکه وفات یافت «(۶)» و در

۱- کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۱۴

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۴۴ و ۴۵

۳- پیشین، همان‌جا.

۴- کرد علی، همان کتاب، ص ۱۱۵

۵- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۱۹۸

۶- سـال جحاف سال هشـتاد هجری است که سـیلی به مکه آمـد و حاجیان را در خود فرو برد. در این واقعه‌عبـداللّٰه نود سال داشـته است، ابن حجر، الاصابه، ج ۳، ص ۴۷؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۱۲، ص ۷۲؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۲۱

ص: ۱۰۱

قبرستان بقیع به‌خاک سپرده شد. «(۱)» عبـداللّه اوّلین نوزادی بود که در حبشه به دنیا آمد و هنگام وفات پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله ده سال داشت. پدرش- ملقّب به «ذوالجناحین»- در غزوه مؤته به شهادت رسید.

پیـامبر صـلی الله علیه و آله، عبـداللّه بن جعفر را از لحـاظ شـکل ظـاهری و اخلاـق، شـبیه خـود خوانده‌انـد. «(۲)» بعضـی وی را در بخشندگی، هم‌شأن شمرده‌اند. «(۳)» او فردی بسیار عابد و با کرامت بود و همواره به همراه همسرش حضرت زینب، در خدمت امام علی علیه السلام حاضر و سه تن از فرزنـدان او به نام‌هـای عبـداللّه، عون و محمـد، در رکـاب امـام حسین علیه السـلام به شـهادت رسیدند. قبر وی بسیار کوچک و بر بالای آن دو کتیبه به‌خط کوفی دیده می‌شود که به راحتی قابل خواندن نیست.

۳. قبر منسوب به عبداللّه بن ام‌مکتوم

عبداللّه بن امّ مکتوم صـحابی جلیل القدر پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و از مسلمانان نخستین است. وی کاتب و حافظ قرآن بود و در موارد بسیار، به هنگام غزوات پیامبر صـلی الله علیه و آله جانشـینی آن حضـرت در مـدینه را بر عهـده می‌گرفت. در کنار دیواره شرقی باب الصـغیر؛ یعنی درِ دوم آن و به موازات قبور سـکینه و امّ کلثوم- به فاصـله دویست متری- اتاق کوچکی، بـدون گنبـد وبا سنگ‌های سیاه دیده می‌شود، که برآن نوشته شده: «هذا قبر امّ مکتوم صحابی رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله».

گفتنی است که تنها «کموّنه حسـینی» در تألیف خویش، به نام وی در قبرسـتان باب الصـغیر اشاره کرده است. «(۴)» پ و او باید در مدینه دفن شده باشد.

۱- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفهٔ الصـحابه، ج ۳، ص ۱۳۵. هنچنین نک: تاریخ و آثار اسـلامی مکه مکرمه ومدینه منوره، اثر نگارنده این سطور، ص ۳۲۶

۲- محب طبری، همان کتاب، ص ۲۲۱

۳- ابن حجر، همان کتاب، ج ۳، ص ۴۷؛ ابن منظور، همان کتاب، ج ۱۲، صص ۷۸- ۷۲؛ ابن اثیر، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۳۳

۴- کَمّونه حسینی، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و ائمه علیهم السلام و صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص ۱۱۱

ص: ۱۰۲

۴. قبر اوس بن اوس

اوس بن اوس از دیگر اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از اهل صفّه است که همواره در مسجد پیامبر مشغول تهجّد و عبادت بود. اوس به شام هجرت کرد و پس از وفات (در دوران خلافت عثمان)، در باب الصغیر دفن گردید. «(۱)» مقبره او اکنون در مقابل مدرسه صابونیه، در سمت دیواره غربی مقبره باب الصغیر است.

۵. واثلهٔ بن اسقع

واثله نیز همراه اوس بن اوس و عمار بن یاسر و دیگران، در ایوان صفّه در مسجد النبی صلی الله علیه و آله روزگار می‌گذراند. وی عمری طولانی داشت و گویند در سن ۱۵۰ سالگی- در دوران خلافت عبدالمک مروان (سال ۸۳ هجری)- در دمشق از دنیا رفت و در باب الصغیر دفن گردید. او آخرین صحابی بود که در این شهر وفات یافت. «(۲)» واثله پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شدّت خشمگین بود و همواره به نقل آیه تطهیر، که در شأن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، می‌پرداخت. «(۳)»

۶. قبر منسوب به ابان بن عثمان

ابان بن عثمان، فرزند خلیفه سوم و از تابعین است. وی و سه تن دیگر از محدّثان و مورّخان مشهورِ مدینه در قرن اوّل هجری، پدران تاریخ‌نگاری اسلامی محسوب شده و بیشتر محدّثان و تاریخ‌نگاران از نسل تابعین و دیگران به روایات آنان استناد می‌کرده‌اند.

ابان نزد خلفای اموی به‌ویژه معاویه احترامی ویژه داشت و به دستگاه خلافت بنی‌امیه نزدیک بود.

او در سال ۷۶ هجری، از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت مدینه منصوب شد و به مدت هفت سال در این سمت باقی ماند. «(۴)» سر انجام به سال ۱۰۵ هجری در دوران

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۴۳

۲- پیشین، ص ۴۹

۳- باقر شریف القرشی، همان کتاب، ج ۳، ص ۳۹۷

۴- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۵۱

ص: ۱۰۳

خلافت یزید بن عبدالملک از دنیا رفت.

در منابع تاریخی، نام وی جزو مدفونین در باب‌الصغیر دیده نمی‌شود ولی در سمت چپ مقابر سکینه و عبداللّه و حدود دویست متر بالاتر از آنان؛ یعنی پشت مقبره فضّه، حجره کوچکی است با گنبدی سبز رنگ که بر دیوار آن نام ابان بن عثمان دیده می‌شود.

۷. فضالهٔ بن عبید

او از صحابه‌ای بود که پس از فتح دمشق به این شهر آمد و در آن‌جا سکونت گزید.

در دوران معاویه، کرسی قضاوت در این شهر را بر عهده داشت و در سال ۵۳ هجری در گذشت. وی را در کنار ابی دردا و امّدردا دفن کردند. «(۱)»

۸. ابو دردا و امّ دردا

«ابو دردا» عویمر بن مالک بن زید نیز از صحابه بود. پیامبر صلی الله علیه و آله میان او و سلمان پیمان برادری بست و در مورد او فرمود: «عُوَیمر حکیم امت من است» «(۲)» وی که در تمامی غزوه‌های پس از احد حضور داشت، پس از فتح دمشق برای تبلیغ اسلام به این شهر مهاجرت کرد. ابو دردا در عصر خلیفه دوم و نیز حکومت معاویه قاضی دمشق بود.

سرانجام در ۳۰ هجری، در خلافت عثمان وفات یافت و در باب الصغیر، کنار مادرش «ام دردا» مدفون شد. وی در قلعه دمشق مسجد و معبدی داشت که به معبد ابی دردا معروف بود و همواره در آن‌جا به عبادت می‌نشست. «(۳)»

۹. سهل بن ربیع انصاری

وی نیز از صحابی بزرگوار و از قبیله اوس بود که در دمشق ساکن شد و در اوایل خلافت معاویه از دنیا رفت. او را در جنوب قبرستان باب‌الصغیر به خاک سپردند. «(۴)»

۱- . ابن حورانی، همان کتاب، ص ۵۰.

۲- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفهٔ الصحابه، ج ۵، ص ۱۸۵.

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۳۱؛ همچنین نک: مبحث مساجد دمشق در کتاب حاضر.

۴- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۵۱.

ص: ۱۰۴

د) مقابر زنان بنی‌هاشم و منسوبان به خاندان رسالت

۱. قبر فضه، خادمه بزرگوار فاطمه علیها السلام

«فضه نوبیه» را دختر یکی از پادشاهـان حبشه و یا هنـد دانسـته‌اند. «(۱)» این بانوی بزرگوار سال‌ها در خـدمت حضـرت فاطمه علیها السـلام بود و گفته‌انـد که بیست سال سـخنی جز کلمات قرآن از وی شـنیده نشده است. طبق نقل مفسّـِران در تفسیر آیه «هَلْ أَتی»، فضه، به‌خاطر شرکت در ایثار اهل‌بیت در دادن غذای خود به مسکین و یتیم، مشمول این آیه قرار گرفته است.

علی علیه السلام در باره‌اش دعا کرد: «اللّهمّ بارِکْ لَنا فِی فِضَّتِنا».

این بـانو همواره اهـل عبادت، زهـد و علم بود و محرم اسـرار خانـدان رسالت به شـمار می‌رفت؛ چنانکه علی علیه السـلام در باره او می‌فرمود: «فاطمه از من پیمان گرفت آنگاه که از دنیا رفت، هیچ‌کس را بر مرگ او آگاه نکنم، جز امّ ایمن و فضّه را و از مردان ...». «(۲)»

بـدین گونه فضّه تـا پایـان عمر فاطمه علیها السـلام خـدمتگزار آن حضـرت و پس از ایشان در خـدمت حسن، حسـین و زینب علیهم السـلام بود. او خانـدان نبوت را در کربلاـ همراهی می‌کرد و پس از بـازگشت به مـدینه، به احتمال زیاد همراه حضرت زینب علیها السلام به شام بازگشت و پس از وفات، در باب‌الصغیر به خاک سپرده شد. «(۳)» قبر وی کمی بالاتر از مرقد عبداللّٰه بن جعفر صادق علیه السـلام و حدود یکصد متری سـمت چپ آن؛ یعنی در انتهای دیوار غرب قبرستان واقع است. حجره و مرقد او گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و دیواره‌های آن از سنگ سیاه است.

۲. اسماء بنت عُمیس «۴»

(۴)

۱- ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۳۸۷.

۲- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت، ص ۴۱.

۳- پیشین، همان جا.

۴- اسـماء بنت عمیس، همسـر جعفر بن ابی‌طالب‌یکی از مسلمانان فداکارهمراه همسرش به حبشه هجرت کرد و در آن‌جا عبداللّٰه را به‌دنیا آورد. در سال هفتم هجری به مدینه برگشت. جعفر طیار، در غزوه موته به شـهادت رسـید و لذا اسماء با ابوبکر ازدواج کرد و محمـد بن ابی بکر را به‌دنیـا آورد. پس از مرگ ابوبکر به همسـری امـام علی علیه السـلام درآمـد و یحیی و عون از او تولـد یـافت. محمد بن ابی بکر در سایه تعلیم و تربیت علی علیه السـلام یکی از انسان‌های کامل و شـجاع و از شـیعیان خاص او شد. پیامبر صـلی الله علیه و آله در مورد اسـماء فرمودنـد« او از زنان بهشتی است» نک: ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه ۵/ ۳۹۵؛ ابن عبدالبر الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج،، ج ۱، ص ۹۴. او در حدود سال ۴۰ هجری از دنیا رفت.

ص: ۱۰۵

۳. میمونه دختر امام حسن علیه السلام

۴. حمیده دختر مسلم بن عقیل

این سه بانوی بزرگوار، در یک حجره و مقبره آرمیده‌انـد که در پشت مقابل سـکینه و امّ‌کلثوم و در سـمت چپ قبر عبداللّه بن جعفر صادق علیه السـلام واقع است. بر روی حجره آنان، گنبدی به رنگ سبز و در داخل آن تابوتی بزرگ و چوبین دیده می‌شود. حجره مذکور در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده و به وسیله پلکانی، به زیر زمین داخل آن راه است.
قبر اول از «حمیـده دختر مسـلم بن عقیـل» (متوفـای سـال هفتـاد هجری) قبر دوم از «اسـماء بنت عمیس» (متوفـای سال ۶۵ هجری) و سوّمین قبر از میمونه دختر امام حسن علیه السلام است.

۵ و ۶. قبور منسوب به امّ‌سلمه و امّ‌حبیبه، همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

در انتهای دیواره شرقی، کمی بالاتر از درِ اصلی قبرستان، پس از قبر عبداللّه بن سجاد علیه السلام حجره‌ای است مستقل، که در آن، دو قبر به نام‌های امّ حبیبه و امّ سـلمه، همسـران پیامبر صـلی الله علیه و آله قرار داشته است. به یقین می‌توان گفت: امّ سلمه و امّ حبیبه در قبرستان بقیع، در مدینه، مدفون‌اند و این انتساب درست نیست.

ه) قبور علما و دانشمندان و زهاد معروف دمشق

اشاره

در قبرستان «باب الصغیر» ده‌ها تن از علمای بزرگ اسلام، زهّاد، فقها، محدّثان، ادیبان و ... آرمیده‌اند.

۱. شمس‌الدین الذّهبی (ف. ۷۴۸ ق.)

شمس الدین عثمان الذهبی، از مورّخان و محدّثان بزرگ اسـلام و صاحب ده‌ها اثر تاریخی و حدیثی است. مشـهورترین اثر او با نام «تاریخ الاسلام»، در ۳۰ جلد به چاپ رسیده است.

ص: ۱۰۶

۲. ابن هشام نحوی

احمد بن عبدالرحمان بن هشام الأنصاری- دانشمند بزرگِ علم نحو و ادیب مشهور- در مصر به دنیا آمد و در دمشق وفات یافت. وی در کنار قبر بلال حبشی، در باب‌الصغیر مدفون است.

۳. ابن رجب حنبلی

از محدثان بزرگ و فقهای دمشق بوده که ده‌ها تألیف در حدیث و فقه حنابله به رشته تحریر در آورد؛ «شرح صحیح بخاری»، «شرح اربعین النوویه» و «طبقات الحنابله» از تألیفات مشهور و مهمّ اوست.

۴. ابن قیم جوزی (۶۹۱- ۷۵۱ ق.)

ابن قیم جوزی، صاحب کتاب مشهور «زادالمعاد فی هدی خیر العباد»، از فقهای اسلام است که در رو به‌روی «مدرسه صابونیه»، کنار درِ غربیِ باب‌الصغیر الأولی، که به «شارع المیدان» باز می‌شود، به خاک سپرده شده و بر روی سنگ قبر زیبای او، اشعار و احادیثی حجاری گردیده است.

۵. ابن عساکر (ف. ۵۷۱ ق.)

علی بن حسین بن هبهٔ اللّه بن عبداللّه، معروف به ابن عساکر شافعی دمشقی، صاحب کتاب معروف «تاریخ دمشق»، از بزرگترین نویسندگان و مورخان دمشق بود. «(۱)»

۶. ابن حورانی دمشقی (ف. ۵۵۱ ق.)

شیخ ابوالبیان محمد بن محفوظ القرشی- شیخ الطائفه بیانیه- معروف به «ابن حورانی» صاحب کتاب «زیارات الشام»، یکی از علما و فقهای بزرگ دمشق است. که در کتاب مشهور خود به شرح و توصیف مقابر دمشق به‌ویژه باب‌الصغیر پرداخته و بخشی از اطلاعاتی را که در تحقیق حاضر استفاده کرده‌ایم، از تألیف او برگرفته شده است.

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۵۱

ص: ۱۰۷

۷. بهلول (م. ۱۵۱ ق.)

در شارع میدان و کمی نرسیده به درب غربی باب الصغیر- در داخل محوطه کوچکی- تعدادی قبر وجود دارد. یکی از قبور آن، که کمی جلوتر از سایرین است، سنگ نبشته‌ای به صورت استوانه بر آن قرار داده شده و عبارت هذا قبر بهلول متوفی ۱۵۱ هجری بر آن دیده می‌شود.

۸. ابن مالک نحوی (م ۶۸۶ ق)

بدرالدّین بن جمال الدین مشهور به «ابن مالک»، از علما و ادبای بزرگ در علم نحو و ادبیات عرب بود. الفیه او شهرت خاص دارد و همواره در حوزه‌های علمیه تدریس می گردد. «(۱)»

و) قبور سایر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام

۱. خدیجه دختر امام زین العابدین علیه السلام.

۲. محسن بن جعفر بن هادی علیه السلام که در دوران خلافت عباسی، با شکنجه به قتل رسید.

۳. عبداللَّه بن محمد بن اطرف، فرزند امام علی علیه السلام.

۴. ابوالحسن بن علیّ بن ... امام زین العابدین علیه السلام.

۵. حسن بن عبداللَّه بن ... عمر بن علی علیه السلام.

۶. عبداللَّه بن امام محمد باقر علیه السلام.

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۶۲

ص: ۱۰۸

۷. محمد بن ابو حذیفه عتبهٔ بن ربیعهٔ بن عبد شمس، والی مصر در دوران علی علیه السلام و از شیعیان خاص آن حضرت.

۸. عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطّلب.

۹. عبدالمطّلب بن ربیعهٔ بن حارث بن عبدالمطّلب.

۱۰. رأس محمد بن ابی‌بکر (به روایتی دیگر در قاهره است). «(۱)»

۱۱. امّ الحسن، دختر حمزهٔ بن جعفر الصادق علیه السلام.

۱۲. علی بن عبداللّٰه بن عباس.

۱۳. سلیمان بن علیّ بن عبداللّٰه بن عباس و همسرش. «(۲)»

۱- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت در قاهره، ص ۱۰۵

۲- کمونه حسینی، همان کتاب، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ابن حورانی، همان‌جا؛ مسعودی، همان کتاب، حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۸

ص: ۱۰۹

نقشه

ص: ۱۱۰

۸- سایر قبرستان‌های معروف دمشق

الف) قبرستان صوفیه و قبور عارفان دمشق

اشاره

در غرب شهر قدیمی دمشق، که محل زندگی بسیاری از زهّاد و متصوّفه بوده است، قبرستانی وجود دارد که تنها اهل تصوف و بزرگان ایشان در آن به خاك سپرده شده‌اند.
قبرستان یاد شده در غرب باب‌الصغیر واقع شده و فاصله زیادی با آن ندارد. مشهورترین این متصوّفه عبارت‌اند از:

۱. ابراهیم قونوی (۶۵۲- ۷۳۲ ق.)

ابراهیم بن سلیمان الحموی، از علمای بزرگ حنفیه و از زهاد و متصوّفه مشهور قرن هفتم هجری بود، تألیفات فراوانی؛ از جمله «شرح جامع الکبیر فی الفروغ الشیبانی» و «شرح منظومه نسفی» از او به جای مانده است.

۲. احمد بن بدرالدّین (م ۹۳۴ ق.)

احمد بن بدرالدین الحنفی، از متصوفه بزرگ حنفی دمشق بود که در محله شویکه مدفون شد.

۳. ابو عمرو بن صلاح (م ۶۳۴ ق.)

تقی الدین بن صلاح، مفتیِ صلاح الدین ایوبی، فقیه، محدّث و مفسّر بزرگ، در

ص: ۱۱۱

سمت غربی قبرستان صوفیه مدفون شد. «(۱)» نگارنده این سطور در شهر حلب قبری در کنار مشهد الحسین دیده که به عمرو بن صلاح منسوب بوده است.

۴. ابن المحدث (۶۴۲– ۶۹۵ ق.)

ابراهیم بن عبدالرزاق حنفی، معروف به ابن المحدّث، در موصل به دنیا آمد و در دمشق درگذشت. وی یکی از فضلا و شعرای بزرگ متصوّفه بود.

۵. عبدالرحمان بن نوح (م ۶۵۴ ق.)

از شیوخ بزرگ فرقه نوری بود. در دمشق فتوا می‌داد و از عرفا و زهاد متقی محسوب می‌شد. «(۲)»

۶. قطب الدین نیشابوری (م ۵۷۸ ق.)

مسعود بن محمد بن مسعود، قطب الدین ابوالمعالی نیشابوری امام شافعی، از متصوّفه، بلغا و ادبای بزرگ دمشق بود، که در شرق مقابر صوفیه مدفون شد.

۷. فخر بن عساکر (م ۶۲۰ ق.)

وی شیخ الشافعیه شام و از زهّاد و عبّاد بود، که گویند هیچ‌گاه زبانش از ذکر نام خدا باز نمی‌ایستاد. از فضایل وی بسیار سخن گفته‌اند. او در شرق مقابر صوفیه و در مقابل قبر عمرو بن صلاح مدفون گشت. «(۳)»

۸. ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق.)

عمادالدین ابن کثیر قرشی الدمشقی- از مورّخان و سیره‌نویسان بزرگ اسلام- و

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۴۰

۲- پیشین، ص ۳۶

۳- پیشین ص ۳۵. فخر بن عساکر با ابن عساکر مورخ مشهور دمشق تفاوت دارد.

ص: ۱۱۲

صاحب کتاب مشهور «البدایهٔ والنهایه» از شاگردان ابن تَیمیه بود، که در کنار قبر استادش ابن تیمیه در مقابر صوفیه مدفون گشت. «(۱)»

۹. ابن تیمیه

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحیم دمشقی حنبلی، در شهر حرّان، از توابع ترکیه کنونی به دنیا آمد. در دوران حیات او، مغولان به شهرهای اسلامی هجوم آوردند و همه‌جا را در معرض ویرانی و کشتار قرار دادند. ابن تیمیه به علت تهاجم مغول به حرّان، به دمشق آمد. در سایه تعلیمات پدر، در علوم متداول زمان خود؛ از فقه، حدیث، اصول، کلام، ریاضیات، ملل و نحل و ادیان دیگر خبره شد و در فقه حنبلی به درجه اجتهاد رسید. در فقه فتاوایی داد که با فتاوای مذاهب اربعه اختلاف داشت.

وی در دارالقرآن تنکزیه دمشق به تدریس می‌پرداخت. هنگام فتح این شهر از سوی مغول، مردم را به مقابله بر ضدّ آنان فرا خواند و خود نیز در جهاد عمومی علیه آنان حضور یافت. پس از آنکه در دمشق میان عقاید وی و سایر مذاهب اربعه اختلافات و درگیری‌هایی پدید آمد، او را بارها محاکمه و به زندان انداختند ولی از عقاید خود دست بر نداشت. ابن تیمیه سفر برای زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه را حرام می‌دانست و می‌گفت تنها برای اقامه نماز در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله به آن‌جا مسافرت کرد. او به حدیثی استناد می‌کرد که «لَا تشدّ الرّحال إلّا ثلاثهٔ مساجد ...» و یا توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر بزرگان دین را جایز نمی‌دانست. خواندن نماز کنار قبور و ساختن بقعه و گنبد بر روی آن را شرک می‌شمرد. همچنین او به تجسیم خداوند قائل بود و در تفاسیر آیات الهی که از ذات احدیت سخن می‌رفت، برای خداوند دست و پا و زبان و ... تصوّر می‌کرد. این اعتقادات باعث برانگیختن خشم بسیاری از علمای اهل سنت شد. «(۲)»

حکام دمشق یا مصر نیز گاهی از عقاید او دفاع و یا بر ضد او دست به اقدام می‌زدند تا این‌که در نهایت، وی در زندان قلعه دمشق از دنیا رفت. او را در مقابر صوفیه- کنار قبر برادرش شرف الدّین عبیداللَّه- دفن کردند. «(۳)» عقاید انحرافی ابن تیمیه به ویژه تعارض و

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۳۵

۲- محمد زکی ابراهیم، نویسنده مشهور اهل سنت مصر، مبحثی بسیار علمی و مستدل در ردّ احادیث شدّالرحال ابن تیمیه ارایه کرده و در تألیف خود به‌نام مراقد اهل بیت در قاهره، ده‌ها تن از علمای بزرگ اهل سنت که علیه ابن تیمیه موضع گرفته‌اند را معرفی کرده است همان کتاب صص ۱۵۰ تا ۱۸۵.

۳- نک: ابن کثیر، البدایهٔ والنهایه، ج ۱۴، صص ۱۳۵ و ۱۳۶، ابن رحب حنبلی، طبقات الحنابله، ج ۲، ص ۳۸۸ به بعد، ابن شاکر، فوات الوفیات، ج ۱، ص ۷۰ به بعد.

ص: ۱۱۳

خصومت وی با شیعه، از طریق شاگردان متعصب او؛ یعنی شمس‌الدین ابن قیم جوزی صاحب «زاد المعاد فی هدی خیر العباد» و ابن کثیر، صاحب «البدایهٔ والنهایه» در عالم اسلام گسترش یافت و سرانجام محمد بن عبدالوهاب با استفاده از تعالیم او، مکتب جدیدی به نام «وهابیه» پدید آورد و پیروان او از جمله ابن سعود و فرزندانش (آل سعود)

پس از تسخیر شهرهای مقدس مکه و مدینه، بر اساس اعتقادات ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، بسیاری از اماکن مقدس و مورد توجه عالم اسلام در این دو شهر، به‌ویژه قبور ائمه بقیع را تخریب کردند.

ب) قبرستان باب توما و باب شرقی

اشاره

قبرستان باب توما در شرق منطقه قدیمی دمشق، منطقه مسیحی نشین قرار دارد. در این مقبره چند تن از صحابه و علمای اسلام مدفون‌اند؛ از جمله:

۱. شرحبیل بن حسنه

شرحبیل بن حسنه، یکی از چهار فرمانده اسلام است که دمشق را فتح کردند. وی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و کاتب وحی بود. در دمشق وفات یافت و در نزدیکی باب توما به خاک سپرده شد. «(۱)»

۲. ضرار بن ازور اسدی

از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که در فتح دمشق حضور داشت. وی در «خارج باب شرقی» در محله الجزماء مدفون شد. قبر او دارای ضریح و بارگاه است. «(۲)» قبر شیخ ارسلان دمشقی در نزدیکی او است.

۳. معاذ بن جبل

معاذ بن جبل، صحابی مشهور و رییس طایفه اوس، در مقبره باب شرقی مدفون

۱- نصرالدین البحره، دمشق الأسرار، ص ۱۲

۲- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۸۵

ص: ۱۱۴

است. «(۱)» این مطلب تنها در کتاب «زیارات الشام» ذکر شده است. و او باید قطعاً در مدینه دفن شده باشد.

۴. شیخ ارسلان دمشقی (ف. ۵۴۰ ق.)

عارف بزرگ و مشهور دمشق، ابی یعقوب بن عبدالرحمان عبداللّٰه الجعبری معروف به «شیخ ارسلان»، در مقبره باب شرقی مدفون است. «(۲)» وی از اکابر علما، زهاد و عرفا است که کرامات زیادی از او نقل کرده‌اند.

او در مسجد کوچکی- داخل باب توما- روزها و شب‌ها به عبادت می‌گذرانید که اکنون به مقام شیخ ارسلان معروف است. گویند در نهایت زهد می‌زیست و بیست سال تمام نجّاری می‌کرد و یک سوم از درآمد آن را صدقه و یک سوم را برای لباس و زندگی خود و یک سوم آن را به رییس و پیشوای خود می‌داد. «(۳)»

ج) قبور سلاطین مشهور دمشق

۱. معاویهٔ بن ابی سفیان

معاویه پسر ابوسفیان بن حرب بن امیه، تنها حاکمی است که چهل سال در دمشق بر مسند خلافت نشست و حکمرانی کرد. در مکان قبر وی اختلاف است؛ بعضی چون ابن حورانی گویند وی در باب الصغیر مدفون شد و دیواری بر گرد قبر وی کشیده بودند. «(۴)»

ابن طولون گوید: قبر معاویه همان قبری است که اکنون به قبر و مقام هود معروف است و در دیوار قبله جامع اموی قرار دارد؛ زیرا به اتفاق علما، هود به دمشق نیامده است. «(۵)»

۱- پیشین، همان جا.

۲- نصرالدین البحره، همان کتاب، ص ۱۳

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۸۷

۴- پیشین، همان کتاب صص ۴۶ و ۴۷

۵- پیشین، همان جا.

ص: ۱۱۵

و اما در باب‌الصغیر، قبری بدین وصف نیست و شاید نظر دوم صحیح باشد؛ زیرا کاخ معاویه (قصر الخضراء) در پشت دیوار قبله جامع اموی قرار داشته و بعدها خراب شده است. احتمال می‌رود معاویه را از ترس خوارج در دیوار جامع مدفون ساخته باشند و مکانی که امروز به عنوان قبر هود معروف است، تنها مقام هود باشد که در گذشته از آن سخن گفته‌ایم «(۱)» و در آن‌جا کتیبه‌ای از پند و اندرزهای هود یافت شده است.

امّا در پشت جامع اموی (در زقاق معاویه) که از سمت شرق جامع اموی بدان راه است، مقبره‌ای وجود دارد که به معاویه منسوب است. این مقبره حالتی نیمه مخروبه دارد و گنبدی نیز بر فراز آن به رنگ قرمز کم رنگ دیده می‌شود. در این قبه و مقبره که در داخل محوطه‌ای کوچک و در آخر کوچه بسیار باریکی است، خانواده‌ای زندگی کرده و از آن محافظت می‌کنند. متأسفانه آنان اجازه دیدار از داخل مقبره را به نگارنده ندادند.

تصویر شماره ۲۴

۲. معاویهٔ بن یزید بن معاویه (معاویه ثانی)

معاویهٔ بن یزید بن معاویهٔ بن ابوسفیان، معروف به معاویه صغیر و معاویه دوم فردی زاهد و پارسا و گوشه‌گیر بوده است. پس از مرگ یزید، با او به عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد ولی با اکراه پذیرفت و بیش از چهل یا بیست روز نیز خلافت نکرد و در عزلت و گوشه‌گیری در سن ۲۲ سالگی از دنیا رفت و به نقلی مسموم شد. وی آخرین حکمران و خلیفه اموی از نسل ابوسفیان است؛ که پس از وی خلافت به خاندان مروانیان- شعبه‌ای دیگر از بنی‌امیه- از فرزندان عاص و در رأس آن‌ها مروان بن حکم رسید.

مسعودی گوید: هنگام وفات وی، بنی امیه اطراف او را گرفتند و گفتند: خلافت را به هرکس از خاندانت می‌خواهی واگذار کن. او گفت: به خدا سوگند که شیرینی خلافت بر شما را نچشیدم، چگونه بار آن را بر گردن خود (پس از مرگم) بیندازم؟ حال که برای شیرینی آن می‌شتابید، آیا برای تلخی آن نیز چنین می‌کنید؟ خداوندا! من از تعیین خلیفه

۱- نک: مبحث جامع اموی از کتاب حاضر.

ص: ۱۱۶

بر مردم بیزارم و از آن کناره می‌گیرم. خدایا! من کسی همانند اهل شوری (در هنگام مرگ عمر بن خطاب) را نمی‌یابم. پس خود کسی که اهلیّت آن را داشته باشد، بر این امر نصب کن. ای کاش این کار را بر عهده نمی‌گرفتم. آیا من بنی‌امیه را به شیرینی آن برسانم و بار آن را بر گردن خود بگیرم و کسی که شایسته آن است از آن باز دارم؟ هرگز چنین نمی‌کنم.

ولید بن عتبهٔ بن ابی سفیان بر او نماز گزارد به امید این که خلافت به او برسد، ولی هنگامی که تکبیر دوم را می‌گفت، کشته شد. «(۱)» ابن کثیر گوید: معاویه دوم در خارج باب‌الصغیر مدفون است و ابن طولون نیز چنین گوید؛ و ابن حورانی نیز می‌نویسد: قبر وی در گوشه مقبره باب الصغیر جنوبی است. «(۲)» با کاوش فراوان در داخل باب‌الصغیر، مقبره‌ای بدین نام یافت نشد.

اما در جنوب مسجد اموی، هنگامی که از باب جنوبی و شبستان بیرون می‌رویم در سمت چپ در داخل کوچه‌ای باریک امروزه قبری به نام او وجود دارد که مردم به زیارتش می‌روند و معتقدند از او حاجت می‌گیرند.

تصویر شماره ۲۵

۳. ولید بن عبدالملک بن مروان

ولید بن عبدالملك بن مروان در سال ۸۶ ق. به خلافت رسید حکومتش نُه سال و هشت ماه به طول انجامید. ولید در سن ۴۳ سالگی مرد. او در امر بنا و ترمیم مساجد و بناهای مذهبی اهتمام داشت و جامع اموی در دمشق نیز از ساخته‌های اوست که تاکنون در جهان بی‌نظیر و مایه اعجاب است. ولید نسبت به تعمیر و توسعه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام نیز توجهی خاص داشت. گویند در باب‌الصغیر، شمال قبر معاویه دوم مدفون است. «(۳)» البته آثاری از قبر او امروزه وجود ندارد.

۱- مسعودی همان کتاب، ج ۳، صص ۷۶ و ۷۷

۲- ابن حورانی، همان کتاب ص ۴۹؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸، ص ۲۳۷

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۷۵

ص: ۱۱۷

۴. صلاح‌الدین ایوبی (م ۵۸۹ ق.)

صلاح الدین بن ایوب بن محمد بن شاذی بن مروان بن یعقوب تکریتی «(۱)»، یکی از فرماندهان بزرگ سپاه اسلام در مقابل صلیبی‌ها و فاتح بیت‌المقدس است. وی در ۵۳۲ هجری در تکریت عراق به دنیا آمد. ابتدا به خدمت نورالدین محمود زنگی شهید و سپس در دولت فاطمی نفوذ یافت و آن خلافت را مضمحل ساخت و به ایجاد دولت بزرگی بنام «ایّوبیان» دست زد. جنگ‌های متعدد او با صلیبی‌ها برخاسته از روح سلحشوری و علاقه فراوان وی به «قُدس» بود. تنها او بود که توانست بیت‌المقدس را با تلاش فراوان دوباره از تصرّف مسیحیان و متجاوزان در آورد و به دامان اسلام بازگرداند. «(۲)»

قبر او در «مدرسه عزیزیه» و پشت جامع اموی؛ یعنی حدود بیست متری درِ شمالی جامع و سمت چپ کسی است که از مسجد خارج می‌شود. مدرسه عزیزیه اکنون فقط محل مقبره صلاح‌الدین است.

در صحن حیاط مدرسه، قبر سه شهید از دوره عثمانی‌ها است و پس از آن حجره‌ای قرار دارد که بر فراز آن گنبدی با رنگ قرمز ساخته‌اند. در وسط این حجره قبر صلاح‌الدین ایوبی واقع است. سنگ قبر بزرگی داشته که با پارچه‌ای سبز پوشانیده شده و بر بالای آن نیز سرپوش و یا عمامه‌ای به رنگ سبز قرار داده‌اند.

تصویر شماره ۲۶

۵. ملک عادل ایّوبی (۵۳۴- ۶۱۶ ق.)

ملک عادل ابوبکر بن ایّوب، برادر سلطان صلاح الدین ایوبی، در بعلبک به دنیا آمد. وی دو سال از برادرش صلاح‌الدین کوچکتر بود. ابتدا به همراه پدر و برادرش در خدمت نورالدین زنگی شهید وارد شد و در جنگ‌های صلیبی همراه برادرش

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح زندگانی وی، نک: زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب، تحقیق‌صلاح‌الدین المنجد، بیروت، دارالکتاب الجدید ۱۹۸۳ م.

۲- صلاح الدین صفدی، تحفهٔ ذوی الالباب، ج ۲، صص ۹۲- ۸۰

ص: ۱۱۸

صلاح‌الدین شرکت کرد. ملک عادل پس از برادر بر مسند حکومت نشست. وی از کرج تا همدان، جزیره، شام، مصر، حجاز، یمن و حضرموت حکم می‌راند. فردی بردبار، مجاهد، صابر و آمر به معروف و ناهی از منکر بود. در قلب مردم جای داشت و به انصاف و عدالت حکومت می‌کرد. «(۱)» ملک عادل را پس از مرگ، ابتدا در قلعه دمشق مدفون ساختند و سپس به داخل مدرسه‌ای که خود ساخته بود منتقل کردند؛ یعنی مدرسه عادلیه که در سمت شمال غربی جامع اموی و در شارع کلاسه، مقابل مدرسه ظاهریه است. در داخل مدرسه و در راهروی ورودی سمت چپ، حجره‌ای است که قبر ملک عادل در وسط آن واقع شده و این بقعه در حال ترمیم است. وی در دمشق آثار و بناهای تاریخی فراوانی از خود بر جای گذاشته است.

۶. نورالدّین محمود زنگی شهید (۵۱۱– ۵۶۰ ق)

سلطان نورالدین محمود بن ابی سعید زنگی بن سیف‌الدین، از سلحشوران و مجاهدان اسلامی است که فداکاری‌ها و مجاهدت‌های فراوانی از خود در تاریخِ جنگ‌های صلیبی به ثبت رسانیده است. وی پس از مرگ پدر، به ولایت شام رسید «(۲)» و نخستین کسی است که در دمشق دارالحدیث ساخت و اکنون نیز دارالحدیث نوریه، پابرجاست. در امور خیریه و بنای مدارس، مساجد و نشر علم و مذهب اهل سنت کوشا بود. او قناعت می‌ورزید و کمتر می‌خورد و می‌آشامید. از غنایم جنگ استفاده نمی‌کرد و آن را صدقه می‌داد و خرید و فروش شراب را در سرتاسر قلمرو خود ممنوع کرده بود.

قلعه‌هایی در حلب، حمص، حماة و بیمارستانی در دمشق ساخت و آن را وقف مسلمین کرد. نورالدین را پس از شهادت، در مدرسه خود مدفون ساختند. «(۳)» مدرسه نوریه که از بناهای او به سال ۵۵۶ قمری است، در بازار خیاطین سابق و «سوق العصرونیه» کنونی در سمت چپ انتهای بازار حمیدیه قرار دارد. مدفن وی در سمت چپ راهروی

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۰۸؛ همچنین نک: زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب.

۲- صلاح الدین الصفدی، تحفهٔ ذوی الألباب، ج ۲، ص ۷۲

۳- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۲۶

ص: ۱۱۹

مدرسه است که حجره‌ای کوچک؛ محراب و گنبدی دارد و پنجره‌ای از این مقبره به بازار باز کرده‌اند که مردم آن را از بیرون زیارت می کنند. در کرامات وی مطالبی گفته شده و بعضی او را مستجاب الدعوه دانسته‌اند.

۷. ملک ظاهر بَیْبَرْس (ف. م. ۶۷۶ ق.)

ملک ظاهر بیبرس بَنْدُقْداری، از سلاطین ممالیک است. «(۱)» او از سلاطینِ پرکار در زمینه ساختِ بناها و مساجد و آثار اسلامی در شام و دمشق است. بناهای فراوانی به نام او ثبت شده است. یکی از آن‌ها مدرسه ظاهریه است که خودش را نیز در آن به خاک سپرده‌اند. این مدرسه مقابل مدرسه عادلیه- در شمال غربی جامع اموی- در شارع کلاسه است که قبر او در راهروی ورودی مدرسه- در سمت راست- داخل حجره بزرگی است.

این مقبره دارای محراب بوده و گنبدی نیز بر فراز آن قرار دارد.

۸. ملک اشرف موسی (ت. ۵۷۶ ق.)

ملک اشرف موسی، پسر ملک عادل ایوبی، جوانی خود را در بیت المقدس گذرانید و آنگاه در جنگ‌های صلیبی، در خدمت پدر و عمویش صلاح‌الدین حضور یافت و نقش مهمی ایفا کرد. «(۲)» وی برای شافعی‌ها مدرسه‌ای بنا کرد و خود نیز در فقه شافعی و حدیث، صاحب نظر بود.

مدرسه معروف «دارالحدیث الأشرفیه» از بناهای اوست که خود در آن به خاک سپرده شده است. «(۳)» دارالحدیث الأشرفیه در سمت غرب جامع اموی و نزدیک قلعه دمشق است.

۹. سیف الدین جقمق (م. ۸۲۴ ق.)

امیر سیف‌الدین جقمق از والیان دوره ممالیک دمشق «(۴)» و بانی مدرسه‌ای به نام

۱- صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲۰، صص ۲۴۶- ۲۴۴

۲- صلاح الدین صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۱۲۹- ۱۲۳

۳- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲۴

۴- صلاح الدین صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۲۰۰- ۱۹۵

ص: ۱۲۰

جقمقیه است. این مدرسه که مدفن او نیز هست، در پایان کوچه‌ای است که درِ شمالی جامع اموی به سوی آن گشوده می‌شود.

۱۰. درویش پاشا

یکی از والیـان معروف دوره عثمانی در دمشق است که در ۹۷۹ ق. در این شـهر به حکومت رسید. وی در کنار جامع درویشیه، که ساخته خود بود، به خاک سپرده شد.

مقبره وی در کنـار خیابـان درویشـیه و حـدود یکصـد متر بالاتر از مـدخل بازار حمیـدیه است که دارای قبه و دیواری هشت ضـلعی است.

۱۱. شاهنشاه بن ایّوب (م. ۵۳۴ ق.)

وی برادر صـلاح‌الدین و یکی از امرای بزرگ ایوبی بود، که در یکی از جنگ‌های مسلمانان با رومی‌ها شهید شد. مقبره او در کنار مـدرسه شـامیه قرار دارد. این مـدرسه در پایـان خیابـان یوسف العظمه، کنار پل هوایی است و هتل‌های محل اقامت زائران ایرانی نیز معمولًا در نزدیکی آن قرار دارد. آرامگاه او در کنارِ مـدرسه و به صورت مسـتقل با گنبـدی قرمز رنگ است که قبر او نیز از داخل خیابان دیده می‌شود.

۱۲. تورانشاه بن ایّوب (م. ۵۷۶ ق.)

وی یکی دیگر از برادران صـلاح‌الدین ایـوبی و از والیـان دمشـق و قـاهره بـود. «(۱)» آرامگـاه او که جنب مقـبره شاهنشـاه بن ایوب برادرش و در کنار مدرسه شامیه قرار دارد، دارای گنبدی به رنگ قرمز است.

۱۳. اسدالدین محمد شیره کوه

وی شوهر خواهر صـلاح‌الدین ایوبی است که از طرف او به اسـتانداری حمص گماشـته شـد. او کنار تورانشاه و شاهنشاه بن ایوب و در مجاورت مدرسه شامیه

۱- پیشین، ج ۲، صص ۹۷- ۹۵

ص: ۱۲۱

مدفون است. «(۱)»

۹- سایر آثار تاریخی دمشق

الف) ابواب تاریخی دمشق

اشاره

در قرون و ازمنه بسیار دور، شهرهایی که موقعیت خاص نظامی و جغرافیایی داشتند، به وسیله دیوارهایی، که گرداگرد آن کشیده شده بود، حفاظت می‌شدند. از آنجا که دمشق همواره در معرض هجوم‌ها و تاخت و تازهای پی در پی بود، گرداگرد آن، دو حصار کشیده بودند. ارتفاع دیوار اوّل حدود یک متر و نیم و ارتفاع دیوار دوم نزدیک به دو متر و در فاصله هفت متری دیوار اول قرار داشته است.

برای استحکام و تقویت بیشترِ موضعِ دفاعی آن، خندقی میان آن دو حصار حفر کرده بودند. برای دیوارها، برج‌های دایره‌ای به ابعاد دو متر و نیم، برای نگهبانی ساخته شده بود و خندقی نیز در خارج دیوارها حفر و به این وسیله شهر به سختی و شدّت محافظت می گردید.

حاکمان ممالیک دیوارهای یاد شده را ساختند تا در مقابل تیمور لنگ نقش مهمی در حفاظت از شهر ایفا کند و در نتیجه، وی ناگزیر شد با خدعه و فریب وارد شهر شود. «(۲)» در این دوران شهر به شکل مستطیل بود که از شرق به غرب آن؛ یعنی از باب الجابیه تا باب الشرقی ۱۵۰۰ متر و از شمال تا جنوب آن؛ یعنی از باب‌الفرادیس تا باب الصغیر

۱- ابی یعلی حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق ص ۳۱۶؛ صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲، ص ۷۹

۲- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ص ۴۹؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک‌المصر و القاهره، ج ۱۲، ص ۲۳۸

ص: ۱۲۲

حدود ۷۵۰ متر مساحت داشت. چون این ابعاد با دیوار به طور کامل محصور گشته بود؛ لذا برای ورود و خروج مردم ابواب و درهایی قرار داده بودند. قسمت‌هایی از این دیوارها در دوره رومی‌ها ساخته شده و ابواب آن نیز متعلّق به آن دوران بود که تا کنون نیز باقی‌مانده و قسمت‌هایی از آن نیز به دوران‌های اسلامی تعلّق دارد. ابواب اصلی شهر عبارت‌اند از:

۱. باب توما:

این دروازه در سمت شمال شرقی شهر واقع شده و از بناهای دوران رومی‌ها است.

باب توما را به یکی از سرداران رومی، به نام «توما» نسبت می‌دهند که از قریه «دومه» یا «دوما» بود. «(۱)» باب توما در دوره اسلامی نیز پا برجا؛ و در قرن ششم هجری به وسیله ایّوبی‌ها تعمیر و تجدید بنا شد؛ سپس امیر تنکز از ممالیك، دوباره آن را مرمّت کرد. «(۲)» این اثر اکنون پس از چند هزار سال، همچنان در وسط میدان باب توما، در خیابانی به همین نام قرار دارد. قسمتی از دیوار شهر در فاصله اندکی با این دروازه دیده می‌شود. بر بالای این دروازه، کتیبه‌ای وجود دارد که متعلق به دوران ایوبی است. محله باب توما سکونتگاه مسیحیان است و بیشتر ساختمان‌های آن را در دوران تسلّط فرانسوی‌ها (۱۹۲۰- ۱۹۴۵ م.) ساخته‌اند.

تصویر شماره ۲۷

۲. باب شرقی:

یکی دیگر از ابواب اصلی بازمانده از دوران رومی‌ها است که در سمت شرق شهر قرار دارد و دارای سه دهانه است. «(۳)» دهانه بزرگ در وسط و دو دهانه کوچك نیز در دو طرف آن واقع شده است. «باب شرقی» در نزدیکی باب توما بوده و دارای یك مناره و دیواره‌ای بزرگ است که تا میدان مجاور نیز کشیده شده است. این منطقه نیز همانند باب

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۶۶

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۸۴ تعمیر این دروازه در دوران امیر تنکر به سال ۱۲۲۷ میلادی انجام‌شده است.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، تعریب اکرم حسن العلبی، ص ۱۶

ص: ۱۲۳

توما مسیحی‌نشین است و چند کلیسا نیز در آن قرار دارد.

تصویر شماره ۲۸

۳. باب الفرادیس:

از دیگر دروازه‌های اصلی‌است که در سمت شمال دمشق قرار دارد و به باب‌العماره نیز معروف است. «باب الفرادیس» در کنار حرم حضرت رقیه (شمال غربی) و در مدخل سوق «العماره» است. دیوارهای سنگی این دروازه به سختی قابل دیدن است؛ زیرا در داخل بازار و دکان‌ها محو شده‌است. این دروازه نیز به دوره رومی‌ها تعلّق داشته و در دوره ملک عادل ایوبی (۶۱۳ ه.) ترمیم و بازسازی شده است. «(۱)» قابل گفتن است که «فرادیس» در زبان عربی به معنای بساتین و باغ‌ها است. بر بالای آن کتیبه‌ای به خط نسخ کوفی و مربوط به قرن هفتم هجری دیده می‌شود که از سلطان ملک عادل ایوبی است ولی بیشتر خطوط آن ناخوانا است و از بین رفته‌اند. در سمت چپ آن نیز بر روی در کوچکی کتیبه دیگری از قرن هفتم وجود دارد.

۴. باب الصغیر:

این دروازه چون از سایر ابواب دمشق کوچک‌تر بوده به «باب الصغیر» معروف گشته است. «(۲)» باب الصغیر در جنوب شهر قدیم دمشق واقع شده و از آثار دوران رومی‌ها است که به وسیله نورالدین شهید در قرن دوازدهم میلادی تجدید بنا شده است. «(۳)» قبرستان باب الصغیر نیز در نزدیکی آن است.

۵. باب السلام:

در شمال دمشق و حدود پانصد متر پایین‌تر از «باب توما» یعنی انتهای دیواره شمال غربی آن قرار دارد و در جوار نهری کوچک است. این دروازه به‌وسیله «ملک صالح

۱- قیتبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۳۱۴

۲- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۵۰، مقبره باب الصغیر در مبحث دیگر تشریح‌خواهد شد.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، ص ۱۷

ص: ۱۲۴

نجم‌الدین ایوب» در ۶۴۱ ق. ترمیم شده است. باب السلام نیز یکی از ابواب اصلی دمشق در دوره رومی‌ها بوده است.

۶. باب الفرج:

کمی پایین‌تر از باب الفرادیس (در شمال شهر) و در داخل بازار «المناخلیه» قرار دارد. از این دروازه، به جامع اموی و همچنین حرم حضرت رقیه راه است. «باب الفرج» در دوران اسلامی و به وسیله نورالدین زنگی شهید بنا شده است. این نام بدین علت بود که ساکنان شهر با گشودن آن در مقابل دشمن فرجی یافتند. «(۱)»

۷. باب کیسان:

این دروازه در جنوب شرقی شهر و در غرب باب شرقی بود که در بسیاری مواقع آن را می‌بستند. مقبره‌ای نیز به همین نام در کنار آن قرار دارد. البته این باب تخریب شده و کنیسه قدیس پطرس را در جای آن ساخته‌اند. «(۲)»

۸. باب الجناز:

در غرب دمشق قرار داشت و به باب النصر و باب دارالسعاده نیز معروف بود. که اکنون اثری از آن نیست.

۹. باب الحدید:

این دروازه مخصوص قلعه دمشق است که آن را از آهن خالص ساخته‌اند و لذا نام «باب الحدید» بر خود گرفت.

۱۰. باب الجابیه:

آین دروازه همانند باب شرقی سه دهانه دارد که در گذشته دوتای آن بسته

۱- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۵۰

۲- جان سوفاجیه، همان کتاب، ص ۵۹

ص: ۱۲۵

می‌شد. «(۱)» باب الجابیه در غرب شهر قرار دارد و به شارع مستقیم (بازار مدحت پاشا) متصل است.

هنگامی که لشکر ابراهیم پاشا خواست شهر را بگشاید، به علت وجود دیوارها و درهای مذکور، با مشکلات جدّی روبه‌رو شد. وی تنها زمانی توانست به شهر راه یابد که مردم شهر کلیدهای درهای دمشق را به او دادند. دیواری که شهر را محصور ساخته بود از غرب به شرق، به موازات جنوب «قلعه» و «بازار الاروم» کشیده شده و سپس از سمت شمال تا «باب السلام» و از آن جا به «باب توما» و در شرق تا «باب الشرقی» امتداد می‌یافت. در این دوران؛ یعنی پس از تسلّط ابراهیم پاشای مصری (قرن سیزدهم) قسمت‌های جنوبی و غربی دیوار از بین رفت و حتی اهمیت سیاسی- نظامی خود را نیز از دست داد. «(۲)»

ب) بازارهای تاریخی و مشهور دمشق

اشاره

از آنجا که دمشق در قبل و بعد از اسلام یکی از مراکز تجاری و اقتصادی مهم بوده، همه ساله بسیاری از تجّار و کاروان‌های تجارتی از شبه جزیره و سایر نقاط مجاور به آنجا می‌آمدند و در بازارهای مختلف آن به خرید و فروش و تجارت می‌پرداختند. در دوران جاهلیت، سفرهای تجارتی قریش از مکه به شام و به‌ویژه سفرهای تجارتی پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران جوانی- که با اموال حضرت خدیجه به سوی این سرزمین آمده بودند- مشهور است و در قرآن کریم به این امر اشاره شده است: لِإِيلافِ قُرَيْشٍ إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ.

ایوبی‌ها و ممالیک (قرن ششم و هفتم هجری) حدود ۱۴۰ بازار (بازارچه) در

۱- پیشین، همان‌جا.

۲- یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱، صص ۷۷ و ۷۸؛ همچنین نک: جان سوفاجیه، همان کتاب، صص ۱۶، ۵۷ و ۵۹

ص: ۱۲۶

دمشق ساختند که هریک مخصوص حرفه‌ای خاص بود و بسیاری از آن‌ها با تغییرات و بازسازی‌هایی همچنان موجود است. «(۱)»
در این بخش، به چند بازار تاریخی دمشق اشاره می‌شود که اکنون از شهرت و معروفیت ویژه برخوردار هستند:

۱. بازار حمیدیه

از مشهورترین و بزرگترین بازارهای دمشق «سوق الحمیدیه» است. پیشینه آن به‌طور دقیق مشخص نیست لیکن مسلم است این بازار، بـه نـام سـلطان عبدالحمیـد عثمـانی معروف است کـه او آن را بازسـازی کرده اسـت و در دوران‌هـای مختلـف نیز تعمیرات و بازسازی‌هایی بر آن انجام شده است.
بیشترین سـهم در ترمیم و بازسازی آن، به محمـد پاشـا بن مصـطفی العظم، والی عثمانی اختصاص دارد که در ۱۱۸۵ ق. در دمشق حکومت می‌کرد. او بـازار را از نزدیـک خـانه خود در کنـار مـدرسه احمـدیه؛ یعنی در اواسط سوق الحمیـدیه به سال ۱۱۹۵ هجری گسترش داد و به‌طور کامل از نو بازسازی کرد. تعداد دکان‌های آن به ۱۲۰ باب می‌رسید.
رشدی پاشا نیز در ۱۳۲۳ ق. تعمیراتی بر آن انجـام داد. در ۱۳۲۹ و ۱۳۳۸ ق. این بازار در آتش سوخت و محله‌های بسـیاری را در خود فرو برد که تا ۱۴۰۹ ق. همواره تعمیر و مرمّت می‌شد. «(۲)»
در داخل سوق الحمیـدیه «خانقاه» یا «مـدرسه احمـدیه» قرار داشت که بعـدها «جامع الحمیـدیه» در مکان آن ساخته شد و امروزه در همـان بـازار موجود است. طول بـازار ششـصد متر و عرض آن پـانزده متر است که از شارع حمیـدیه و کنار قلعه دمشق آغاز و تا درِ غربی جامع اموی امتداد می‌یابد. امروزه بقایای ستون‌های معبد ژوپیتر از دوران روم، در انتهای بازار حمیدیه دیده می‌شود.

۱- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۲۵۱؛ یوسف جمیل نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، صص ۱۱۵- ۹۸

۲- اکرم العلبی، دمشق، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ قیتبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۶۲

ص: ۱۲۷

تصویر شماره ۲۹

۲. بازار مدحت پاشا

یکی دیگر از بازارهای بزرگ و مشهور کنونی دمشق «سوق مدحت پاشا» است. این بازار جزو قسمت غربی «شارع مستقیم» است که در عهد رومی‌ها ساخته شده و در میان مردم دمشق به «سوق الطویل» یا «الطویله» معروف است.

بازار مدحت پاشا از غرب به شرق، بین شارع «درویشیه» و «سوق البزوریه» امتداد یافته و از سمت جنوب موازی «سوق الحمیدیه» است. در عصر ممالیک به نام «سوق الجقمق» برگرفته از نام نایب شام امیر سیف الدین جقمق (متوفای ۸۲۲ ه) مشهور بوده است.

مدحت پاشا، والی عثمانی دمشق (۱۲۹۵ ق.) این بازار را گسترش داد و از این رو به «سوق مدحت پاشا» تغییر نام یافت. این بازار نیز یک بار دچار آتش سوزی شد ولی باردیگر ترمیم گردید. «(۱)» از بناهای تاریخی در آن می‌توان به: ۱. جامع هشام ۲. مناره ۳. خان الدکه ۴. خان الزیت ۵. خان جقمق ۶. خان سلیمان پاشا اشاره کرد که در دوران عثمانی ساخته‌اند. گفتنی است مدخل سوق مدحت پاشا، کمی بالاتر از آغاز سوق الحمیدیه است و قسمتی از بازار در داخل شارع المستقیم قرار می گیرد و انتهای آن نیز به نزدیکی باب شرقی می‌رسد.

۳. بازار درویشیه

این بازار میان دو مدخل غربیِ بازار حمیدیه و بازار مدحت پاشا قرار دارد. پیشینه آن، همانند بازار مدحت پاشا به دوران ایوبی‌ها می‌رسد، که البته توسط «درویش پاشا» والی عثمانی دمشق تجدید بنا و بازسازی شده است. در این بازار بناهای زیر قرار دارد: ۱. جامع درویش پاشا ۲. جامع خراطین یا مدرسه سیبائیه ۳. جامع سیبائیه ۴. مرقد درویش پاشا. گفتنی است بازار درویشیه پیاده روهای دو طرف خیابان هستند. «(۲)»

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۴۶

۲- پیشین، ص ۳۵۴

ص: ۱۲۸

۴. سوق العماره: بازار نطافین

این بـازار نزدیـک مقـام و مرقـد حضـرت رقیّه و در مـدخل جنوبی آن قرار دارد و از داخل خیابان ملک فیصل آغاز می‌شود. سابقه تاریخی سوق العماره شایـد به قبل از دوران ممالیک برسـد. «(۱)» آثار تاریخی که در آن وجود دارنـد: ۱. باب الفرادیس (یکی از دروازه‌های اصلی شهر قدیمی دمشق) ۲. مرقد حضرت رقیه علیها السلام ۳. مسجد السادات ۴.
جامع العمریه ۵. جامع النطافین.

ج) قصرهای تاریخی

اشاره

در دوره‌هـای مختلف، قصـرهای فراوانی در دمشق سـاخته شـده که بعضـی از آن‌ها در طول زمان رو به تخریب و ویرانی رفته است. قـدیمی‌ترین و مشـهورترین قصـرهای دمشق، «قصـر الخضـراء» (قصـر الأـموی) است که دارالاماره معاویه و سـپس یزیـد بوده است. عباسـیان این قصـر را، که در سـمت قبله جـامع اموی و به دیوار آن متصل بوده، تخریب کردنـد که امروزه مکان آن تبـدیل به بازار شده است. «(۲)» از این قصـر، در دیوار قبله جامع، دری گشوده می‌شده که «باب الحدید» نام داشـته و معاویه از قصـر خود به داخل مسـجد و محراب وارد می‌شده است. بقایای قصـر خضـراء در حریق مسـجد اموی سوخت و از میان رفت. قصـر معروف دیگر؛ مانند قصر عاتکه دختر یزید و همسر عبدالملک نیز از بین رفته است. قصرهای موجود دمشق عبارت‌اند از:

۱. قصر العظم: قصر اسعد پاشا

این قصـر که ابتدا خانه «امیر تنکز»، از امیران ممالیک دمشق در قرن هشتم بوده، در ۱۱۶۳ هجری توسط «امیر اسعد پاشا العظم» والی عثمانی دمشق «(۳)» ساخته شده و بنای آن در ۱۱۷۴ ق. پایان پذیرفته است. قصر اسعد پاشا بر قسمتی از معبد ژوپیتر رومی واقع و به

۱- پیشین، ص ۳۱۰

۲- ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۵؛ جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق ص ۱۰۸

۳- برای آگاهی بیشتر، از حکمرانی اسـعد پاشا در دمشق نک: به احمد البدیری و سـعید القاسـمی، حوادث‌دمشق الیومیه، ص ۸۵ به بعد.

ص: ۱۲۹

احتمـال زیاد قسـمتی از قصـر معاویه؛ یعنی قصـر الخضـراء را نیز در برمی‌گرفته است. «(۱)» این قصـر در ۱۹۲۵ میلادی دچار آتش سوزی شـد و بـار دیگر بازسازی گردیـد. مکان آن در سوق البزوریه (در جنوب جامع اموی) است. امروزه این قصـر را، که یکی از زیباترین قصـرهای موجود دمشق است. به موزه ملّی تبدیل کرده‌اند. قصـر العظم حیاطی بسـیار بزرگ با ۳۶ اتـاق دارد که اکنون هر کدام بخشی از موزه‌های مردم شناسی، سلاح و البسه و ... را تشکیل می‌دهند.

تصویر شماره ۳۰

۲. قصر الأبلق

در تکیه سـلیمانیه کنونی است و برای ضـیافت میهمانـان و مـأمورین کشورهـای دیگر ساخته شـده است. این قصـر را که ملک ظاهر بیبرس ساخته بود، به دستور امیر تیمور لنگ تخریب کردند. «(۲)» سپس سلطان سلیمان قانونی بر مخروبه آن «تکیه سلیمانیه» کنونی را ساخت. گفتنی است قصر الأبلق نیز بر مکان قصر دارالاماره فاطمی‌ها ساخته شده بود.

د) – تکایا

۱. تکیه سلیمانیه

این تکیه به فرمان سـلطان سـلیمان قانونی، در ۹۶۶ قمری به جـای قصـر ابلق ساخته شـد که در دوره تیمور لنگ تخریب گشـته بود. «(۳)» این تکیه از دو عمارت غربی و شرقی ساخته شده و در بنای آن از معماری اسلامی، رومی بهره برده شده است.

تکیه مذکور که نبش خیابان اصـلی دمشق پس از پل روگذر اصلی یوسف‌العظمه قرار دارد، سه در اصلی و چندین گنبد کوچک و بزرگ دارد. قسمت مسقف داخلی آن، به وسیله ستون‌هایی از سنگ برپاست و گنبدی بزرگ نیز بر فراز آن است. دو مناره نیز در

۱– قتیبه شهابی، اسواق دمشق ص ۲۴۱؛ یوسف نعیسه مجتمع مدینه دمشق، ج ۲، ص ۵۰۴

۲– نصرالدین البحره، دمشق الاسرار صص ۱۶۸– ۱۶۵

۳– یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۶۰

ص: ۱۳۰

سمت شرقی و غربی آن ساخته‌اند.

تکیه سلیمانیه در زلزله دمشق ویران شد و در ۱۱۵۹ قمری ترمیم گردید که از آن هنگام، سربازان عثمانی در آن ساکن می‌شدند. اکنون نیز به عنوان موزه نظامی و یک اثر تاریخی زیبا برای بازدید سیاحان است.

تصویر شماره ۳۱

۲. تکیه سلیمیه

به فرمان سلطان سلیم عثمانی در «صالحیه» ساخته شد که در ذکر آثار تاریخی صالحیه به آن خواهیم پرداخت. «(۱)»

۳. تکیه شمس احمد پاشا

سلطان سلیمان شمس احمد پاشا، والی عثمانی دمشق، آن را در پشت قلعه دمشق- سمت جنوب آن- و کنار خندق ساخته است. در داخل این تکیه حجره‌هایی برای صوفیه قرار دارد. «(۲)»

۴. تکیه مولویه

در ۹۹۳ قمری برای «فرقه مولویه»، که به جلال‌الدین رومی صاحب مثنوی منسوب بودند، ساخته شد. این مولوی خانه، در غرب جامع و دارالقرآن تنکز واقع است. «(۳)»

گفتنی است به علت کثرت صوفیه در داخل دمشق، تکیه‌ها و خانقاه‌های مربوط به فرقه‌ها، فراوان است که برخی از آنها هنوز پابرجا مانده است.

ه) قلعه تاریخی، نظامی دمشق

از آنجا که شهر دمشق در طول تاریخ حیات خود، از موقعیّت خاص نظامی و

۱- نک: ص ۱۴۹ از کتاب حاضر.

۲- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۶۲

۳- پیشین، همان جا.

ص: ۱۳۱

سوق‌الجیشی برخوردار بوده، بنـای قلعه‌ای مستحکم برای حفـاظت و امنیت آن و اسـتقرار فرمانـدهی نظامی جنگ‌ها، به‌ویژه هنگام جنگ‌های صلیبی، امری ضروری بوده است.

این قلعه در دوران رومی‌ها ساخته شـده و برای محافظت از شـهر، حالت دژ ماننـدی داشـته است. قلعه دمشق تنها در دوران سـلاجقه (قرن پنجم) به صورت یک قلعه کامل و پایگاهی نظامی در آمده است.

این قلعه در دوران صـلاح‌الدین ایوبی- به سال ۵۷۰ هجری- پایگاه نظامی وی در جنگ‌های صـلیبی بود، لـذا وی به امر توسـعه آن همت گمـاشت. «(۱)» قلعه یـاد شـده، در ۶۱۰ هجری. نیز بـه وسـیله ملـك عـادل- برادرش- توسـعه یـافت. وی که از رزمنـدگان و فرمانـدهان بزرگ سـپاه اسـلام در نبرد با صـلیبی‌ها بود، این قلعه را وسـعت بسـیار بخشـید و حتی به احـداث کارخانه سـلاح سازی، ضرب سکه، بیت المال، زندان، حمام، مسجد و بازاری در آن پرداخت و در حقیقت آن را به یک شهر کوچك نظامی تبدیل کرد.

قلعه دمشق که به صورت مستطیل و دارای ابعاد ۲۲۰* ۱۶۰ متر است، به وسیله خندقی که اطراف آن حفر شده بود محافظت می‌شد. چهار برج دیده‌بانی مرتفع نیز در اطراف آن قرار داشت. عمق خندق یکصد ذرع (برابر با پنجاه متر) و مملو از آب بود.

بر درِ اصلی قلعه و روی خندق، پلی متحرك ساختند که هنگام ورود یا خروج افراد، باز و بسته می‌شد.

در این قلعه، براحتی حدود بیست هزار مرد جنگی با اسبان خویش جای می‌گرفتند.

قلعه، دری به نام «باب السرّ» داشـته است که مخفی بود و به وسـیله پلی که از چوب بر روی خندق نهاده می‌شد- می‌توانستند به آن راه یابنـد. «(۲)» در کنـار قلعـه دمشـق بـازاری به نـام «الخیـل» قرار داشت که در آن نیروهـای نظـامی به تعمیر سـلاح و رسـیدگی به اسب‌های خود می‌پرداختند.

قلعه دمشق در هجوم تیمور لنگ دچار حریق و ویرانی گردید و دوباره بازسازی

۱- ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۳، ص ۳۲۶

۲- اکرم العلبی، دمشق بین العصر الممالیك و العثمانیین، صص ۵۲ و ۵۳

ص: ۱۳۲

شد. «(۱)» قلعه مذکور اکنون در کنار بازار و میدان حمیدیه، جلوه‌ای تاریخی و نظامی به شهر بخشیده است. دیواره‌های آن از سنگ‌های بزرگ است و هنوز برج‌های آن در هر چهار سمت سالم بر جای مانده است. بر دیوار پشت قلعه که از طرف جامع اموی به آن راه است، دو کتیبه به خط نسخ و کوفی دیده می‌شود که از ترمیم و تجدید بنای آن در دوره ملک عادل یاد می‌کند. قلعه در دهه گذشته پایگاه پلیس بوده ولی اکنون پس از تعمیر به موزه‌ای نظامی تبدیل شده است.

تصویر شماره ۳۲

و) حمام‌های تاریخی

اشاره

نظافت و حفظ بهداشت، همواره میان مسلمانان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای داشته است. یکی از افتخارات دین اسلام این است که ملتهای مسلمان در قرون مختلف اسلامی از نظیف‌ترین و بهداشتی‌ترین ملتها محسوب می‌شده‌اند. در قرون وسطی که کشورهای غربی و صاحب تمدنِ امروزین از نظافت و بهداشت چیزی نمی‌دانستند، در سراسر کشورهای اسلامی، برای حفظ بهداشت و سلامت مردم حمام‌هایی وجود داشته است. معرفی و بررسی تاریخی این حمام‌ها می‌تواند بیانگر این سابقه تمدنی باشد.

سرزمین شام و بویژه شهر دمشق به عنوان یکی از مناطق اسلامی، از همان آغاز ورود اسلام و نیز در قرون چهارم و پنجم هجری دارای حمام‌های فراوانی بوده است. به طوری که العلبی می‌نویسد: «در اوایل عصر ممالیک (قرن پنجم و ششم) در دمشق حدود ۸۵ باب حمام وجود داشته و در اواخر آن عصر به دهها برابر رسیده که هنوز آمار کاملی از آنها به دست نیامده است «(۲)».

این حمام‌ها نیمی از روز مخصوص زنان ونیمی دیگر مخصوص مردان بوده است.

امروزه بعضی از آنها موجود و مورد استفاده هستند که به دو باب از معروف‌ترین

۱- جال سوفاجیه، همان کتاب، صص ۶۴- ۵۸

۲- . اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۱۱۸

ص: ۱۳۳

آنها اشاره می گردد.

۱. حمام نورالدین شهید

این حمـام در «سوق البزوریه»- در جنوب جـامع اموی و نزدیکی قصـر العظم- توسـط سـلطان نورالـدّین محمود زنگی در سـال ۵۶۵ هجری ساخته شده است «(۱)». حمام نورالـدّین پس از اینکه چند قرن مورد اسـتفاده بود، تعطیل و دوباره در ۱۴۰۰ هجری بازسازی شد.

اکنون روزانه صدها نفر از این حمام که بسیار زیبا بازسازی شده استفاده می کنند.

بر در ورودی حمـام، نـام ملـک نورالـدین شـهید و سـال احـداث و بازسـازی آن دیـده می‌شـود. داخـل آن دو ایوان شـرقی غربی و دوش‌هـایی وجود دارد. این حمـام به رغم‌تجدیـد بنا و تعمیراتی که در آن انجام شـده، معماری قـدیمی و سـنتی خود را حفظ کرده است.

تصویر شماره ۳۳

۲. حمام ظاهریه

در کنـار مـدرسه «ظـاهریه»- در سـمت شـمال غربی جامع اموی- یعنی در شارع کلاسه، که از حرم حضـرت رقیه نیز بـدان راه دارد ملک ظاهر بیبرس در قرن ششم حمامی ساخته است «(۲)» که پس از بازسازی همچنان مورد استفاده اهالی است.

ز) بیمارستان‌های تاریخی دمشق

اشاره

در قرون چهارم و پنجم هجری- در بسیاری از سـرزمین‌های اسـلامی از جمله شام، علم پزشـکی همانند سایر علوم اسلامی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. اطِبّا و حکیمان اسـلامی در نقاط مختلف این سـرزمین به طبابت و تدریس علوم پزشـکی می‌پرداخته و به علت حمایت حکام و امرای دمشق از آنان، بسـیاری از اطبّای بزرگ اسـلامی از جمله ابن سـینا، ابن نفیس، دخواریه، نجم الدین لبودی را به سوی خود کشانیده است.

۱- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۵۳۶

۲- پیشین، ص ۵۳۲

ص: ۱۳۴

برای نخستین بار در جهان اسلام، بیمارستان‌های تخصصی در دمشق ساخته شد.

بعضی از آنها مخصوص جذامی‌ها و بعضی مخصوص مسلولین و ... بوده است. نخستین کسی که در این شهر بیمارستان ساخت ولید بن عبدالملک بود در دوران‌های بعد نیز از جمله توسط نورالدین شهید و سیف الدین قیمری بیمارستانهایی ساخته شد. در کنار این بیمارستانها برای آموزش و تدریس علوم پزشکی، مدارس طبی نیز تاسیس شده و پزشکان به تدریس در آن می‌پرداختند. مشهورترین آنها که اکنون در دمشق باقی مانده‌اند عبارتند از:

۱. بیمارستان ولید بن عبدالملک

یکی از بیمارستان‌های بسیار قدیمی دمشق، بیمارستانی است که خلیفه ولید بن عبدالملک برای جذامی‌ها ساخت تا آنان را در این مکان نگهداری و از انتقال مرض جذام به سایر مردم جلوگیری کنند «(۱)». بنای مخروبه آن در محله «اعاطله»، نزدیک باب شرقی همچنان موجود است.

۲. بیمارستان نوریه

این بیمارستان نیز یکی از بیمارستان‌های قدیمی دمشق است که توسط نورالدین شهید در ۵۴۹ هجری ساخته شد. در آن مدرسه‌ای به نام «دینسریه» وجود داشته که علمای طب در آن جا به تدریس می‌پرداخته‌اند. از بزرگانی که نام آنان به عنوان استاد طب در این بیمارستان ذکر شده می‌توان به ابن‌سینا، پزشک و فیلسوف شهیر ایرانی و زهراوی اشاره داشت.

بیمارستان نوریه توسط «بدرالدین طبیب» در قرن هفتم توسعه یافت و تا سال ۱۳۱۷ هجری نیز از آن استفاده می‌شد ولی از آن تاریخ به موزه پزشکی تبدیل شده است «(۲)».

اکنون بیمارستان نوریه در غرب سوق الخیاطین و جنوب غربی مسجد اموی است

۱- احمد عیسی بک، تاریخ البیمارستانات فی الاسلام، ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

۲- همان، ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

ص: ۱۳۵

که از داخل بازار حمیدیه نیز به آن راه است. کوچه‌ای که از بازار حمیدیه بدان منتهی می‌شود در سمت چپ کسی است که از جامع اموی وارد بازار می‌شود. بیمارستان در حدود یکصد متری این کوچه و در سمت چپ قرار دارد. گنبدی کوچک به رنگ قرمز و با ابعاد هندسی برفراز آن استوار است. داخل آن صحن بزرگ و دو ایوان و چند غرفه و حجره است که اکنون لوازم پزشکی و سیر پیشرفتهای پزشکی در طول تاریخ اسلام در این غرفه‌ها به نمایش گذاشته شده است.

تصویر شماره ۳۴

۳. بیمارستان قیمری

این بیمارستان توسط «سیف الدین قیمری» به سال ۶۵۳ هجری در محله صالحیه ساخته شده است که در مبحث آثار تاریخی صالحیه شرح کاملی از آن ارائه خواهد شد.

۴. بیمارستان عسکری (نظامی)

این بیمارستان مخصوص نیروهای نظامی بوده که توسط «ابراهیم پاشای عثمانی» در ۱۸۳۱ م ساخته شده است. مکان آن در نزدیکی مقابر صوفیه در غرب دمشق است «(۱)».

۵. مدرسه پزشکی دخواریه

این مدرسه در نزدیکی قصر العظم- یعنی در سمت قبله و جنوب جامع اموی به فاصله یکصد متری- آن است که مهذب الدین عبدالرحیم بن علی بن حامد معروف به «الدخوار» به سال ۶۲۱ هجری ساخته است. دخواریه خود ازعلمای‌بزرگ طب در دمشق بود که به لقب «شیخ الاطباء» مفتخر گردیده است. ساختمان آن اکنون بلااستفاده است «(۲)».

۶. مدرسه الدینسریه

در داخل بیمارستان نوریه و سمت چپ درِ ورودی- جنوب بیمارستان-

۱- یوسف نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، صص ۱۰۹- ۱۰۰؛ احمد عیسی بک، همان کتاب، ص ۴۵

ص: ۱۳۶

«عمادالدین ابوعبداللّه دینسری» به سال ۶۸۶ هجری مدرسه‌ای ساخته است «(۱)» که اکنون مکان آن در داخل موزه پزشکی بیمارستان نوریه واقع شده است.

۷. مدرسه اللبودیه

به وسیله «نجم‌الدین اللبودی»- در ۶۶۴ هجری- در خارج از شهر قدیمی دمشق ساخته شده است. وی از اطبای حاذق دمشق بوده و قبر وی نیز در داخل آن قرار گرفته است. از این مدرسه متاسفانه جز قبر داخل آن چیزی نمانده است «(۲)».

ح) آثار تاریخی مسیحیان

چنانکه در گذشته گفته شد تا قبل از ظهور اسلام، سرزمین شام- در قرن‌های متمادی- به رومیها متعلق و دین مسیحیت در آن جا رایج بود. به این لحاظ، مسیحیان از هر طایفه‌ای- برای انجام عبادات خویش- کلیساهایی ساخته و آثاری تاریخی از خود بر جای گذاشتند که تاکنون نیز بعضی از آنها باقی است. و برخی نیز به مسجد تبدیل شد قدیمی‌ترین آثار و اماکنی که اکنون از مسیحیان باقی است عبارتند از:

۱. قبر جرجس حواری

وی که یکی از حواریّون حضرت مسیح علیه السلام بود به فرار «بُولُس حواری» کمک کرد و خود نیز به خاطر این امر به قتل رسید. جرجس حواری را در پشت باب کیسان به فاصله ۳۶ متری آن مدفون ساختند «(۳)».

۲. کنیسه حوبریا الیاهو

در نیم فرسخی خارج دمشق قدیم صخره و یا غاری است که گویند «الیاس نبی» به هنگام فرار از ایزابل در آن مخفی شده است. بعدها کنیسه زیبایی به نام «جوبر یا الیاهو» به

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، صص ۱۰۹- ۱۰۰

۲- پیشین، همان جا، کردعلی، غوطه دمشق، ص ۱۲۸

۳- فارس دارقیو، وصف دمشق، صص ۹۸- ۹۲

ص: ۱۳۷

جای آن ساختند. این کنیسه از قدیمی‌ترین کنایس دمشق است. در کنار آن نیز مسجدی به نام محمد صلی الله علیه و آله ساخته شده که تاریخ بنای آن به قرن اول هجری می‌رسد. «(۱)»

۳. کنیسه مریم عذراء

در نیم فرسخی مقام ابراهیم در «قریه برزه «(۲)»»- در شرق کوه قاسیون (صالحیه) ساخته شده است. اسم این محل قریه «صیدنایا» است که امروزه نیز به همان نام مشهور است «(۳)».

۴. کنیسه بولس حواری

این کنیسه که در مشرق دمشق، نزدیک مقبره مسیحیان و کنار «مدخل باب کیسان» است، در ۱۹۳۹ م توسط فرانسویها ترمیم و تجدید بنا شد «(۴)».

۵. کنیسه قدیس حنانیا

یکی دیگر از قدیمی‌ترین کنیسه‌های دمشق است که در ۱۹۲۱ میلادی آثار مخروبه آن در حفاری‌ها به دست آمده است. بر مکان این کلیسا- در دوران نورالدین زنگی- مسجدی ساخته شده بود. این کنیسه در «شارع مستقیم» قرار داشته است. «(۵)»

ط) معبد ژوپیتر

این معبد به خدای رومیها یعنی «حَدَد» تعلق داشته است که آرامی‌ها آن را در هزاره اول قبل از میلاد ساخته‌اند و ابتدا معبد اله آرامی بوده است «(۶)». بعدها با تسلط رومیان، به پرستش اله آنان یعنی ژوپیتر اختصاص یافت.

۱- پیشین، صص ۵۹- ۵۶

۲- بنگرید: ص ۱۵۹ از کتاب حاضر.

۳- فارس دارقیو، همان جا.

۴- پیشین، همان جا.

۵- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، ص ۲۳

۶- نک: جان سوفاجیه، همان کتاب، صص ۲۲- ۱۷؛ نصر الدین البحره، دمشق الاسرار، ص ۵۹

ص: ۱۳۸

متأسفانه این اثر مهم تاریخی به مرور زمان از بین رفته و بخشی از آن در دوره رومیها به کنیسه بزرگ دمشق که بعدها نیمی از آن داخل جامع اموی شد تبدیل گشته است. اکنون بعضی از دیواره‌ها و ستون‌های سنگی آن که اغلب از بین رفته‌اند دیده می‌شوند. از جمله در پایان بازار حمیدیه و در پیرامون مسجد اموی. چنانکه از بقایای ستون‌های آن در باب شمالی مسجد اموی و باب غربی و شرقی آشکار است، این معبد دارای مساحتی بسیار زیاد بوده که شاید به دو برابر جامع اموی کنونی می‌رسیده است؛ زیرا قسمتهایی از این ستون‌ها در فاصله دویست متری و گاهی سیصد متری جامع اموی دیده می‌شود و قسمتهای دیگر آن نیز از طرفی به جامع اموی متصل است. مساحت آن را ۳۸۰ م* ۳۱۰ متر ذکر کرده‌اند.

درب اصلی و ورودی معبد به نظر می‌رسد در سمت پایان بازار حمیدیه بوده است؛ زیرا ستون‌های راهروی ورودی و سنگهای یک پارچه‌ای که به عنوان مدخل و سردر استفاده شده بخوبی حاکی از این امر و شباهت کامل به معبد بل در شهر تدمر سوریه دارد. بسیاری از قسمتهای باقی‌مانده دیوارها در بازارها و کوچه‌های اطراف از دید پنهان شده و به سختی می‌توان آنها را دید. در داخل محوطه، دیوار دیگری به طول ۱۵۶ متر و عرض ۹۷ متر بوده و داخل آن، مکان اصلی معبد، قربانگاه و سایر اماکن قرار داشته است.

تصویر شماره ۳۵

ص: ۱۳۹

نقشه

ص:۱۴۰

سفید

فصل سوم: کوه قاسیون و منطقه صالحیه

قاسیون در گذر تاریخ

اشاره

الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

ج- مدارس و مساجد صالحیه

یکی از مناطقی که قدمت و سابقه آن بر شهر دمشق نیز فزونی دارد «قاسیون» است، قبل از آنکه شهر دمشق ساخته شود، مردم بر دامنه کوه قاسیون که امروز به صالحیه معروف است زندگی می‌کردند و سالها بر همین منوال می‌گذشت تا اینکه به دنبال افزایش جمعیت خود، به بنای شهر دمشق پرداختند «(۱)»؛ بنابراین آثاری که در دامنه این کوه قرار دارد گاهی از آثار داخل شهر دمشق قدمت بیشتری دارد. این کوه نزد مردم دمشق از تقدّس خاصی برخوردار است، زیرا شاهد حضور انبیاء الهی بوده و حتی بعضی از آنان را در دامن خود مدفون ساخته است.

روایاتی در فضل این کوه نقل شده است از جمله اینکه: ابوقتاده گوید: «منظور از تین در قرآن کریم [والتین والزیتون کوه دمشق (قاسیون) است «(۲)»».

گویند در پایین این کوه، آدم ابوالبشر سکونت داشته، و در بالای آن قابیل، برادرش هابیل را کشته در شرق آن (در منطقه برزه) حضرت ابراهیم علیه السلام به دنیا آمده، در سمت غرب آن حضرت مسیح و مادرش مریم پناه گرفته‌اند و ام حنه، مادر مریم در دامنه آن ساکن بوده است.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بر این کوه، حضرت ابراهیم علیه السلام، لوط علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و ایوب نبی علیه السلام نماز گزارده‌اند؛ لذا از دعا در کنار آن غافل نشوید «(۳)». همچنین آن

۱- ابن طولون، القلائد الجوهریه فی تاریخ الصالحیه، تحقیق محمد احمد همان، ص ۱۰ به بعد.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام ص ۹۶؛ نصرالدین البحره، همان کتاب، ص ۱۳

۳- محمد احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۹

ص:۱۴۱

ص:۱۴۲

ص:۱۴۳

ص: ۱۴۴

حضرت فرموده‌اند: در دمشق کوهی است که در پایین آن ابی‌ابراهیم متولد شده است «(۱)».

گوینـد خداونـد بر کوه قاسیـون وحی کرد که سایه و برکت خود را بر بیت المقدس گسترده بدار. در این کوه چهل پیامبر یا- چهل تن از اولیاء خدا به غاری پناه برده و در آن جا وفات یافته‌اند که امروزه به «الاربعین» معروف است.

کوه قاسیون از سـمت مغرب به سلسله جبال لبنان و از شمال و شرق به سلسله جبال قلمون و منطقه حمص متصل است. شهر دمشق- از سـمت شـمال- در دامنه آن قرار گرفته و در حقیقت، این کـوه در جنـوب آن واقع شـده است. اکنون قاسیـون- به علت گسـترش شهر- جزو دمشـق است و هیـچ فاصـله‌ای بین شـهر و کـوه نیست. صـالحیه یعنی محله‌ای که در دامنه کوه قاسیون قرار گرفته بسیار بزرگ و شایـد بانـدازه نیمی از دمشـق قـدیم است که اکـثر خانه‌هـای آن در دامنه کـوه واقع شـده و گـاهی تـا نزدیکی قله آن نیز می‌رسد. اشتهار این منطقه به صالحیه، از قرن ششم هجری و به خاطر سکونت «خاندان بنی قدامه» در آن بوده است.

الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

۱. مغارهٔ الدّم:

در کوه قاسیـون، در محله الاربعین، غاری است که گوینـد حضـرت هابیل در آن جا توسط برادرش قابیل کشـته شد «(۲)». هنگامی که حضـرت هابیل علیه السـلام در مکان جامع اموی و بر صـخره‌ای به نام صـخره قربان، گوسفندی را برای قربانی به درگاه خداوند تقدیم داشت، آتشـی فرود آمد و آن را برگرفت، بدین معنا که قربانی او پذیرفته شد؛ در این هنگام، قابیل نیز شاخه‌هایی از گندم را بر این‌صخره قرار داد ولی مورد قبول خداوند قرار نگرفت و همانند هابیل، آتشی، قربانی او را شعله‌ور نساخت لذا او کینه برادر را به دل گرفت.

وی به دنبال هابیل علیه السـلام در دامنه کوه قاسـیون روان شـد و کینه و حسـد، در او همچنان شـعله‌ور و به دنبال راهی برای از بین بردن برادر بـود. در این حـال شـیطان بر او ظـاهر شـد و وی را به این امر تعلیم داد. قابیـل نیز در نزدیکی قله کـوه، در یـک فرصـت مناسب با سـنگی بر سـر برادر زد و او را بقتل رسانیـد «(۳)». خون هابیل بر صـخره و سـنگی در آن جا ریخت، سپس نعش برادر را برداشت و همواره سـرگردان بود تـا اینکه چنـد فرسـخ آن طرف‌تر به وسـیله آموزشـی که از دفن یک کلاغ دیـده بود او را مـدفون سـاخت. اکنون قبر هابیـل در آن مکان معروف است که شـرح آن در جای خود خواهـد آمـد «(۴)». مکـانی که خون هابیل در آن ریخته شد به «مغارهٔ الدم» معروف شده است. گویند دعا در آن جا مستجاب است.

از حضـرت علی علیه السـلام نقـل شـده: «در دمشـق کـوهی است که به آن قاسـیون گوینـد، در آن، فرزنـد آدم برادرش را کشـته و خداونـد عیسـی و مـادرش مریم را از خطر یهود پناه داده است؛ پس اگر به آن مکان رفتیـد از دعا در آن غافل نشویـد» «(۵)». گفته می‌شود بعضـی در این غار به استسـقاء می‌نشسته و دعایشان مستجاب می‌شده است و اگر مردم دعایی داشتند به این مکان می‌رفتند. همچنین گویند یحیی بن زکریا و مادرش چهل روز در این غار اعتکاف کرده‌اند «(۶)».

مکـان مغارهٔ الـدم کمی پـایین‌تر از غـار معروف اصـحاب کهف و کنار مغارهٔالجوع است. امروزه این محل به «الاربعین» یا «جوعیه» معروف و نزد مردم دمشق شهرت دارد.

از آخر محله اربعین تا مغارهٔ الدم حدود بیست دقیقه در دامنه کوه راه است که به وسیله پلکانهایی که از سنگ و سیمان ساخته شده صعود بر آن آسان گشـته است. در این مکان قبه و مسـجد کوچکی با گنبدی از گچ و سـیمان و به رنگ سبز ساخته شده که مغارهٔ الدم و مغارهٔ الجوع هر دو در این مسجد قرار دارند و تنها در بعضی از روزهای هفته از جمله

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۹۶

۲- مسعودی، مروح الذهب حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۸؛ زین‌العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲، ص ۴۲۱

۳- مسعودی، همان جا؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶

۴- نک: ص ۱۵۷ از کتاب حاضر.

۵- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۸

۶- پیشین، همان جا، ابن حورانی گوید: حضرت عیسی بن مریم و حواریون نیز در این غار نماز گزارده‌اند. ابن بطوطه نیز گوید: حضرت ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و لوط علیهم السلام در آن نماز گزارده‌اند.

ص:۱۴۵

ص: ۱۴۶

جمعه‌ها باز و مورد زیارت قرار می‌گیرد.

این مسجد را احمد پاشای عثمانی در ۱۰۸۱ ق ساخته است. «(۱)»

۲. مغارهٔ الجوع: الاربعین

در کوه قاسیون و در محله الاربعین، کنار مغارهٔ الدم، مغارهٔ الجوع قرار دارد. گفته می‌شود در این مکان چهل پیامبر و یا به روایتی چهل تن از صالحان و اولیاء خدا از گرسنگی وفات یافته‌اند. «(۲)» این پیامبران که از سوی حکومت‌های ستمگر مورد تعقیب بوده‌اند به کوه قاسیون پناه آورده و در آن جا روزگار می‌گذرانیدند، ایشان یکی پس از دیگری از فرط گرسنگی و سختی وفات یافته‌اند.

۳. غار منسوب به اصحاب کهف

در کوه قاسیون و در غرب مغارهٔ الدم و مغارهٔ الجوع، غار و مقامی به نام اصحاب کهف وجود دارد. هر چند که این امر از لحاظ تاریخی مستند نیست ولی مورد توجه مردم منطقه است، شایان گفتن است، مکان و غار اصحاب کهف در چند منطقه از جمله افسوس- از شهرهای روم، «(۳)» طرسوس و رجیب (در هشت کیلومتری عمان پایتخت اردن) احتمال داده شده است «(۴)» که مورد آخری صحیح‌تر است.

در هر صورت، این غار در دامنه کوه و در محله محی الدین قرار دارد. کوچه‌های بسیار تنگ، باریک، پرپیچ و خم دارد. عبور و مرور با ماشین در آن به سختی امکان پذیر است و مهارت زیادی لازم دارد. بر مکان اصحاب کهف، مسجدی بود که به مرور از بین رفته است و اکنون مدرسه‌ای به جای آن به نام «مدرسه فرقان» برای طلاب خارجی

۱- یوسف بن عبدالهادی، ثمار القاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۹۲؛ مسجد مغارهٔ الجوع و مغارهٔالدم بوسیله احمد پاشای وزیر در سال ۱۰۱۸ ساخته شده است همان جا.

۲- شیروانی، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ابن بطوطه گوید چهل یا هفتاد پیامبر الرحله ص ۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۰۲

۴- رومی‌ها گویند در کوهی در افسوس نزدیک طرسوس ترکیه است و محققین معاصر نیز آن را در اردن می‌دانند عظیمی حلبی، تاریخ حلب ص ۶۶

ص: ۱۴۷

ساخته شـده است. داخل این مـدرسه و در طبقه بالای آن، داخل سالنی غاری به طول پنج متر و ارتفاع ۲/۵ متر دیده می‌شود که به وسیله دری آهنین از این سالن جدا می‌شود.

تصویر شماره ۳۶

ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

۱. جامع و مقبره محیی‌الدین ابن عربی (۵۶۰- ۶۳۸)

ابوعبـداللَّه محمد بن علی بن محمد حاتمی طائی اندلسـی مکی شامی معروف به «ابن عربی» و مشـهور به، از عرفا و زهاد قرن ششـم هجری و صاحب تألیف مشهور فتوحات مکیه والفصوص الحکم است. او از نویسندگان فعال و پرکار بود، که حدود ۳۰۰ اثر تألیف داشته است. ابن عربی از خاندان فضل بزرگی بوده و قبله قائلان به وحدت وجود محسوب می‌گشته است.

شیخ علاء الدّین سمنانی از عرفا و متصوفه قرن هفتم هجری در بسیاری از حواشی فتوحات وی، به عظمتِ شأن او اعتراف کرده و او را با این عبارات مورد خطاب قرار داده است. «ایُّها الصّدیق وایُّها المُقَّربَ، ایُّها الوَلی وایُّها العارِفُ الحَقانی «(۱)».

او در علم تصوف و عرفان سـرآمد علمای عصـر خود بوده است و او را می‌توان بزرگترین و برجسته‌ترین بنیانگذار فلسفه عرفانی در تاریخ اسـلام دانست که تا قرنها بعد تمامی عارفان و اندیشـمندان عارف مسلک تحت تأثیر اندیشه‌های او بوده‌اند. حتی اندیشمندان غربی نیز از او بسـیار الهام گرفته‌انـد. دانته، فیلسوف و متفکر فرانسوی در اثر خود کمدی الهی، به طور کامل تحت تأثیر اندیشه‌های ابن عربی بـوده و تـألیف‌او تقلیـد و اقتباسـی کامـل از تـألیف ابن عربی یعنی الفصـوص الحکم است. در مـورد وی علمـا و اهـل علم مواضع مختلفی داشته‌اند که می‌توان بدین گونه تقسیم کرد:

۱- گروهی بویژه علمای دمشق مثل تفتازانی، ۲، سخاوی و ... او را تکفیر کرده‌اند.

۱- شیروانی، همان کتاب، ج ۲، صص ۴۵۶- ۴۵۳

ص: ۱۴۸

۲- عده‌ای مثل فیروزآبادی، نابلسی، کورانی و ... او را از بزرگان اولیاء، عرفاء، علما و مجتهدین دانسته‌اند.

۳- کسانی چون جلال الدین سیوطی، حصکفی و ... معتقد به ولایت او هستند ولی نگاه کردن به کتابهای او را حرام می‌دانند «(۱)».

۴- کسانی چون قاضی نوراللّه شوشتری (از علمای معروف شیعه) وی را از جمله شیعیان علی علیه السلام و مخلصان ائمه معصومین می‌دانند.

شایان گفتن است، در میان کتب و تألیفات محیی الدین به رسالاتی بر می‌خوریم که می‌تواند تمایلات شیعی او را آشکار سازد. او در مورد حضرت مهدی (عج)، ائمه معصومین و ... چند رساله دارد.

مرحوم استاد مطهری او را چنین توصیف کرده‌اند:

«محی‌الدین بن عربی عرفان را بصورت یک مکتب درآورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشته، و آنان را تحقیر کرد. بدون شک پدر عرفان نظری در اسلام، محی الدین بن عربی، این اعجوبه روزگار است. او هم در عرفان عملی قدم راسخ داشته و هم در عرفان نظری بی‌نظیر بوده است. محیی الدین غوغایی عرفانی در جهان اسلام- از اندلس گرفته تا مصر و شام و ایران و هند- بر انگیخت. صدرالدین قونوی، فخر الدین عراقی، ابن فارض مصری، داود قیصری، عبدالرزاق کاشانی، مولوی بلخی، محمود شبستری، حافظ، جامی همه از شاگردان مکتب او هستند» «(۲)».

حضرت امام (قدس اللّه نفسه الزکیه) نیز در نامه سرنوشت ساز و تاریخی خویش به گورباچف و دعوت او به اسلام و مطالعه در علوم و فلسفه و عرفان اسلامی، مطالعه کتب محیی الدین ابن عربی و بویژه فتوحات مکیّه او را سفارش کردند. این امر برای کسانی که با حربه تکفیر در مقابل محیی الدین ابن عربی ظاهر شده بودند بسیار گران آمد.

مکان جامع و مدرسه محیی الدین بن عربی در صالحیه- محله محیی الدین کنونی-

---

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت، ص ۸۸

۲- . تماشاگه راز، ص ۳۰ به بعد.

ص: ۱۴۹

و در دامنه کوه قاسیون قرار دارد. این محله دارای کوچه‌های پر پیچ و خم و بازاری قدیمی است که حدود هشت قرن به همین نام مشهور بوده است.

جامع محیی الدین که بر مزار این عارف قرار دارد به دست سلطان سلیم عثمانی در ۹۱۳ هجری ساخته شده و کتیبه‌ای نیز بر بالای در ورودی آن، تاریخ و بانی این بنا را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد بنای جامع پس از دوره عثمانی تعمیر و ترمیم شده و گنبد و نمای آن بسیار ساده و از سیمان و گچ است. در جنوب صحن و سمت چپ شبستان جامع پلکانی است که صحن را به زیر زمین متصل می‌سازد و قبر محیی الدین نیز در این زیر زمین است. بر دیواره سمت راست پلکان ورودی کتیبه‌ای به خط زیبا از دوران عثمانی است که چند بیت شعر به زبان ترکی بر زمینه سبز نوشته شده است. در این زیر زمین که به ابعاد ۳* ۶ متر است، قبر محیی‌الدین در وسط قرار گرفته و محفظه‌ای از شیشه به صورت ضریح مانندی قبر او را احاطه کرده است. بر روی سنگ قبر مذکور که مرمرین است شرحی از زندگی محی‌الدین حجاری شده است. در کنار مقبره وی سه قبر دیگر دیده می‌شود. قبر اول از شیخ حسن جزایری، قبر دوم از محمود خربوطلی (احتمالًا برادر امین خربوطلی مؤلف مشهور سوریه) و امام جماعت مسجد و قبر سوم نیز از داماد اسد پاشای عثمانی است.

در بیرون جامع و سمت چپ یعنی کنار مناره، قبرستان کوچکی است که چند تن از والیان و امرای دوره عثمانی در آن مدفون هستند.

۲. تکیه سلیمیه

این تکیه روبروی جامع و مقبره شیخ محی الدین ابن عربی قرار دارد که سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی آن را به سال ۹۲۴ هجری بنا کرده است «(۱)». این بنا که بسیار زیبا بوده اکنون مسدود و به حالتی نیمه مخروبه در آمده است. بر فراز تکیه، دو گنبد بزرگ به رنگ سفید قرار دارد. بر بالای در ورودی این تکیه، کتیبه‌ای به خط نسخ دیده می‌شود

۱- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۶، ص ۱۳۸؛ یوسف نعیسه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۶۰

ص: ۱۵۰

که به مؤسس و بانی آن یعنی سلطان سلیم اول اشاره دارد. شایان گفتن این مکان برای تدریس و اجتماعات اسلامی ساخته شده بود.

۳. بیمارستان قیمریه

یکی دیگر از بیمارستان‌های مهم و قدیمی دمشق است که توسط «امیر سیف الدین قیمری کردی»- از امرای ایوبی در ایام سلطان نجم الدین ایوب- در ۶۵۳ هجری بنا شده است «(۱)». این بیمارستان در غرب جامع و مقبره محی‌الدین بن عربی قرار دارد و گویند تا آن زمان بیمارستانی بهتر از آن در دنیا ساخته نشده بود. بنای آن از لحاظ هندسی بسیار زیبا است و شاید این ادعا نامعقول نبا شد. گفته‌اند وقتی تیمور لنگ به دمشق آمد دو ادار خویش را به داخل این شهر فرستاد و او نیز بیمارستانی بهتر از آن نیافت.

قسمتی از بیمارستان، مخصوص زنان و قسمتی مخصوص مردان و هر یک از بخشها به یک بیماری و تخصص ویژه‌ای مربوط بوده و در زیر آن نهری با آب بسیار زلالی می‌گذشته که آب آن را تأمین می‌کرده است. این بیمارستان تا قرن سیزدهم هجری دایر بوده است «(۲)» ولی اکنون مسدود است. داخل آن حیاط بزرگی است که چهار ایوانِ بزرگ در اطراف و اتاقهای فراوانی دارد. درب آن چوبی است و بالای آن کتیبه‌ای دیده می‌شود که از بانی و مؤسس آن یعنی سیف الدین قیمری سخن می‌گوید. به علت وجود بازار و دستفروش‌ها در مقابل آن، این ساختمان به سختی دیده می‌شود.

۴. مقام سیف الدین قیمری

در مقابل بیمارستان قیمری قبه و مقبره‌ای به نام سیف الدین قیمری وجود دارد که مؤسس بیمارستان قیمریه در آن مدفون است. این مکان از دوران ممالیک بوده و نمای آن از سنگ و دارای گنبدی قرمز رنگ است. این حجره اکنون بسته و مورد توجه کسی واقع نمی‌شود.

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۵۱۳

۲- احمد عیسی بک، تاریخ بیمارستانات فی الاسلام، ص ۲۲۵، یوسف جمیل نعیسه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

ص: ۱۵۱

ج- مدارس و مساجد صالحیه

۱- دار الحدیث الاشرفیهٔ البرانیه

ساخته ملک اشرف موسی به سال ۶۳۴ هجری است که در دامنه کوه قاسیون- در کنار رودخانه یزید- ساخته شده است.

۲- دار الحدیث القلانسیه

به وسیله حمزه بن اسد بن قلانسی در ۷۲۰ هجری در نزدیکی نهر یزید- و کنار حمام زهور- کنونی قرار دارد «(۱)». این دار الحدیث اکنون نیز مورد استفاده بوده و در غرب مدرسه العمریه است.

۳- دار الحدیث الناصریه

در جنوب جامع الافرم کنونی است که توسط ملک ناصر بن ملک العزیز در سال ۶۴۵ هجری ساخته شده است.

۴- مدرسه شرکسیه

توسط چرکسیان در دوره ایوبی (سده هشتم هجری) ساخته شده است. دارای دو گنبد بزرگ به رنگ قرمز است. این بنا امروزه به عنوان جامع و مسجد محله محی‌الدین بن عربی استفاده می‌شود و مکان آن نیز کمی پایین‌تر از جامع محی الدین- در داخل همان بازار- و در سمت راست است.

۵- مدرسه العمریه

هنگام ورود احمد بن قدامه به این منطقه در حدود ۵۵۰ هجری ساخته شد. این مدرسه کتابخانه‌ای بزرگ دارد و در پایین دامنه کوه قاسیون واقع شده است «(۲)».

۶- مدرسه ماردینیه

این مدرسه در حوالی جسر الابیض کنونی است و توسط عزیزهٔ الدین خاتون- دختر ملک قطب الدین ماردینی‌ظ- در قرن هفتم هجری بنا شده است.

۷- جامع حنابله

یکی از مساجد مهم عصر ایوبیان است که توسط شیخ ابو عمر بن قدامه مقدسی- از بزرگان حنابله- در قرن ششم هجری ساخته شده است. چون مظفر الدین کوکبوری- داماد صلاح الدین- هزینه فراوانی برای آن مصرف کرد به جامع مظفریه نیز معروف شد.

۸- جامع شیخ عبدالغنی نابلسی

جایگاه و محل سکونت محدث و عالم بزرگ اهل سنت در قرن یازدهم هجری- یعنی شیخ عبدالغنی نابلسی- بوده که این مسجد را نوه‌اش شیخ مصطفی ساخته است. در صحن مسجد مقبره آن دو قرار دارد.

۱- کردعلی، غوطه دمشق، ص ۱۲۵

۲- احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۷۳

ص:۱۵۲

ص: ۱۵۳

نقشه

ص: ۱۵۴

سفید

ص: ۱۵۵

ص: ۱۵۶

ص: ۱۵۷

فصل چهارم: آثار اطراف دمشق

اشاره

الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

ب- آثار و مقابر صحابه و تابعین در حومه دمشق

ج- قنیطره و جولان

الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

۱. قبر حضرت هابیل علیه السلام

هنگامی که قابیل در کوه قاسیون- مغارهٔ الدم کنونی- برادرش هابیل علیه السلام راکشت، مسافت زیادی را پیمود و او را به خاک سپرد. در منابع تاریخی مکان دفن هابیل علیه السلام در کوه قاسیون ذکر شده است ولی اینکه در کجای آن قرار دارد به طور دقیق چیزی ذکر نشده است. با این حال امروزه قبری در دامنه کوه (در غرب دمشق) به هابیل منسوب است. این مکان نزدیکِ قریه «زُبدانی» و در مسیر دمشق- بیروت در ۴۵ کیلومتری دمشق است. مسیر آن از طریق ساحهٔ الامويين و خیابان المزه به سوی بیروت است و پس از دو راهی قنیطره و زبدانی- به سمت زبدانی- در سمت راست مسیر، تابلویی با عنوان «نبی هابیل علیه السلام» دیده می‌شود. از این جا جاده‌ای خاکی و باریک در دامنه‌های کوه است که تا مقبره هابیل علیه السلام حدود ۵/ ۴ کیلومتر فاصله دارد.

منطقه مذکور نظامی است و در ابتدای راه نیز دژبانی نظامی قرار دارد پس از طی مسافت مذکور مسجد و مقبره‌ای بزرگ با گنبدی سفید نمایان می‌گردد. این مقبره هابیل نبی علیه السلام است که از دو قسمت تشکیل شده وقسمتی از آن در سالهای اخیر ساخته شده است.

در یک قسمت، شبستان جامع آن است و در قسمت دیگر نیز «مقبره هابیل علیه السلام» قرار دارد که از بناهای دوره عثمانی است.

در داخل حجره، سنگ قبری به طول هفت متر و عرض یک متر قرار دارد که با پارچه‌ای قرمز پوشیده شده است. در مورد طول

ص: ۱۵۸

اعجاب‌انگیز این قبر باید گفت سازندگان این سنگ قبر، می‌پنداشته‌اند انسان‌های نخستین قد بسیار بلندی دارند. که البته از لحاظ علمی ثابت شده است آنها کوتاهتر هم بوده‌اند. این امر برای برخی دیگر از قبور پیامبران در شام نیز دیده می‌شود. قبر شیث بن آدم در بعلبک نیز بیست متر طول دارد.

گویند نخستین کسی که عمارت و مقبره‌ای بر این قبر ساخت، اسکندر مقدونی بود.

سپس در دوره‌های اسلامی نیز تجدید بنا گشت. در دوره عثمانی‌ها گنبدی بر فراز آن ساختند و بعدها نیز قسمتهایی بدان اضافه گردید. بیرون حجره و مرقد، صحن بزرگی است که در سده اخیر ساخته شده و جامع آن نیز در کنار آن قرار دارد.

تصاویر شماره ۳۷ و ۳۸

۲. قبر منسوب به حضرت موسی علیه السلام در قریه نَیْرَب

در قریه «نَیْرَب» یکی از قرای شرق دمشق- در نزدیکی ربوه- به روایتی قبر حضرت موسی علیه السلام و به روایتی دیگر قبر ام‌حنه مادر مریم قرار دارد. این قریه در چهار کیلومتری دمشق و در دامنه کوه قاسیون بوده و مسجد بزرگی در آن به نام «جامع القدم» ساخته شده است. وجه تسمیه آن بخاطر جای پاهایی است که بر روی سنگی دیده می‌شود و گویند جای قدم‌های حضرت موسی علیه السلام است «(۱)». در این مسجد یک چهار دیواری کوچکی است که بر آن نوشته است: «بعضی از صلحا، پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیده‌اند که می‌فرمود: این جا قبر برادرم موسی است.

گویند در آن جا حضرت خضر نیز نماز گزارده است. مسجد مذکور در ۱۰۴۴ هجری به وسیله سلطان سلیمان عثمانی و احمد پاشا تجدید بنا شد. مقبره نیز توسط شیخ صالح البرکه ساخته شده و مورد زیارت و تبرک مردم و اهالی قرار دارد «(۲)».

بنای کنونی آن از همان دوره عثمانی است.

۱- ابن بطوطه، الرحله، ص ۷۰؛ نَیْرب امروزه دو قسمت است« النیرب الاعلی» و« النیرب الادنی» که داخل‌شهر شده و نزدیکی ساحه الاموین کنونی است.

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۳۹، ابن حورانی، همان کتاب، صص ۹۶ و ۸۲

ص:۱۵۹

۳. محل سکونت حضرت مریم و عیسی علیه السلام در رُبْوَه

در دامنه کوه قاسیون- سمت مغرب آن- (انتهای قاسیون) قریه «رُبْوَه» محل سکونت حضرت عیسی علیه السلام و مادرش مریم بوده که بدان پناه برده‌اند. در قرآن کریم نام این محل نیز آمده است «وآوَینا هُما الی رُبْوَه ذاتِ قرارٍ ومعین» «(۱)».

در این مکان مسجدی قرار دارد که کتیبه‌ای به خط کوفی از دوران فاطمی‌ها بر بالای آن دیده می‌شود. کمی پایین‌تر از آن، قریه «نیرَبْ» و در جنوب آن، قریه «الْمّزِهِ» قرار دارد. مکان رُبوه چون در دامنه کوه است و از زیر آن نیز نهر معروف «بَرُدی» می گذرد بسیار زیبا و باصفاست. در کنار مسجد مذکور غار کوچکی است که مردم می‌پندارند عیسی در آن به دنیا آمده است «(۲)».

۴. مکان تولّد یا حضور ابراهیم علیه السلام در بَرْزَه

در دامنه کوه قاسیون و در شرق آن، قریه‌ای به نام «البرزه» است که به عبدالعزیز بن محمد البرزی منسوب است «(۳)». در آن قریه مسجدی ساخته‌اند که گویند حضرت ابراهیم علیه السلام در آن مکان کوکب یا ستاره زهره را- که در قرآن کریم از آن یاد شده- دیده است. «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيل رأی کوکباً قال هذا رَبّی فَلَمَّا افَلَ ...» «(۴)». و برخی گفته‌اند در آنجا متولد شده است. «(۵)»

در نزدیکی این مسجد، حضرت لوط علیه السلام و سایر انبیا حضور یافته و بزرگان و شیوخ نیز در آن اقامت کرده یا اعتکاف نموده‌اند. مسجد مذکور امروزه به «جامع ابراهیم علیه السلام» معروف است و روایات زیادی نیز در فضیلت آن نقل شده است. در خارج باب آن مسجد، مکانی است که ابراهیم از نمرود در آن مخفی شده است.

۱- محمد احمد دهمان، همان کتاب، ص ۹؛ ابن بطوطه همان کتاب، ص ۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳، ص ۲۶

۳- پیشین، ج ۱، ص ۳۸۲

۴- انعام: ۷۶

۵- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۳؛ یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۸۳. در مکان تولد ابراهیم علیه السلام اختلاف است اما بیشتر روایات حاکی است در شهر اور، در فلسطین کنونی به دنیا آمده است.

ص: ۱۶۰

همچنین روایت شده است کسی که در این مکان چهار رکعت نماز بخواند گناهانش همانند روزی که از مادر متولد شده پاک خواهد شد «(۱)».

ب- آثار و مقابر صحابه و تابعین در حومه دمشق

۱. مَرج عَذراء: مرقدحُجر بن عُدَی و یارانش

در ۵۳ هجری، حجر بن عُدَی یکی از صحابه و شیعیان فداکار و عالی مقام حضرت علی علیه السلام، به دستور معاویهٔ بن ابی‌سفیان در «مرج عذراء» در ۳۶ کیلومتری شرق دمشق که امروزه در زبان محلی به «عَدْراءِ» معروف است. به شهادت رسید. مرج عذرا نخست توسط حجر بن عدی فتح و مردم آن به اسلام گرویدند و سرانجام نیز خود به علت آزادگی و استواری در اعتقادات خود در این مکان شهید شد. مزار این صحابی راستین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پیرو حقیقی علی علیه السلام همواره از سوی مسلمانان و بویژه شیعیان زیارت می‌شود.

حجر بن عدی بن معاویهٔ بن جبله به رغم کمی سن، جزو کبار و فضلای صحابه محسوب می‌شد. وی محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را جز چند سال درک نکرد و پس از رحلت آن حضرت به علّت اعتقادی که به نص و ولایت امام علی علیه السلام داشت، همراه قبیله خود «کنده» از بیعت با خلیفه وقت سرپیچید. در دوران سه خلیفه نیز چندان نقش و اثری از او در حیات سیاسی اجتماعی اسلام جز یک مورد- در لشکر کشی به جلولاء- که فرماندهی جناح چپ سپاه مسلمین را بر عهده داشت و نیز فتح مرج عذرا در شام گزارشی نیست «(۲)».

حجر در دوران خلافت علی علیه السلام نقش مؤثری در حکومت آن حضرت داشت. در جنگهای جمل و صفین امیر و فرمانده نیروهای قبیله کِنده بود و در رکاب امیرالمؤمنین فداکاری‌ها و جانفشانی‌های فراوانی کرد. در جنگ نهروان نیز فرماندهی جناح چپ سپاه امام را بر عهده داشت. در دوران خلافت معاویه، این صحابی شجاع همواره به عنوان

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۵

۲- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۶۴؛ ابن حجر، الاصابه، ج ۱، ص ۳۱۳

ص: ۱۶۱

یکی از شیعیان علی علیه السلام از اعتبار ویژه‌ای برخوردار و به علت کثرت عبادت و نماز و زهد و تقوی زبانزد خاص و عام بود. اعتبار و احترام دینی و مذهبی حجر در جامعه از یک طرف و اعتراض جدّی و تعرض او به معاویه و بویژه والی فاسق وی در کوفه- مغیرهٔ بن شعبه- از طرف دیگر، برای معاویه و والی انتسابی او خطر ساز بود. هنگامی که مغیره با ناجوانمردی تمام در مسجد کوفه به علی علیه السلام دشنام می‌داد و کسی را یارای اعتراض نبود؛ حجر بن عدی با صلابت و شجاعت تمام به او پرخاش کرد.

هنگامی که زیاد بن ابیه یا به عبارتی زیاد بن سفیان «(۱)» به حکومت کوفه رسید و دشمنی خود با شیعیان علی علیه السلام را آشکار کرد، حجر همچنان حمایت خود از امام را ادامه می‌داد.

او همواره از خطری که حجر، خلافت بنی‌امیه را تهدید می‌کرد در هراس بود، ابتدا سعی کرد تا به وسیله مصلحان و یا متمایلان به شیعه با تطمیع و تهدید، حجر و یارانش را آرام سازد. ولی نتیجه‌ای نگرفت سرانجام، زیاد، حجر را به همراه تعدادی دیگر از شیعیان سرسخت دستگیر کرد و سایر پیروانش را نیز مورد تهدید قرار داد که همگی آنان حجر را رهاکردند.

دستگیری حجر بن عدی با توجه به اعتبار مذهبی و سیاسی که در جامعه داشت کاری سهل نبود و باید زیاد، مستمسکی قوی برای دستگیری و حتی قتل او می‌یافت لذا بزرگان کوفه را جمع کرده و از آنان خواست تا اتهاماتی علیه او رائه کنند؛ ایشان نیز نامه‌ای به معاویه تنظیم کرده و اتهاماتی را به حجر بستند که نظر زیاد را تأمین نکرد لذا زیاد اتهامات زیر را شخصاً تنظیم کرد:

۱- حجر پیمان خود با خلیفه را شکسته است.

۱- زیاد بن ابیه فرزند سمیه از ابوسفیان است. سمیه زنی بدکاره بود که ابوسفیان در شبی میان راه مکه بااو خلوت کرد و حاصل این عمل زشت فرزندی بود که او را زیاد نامیدند. معاویه نیز برای آنکه زیاد را به سوی خود متمایل سازد وی را فرزند پدرش یعنی زیاد بن ابوسفیان خواند و او را برادر ناتنی خویش دانست. زیاد در ابتدا به علی علیه السلام تمایل داشت ولی با این عمل به سوی معاویه گروید و در محو و نابودی شیعیان علی علیه السلام دست به جنایاتی زد. عبیداللّه قاتل امام حسین علیه السلام نیز فرزند او بود.

ص: ۱۶۲

۲- به خلیفه دشنام می‌دهد.

۳- مردم را به خلع خلیفه و پیمان شکنی با او تحریک می‌کند.

۴- باعث ایجاد اختلاف در جامعه شده است.

۵- حجر به خدا اعتقاد ندارد «(۱)».

زیاد سرانجام حجر و چهارده تن از یاران او را به همراه این شهادت نامه کذایی و مجعول که کفر حجر و یارانش را ثابت می‌کرد به شام فرستاد. هفت نفر به وساطت بزرگان و مصلحان قوم خویش مورد شفاعت قرار گرفته و آزاد شدند. به حجر و هفت تن باقیمانده گفته شد تا با دشنام دادن به علی علیه السلام- در ملاء عام- جان خود را نجات دهند.

به روایت مسعودی، حجر و یارانش گفتند به خدا سوگند! ضربه‌های شمشیر از آنچه که ما را بدان می‌خوانید گواراتر و دیدار و لقاء خدا و رسول صلی الله علیه و آله و وصیّ او بر ما از داخل شدن در آتش بهتر است.

آنگاه مأمور معاویه آنان را یکی پس از دیگری گردن زد «(۲)». حضرت علی علیه السلام به حجر فرموده بود: تو را چه می‌شود اگر به بیزاری و دشنام نسبت به من دعوت کنند؟ حجر پاسخ داد: به خدا سوگند! اگر با شمشیر قطعه قطعه‌ام کنند و بسوزانند آن را بر این کار ترجیح می‌دهم «(۳)». افرادی که به شهادت رسیدند عبارت بودند از:

۱- حجر بن عدی.

۲- شریک بن شداد حضرمی.

۳- صیفی بن شبل شیبانی.

۴- قبیصه بن صبیعه عیسی.

۵- محرز بن شهاب فهری.

۶- کدام بن حیان.

۷- عبدالرحمان بن حسان.

۱- طبری، همان جا.

۲- مسعودی، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۹

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ترجمه شعرانی، ص ۶۴ به بعد.

ص: ۱۶۳

بـدن‌های مبـارک این عـدّه، امروزه در مکـانی که ذکر شـد یعنی «عـذراء» مورد زیـارت قرار می گیرنـد. و سـرهای آنان در «مسـجد الاقصاب» نزدیکی مقام حضـرت رقیه مدفون است «(۱)». مقبره آنان دارای ضـریحی فلزی برنگ زرد است. بر روی ضـریح از بانی آن حـاج عبـدالنبی عبـداللّه القطان کویتی- به سال ۱۴۱۳ ق- یاد شـده است. فضای مقبره حـدود ۲۵* ۲۵ متر مربع بوده و محرابی بسیار سـاده دارد. در سـمت چپ آن، جامع حجر است که از طرف جمهوری اسـلامی در ساخت آن همکاری‌هایی به عمل آمـده است.

شایـان ذکر است کمی پایین‌تر از این مکان، منطقه‌ای به نام «مرج راهط» است که جنگ بین طرفـداران عبـداللّه بن زبیر و مروان بن حکم در آن جا رخ داده است.

تصویر شماره ۳۹

۲. المِزّه و قبور صحابه

قریه «المِزّه» یکی از نواحی بسیار قدیمی دمشق است که روزگاری حدود سه کیلومتر با دمشق فاصله داشته ولی اکنون در داخل آن قرار گرفته است. المزّه در سـمت شـمال شـرقی دمشق و در خیابانی به همین نام واقع شده است. المزه در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران است. چند تن از صحابه و امامزادگان در این قریه مدفون هستند از جمله:

دَحیه کلبی

«دحیه کلبی» یکی از صـحابه بزرگ پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و از زهـاد و عُبّـاد بود. گوینـد روزی جبرئیـل علیه السـلام در صورت وی بر پیامبر صـلی الله علیه و آله ظاهر شـد «(۲)». به خـاطر وجود قبـر او، این قریه به «مزّه الکلب» نیز معروف است. قـبر این صحابی بزرگوار در قبرستان عمومی محله- که حدود پانصد متری خیابان اصلی المزّه و در کوچه‌های باریک و قدیمی است- قرار

۱- نک: ص ۸۱ از کتاب حاضر.

۲- این روز زمانی بود که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله برای محاصره بنی قریظه حرکت کردند؛ وقتی در آن مسیر بودنداز صحابه پرسیـدند آیـا کسـی را ندیدیـد از این جا بگـذرد؟ گفتنـد آری دحیه بن کلبی را سوار بر استری دیـدیم. پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: اودحیه نبود بلکه جبرئیـل بود که می‌رفت تا در میان خانه‌های بنی قریظه زلزله افکنـد ابن شـهاب زهری، المغازی النبویه، ص ۸۱

ص: ۱۶۴

دارد. این قبر در یک چهار دیواری و اتاقک کوچکی در وسط قبرستان است.

کتیبه‌ای به‌خط کوفی نیز بر سنگ قبر او نصب شده که این جمله بر آن دیده می‌شود «هذا قَبر الصَّحابیُّ الجَلیل سیدی دَحیهٔ کَلبی، الذّی کانَ یَهْبِطُ الوَحی احیاناً بِصُورتَه عَلی النَّبی صلی اللَّه علیه والسلام» در پایین این کتیبه تاریخ ۱۷۴ هجری دیده می‌شود.

قبر منسوب به سعد بن ابی وقاص

در خیابان سعد بن ابی وقاص در قریه المَزّه و کوچه‌ای به همین نام، قبری منسوب به سعد بن ابی وقاص یکی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عضو انتصابی شورای شش نفره خلافت- از سوی خلیفه دوم- قرار دارد.

در حدود ۱۰ متری کوچه، چهار دیواری بسیار کوچک و محقری است که توجه کسی را به خود جلب نمی‌کند. بر روی این حجره تابلویی دیده می‌شود که بر آن نوشته است «هذا مقام صحابی الجلیل سعد بن ابی وقاص». در داخل آن نیز قبری است که با پارچه‌ای سبز آن را پوشانیده‌اند. شایان گفتن است که به احتمال زیاد قبر وی در بقیع است.

قبر محمد بن حسن علیه السلام و ابوالقاسم بن محمد بن الحسن علیه السلام

در این قریه، قبر محمد- فرزند امام حسن علیه السلام- و ابوالقاسم بن محمد نوه آن حضرت قرار دارد که با کمال تأسف در میان کوچه‌های باریکِ قریه المَزّه- در یک چهار دیواری محقر و مخروبه- از دیدها پنهان است. از خیابان المَزّه، حدود سیصد متری داخل قریه مذکور، سمت چپ کوچه، دیواری است که روزنه و پنجره کوچکی از آن باز شده است. دو صورت قبر در آن دیده می‌شود که بر سنگ قبر آن دو به خط کوفی نام آنان نوشته شده است.

جامع یا مقبره اسامهٔ بن زید

کمی پایین‌تر از قبور فرزند و نوه بزرگوار امام حسن علیه السلام در سمت چپ کوچه اصلی، کوچه فرعی و باریک دیگری است که جامع و مسجدی به نام «اسامهٔ بن زید» در آن قرار دارد. ظاهراً وی در این مکان زندگی کرده و در آن جا فوت نموده است. مسجد مذکور بسیار کوچک و دارای مناره‌ای کوتاه است. مردم محل می‌گفتند اسامه بن زید در این جا

ص: ۱۶۵

مدفون است ولی در منابع تاریخی چنین مطلبی ذکر نشده است.

۳. داریّا و آثار آن

«داریّا» یکی از قریه‌های بزرگ اطراف دمشق است که در حدود چهار کیلومتری غرب این شهر قرار دارد. این قریه منسوب به فردی به نام دارانی است. چند تن از صحابه، زهاد و عرفا در این قریه مدفون هستند از جمله:

ابی مسلم خولانی

«عبداللَّه بن ثوب خولانی» از بزرگان زهاد و تابعین بود. کرامات فراوانی از وی نقل کرده‌اند گویند: از روی آب رودخانه دجله راه می‌رفت. و نیز گفته‌اند. وقتی اسود عنسی کذّاب در یمن ادعای پیامبری کرد، وی را احضار و به او گفت شهادت بده که من پیامبر خدایم، او نیز گفت محمد پیامبر خداست. اسود عنسی دستور داد آتش عظیمی برافروخته و ابی مسلم را در آتش انداختند. گویند آتش هیچ آسیبی به ابو مسلم نرسانید؛ لذا او را از یمن اخراج کردند. وی در قریه داریا ساکن و در همان جا وفات یافت. امروزه ضریح و مقبره او مورد زیارت مردم و اهالی قرار می گیرد «(۱)».

ابی سلیمان دارانی

عبدالرحمان بن احمد بن عطیه دارانی از اولیاء زُهاد بزرگ قرن سوم هجری، اهل واسط و عراق بود که در ۲۳۵ هجری در این قریه وفات یافت. فرزند او یعنی سلیمان نیز از عباد و زهاد قرن سوم هجری در سال ۲۳۷ ق وفات یافت «(۲)». اکنون مقبره ابی سلیمان دارانی در آن جا مورد زیارت اهالی است «(۳)».

ضریح حزقیل

در قریه داریا ضریح «حزقیل، مؤمن آل فرعون» که در قرآن (سوره غافر) از آن یاد شده قرار دارد. بعضی گویند وی حزقیل بن بوری نبی است که خداوند قومش را به سبب

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۲۵

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۱

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۱

ص: ۱۶۶

نافرمانی به طاعون مبتلا کرد و آیات ۲۴۳ سوره بقره را در مورد آنان نازل فرمود «(۱)».

قبر بلال حبشی

در قریه داریا قبر بلال حبشی مؤذن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. همان گونه که در مبحث باب الصغیر و و قبر بلال حبشی گفته شد، ابن کثیر صاحب البدایهٔ والنهایه قبر وی را در قریه داریا می‌داند؛ زیرا او پس از ورود به شام در این مکان اقامت گزید و از دنیا رفت.

ابن کثیر قبری که در باب الصغیر به او منسوب است را قبر «بلال بن ابی درداء» قاضی دمشق می‌داند.

قبر سکینه بنت علی علیه السلام

در داریا قبری منسوب به سکینه بنت علی است که امروزه بقعه و بارگاهی دارد امّا این انتساب صحیح نیست زیرا امام علی علیه السلام دختری به نام سکینه نداشته است.

تصاویر شماره ۴۰ و ۴۱

۴. قریهٔ المَنیحَه: قبر سعد بن عُباده خزرجی

قریه «مَنیحَه» در شرق دمشق قرار دارد که در حدود چهار کیلومتری آن قبر سعد بن عُباده خزرجی رئیس قبیله خزرج و صحابی بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. سعد بن عُباده نخستین کاندیدای خلافت از انصار در سقیفه بنی ساعده بود «(۲)». او با ابوبکر بیعت نکرد لذا از مدینه تبعید شد و تاوان مخالفت خویش را در دوران خلافت عمر بن خطاب پس داد.

وی در این زمان در حُوران- یکی از استان‌های شام و سوریه کنونی- سکونت یافته؛ و به طرز مرموزی به قتل رسید «(۳)». بعدها قتل او را گردن جنیان انداختند. شعر معروفی نیز در مورد قتل او منسوب به جنیان در منابع مضبوط است «(۴)». مقبره او امروزه مورد زیارت اهالی قریه است. این قبر داخل مسجدی است و کتیبه‌ای نیز به خط کوفی دیده می‌شود که

۱- محمد بن علی العظیمی الحلبی، تاریخ حلب، ص ۶۳

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۶۱۶

۳- ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۴

۴- پیشین، همان جا. قریه منیحه به« ابوالعباس ولید بن عبدالملک بن خالد بن‌یزید المنیحی» منسوب‌است یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۷

ص: ۱۶۷

بر آن نوشته است «هذا قبر سعد بن عبادهٔ رئیس الخزرج».

۵. قریه بیت أرانِس: قبر کناز صحابی

یکی از قریه‌های اطراف دمشق است که اکنون به «بیت رانِس» مشهور است. در این قریه، قبر ابی مَرثَدْ یکی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و معروف به «کنّاز الصحابی» قرار دارد «(۱)».

امروزه قبر او در شمال این قریه زیارت می‌شود.

۶. قریه دیر مُرّان: قبر تمیم الداری انصاری

این قریه در خارج از دمشق در سمت غرب شهر قرار دارد و قبر «تمیم الداری بن حبیب الانصاری»، صحابی بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن است. وی از اهل صفّه و از زهاد و علماء و صحابه بوده، و کرامات زیادی از او نقل شده است «(۲)». قبر او بسیار معروف و گنبد و بارگاهی زینت بخش آن است.

۷. قریه البجدلیه: مقام بایزید بسطامی

در جنوب دمشق مقام «بایزید بَسْطامی»، عارف و صوفی مشهور واقع شده است.

وی در این مکان به ریاضت و عبادت می‌نشسته است. اکنون جایگاه و عبادتگاه بایزید بسطامی مورد توجه مردم دمشق است «(۳)».

۸. شهرک صیدنایا: دیر صیدنایا

این شهرک در بیست کیلومتری شمال دمشق واقع است. «دیر صیدنایا» که محل حضور حضرت مریم بوده، اکنون با نام «کنیسه مریم عذراء» مورد توجه مسیحیان و حتی مسلمانان است «(۴)».

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۱۹؛ ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۳۷

۲- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۳۲

۳- پیشین، ص ۱۳۷

۴- فارس دارقیو، وصف دمشق، ص ۶۶- ۶۳

ص: ۱۶۸

ج- قنیطره و جولان

جولان منطقه‌ای است که در آخرین نقطه غرب و شمال غربی استان حوران قرار دارد و از لحاظ تقسیمات کنونی ایالتی سوریه، جزو استان قنیطره است. جولان از مناطق مشهور و قدیمی شام بوده و در دوران قدیم به آن «تراکونیت» می گفتند. این منطقه در گذشته از دامنه جبل شیخ تا وادی یرموک امتداد می‌یافته و شهر کنونی قنیطره یکی از شهرهای آن بوده است «(۱)». در عصر حاضر جولان تنها به تپه‌هایی اطلاق می شود که در این منطقه به اشغال اسرائیل درآمده‌است.

قبل از تجاوز اسرائیل، استان قنیطره ۱۵۳ هزار نفر جمعیت داشته است. وقتی رژیم صهیونیستی به این مکان تجاوز کرد اهالی آن را به زور بیرون راند؛ تنها پنج روستا از این منطقه را گرفته بودند که نیروهای امت واحده رسیده و نگذاشتند اسرائیلی‌ها به پیشروی خود ادامه دهد. اکنون جمعیت این روستاها به شانزده الی بیست هزار نفر می‌رسد که همه آنان زیر فشار اسرائیلی‌ها هستند، زمین‌های زراعی آنان گرفته شده و محصولات ایشان را ارزان می‌خرند.

اگر اهالی این پنج روستا که امروزه در اشغال صهیونیستها قرار دارد به داخل سوریه بیایند دیگر اجازه برگشت ندارند. در یکی از روستاها تپه‌ای به نام «صراع» وجود دارد که تنها حدود پانصد متر با نیروهای اسرائیلی فاصله دارد. اقوام این طرف اگر بخواهند از مردم آن طرف خبردار شوند باید به کنار این تپه بروند. روستاهای اشغال شده عبارتند از:

القجر، عین قیناع، سعد، بقعاث، مجدالشمس.

محله‌ها و روستاهایی که توسط اسرائیل از بین رفته ۱۴۲ روستا و شهر بوده، اکنون چهل محله و پنج روستا بانضمام تپه‌های جولان همچنان در اشغال صهیونیستها است.

با توجه به موقعیت جغرافیایی مطلوب و همچنین اشراف تپه جولان بر کل استان قنیطره، اهداف شوم اسرائیل مبنی بر تجاوز و اشغال این اراضی بخوبی روشن و آشکار می گردد.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۸؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱، ص ۵۰۶

ص: ۱۶۹

متأسفانه اکنون شهر قنیطره به کلی خراب شده است. خانه‌هایی که با بتون آرمه و سنگ ساخته و بنایی بسیار مستحکم داشته‌اند، همگی با مواد انفجاری و بلدوزرهای اسرائیلی تخریب گشته‌اند. در وسط شهر، بیمارستان دو طبقه جولان است که متأسفانه از تخریب عمال جنایتکار رژیم صهیونیستی در امان نمانده و جز دیواره‌ها بقیه قسمتهای آن تخریب شده است.

در نزدیکی مرز کنونی منطقه قنیطره با رژیم صهیونیستی، قبرستان شهدای این تجاوز ددمنشانه قرار دارد. این شهداء مربوط به سالهای ۱۹۷۲ م و ۱۹۷۴ م هستند که بسیاری از آنان غیر نظامی بوده و چند قبر متعلق به افراد مسیحی نیز در آن دیده می‌شود، چون نیمی از مردم آن منطقه مسیحی بوده‌اند.

ص: ۱۷۰

سفید

ص: ۱۷۱

فصل پنجم: استان حلب

اشاره

ص:۱۷۲

ص:۱۷۳

موقعیت جغرافیایی و تاریخی حلب

«حلب» دوّمین شهر پر جمعیت سوریه پس از دمشق است که در شمال این کشور و به فاصله ۲۸۰ کیلومتری دمشق قرار دارد.
حَلَبْ در لغت به معنای شیر دوشیده و مترادف با حلیب است. وجه تسمیه آن نیز این است که چون ابراهیم علیه‌السلام در روزهای جمعه از گوسفندانش شیر دوشیده، به فقرا صدقه می‌داد، آنان می‌گفتند «حلب، حلب» و لذا رفته رفته، این نام بر شهر اطلاق شد «(۱)».

بعضی گویند حلب و حمص و برذعه برادرانی از عمالیق بوده‌اند که هر یک از آنان شهری ساخته و به نام خویش خوانده‌اند. حلب جزو اقلیم چهارم بوده و آن را از مشهورترین منطقه شام، که از سی قرن قبل از میلاد دارای تمدن بوده دانسته‌اند.
در ذکر بانی و پایه‌گذار حلب اختلاف است ولی بیشتر مورخان آن را به فرزندان عمالیق نسبت داده‌اند. بعضی نخستین ساکنان آن را فرزندان حام بن نوح دانسته‌اند «(۲)». این شهر شاهد سکونت اقوام حیثون، آشوری‌ها، مصری‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها بوده است «(۳)».

لذا هر یک از این اقوام آن را به نامی می‌خوانده‌اند، حیثون آن را «حلبا و حلباس»،

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکهٔ الحلب، ص ۲۶؛ تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء ص ۸

۲- تیودور بیشوف، همان کتاب، ص ۸

۳- مآخذ پیشین، همان جا؛ ابن بطوطه، الرحله، ص ۵۳؛ ابن عدیم، زبدهٔ الحلب من تاریخ الحلب، ص ۱۵- ۱

ص: ۱۷۴

آشوریان «حلوان»، یونانیان «باروا» و مصریان آن را «حلب» خوانده‌اند.

در قرون اسلامی این شهر به «حلب الشهبا» معروف بوده و اکنون نیز گاهی این نام در تحقیقات جدید به کار می‌رود «(۱)». حلب در سال هفدهم هجری توسط اباعبیدهٔ بن جراح و به فرماندهی عیاض بن غنم فهری به صلح فتح شد. شهر، در آن زمان هفت دروازه داشت و پیرامون آن دیواری محکم کشیده شده بود «(۲)». پس از فتح این شهر به وسیله مسلمانان، مسیحیان به حفظ کلیساها و انجام آداب و رسوم خود مجاز شدند ولی بعضی از کنائس آنان با صلح، به مسجد تبدیل شد.

حلب در قرون چهارم و پنجم که در دست بنی مرداس از حمدانیان‌قرار گرفت، رونق بسزایی یافت. سیف‌الدوله حمدانی آن جا را پایتخت خویش قرار داد، به عمران و آبادانی آن همت گماشت. در این دوران شهر حلب، همواره مورد طمع رومیان بود قلعه بسیار مستحکم آن که به عنوان مقر فرماندهی سیف‌الدوله، موقعیت خاص نظامی و استراتژیک به حلب بخشیده بود و مانع عمده‌ای برای دستیابی رومیان به شهر محسوب می‌شد.

در دوران ایوبی‌ها، حلب یکی از پایگاههای مهم نظامی مسلمانان علیه صلیبی‌ها بود و حتی یک بار نیز از سوی آنان تسخیر گشت. در دوره مغول به تصرف آنان در آمد و بیشتر آن ویران و باقیمانده آن در دوران تیمور دستخوش تخریب و ویرانی شد «(۳)».

در دوران عثمانی این شهر دوباره رونق گرفته و یکی از مراکز نظامی و مهم آنان شد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تقسیم سرزمین‌های تحت سلطه عثمانی، این شهر همانند سایر شهرهای سوریه، مستعمره فرانسه گردید. اکنون شهر حلب با آثار فراوان تاریخی خود یکی از مراکز توریستی و بسیار جذاب برای جهانگردان است. شایان گفتن است که حلب در گذشته یکی از مراکز شیعه بوده است. نفوذ تشیع در آن را باید به دوران

ابوذر غفاری و حضور وی در شام یا هجرت آل ابی شعبه از عراق به آن سرزمین باز گرداند. در دوره بنی حمدان و بنی مرداس تا حدودی فاطمی‌ها شیعه را در این شهر گسترش دادند. متاسفانه در طول تاریخ، جمعیت شیعه این شهر به خاطر قتل و عام آنان توسط حکومتهای متعصب و نیز مهاجرت علمای شیعه منطقه به عراق و سایر نقاط از بین رفته «(۴)» و اکنون نیز بیشتر مردم آن سنی بوده و شیعه چندانی ندارد. حلب، مرکز استان حلب است که جمعیت آن بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ میلادی برابر با ۱۳۸۱ ش، چهار میلیون نفر است.

الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب

۱. مشهد الحسین علیه السلام: مسجد النقّطه

یکی از اماکنی که نزد شیعه اهمیت بسزائی دارد، مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النقطه است. این مکان یادآوره خاطره تلخی در تاریخ تشیع است. هنگامی که کاروان اسرا و سرهای شهدای کربلا از سرزمین عراق به حلب رسیدند، در کنار تپه یا کوهی به نام جوشن «(۵)»- در غرب حلب- و کنار معبدی به نام «مارت مروثا» کاروان یک شب متوقف شد تا لَختی بیاساید و صبحگاهان حرکت به سوی دمشق را از سر گیرد. نگهبانان و حاملان سرهای مقدس نیز به استراحت نشستند. راهبی که در آن دیر بود بادادن مبلغی به نگهبانان کاروان، سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر صخره‌ای در داخل دیر قرار داد و تا صبح کنار سر مقدس بود. هنگام طلوع آفتاب که سر مقدس را برداشتند، چند قطره‌ای خون بر این صخره یا سنگ جاری گشته بود. پس از حرکت کاروان، مردم حلب از این مسأله خبر یافته و اطراف آن سنگ، جمع شده و به عزاداری و شیون و زاری بر کشتگان کربلا و نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرداختند.

بر اساس روایات شیعه، همه ساله در روز عاشورا آن خون بر سنگ می‌جوشید و توجه بسیاری از مردم شام را به خود جلب کرده بود برخی گفته‌اند عبدالملک بن مروان اموی دستور انتقال سنگ را از آن نقطه داد و از آن پس اثری از آن دیده نشد «(۶)». اما نویسنده کتاب حلب و التشیع معتقد است این سنگ از ابتدا تا کنون برجای خود باقی بوده است مگر مدت کوتاهی در سال ۱۹۲۰ م که مشهد النقطه پایگاه ذخیره سلاح عثمانیها بوده و چون بخاطر انفجار در تسلیحات موجود، مشهد النقطه تخریب و دچار آسیب شد این سنگ موقتاً به مشهد المحسن در جوار آن منتقل و پس از بازسازی به سال ۱۹۶۰ م دوباره بر جای خود بازگشت داده شد. «(۷)» سیف الدوله حمدانی شیعه نخستین کسی است که بر مکان آن سنگ، یعنی دیر یاد شده حجره و جامعی به سال ۳۵۰ هجری ساخت و آن را مسجد النقطه نامید. او به این مکان اعتقاد ویژه‌ای داشت و همواره به زیارت آن می‌رفت. مشهد الحسین علیه السلام امروزه در شهر حلب معروف است و از سوی اهالی و زائران حضرت زینب علیها السلام- که از طریق ترکیه و مرز زمینی به سوریه می‌روند- زیارت می‌شود.

منطقه مشهد الحسین علیه السلام اکنون به «حیّ الانصاری» مشهور است. تپه جوشن نیز به رغم اینکه خانه‌های متعددی بر فراز آن ساخته شده است ولی همچنان باقی است. مکان مشهدالحسین علیه السلام سمت راست خیابان اصلی و حدود پنجاه متر بالاتر از پل هوایی است که صحن بزرگی داشته و بر در ورودی، نام این مکان بر روی سنگی حجاری شده است.

در انتهای صحن و حیاط درب دیگری است که به داخل شبستان و محل اصلی مشهد مرتبط است، بر در ورودی آن کتیبه‌ای به خط کوفی دیده می‌شود که بر آن نوشته شده است «هذا مقام و مشهد الحسین علیه السلام» و پایین آن نیز نام سیف الدّوله حمدانی به عنوان سازنده این بنا به چشم می‌خورد. پس از ورود؛ به شبستان کوچک دیگری می‌رسیم که در انتهای آن ایوانی قرار دارد و کنار آن ضریحی کوچک به ابعاد ۵/ ۱* ۱ متر و به رنگ زرد دیده می‌شود. در داخل آن سنگی بر روی استوانه‌ای قرار داده شده و این

۱- نک: پیشین، ص ۱۰- ۷؛ عفیف البهنسی، الشام الحضاره، صص ۱۵۳- ۱۵۲

۲- نک: ابن عدیم، بغیه الطلب فی التاریخ الحلب، تحقیق سهیل زکار، ص ۱۱ به بعد.

۳- محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء جلد دوم و سوم؛ تیودور بیشوف همان کتاب، ص ۱۷ به بعد.

۴- شیخ ابراهیم نصراللَّه، حلب و التشیع، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳، ص ۱۵۰ به بعد.

۵- آن را بدین علت جوشن نامیده‌اند که شمر بن ذی الجوشن سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر این تپه گذاشته بود ابن شحنه، الدر المنتخب، ص ۸۵

۶- عبداللَّه حجاز، معالم حلب الاثریه، ص ۱۳۶؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، ص ۲۰۹؛ خیرالدین اسدی، احیاء حلب و اسواقها، ص ۱۷۶

۷- ابراهیم نصراللَّه، همان کتاب، ص ۳۱

ص:۱۷۵

ص:۱۷۶

ص: ۱۷۷

جا همان مکانی است که سر مقدس امام حسین علیه السلام بر آن گذاشته شده و قطره‌هایی از خون بر آن ریخته است. در سال ۱۹۶۰ م برای بازسازی مشهد الحسین مؤسسه بازسازی و احسان اسلامی جعفری تأسیس شد و از آن سال ضمن بازسازی این مکان، اقدامات عمرانی دیگری از جمله مسجد، مرکز پزشکی تخصصی، حوزه علمیه به ریاست شیخ ابراهیم نصراللّه تا عصر حاضر انجام شده است. شیخ ابراهیم نصراللّه نویسنده کتاب حلب و التشیع، خود امامت نماز در مشهد الحسین را امروزه بر عهده دارد.

تصاویر شماره ۴۲ و ۴۳

۲. مشهد المحسن بن الحسین علیه السلام

یکی دیگر از اماکن زیارتی شیعه در حلب، مشهدالمحسن است که در سیصد متری مشهد الحسین یا مشهد النقطه قرار دارد. در این مکان، محسن فرزند امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده است. هنگام استراحت کاروان در این مکان، همسر امام حسین علیه السلام- که به روایتی باردار بوده- بر اثر سختیهای راه و فشارهای جسمی و روحی، فرزندش سقط شده است. روایات دیگری حاکی است، محسن که طفلی شیر خواره بوده در این مکان وفات یافته است. «(۱)» به نظر می‌رسد روایت اول صحیح‌تر باشد. زیرا امام حسین علیه السلام فرزندی به نام محسن نداشته است و این که مادرش او را محسن نامیده است شاید به یاد فرزند سقط شده حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. در هر حال به گزارش ابن شحنه در ۳۵۱ هجری سیف الدوله حمدانی شبی در خواب دید که در یک نقطه شهر نوری به هوا برخاست، چون صبح شد به آن محل رفت و پس از حفاری آن مکان، سنگی یافت که بر آن نوشته شده بود «هذا قبر محسن بن الحسین بن علی علیه السلام» و لذا دستور داد تا مزار و مرقدی بر روی آن ساختند «(۲)». یاقوت حموی این مکان را «مشهد الدّکه» نیز نامیده است «(۳)».

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکهٔ الحلب، ص ۸۵؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، ص ۲۷۸

۳- همو، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۶. کمونه حسینی وی را کودکی دانسته که در آن‌جا از دنیا رفته است آرامگاههای پاک خاندان پیامبر و صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ص ۱۰۱؛ عبداللّه حجاز، معالم حلب الاثریه، ص ۱۳۹

ص: ۱۷۸

این مکان نیز در دامنه تپه یا کوه جوشن است و با عبور از پلکان طویلی می‌توان بدان راه یافت. این مشهد دو گنبد کوچک و نمایی قدیمی دارد. بر سر در ورودی آن دو کتیبه به چشم می‌خورد، کتیبه بالا-تر از سیف الدوله حمدانی است که از دستور وی برای احداث بنا در ۳۵۱ هجری و کتیبه دوم نیز از تجدید بنای این مکان توسط سلطان عبدالحمید عثمانی در تاریخ ۱۳۱۴ ق هجری خبر می‌دهد.

در سمت چپ دیوار بیرونی، کتیبه‌ای بسیار زیبا و خوانا به خط کوفی دیده می‌شود که به نورالدّین زنگی شهید، از امرای ایوبی مشهور دمشق تعلق دارد. در داخل شبستان و صحن نیز کتیبه‌هایی با نام «ملک ظاهر الدین بیبرس» یکی دیگر از امرای ایوبی با تاریخ ۶۹۰ هجری و همچنین کتیبه‌ای با ذکر اسامی ۱۴ معصوم از سیف الدوله دیده می‌شود. در سمت چپ صحن یعنی در شبستان کوچکی قبر محسن بن الحسین علیه السلام با ضریحی از آهن و پوشش سبز قرار دارد.

تصویر شماره ۴۴

۳. مقبره ابن شهرآشوب، و قبور علمای بنی زهره

این مقبره که در بیست متری جنوب مشهد الحسین علیه السلام قرار دارد، بسیار کوچک و به وسیله نیم دیواره‌ای به ابعاد ۵* ۵ متر احاطه شده است. در این جا علمای بزرگی مدفون شده‌اند. بر این قبور سنگ قبرهایی با خط کوفی از سده‌های سوم و چهارم هجری دیده می‌شوند که اغلب شکسته و منهدم شده و بر این کتیبه‌ها نام آنان ذکر شده است. یکی از علما و مورخان بزرگ شیعه یعنی ابن شهرآشوب صاحب کتاب معروف مناقب الائمه و «عمرو بن صلاح حلبی» یکی از زهاد و فقهای بزرگ اسلام در این چهار دیواری متروک و مخروبه، که توجه هیچ کس را به خود جلب نمی‌کند مدفون هستند.

کمی پایین‌تر یعنی در پنجاه متری جنوب این مکان چهار دیواری کوتاه دیگری است که در آن علمای بنی زهره- از معروف‌ترین قبایل شیعه در قرن چهارم و پنجم

ص: ۱۷۹

هجری- به خاك سپرده شده‌اند. در این جا نیز سنگهای قبور آنان که به خط کوفی آن سده‌هاست بسیار شکسته و منهدم شده و به طور پراکنده بر آن قبور ریخته شده‌اند. در این مقبره، «بهاء الدین بن زهرهٔ بن احمد حلبی»، «احمد حسین اسحاقی»- شاعر و ادیب و حافظ قرآن-، «ابن منیر طرابلسی»- شاعر مشهور شام- و ابوالمکارم حمزهٔ بن زهره حلبی صاحب الغنیه- متوفی ۵۸۵ ق- مدفون هستند. در توسعه اخیر مسجد النقطه که به همت شیخ ابراهیم نصرالله انجام شده است این قبور نیز در داخل محوطه مورد توسعه واقع گردیده است.

۴. مقبره شهید شیخ شهاب‌الدّین سهروردی

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، یحیی بن حبش بن امیرك، شیخ اشراق، حکیم الهی و بنیان‌گذار حکمت اشراق به سال ۵۴۹ هجری در سهرورد- از توابع زنجان- به دنیا آمد. وی در دوران کودکی به بیشتر علوم اسلامی و فلسفی احاطه یافت. در سالهای بعد با ابداع طریقه اشراقی در فلسفه، نسبت به بعضی از فلاسفه و قدما موضع گرفت؛ لذا از جانب کسانی که طریقه اشراقی او مورد پسند نبود، به الحاد و زندقه متهم شد و حتی بعضی از علمای حلب، خون او را مباح دانستند. شیخ شهاب‌الدّین در بسط و تشریح مسلك جدید خود در فلسفه و حکمت یعنی مکتب اشراقی، دهها کتاب و رساله به رشته تحریر درآورد.
حکمایی چون ملا صدرا (صدرالمتالهین) و ملاهادی سبزواری به پیروی و تشریح عقاید این فیلسوف بزرگ پرداختند. شیخ شهاب الدین از عرفا و حکمایی است که عده‌ای او را به شیعه منتسب کرده‌اند لذا باید گفت علت قتل او علاوه بر ایجاد مکتب جدیدی- بر اساس فلسفه افلاطونی و پیروی از فلاسفه ایران قبل از اسلام- می‌تواند همین گرایش‌های او به شیعه باشد. او بر اثر سعایت‌هایی که از وی نزد سلطان صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای ایوبیان مصر و شام و سردمدار مبارزه علیه صلیبی‌ها شد به حبس افتاد و در ۵۸۷ ق به شهادت رسید.
اکنون مقبره این شهید در سمت شمال غربی میدان باب الفرج- داخل جامع

ص: ۱۸۰

سهروردی قرار دارد. این جامع بسیار کوچک بوده و کمتر در معرض دید است. در داخل شبستان و سمت چپ آن مقبره سهروردی است که سنگ قبر کوچکی دارد. بر بالای این قبر شرحی مختصر از زندگی این فیلسوف ایرانی و مکان تولد و رشد او در ایران به نگارش در آمده است.

تصاویر شماره ۴۵ و ۴۶

۵. آرامگاه حضرت زکریای نبی علیه السلام

حضرت زکریای نبی علیه السلام یکی از پیامبران الهی و آخرین انبیای عهد قدیم بود.

حیات او را، شش قرن قبل از میلاد دانسته و گویند در دوران ترمیم هیکل اورشلیم- که به وسیله نبوکدنصر پادشاه بابل تخریب شده بود- می‌زیسته است. زکریا و همسرش که هر دو در پیری و کِبَر سن قرار داشتند به قدرت الهی صاحب فرزندی به نام یحیی شدند. خداوند در قرآن کریم از این موضوع چنین یاد می‌کند. «یا زَکَرِیَّا انا نُبَشْرک بِغُلامِ اسْمُه یَحْیی «(۱)» ...» (ای زکریا ما تو را به فرزندی به نام یحیی بشارت می‌دهیم ...)

مرقد مطهّر این پیامبر الهی در داخل شبستان جامع اموی حلب «(۲)» و در سمت چپ محراب قرار دارد. قبر او داخل ایوانی است که با ضریحی محصور شده و در آن تابوتی چوبین با پوشش سبز دیده می‌شود. ابتدا در این مکان صندوقی بوده که نام زکریا نیز بر آن دیده می‌شده است و بعدها در مکان آن، مقبره مذکور را ساخته‌اند. قبر حضرت زکریا امروزه از سوی مردم حلب و زائران زینب کبری علیها السلام زیارت می‌شود.

تصویر شماره ۴۷

۶. قبر معروف بن جمر از نوادگان امام صادق علیه السلام

معروف بن جمر یکی از نوادگان اسماعیل بن امام صادق علیه السلام است که در ۵۵۵ هجری به دنیا آمد. وی فردی شجاع، متهور و از فرماندهان سپاه «ملک ظاهر بَیْبرَس» و از

۱- . مریم: ۷

۲- نک: ص ۱۸۴ از کتاب حاضر.

ص: ۱۸۱

مجاهدین فی سبیل اللَّه بود که سالهایی از عمر خویش را در میدان جهاد علیه صلیبی‌ها سپری کرد. این مجاهد بزرگوار در ۶۴۰ هجری در نبرد انطاکیه به شهادت رسید.

قبر معروف بن جُمر در داخل «سوق الزرب» که بازاری بسیار طولانی است قرار دارد. بازار یاد شده از کمی بالاتر از درب قلعه حلب آغاز و به «جامع کبیر» حلب ختم می‌شود. قبر او در حدود دویست متری داخل بازار و سمت چپ آن است که پنجره‌ای از مرقد او به بیرون باز شده است. مدرسه‌ای که امروزه این قبر داخل آن است توسط ملک ظاهر بیبرس به سال ۵۹۰ هجری ساخته شده است. در کنار قبر او کلاهخود و لوازم و ابزارهای جنگی او نگهداری می‌شود.

تصویر شماره ۴۸

ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب

قلعه تاریخی و نظامی حلب

در مرکز شهر حلب، در میدان اصلی شهر، قلعه‌ای بسیار عظیم و زیبا، که شاید از باشکوه‌ترین و زیباترین قلاع جهان باشد، چشم هر بیننده‌ای را مبهوت می‌سازد.

گرداگرد این قلعه، خندق و دره‌ای بزرگ است که عمق آن به حدود ده متر و عرض آن به بیست متر می‌رسد. قلعه بر روی تپه‌ای ساخته شده و مساحتی حدود ۳۷۵* ۳۷۳ متر مربع دارد. ارتفاع بالای قلعه تا کف خندق حدود چهل متر است.

این قلعه را در اصل رومیان ساخته‌اند و سیف الدوله حمدانی- حاکم موصل، حلب و رقه- در سده چهارم آن را بازسازی کرده است.

بعضی گویند نخستین کسی که قلعه حلب را بنا کرد سلوکوس از سلاطین سلسله سلوکیه (یونانیان) بود «(۱)». در جنگهای مسلمانان و رومیان این قلعه یکی از استحکامات بسیار قوی و غیر قابل نفوذ مسلمانان بوده و به عنوان مقر فرماندهی سیف الدوله موقعیتی

۱- تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء، ص ۱۹۶؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ‌الحلب، ج ۲، صص ۳۶ الی ۲۳؛ عبداله حجاز، معالم الحلب الاثریه، ص ۱۳

ص: ۱۸۲

استراتژیکی داشته است. ناکفور فوکاس فرمانده سپاهیان روم نیز یک بار قلعه را به آتش کشید پس از دوران سیف الدوله، سلاجقه شام و امرای ایوبی از این قلعه به عنوان دژی مستحکم در مقابل نیروهای صلیبی بهره برده و تعمیراتی نیز در آن انجام دادند.

متأسفانه در هجوم مغول به حلب این قلعه نیز تقریباً تخریب شد ولی اشرف بن قلاوون آن را تجدید بنا کرد. قلعه یاد شده برای بار دوم به دست تیمور لنگ خراب شد ولی بازسازی شد. آخرین تعمیراتی که بر آن صورت گرفت در قرن سیزدهم و پس از آسیب‌هایی بود که بر اثر زلزله به آن وارد آمد «(۱)». امروزه بر دیوارهای درب قلعه سوراخهای فراوانی دیده می‌شود که اثر گلوله و توپهایی است که در جنگ جهانی اول و درگیری‌های عثمانی با دولتهای اروپایی به آن شلیک شده است.

هم اکنون قلعه حلب یکی از اماکن و آثار تاریخی و سیاحتی منحصر به فردی است که بسیاری از سیاحان و جهانگردان را به سوی خود جذب می کند. این قلعه به وسیله پلی که بر ستون‌ها و پله‌هایی از سنگ استوار است با خارج از آن مرتبط می گردد. در گذشته، این پل، چوبی و متحرک بوده و به هنگام لزوم باز یا بسته می‌شده است. طول آن حدود پنجاه متر و در انتهای آن، درب اصلی قلعه قرار دارد؛ که بسیار بزرگ با دو برج دیدبانی به ارتفاع دوازده متر و عرض چهار متر و دیواره‌های سنگی است.

بر سر در ورودی، کتیبه‌ای بسیار بزرگ و طولانی به خط کوفی قرن پنجم- از دوران سیف الدوله- و در کنار آن کتیبه‌ای دیگر که از تجدید بنای سلطان اشرف قلاوون خبر می‌دهد دیده می‌شود. شایان گفتن است قبل از این درب، برج کوچکی که در ۱۵۰۷ میلادی ساخته شده قرار دارد. پس از در اصلی، هر یک از راهروهای پرپیچ و خم و تاریک دارای دری هستند که اوّلین آن «باب الحیات» و دوّمین آن «باب الاسدین» (شعار دولت ایوبی) است. پس از طی مسافتی طولانی و پرپیچ و خم به داخل قلعه راه یافته و این آثار و ابنیه را در آن می‌بینیم:

۱. قصر و دارالاماره سلطان

در قسمت بالای قلعه، سالن بزرگی به ابعاد ۳۰* ۳۰ متر و ارتفاع پانزده متر قرار دارد

۱- تیودور بیشوف؛ همان کتاب، ص ۱۹۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۹

ص: ۱۸۳

که قصر الضیافه سیف الدوله بوده است. این عمارت تا حدودی شبیه سالن عالی قاپوی اصفهان است؛ دارای سقفی بسیار زیبا از فسیفساء و منبت کاری شده از آثار هنری دوران ایوبی است.

۲. زندان قلعه

کمی بالاتر از دارالاماره و قصر الضیافه، در سمت راست، درب کوچکی است که پس از عبور از راهرویی به زیرزمین و در حقیقت به زندان مخوف قلعه راه می‌یابیم.

زندان از دو قسمت تشکیل شده است، اولی که زیر زمینی وسیع با دو سالن بزرگ است و قسمت دیگری که به وسیله پله‌ای بسیار باریک به آن راه است، این جا مکانی عمیق‌تر و بسیار وحشتناک و تاریک است که هیچ روزنه و نوری ندارد. گویا این زندان برای مجرمان و یا افراد خطرناک با جرائم سنگین‌تر بوده است.

۴. حمام‌های قلعه

پس از زندان قلعه- در سمت چپ- یک حمام عمومی است که تا حدودی سالم مانده است. این حمام برای استفاده سربازان در نظر گرفته شده و کمی بالاتر از آن- در سمت راست- حمام سلطنتی دیده می‌شود که مخصوص فرمانده و یا فرماندهان بوده و اکنون نیز سالم باقی مانده است.

۵. جامع کبیر و جامع صغیر قلعه

دو مسجد در قلعه وجود دارد. اولی جامع الصغیر و دومی جامع الکبیر ساخته نور الدین زنگی شهید است که در انتهای قلعه قرار دارد. بر بالای درب ورودی جامع کبیر کتیبه‌ای از ۶۱۰ ق به نام صلاح الدین ایوبی دیده می‌شود. این جامع که همزمان با جامع الصغیر ساخته شده دارای صحن، شبستان و محرابی است و اطراف آن نیز با ستون‌های سنگی مسقف و گنبدی نیمه مخروبه و مأذنه‌ای بزرگ بر فراز آن قرار یافته است. کتیبه دیگری نیز بر دیواره جنوبی جامع با این عنوان دیده می‌شود «امَر بِانْشاءِ هذا المَسْجِدِ، مَلِکِ عادل نورالدین محمود بن زنگی و احسن خاتِمَته سنه ۵۶۳».

۶. مقام ابراهیم علیه السلام و رأس یحیی علیه السلام

در راهروی ورودی قلعه- در سمت راست- ایوانی است که داخل آن قبر و

ص: ۱۸۴

صندوقی قرار دارد. گویند پاره‌ای از سر حضرت یحیی علیه السلام، فرزند زکریا علیه السلام در آن است.

این صندوق در ۴۳۵ هجری کشف شده و مکان آن به مقام ابراهیم علیه السلام و مقام خضر نیز معروف و در کنار آن نیز باب الجنان یا مشهد علی علیه السلام است. وجه تسمیه آن به مشهد علی علیه السلام به خاطر سنگ نبشته‌ای است که یاقوت حموی گوید خط علی بن ابی‌طالب علیه السلام است «(۱)».

تصاویر شماره ۴۹ و ۵۰

ج- مساجد تاریخی حلب

۱. مسجد اموی یا جامع الکبیر

یکی از مساجد بسیار قدیمی و تاریخی شهر حلب جامع الکبیر یا مسجد اموی است. در ابتدا مکان آن به کنیسه بزرگ روم تعلق داشته و پس از فتح حلب توسط مسلمانان به مسجد تبدیل شده است. بنای کنونی مسجد مذکور از دوران ولید بن عبدالملک اموی است که آن را همزمان با جامع اموی دمشق ساخته و سلیمان بن عبدالملک نیز آن را تکمیل کرده است. هر چند بنای آن از لحاظ زیبایی به جامع اموی دمشق نمی‌رسد ولی نمونه کامل و مظهری از معماری اسلامی (در قرن اول هجری) است که بر خلاف جامع اموی دمشق، معماری رومی در آن تأثیری نداشته و مهندسان رومی در ساخت آن دخیل نبوده‌اند.

این جامع در ۳۱۵ هجری پس از فتح شهر به وسیله ناکفور فوکاس- امپراطور روم- به آتش کشیده شد و سیف الدوله حمدانی پس از باز پس گیری شهر دوباره آن را ترمیم کرد. در دو مرتبه دیگر، یکی در دوره زنگیان و دیگری در دوره مغول نیز دچار آتش سوزی شد که آن را بازسازی کردند «(۲)». مأذنه آن که ۴۵ متر ارتفاع دارد در ۱۰۹۰ میلادی

۱- معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکهٔ الحلب، باب نهم؛ ابن بطوطه، الرحله، ص ۵۲؛ محمدکردعلی، خطط الشام، ج ۶، ص ۴۹؛ محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ الحلب الشهباء، ج ۲، ص ۶۹. کامل غزی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۸۰

ص: ۱۸۵

ترمیم شده است «(۱)». این مسجد دارای چهار درب اصلی به نامهای «باب النحاسین»، «باب الجراکسه»، «باب المسامیریه» و «باب سوق الطیبه» بوده که اکنون تنها دو باب آن مورد استفاده است.

جامع کبیر در نزدیکی قلعه حلب و کنار بازار اصلی این شهر (سوق الذرب) قرار دارد و نمای آن از بالای قلعه دیده می‌شود. این مسجد که تا حدودی شبیه جامع اموی دمشق است؛ دارای صحنی بزرگ و دیواره‌های سنگی است. در وسط صحن، دو قبه شبیه قبه‌های صحن جامع اموی دمشق ساخته‌اند. مأذنه چهار گوشی در کنار درب ورودی و سمت شمال غربی جامع ساخته‌اند.

در سمت جنوب‌صحن، شبستان بسیاربزرگ و زیبایی است که دارای منبری چوبین و منبت کاری شده است. بر بالای محراب، کتیبه‌ای به نام منصور بن قلاوون و کتیبه دیگر از ۷۴۰ هجری- در سمت راست منبر- دیده می‌شود. در سمت چپ منبر و محراب، مرقد مطهر «زکریای نبی علیه السلام» است. سقف شبستان بر ستون‌های متعددی استوار گشته و به نظر نمی‌رسد از آن دوران یعنی قرن هشتم به بعد تعمیراتی در آن صورت گرفته باشد.

تصویر شماره ۵۱

۲. جامع توته

شاید جامع توته از لحاظ قدمت، قدیمی‌تر از جامع کبیر حلب باشد ولی مسجدی است کوچک و چندان مورد توجه نیست. این جامع نخستین مسجدی بوده که پس از فتح حلب توسط مسلمانان، به سال شانزده هجری بنا شده است. نامهای دیگر آن «جامع عمری»، «جامع غضائری» و «جامع شعیبه» است. در دوران زنگی‌ها به سال ۵۴۵ هجری و در عصر ممالیک به سالهای ۸۰۴ه و ۹۷۲ ه تعمیر «(۲)» و نمای آن همچنان از آن دوران باقی است. جامع توته در سمت شمال جامع کبیر و حدود یکصد متری آن در کنار میدانی واقع

۱- عفیف البهنسی، الشام الحضاره، ص ۱۵۸

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۲، صص ۷۱ و ۸۷ و ۱۵۲؛ خیرالدین اسدی، احیاء حلب و اسواقها، ص ۹۴

ص: ۱۸۶

شده است.

۳. سایر مساجد حلب

این شهر به علت اینکه در دوران سیف الدوله و همچنین زنگیها و ایوبیها در تاریخ شام نقش بسیار مهمی داشته است، همواره توجه خاصی به آن مبذول و مساجد و ابنیه‌های فراوانی در آن احداث گشته است. غیر از دو مسجد قدیمی که ذکر شد، سایر مساجد حلب از بناهای قرون ششم به بعد است که در این جا به ذکر نام و سال بنای آنها اشاره می‌کنیم.

۱- جامع دباغه: از دوران ایوبی در میدان سبع بحرات.

۲- جامع مقامات: ساخته ۷۰۳ هجری.

۳- جامع طنبغا: ساخته ۷۲۳ ه توسط علاءالدین طنبغا امیر مملوکی در میدان نمک.

۴- جامع ابن: ساخته ۷۰۷ ه در زقاق الطویل.

۵- جامع رومی: ساخته ۷۶۸ توسط منگلی بغا، نائب مملوکی حلب.

۶- جامع زکی: ساخته ۷۰۰ هجری «(۱)».

د- بیمارستان‌ها و حمام‌های تاریخی حلب

حلب به عنوان یکی از مظاهر تمدن اسلامی دارای شاخصه‌های تمدن در قرون اسلامی از جمله بیمارستان، حمام، مدرسه و کتابخانه بوده است که در این جا به قدیمی‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

۱. بیمارستان نوریه

این بیمارستان همزمان با بیمارستان نوریه دمشق به سال ۵۹۹ هجری به دستور نورالدین محمود زنگی و توسط حارثی دمشقی- مهندس و پزشک حلب- ساخته شد «(۲)».

۱- پیشین، همان‌جا؛ خیرالدین‌اسدی، همان‌کتاب، ص ۱۳۳؛ عبداللّه حجاز، همان‌کتاب، صص ۶۱، ۷۸ و ۱۰۰

۲- خیرالدین اسدی، همان کتاب، ص ۱۶۷؛ محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب‌الشهباء، ج ۲، ص ۶۸

ص: ۱۸۷

بعضی بنای آن را ۴۵۸ هجری می‌دانند که در دوران نورالدین زنگی تجدید بنا گشته است. بیمارستان مذکور که دارای بخشی مخصوص زنان بوده، امروزه به صورت مخروبه‌ای است.

۲. بیمارستان ارغونی

توسط ارغون بن طیجو کاملی، نائب حلب به سال ۷۵۵ هجری ساخته شده و دارای معماری و بنایی بسیار عالی است «(۱)».

۳. حمام جوهری

از قدیمی‌ترین حمام‌های حلب است که در ۷۸۷ هجری توسط امیر علاءالدین جوهری ساخته شده است.

۴. حمام یلبغا (ناصری)

یکی از زیباترین حمام‌های دمشق است که توسط امیر یلبغا ناصری به سال ۸۹۲ هجری تجدید بنا شده است. تاریخ بنای آن روشن نیست ولی در حمله مغول از بین رفته و دوباره مرمّت گشته است. این حمام در میدان قلعه حلب و سمت راست درب قلعه است که اکنون به موزه‌ای تبدیل شده است. امروزه چند حمام دیگر از قرون نهم و دهم نیز همچنان در حلب فعال هستند.

۵- مدارس و کتابخانه‌های حلب

اهمیت علمی و تاریخی هر شهری و نقش آن در فرهنگ و تمدن، بسته به میزان وجود کتابخانه و مدارس آن است که در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. شهر حلب به عنوان یکی از شهرهای متمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری کتابخانه‌های فراوانی داشته که متأسفانه بسیاری از آنها در حمله مغول تخریب و ویران شده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌های حلب که دچار این سرنوشت غم

۱- کامل غزی، همان کتاب، ۲، ص ۸۲؛ عفیف البهنسی، همان کتاب، ص ۱۵۸

ص: ۱۸۸

انگیز شده کتابخانه بزرگ «جامع کبیر اموی» است که حدود ده هزار نسخه خطی از موقوفات سیف الدوله حمدانی را در خود جای داده بوده است. کتابخانه‌های «سلطانیه»، «حلاویه» و «عصرونیه» و چند کتابخانه دیگر، نیز متأسفانه از هجوم مغول در امان نبوده و نسخ خطی نفیس آن همگی از بین رفته‌اند.

کتابخانه‌هایی که اکنون در این شهر موجود هستند اغلب پس از حمله مغول بنا شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- کتابخانه شیخ عبدالرحمن عجمی در مدرسه اشرفیه: (۶۵۸ هجری).

۲- کتابخانه جامع منگلی بغا: (۷۶۰ هجری).

۳- کتابخانه مولویه: (قرن یازدهم) ساخته شیخ احمد قاری.

۴- مدرسه حلاویه: قدیمی‌ترین مدارس حلب است که ابتدا کنیسه بوده و در قرن چهارم هجری به مسجد تبدیل و در عصر نورالدین محمود زنگی دوباره به مدرسه تبدیل شده است «(۱)».

۵- مدرسه شرفیه: ساخته ۵۶۰ ق توسط ابن عجمی در شرق جامع کبیر.

۶- مدرسه ظاهریه: ساخته ملك ظاهر بیبرس در قرن هفتم و در ضلع جنوبی قلعه حلب.

۷- مدرسه شابختیه: در ۵۸۹ ه ساخته امیر شابخت اتابکی.

۸- مدرسه فردوسیه: در ۶۳۳ ه ساخته برادرزاده صلاح الدین ایوبی «(۲)».

و- آثار تاریخی اطراف حلب

۱. قلعه سمعان

یکی از آثار دیدنی اطراف حلب، قلعه سمعان است که در فاصله ۵۹ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. سمعان، همان شمعون الصفا یکی از قدیسان معروف

۱- کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، ص ۲۱۹

۲- نک: شوقی شعث، حلب، تاریخها و معالمها التاریخیه، جامعه حلب ۱۹۹۱ م.

ص: ۱۸۹

مسیحی است «(۱)». قلعه را رومی‌ها ساخته و در جنگهای صلیبی به عنوان دژی نظامی مورد استفاده مسلمانان بوده است. قلعه سمعان در دامنه «جبل سمعان» واقع و کنار آن نیز دیر معروف سمعان است که مخروبه آن همچنان در پنج کیلومتری شرق شهرک «معرة النعمان» باقی است. در کنار آن دیر یک مسجد و در شمال آن سه قبر دیده می‌شود «(۲)».

بسیاری از آثار داخل آن قلعه از بین رفته ولی دیواره‌ها و برجک‌ها و ستون‌های آن به طور کامل باقی مانده است. معماری آن ترکیبی از معماری رومی و اسلامی است و تعمیراتی که در دوران اسلامی در آن انجام شده است به وضوح دیده می‌شود.

۲. قلعه حارم

یکی دیگر از قلعه‌های دیدنی اطراف حلب است که در حدود هفتاد کیلومتری مغرب حلب- در مسیر انطاکیه- قرار دارد. این قلعه در جنگهای رومی‌ها با سیف الدوله حمدانی- به تصرف ناکفور فوکاس- امپراطور روم- در آمده و به عنوان یکی از استحکامات دفاعی و نظامی آنان در جنگ با نیروهای مسلمانان مورد استفاده قرار بود.

در دوران سلاجقه شام و ممالیک نیز از پایگاههای نظامی و نقاط استراتژیکی اطراف حلب در جنگهای صلیبی بوده است.

قلعه حارم در حمله مغول تخریب و عثمانی‌ها در قرن سیزدهم هجری آن را تجدید بنا کردند.

۳. معرة النعمان

شهرکی است در مسیر «ادلب- حماه» و به فاصله ۸۳ کیلومتری جنوب شرقی حلب، آن جا زادگاه و مدفن ابوالعلاء مُعّری شاعر و فیلسوف قرن پنجم هجری است. شهرک مذکور که کمی پایین‌تر از قریه «الدانا» واقع شده، دارای آثار و قلاع فراوانی از دوران

۱- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۶۸- ۳۵۷؛ تیودور بیشوف، همان کتاب، ص ۲۷ و ۲۸؛ عفیف‌البهنسی، همان کتاب، ص ۱۲۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب، ص ۹۹، اولین آن متعلق به شیخ زکریا یحیی بن منصور مغربی، زاهد معروف بوده و دومین آن قبر فاطمه دختر عبدالملک مروان و همسر عمر بن عبدالعزیز است.

ص: ۱۹۰

ایوبی‌ها و کاروانسراهایی از دوران عثمانی‌ها است «(۱)».

۴. شهرک دانا

این شـهرک در مسیر «حلب- حماة» و به فاصله ۴۵ کیلومتری شـمال غربی حلب قرار دارد. شهرکی است بسیار قدیمی و مخروبه که آثـار معمـاری دوران رومی‌هـا- در قرون قبـل از اسـلام- در آن دیـده می‌شود. این شـهرک با «قریه الـدانا» که بالاتر از معرة النعمان است، تفاوت دارد. شهرک دانا در جنوب قلعه و دیر سمعان است.

۵. شهرک کرکمیش (جرابلس)

یکی از شـهرک‌های بسیار قدیمی سوریه است که در ۱۲۰ کیلومتری شـمال شـرقی حلب، نزدیک مرز ترکیه قرار دارد. این شهر در هزاره‌های قبل از میلاد، دارای تمدنی عالی و درخشان بوده و هم اکنون نیز آثاری از آرامی‌ها در آن موجود است. این شـهر امروزه به جرابلس معروف است «(۲)».

۶. شهرک عین دارا

این شـهرک در چهـل کیلومـتری شـمال غربی حلب و کمی بالاـتر از قلعه سـمعان (شـمال آن) قرار دارد. آثـار تـاریخی آن از دوره آرامی‌ها و هزاره‌های قبل از میلاد است.

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به محمد سلیم الجندی، تاریخ معرة النعمان، دمشق، وزارة الثقافه ۱۳۸۳ ق.

۲- تیودور بیشوف، همان کتاب، ص ۱۳

ص: ۱۹۱

نقشه

ص: ۱۹۲

سفید

ص: ۱۹۳

فصل ششم: استان رقه: منطقه صفین

اشاره

ص:۱۹۴

۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه

۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

۳- مرقد و مزار اویس قرنی

۴- مزار و مرقد منسوب به ابیّ بن کعب

۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین

ص: ۱۹۵

شهر رقه: منطقه صفین

یکی از مناطق تاریخی سوریه که در تاریخ اسلام و بویژه شیعه، جایگاه و یژه‌ای دارد «شهر رقه» و یا «منطقه صفین» است. صفین در حقیقت به ساحل روخانه و جایی که خشکی به داخل آب راه یافته باشد گفته می‌شود. این منطقه در ۳۷ هجری شاهد یکی از وقایع بسیار مهم در تاریخ اسلام و شیعه و در حقیقت مکانی برای رویارویی حق و باطل و نبرد با قاسطین بوده است. معاویه، به عنوان سردمدار جریان قاسطین به همراه بزرگان و اشراف القبایل اموی به ظاهر برای انتقام وخوانخواهی عثمان و در حقیقت، برای انتقام خون پدران و خاندان خود در جنگ بدر- که به وسیله امام علی علیه السلام ریخته شده بود- در محلی به نام صفین (در کنار رودخانه فرات) اردو زد. هدف وی از مبارزه و نبرد با امام علی علیه السلام این بود که در صورت پیروزی، سلطنت و ریاستی که از دوران عبدمناف، از قبیله و خاندان وی بیرون رفته بود را دوباره بازگردانده و عرب را تحت انقیاد بنی عبد شمس و بنی امیه در آورد.

در این مکان خون بهترین صحابه و شیعیان علی علیه السلام از جمله عمار بن یاسر، اویس قرنی و تعداد ۲۵ نفر از صحابه بدری و حدود ۲۵ هزار نفر از یاران علی علیه السلام بر زمین ریخته شد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در دوران حیات خویش از کشته شدن عمار در این منطقه خبر داده بودند «(۱)».

«شهر رقه» و یا «رافقه» در مجاورت منطقه صفین قرار دارد نام این شهر را از این

۱- نصر بن مزاحم المنقری، وقعة الصفین، ص ۳۰۰ به بعد؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۴

ص: ۱۹۶

جهت رَقَّه گذاشته‌اند که در کنار آن، فرات آب خود را بر آن می‌گسترانید و در اصطلاح به ساحل و یا زمین‌های رملی کنار فرات گفته می‌شد. شهر رقّه را جزو اقلیم چهارم دانسته‌اند. در سال هفدهم هجری عیاض بن غنم فرمانده سپاه سعد بن ابی وقاص مردم آن‌را به اسلام دعوت کرد و آنان به این دین جدید گرویدند «(۱)».

این شهر به «رَقَةُ البیضاء» نیز معروف بوده است. در سمت غربی آن، شهر دیگری به نام «رَقَه واسط» ساخته شده بود و در مجاورت آن نیز شهرک دیگری به نام «رقةُ السوداء» قرار داشت. این شهرک را منصور- خلیفه عباسی- ساخته و به رافقه معروف بود. بعدها در دوران هارون، شهر رافقه به شهر رقه متصل و هر دو اکنون یک شهر هستند که هم به رافقه و هم به رقه معروف‌اند «(۲)».

از حلب تا رقه- که در شرق آن واقع شده- ۱۸۰ کیلومتر فاصله است و در حقیقت، این شهر در ۵۴۷ کیلومتری شمال شرقی دمشق و شصت کیلومتری مرز جنوبی ترکیه قرار دارد. در آن مظاهر تمدن و شهرنشینی کمتر به چشم می‌خورد و حالت روستایی و قدیمی خود را حفظ کرده است. در میان مردم آن جمعیت اندکی از کردها نیز زندگی می‌کنند.

تعداد ساکنان استان حمص بر اساس آخرین سرشماری (۲۰۰۲ م- ۱۳۸۱ ش) ۰۰۰، ۵۰۰، ۱ نفر است. در این شهر چند اثر تاریخی مذهبی را می‌توان بازدید و زیارت کرد از جمله:

۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه

در دوران منصور عباسی به سال ۱۵۵ ق اطراف این شهر با دیواری از خشت و گل و چهار برجک محصور و دروازه‌ای نیز بر آن نهاده شده بود. این دروازه بالنسبه در همان مکانی ساخته شد که حضرت علی علیه السلام برای ورود به منطقه صفین از آن عبور کرده ولذا به باب علی علیه السلام شهرت یافته است. اکنون این باب و همچنین نیمی از دیواره شهر رقه سالم باقی مانده و جلوه زیبایی به شهر بخشیده است ولی به علت گسترش شهر، دیواره مذکور کمی در داخل شهر واقع شده است.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۸؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۰

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۷۵- ۳۷۲

ص: ۱۹۷

ارتفاع آن حدود چهار متر و عرض آن حدود پنج متر است که در دوران هارون عباسی به سال ۱۸۰ هجری تجدید بنا شده است. باب علی علیه السلام در قرن پنجم هجری- در دوران سیف الدوله، که این شهر نیز یکی از پایگاههای نظامی سیاسی او بوده تجدید و بازسازی قرار شده است. شایان گفتن است که شهر رقه در حمله مغول دچار ویرانی شد ولی دوباره عمران و آبادی یافت.

تصاویر شماره ۵۲ و ۵۳

۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

عمار بن یاسر بن مالک بن کنانه از قبیله بنی ثعلبه، کنیه‌اش ابویقظان و مادرش سمیه و پدرش یاسر نخستین شهدای اسلام بودند. پدر و مادر عمار از کسانی بودند که در راه اسلام شکنجه فراوانی متحمل شدند. بارها مشرکان بدن عمار را می‌سوزانیدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام شکنجه آنان دعا می‌کرد، «خدایا خاندان یاسر را بیامرز! ای آل یاسر! شکیبایی کنید؛ زیرا موعد شما بهشت است». عمار بن یاسر یکی از صحابه خاص و فداکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و در تمامی غزوات آن حضرت حضور داشت. در نبرد یمامه نیز برای سرکوبی مرتدین حضور یافته، مجروح شد و باگوش بریده، سپاهیان را به جنگ و پایداری ترغیب می‌کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حق او سخنان بسیاری فرموده است، از جمله: «عمار تا استخوان سرش از ایمان آکنده است، هر که عمار را دشمن بدارد، پروردگار، او را دشمن می‌دارد «(۱)»».

پیامبر صلی الله علیه و آله در جای دیگری، از شهادت عمار به دست گروهی ستمکار خبر می‌دهد «یَقْتُلُ العَمَّار الْفِئَةَ الباغَیه «(۲)»».

سرانجام عمار در نبرد با گروه یاغی و ستمکار در جنگ صفین- در رکاب علی علیه السلام- به شهادت رسید. وقتی عمار کشته شد، در سپاه معاویه اضطرابی پدید آمد که عمار کشته

۱- واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۶۷۴؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۰۹

۲- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۴۰

ص: ۱۹۸

شده و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند عمار به دست گروهی ستمکار کشته می‌شود؛ و لذا سپاه معاویه پس از شهادت عمار به تردید و سستی گرویدند. معاویه که می‌خواست به‌گونه‌ای روحیه سپاهیان را بازگردانده و تقویت کند، می‌گفت: راست می‌گویند ولی تأویل آن این است که ما بر کشندگان عثمان باغی هستیم تا به گرفتن انتقام خون او پاک شویم «(۱)».

روایت شده است، مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند اگر فتنه روی‌آورد و اختلاف پدید آمد ما را چه دستور می‌دهید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر شما باد پسر سمیه، به درستی که او هرگز حق را ترک نمی‌کند تا اینکه بمیرد «(۲)». سرانجام این صحابی فداکار در سن ۷۳ سالگی و هنگام شب به شهادت رسید. علی علیه السلام او را بدون غسل در همان میدان جنگ مدفون ساخت «(۳)».

امروز بارگاه مقدس و ملکوتی آن یارِ فداکار علی علیه السلام در کنار شهر رَقّه- در منطقه صفین- یعنی در همان جایی که به دست آن گروه ستمکار کشته شد قرار دارد. این مقبره در سمت راست باب علی علیه السلام است. چند سالی است به اهتمام جمهوری اسلامی مقبره‌ای بسیار بزرگ و باشکوه در حال ساخت است. بر فراز مقبره عمار، گنبدی مرتفع از بتون و سیمان قرار دارد و ارتفاع و سقف مقبره نیز بسیار زیاد است. قبر مطهّر او در زیر این گنبد قرار دارد.

تصاویر شماره ۵۴ و ۵۵

۳- مرقد و مزار اویس قرنی

مزار و مرقد اویس قرنی یکی از صحابه بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از شیعیان فداکار علی علیه السلام در سمت چپ قبر عمار در شبستانی دیگر قرار دارد. «(۴)» وی یکی از صحابه زاهد و

۱- ابوبکر تلمسانی، جوهره در نصب و شرح حال امام علی علیه السلام ترجمه فیروز حریرچی، ص ۱۰۶

۲- ابن عبدالبر، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۸۰

۴- مسعودی به قبر وی در رقه اشاه کرده و قبر دیگری نیز در اسکندریه و دیار بکر به او منسوب داشته‌است همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸. البته چون اویس قرنی در جنگ صفین به شهادت رسید بطور قطع باید مزار او همان جا باشد.

ص: ۱۹۹

متقی و از شیعیان خالص علی علیه السلام بود که در رکاب آن حضرت در جنگ صفین به شهادت رسید. بر فراز قبر آن شهید بزرگوار نیز گنبدی مرتفع استوار یافته است. قبر او را با پارچه‌ای سبز پوشانیده‌اند.

۴- مزار و مرقد منسوب به ابیّ بن کعب

در شبستان سمت چپ قبر اویس قرنی مقبره دیگری قرار دارد که به ابی بن کعب منسوب است. از آنجا که نام ابی بن کعب جزو شهدای صفین ذکر نشده و قبر او نیز در بقیع قرار دارد «(۱)»، به طور قطع این انتساب صحیح نیست. احتمال می‌رود این جا یکی دیگر از شیعیان علی علیه السلام که در جنگ صفین به شهادت رسید به خاک سپرده شده باشد.؛ زیرا چنانکه می‌دانیم در جنگ صفین بسیاری از شیعیان خالص علی علیه السلام که مقامی کمتر از اویس قرنی نداشته‌اند کشته شده و بعضی از آنان در همان منطقه به خاک سپرده شده‌اند که امروزه هیچ اثری از قبور آنان نیست.

۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین

۱. شهر رُصافه

این شهر به «رصافه هشام» معروف است و در ۲۴ کیلومتری غرب شهر رقه واقع شده است. بنای آن را به هشام بن عبدالملک اموی نسبت می‌دهند که در هنگام طاعون شام، این شهر را بنا کرده بود «(۲)». البته چون قبل از اسلام به «راسابا» نیز معروف بوده و در دوره بیزانس نیز به نام «سرجیوبولیس» قدّیس، متوفی قرن چهارم هجری مشهور بوده است لذا به نظر می‌رسد هشام بن عبدالملک دیوار و بناهای آن را تجدید و بازسازی

۱- بنگرید تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره تألیف نگارنده این سطور، نشر مشعر، سازمان‌حج وزیارت ۱۳۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳، ص ۴۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۲

ص: ۲۰۰

کرده است.

در این شـهر آثاری از رومی‌ها مانند کلیسا، دیوار، برج و چند قصر متعلق به دوران هشام بن عبدالملک قرار دارد که ویرانه‌های آنها همچنان وجود است.

۲. شهرک عین دیوار

این شـهرك در شمال شرقی سوریه و در تلاقی مرز سه کشور ترکیه، عراق و سوریه است. در این شهر تاریخی یکی ازآثار رومی‌ها یعنی پل رومی، که بر رودخانه دجله ساخته شده همچنان پابرجا است.

۳. قلعه جَعْبَر

یکی از نقاط بسـیار دیدنی و جذاب اطراف صـفین و رقه، قلعه زیبای جعبر است که در کنار رودخانه فرات واقع و چون در نزدیکی آن سد عظیمی ساخته شده این قلعه چون جزیره‌ای در وسط دریاست.

قلعه مذکور در مسـیر حلب و حدود سـی کیلومتری جنوب رقه و صـفین قرار دارد. در این مسـیر یک دوراهی ما را به سوی شهرك الثوره راهنمایی می‌کنـد. حدود ده کیلومتر به طرف این شـهرك، پس از سد جدید الاحداثی، تابلویی با عنوان الی جعبر، مسیر قلعه را نشـان می‌دهـد. از این نقطه تا قلعه حـدود دوازده کیلومتر راه است. پس از طی این مسافت به حاشـیه رودخانه فرات می‌رسـیم. از دور یك خشـکی که هماننـد جزیره‌ای آب اطراف آن را فرا گرفته چشـمان ما را به خود متوجه می‌سازد. قلعه مـذکور بر فراز تپه‌ای ساخته شده که هر سه طرف آن را آب احاطه کرده است.

قلعه در گذشـته به «دُوَسـر» معروف بوده است. از تاریـخ بنـای نخسـتین آن اطلاـعی در دست نیست ولی به گفته یـاقوت حموی در دوران بنی عباس فردی از بنی قُشیر اعمی به نام جَعْبَر بن مالك، این قلعه را به تملك درآورده است. وی که فردی راهزن بوده، پس از راهزنی در ایـن قلعه پنـاه می‌گرفته است. در ۴۷۷ هجری سـلطان ملکشاه سـلجوقی این قلعه را از تصـرف وی خارج ساخت و بنی قشیر را از آن بیرون راند.

پس از چندی نورالدین محمود زنگی به سال ۵۴۱ هجری آن را متصرف شد. این

ص: ۲۰۱

قلعه پس از چندی توسط ملک عادل برادر سلطان صلاح الدین ایوبی بازسازی شد اما هولاکو آن را تخریب و در ۷۳۵ ق «امیر طنبغا» نائب حلب از بیست هزار نفر برای بازسازی آن کمک گرفت. این قلعه در دوران ایوبی‌ها یکی از مراکز مهم نظامی و پایگاههای استراتژیکی آنان بوده است. «(۱)»

قلعه جعبر دو دیوار دفاعی داشته که اطراف آن را خندق تشکیل می‌داده است.

ارتفاع آن تا سطح رودخانه ۳۴۵ متر است. در سمت جنوب غربی آن مدخل ورودی قلعه است، پل متحرکی بر آن قرار یافته و بعدها به جای آن پلکانی از سنگ ساخته‌اند.

اطراف قلعه و دیواره آن، برجهای دفاعی فراوانی به شکل مربع یا مدور و مسدس برای دیدبانی قرار دارد. در گوشه جنوبی قلعه، باقی مانده بنای محکمی دیده می‌شود که محتمل است قصر الاماره بوده باشد. امروزه بیشتر دیوارهای قلعه که از آجر و خشت است تخریب شده و یا روبه ویرانی است بعضی از قسمتهای کنگره‌ها و برجک‌های آن نیز به مرور از بین رفته است.

در حدود دو کیلومتری آن و در وسط رودخانه، تپه‌ای به صورت جزیره نمایان است که بر بالای آن بنایی دیده می‌شود. گویا این جا پایگاه رصد یا کمین قلعه بوده است.

برای رفتن به آن مکان باید از قایق استفاده کرد. هم اکنون این قلعه و اطراف آن بصورت تفرجگاه تابستانی مردم اطراف است.

تصویر شماره ۵۶

۱- یاقوت حموی همان کتاب، ج ۲، ص ۱۴۲؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ صلاح الدین ابیک صفدی تحفه ذوی الالباب، ج ۲، ص ۷۳

ص:۲۰۲

ص: ۲۰۳

فصل هفتم: استان حَماۀ

اشاره

الف- مساجد تاریخی حماۀ

ب- قلعه‌های حَماۀ

ج- قصرهای حماۀ

د- سایر آثار تاریخی حماۀ

ص:۲۰۴

ص: ۲۰۵

استان حَماة

یکی دیگر از شـهرهای تاریخی سوریه، شهر «حَماة» «(۱)» است که در ۱۸۵ کیلومتری شمال دمشق، ۴۵ کیلومتری شمال حِمص، و ۸۵ کیلومتری جنوب حلب قرار دارد. سـابقه تـاریخی این شـهر به قرنها قبل از اسـلام می‌رسـد و نام آن در اشـعار جاهلی شاعر عرب امرئ القیس دیده می‌شود «(۲)». در آن دوران، شهر یا قریه حَماه یکی از قرای تابعه حِمص بوده است ولی اکنون یکی از استان‌های بزرگ سوریه است «(۳)».

گرداگرد شـهر، چون سایر شـهرها، دیواری عظیم کشـیده شده که اکنون بعضی از ابواب و پایه‌های آن نیز دیده می‌شود. شهر حَماه همانند حِمص در سال هفدهم هجری به دست ابوعبیده بن جراح و با پرداخت خراج به صلح فتح شد. جمعیت استان حماة بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ م ۰۰۰، ۴۰۰، ۱ نفر است. در این شـهر آثـار متنوعی از دوران اسـلامی و حتی قبـل از اسـلام وجود دارد. این آثار عبارتند از:

۱- حَماه در زبان مردم سوریه به معنی امْ یعنی مادر و حماة المرأه یعنی مادر همسر. آنان به وابستگان‌همسر احْماء گویند.

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۰۰

۳- محمـد علی پاشـای مصـری که این شـهر را در قرن هیجـدهم میلادی مـورد بازدیـد قرار داده آن را بزرگـتر از حمص دانسـته و ساکنینش را بی‌نهایت در دینداری متعصب و جدی دیده است. انیس الابیض، رحلات فی بلاد الشام، ص ۶۹

ص:۲۰۶

الف- مساجد تاریخی حماهٔ

۱. جامع کبیر حماهٔ

این‌مسجد که به جامع‌الاعلی‌نیز معروف‌است و درمرکز شهر واقع‌شده، قبل‌ازاسلام معبد بت پرستان بوده و سپس به کلیسا و در هفدهم هجری به مسجد تبدیل شده است.

جامع کبیر صحنی بزرگ ودو مناره از آثار دوره سلجوقی، ساخته (۵۲۹ ه) و (۸۲۵ ه) دارد که در ۵۲۹ و ۸۲۵ ق ساخته و دوران مهدی عباسی (۱۶۹ ق.) ممالیک بازسازی شده است.

۲. جامع ابی‌الفداء

این مسجد به دست مورخ مشهور سوریه یعنی ابوالفداء، صاحب تاریخ المختصر که در سالهای ۷۱۰ ه تا ۷۳۲ ه والی این شهر بوده ساخته شده است. جامع ابی الفداء همچنان زیبایی خود را حفظ کرده و مکان آن کمی بالاتر از جامع کبیر است.

۳. جامع نوری

جامع نوری به دستور نورالدین محمود زنگی در ۵۵۸ هجری بنا گردیده است.

داخل شبستان، منبر زیبایی از سنگ که ساخته دوره زنگیان (۵۵۹ هجری) است و در جنوب نیز مناره‌ای از آثار معماری قرن نهم به چشم می‌خورد.

۴. جامع حسنین

این جامع نیز به دستور نورالدین محمود زنگی همزمان با جامع نوری که در آن زمان به وسیله زلزله تخریب شد بود تعمیر گردید. جامع حسنین به جامع حسین نیز معروف و در جنوب قلعه حماه قرار دارد.

ب- قلعه‌های حَماهٔ

به علت موقعیّت خاص استراتژیکی شهر «حماه»، همواره برای دفاع از آن و یا

ص: ۲۰۷

ایجاد پایگاههای نظامی، در دوران قبل و بعد از اسلام، قلعه‌های بسیار مستحکم و زیبایی در شهر و اطراف آن ساخته شده که تمامی آنها امروزه موجود است. این قلاع عبارتند از:

۱. قلعه حَماه

این قلعه سابقه‌ای بس دراز در تاریخ دارد. بنای آن به سه قرن قبل از میلاد یعنی حدود ۲۲۰۰ سال قبل باز می‌گردد. آن را می‌توان پس از قلعه مشهور حلب و بصری زیباترین قلاع سوریه دانست. خندقی بزرگ اطراف قلعه را محصور کرده که در گذشته از آب رودخانه «العاصی» پر می‌شده و دشمن را یارای دستیابی به آن نبوده است.

قلعه به وسیله پلی چوبی به بیرون مرتبط شده که امروزه پلی از سنگ بر جای آن قرار گرفته است. در داخل قلعه، همانند قلعه حلب، مرکزی برای فرمانروا و فرماندهی قلعه، حمام و خانه‌هایی ساخته شده بود که اکنون جز دیواره‌های آن باقی نمانده است.

قلعه حَماه در جنگهای با روم یکی از پایگاههای نیروهای سیف الدوله و در جنگهای صلیبی نیز مقر نظامی سپاه اسلام بوده است. این قلعه یک بار توسط هولاکو و بار دیگر به وسیله تیمور ویران گشته است.

۲. قلعه ابوقبیس

بنای آن از دوران رومی‌ها است و سلاجقه شام و ایوبی‌ها از آن به عنوان پایگاه نظامی خود در جنگهای صلیبی استفاده کرده و تغییراتی در آن انجام داده‌اند. این قلعه زمانی نیز در تصرف فدائیان اسماعیلی قرار داشته و به وسیله نجم الدین شعرانی در قرن هفتم هجری بازسازی شده است.

۳. قلعه شَیْزر

این قلعه در هیجده کیلومتری شمال غربی شهر حماهٔ است که یکی دیگر از پایگاههای نظامی سیف الدوله در جنگ با ناکفور فوکاس بوده است.

ص: ۲۰۸

. قلعه شمیمیس

در سی کیلومتری جنوب شرقی حماه قرار دارد. آثار این قلعه که در دوران مغول ساخته شده به طور کامل باقی مانده است.

۵. قلعه صفیق

قلعه مذکور درنزدیکی شهر، «افامیه» قراردارد که درقرن هفتم‌هجری بنا شده‌است.

۶. قلعه مصیاف

در چهل کیلومتری غرب حماه، در شهر مصیاف قلعه‌ای از آثار قرن پنجم هجری است. این قلعه که از پایگاههای اسماعیلیان بوده به دست هولاکو تخریب گشته و اکنون جز دیواره‌های آن باقی نمانده است.

۷. قلعه رَحیبَه

در ۵۲ کیلومتری شرق حماه است. بنای آن به نیم قرن قبل از میلاد می‌رسد.

ج- قصرهای حماهٔ

۱. قصرالعظم

یکی از کاخهای بسیارزیبایی است که دردوران عثمانی (۱۱۵۳ ق.) توسط اسعدپاشا همزمان با قصر العظم دمشق ساخته شده است. این قصر امروزه به موزه تبدیل شده است.

۲. قصر ابن وردان

این قصر در شصت کیلومتری شرق حَماه و از آثار رومیان است. قصر ابن وردان دو طبقه بوده و کلیسا و سربازخانه آن از بین رفته است.

۳. قصر اسرایا

این قصر در نزدیکی «قصر ابن وردان» بوده و از بناهای رومی است.

ص: ۲۰۹

د- سایر آثار تاریخی حماة

۱. دیر الصلیب

این دیر که از آثار قرن چهارم میلادی است در غرب حماة و در مسیر مصیاف واقع شده است. اکنون در آن دیر مخروبه است و آرامگاهی نیز در آن دیده می‌شود.

۲. آسیاب‌های آبی

در دوران اسلامی برای توسعه کشاورزی و آبیاری، شهر حماة دارای چندین آسیاب آبی بود که این آسیاب‌ها بر روی نهر الحامی استقرار یافته بود. در عصر حاضر هنوز یکی از آنها فعال است.
تصویر شماره ۵۷

۳. بیمارستان نوریه

در قرن ششم همزمان با بیمارستان نوری دمشق توسط نورالدین محمود زنگی ساخته شده است.

ه. شهر باستانی افامِیَه: فامیه

یکی از شهرهای تاریخی استان حماة که سابقه‌ای بس دراز در تاریخ سرزمین شام دارد، شهر باستانی افامیه است. اکنون خرابه‌های آن در ۵۶ کیلومتری شمال غربی حَماة دیده می‌شود. شهر افامیه در تاریخ ایران قبل از اسلام جایگاه خاصی داشته است؛ زیرا در دوران خسرو دوم ساسانی از تصرف رومی‌ها در آمده و از جانب ایران حاکمی بر آن جا گماشته شده است.
بنای اصلی شهر را به سلوکوس اول مؤسس سلسله سلوکیه- نسبت داده‌اند «(۱)». این شهر، در هفده هجری به دست سپاه مسلمانان فتح گردید. در قرن ششم هجری صلیبی‌ها

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۲۶

ص: ۲۱۰

آن را بـه تصـرف درآوردنـد ولی نیروهـای نورالـدین محمـود زنگی آن را آزاد کردنـد، اکنـون بقایـای این شـهر بـویژه سـتون‌ها و سرستون‌های سنگی، پایه‌های دیواره‌ها موجود است.

ص: ۲۱۱

فصل هشتم: استان حمص

اشاره

ص:۲۱۲

الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیّار

ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

د: سایر صحابه مدفون در حمص

ص: ۲۱۳

استان حمص

حِمْصْ یـا در عرف مردم سوریه حُمْصْ یکی از شـهرهای قـدیمی سـرزمین شـام است که در ۱۴۵ کیلومتری شـمال دمشق و بین راه دمشق و حلب قرار دارد. از حماهٔ تا این شهر ۴۵ کیلومتر فاصـله است. بنای آن را به مردی به نام «حمص بن مهر بن جان بن مکنف» یـا «حمص بن مکنف عملیقی» نسبت داده‌انـد. حمص جزو اقلیم چهـارم است که قبـل از اسـلام در تصـرف یونانیـان بوده است. در دوران خلافت عمر بن خطاب پس از آنکه ابو عبیدهٔ بن جراح دمشق را فتح کرد، خالد بن ولید را به سوی حمص فرسـتاد و خود به دنبال وی آمد. مردم شهر تقاضای صلح کرده، امان خواستند؛ لذا طبق معاهده صلح، ۱۷۰ هزار دینار جزیه مقرر شد «(۱)».

مردم حمص از ابتدا گرایش و تمایل شدیدی نسبت به بنی امیه داشـتند. آنان در جنگ صفین معاویه را یاری داده و عداوت سختی نسبت به امام علی علیه السلام و شیعه نشان دادند. با این حال عده‌ای از غُلات شیعه از فرقه نُصَیریه نیز در این شهر زندگی می‌کنند. حمص در عصـر حاضـر که از لحاظ جمعیت سوّمین شـهر سوریه است بیشتر اهالی آن سـنی بوده و تعداد خیلی کمی نیز مسیحی و علوی دارد.

از آنجا که برای تبلیغ اسلام در این سرزمین، بسیاری از صحابه و قراء به آن رو آورده و ساکن شدند، «(۲)» امروزه مشاهد و مزارات فراوانی از آنان در حمص وجود دارد که به آن اشاره می‌کنیم.

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۰۴

۲- ملکه ابیض، التربیهٔ والثقافهٔ العربیه‌الاسلامیه فی الشام والجزیره، ص ۴۰۸

ص: ۲۱۴

الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

یکی از آثار باشکوه و جذّاب حمص، مسجد خالد بن ولید و مقبره اوست. مسجد مذکور در محله خالدیه و در مرکز شهر- خیابان اصلی شهر حمص- قرار دارد و نمای زیبای آن چشمها را متوجه خود می‌سازد. از بنای نخستین آن اطلاعی در دست نیست لیکن چون این جا خالد بن ولید به سال ۲۱ هجری مدفون شده است باید جامع آن نیز همان زمان ساخته شده باشد. با این وجود روشن است که این مسجد در ابتدا توسط ملک ظاهر بندقداری به سال ۶۶۴ هجری و سپس به وسیله ملک اشرف قلاوون در ۶۹۱ هجری تجدید و ترمیم شد.

در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی به وسیله ناظم پاشا- حاکم شام- بنای نخستین آن به کلی تخریب و سپس مسجد بسیار بزرگ و باشکوهی به جای آن ساخته شد. این جامع دارای پنج گنبد بسیار زیبا به رنگ خاکستری بوده و مأذنه‌ای بزرگ به زیبایی آن افزوده است. مسجد خالد را از لحاظ زیبایی و معماری می‌توان با مسجد ایاصوفیه در ترکیه مقایسه کرد که ترکیبی از معماری اسلامی و رومی است. در داخل مسجد و در شبستان بزرگ آن، مقبره خالد بن ولید فاتح این شهر قرار دارد که دارای قبه و ضریحی بزرگ با پایه‌ها و دیواره‌های مرمرین و ضریحی نقره‌ای است. قبر وی در گوشه شمال غربی شبستان با پوششی سبز و عمامه‌ای که بر آن نهاده شده دیده می‌شود. مقبره خالد را همانند مقام رأس یحیی در جامع اموی ساخته‌اند.

در همین مکان همسر خالد و پسرش عبدالرحمان نیز به خاک سپرده شده‌اند.

یاقوت حموی گوید: بعضی این قبر را از خالد بن یزید بن معاویه می‌دانند و خالد بن ولید در دو کیلومتری حمص به خاک سپرده شده است «(۱)». در ضلع شمال غربی شبستان مسجد، قبر عبیداللّه بن عمر دیده می‌شود. وی فرزند خلیفه دوم و همان کسی است که در قصاص خون پدر خود سه تن را به قتل رسانید و امام علی علیه السلام سوگند خورد که عبیداللّه را بخاطر قتل بیگناهان قصاص خواهد کرد لذا وی به هنگام حکومت علی علیه السلام از مدینه

۱- معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۰۳

ص: ۲۱۵

گریخت و نزد معاویه به شام رفت. سرانجام در جنگ صفین در رکاب قاسطین و به دست امام به قتل رسید.

تصویر شماره ۵۸

ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیّار

کمی بالاتر از جامع خالد بن ولید، در خیابان سمت چپ این جامع- حدود سیصد متر به سمت جنوب- جامع کوچکتری است که به جامع طیّار معروف است. در شبستان این مسجد دو قبر وجود دارد که تابلویی بر بالای آن نام عبداللّٰه و عبیداللّٰه را به عنوان دو شهید نشان می‌دهد تا آنجا که می‌دانیم جعفر طیار یک فرزند به نام عبداللّٰه داشته که در مدینه وفات یافته است ودر بقیع به خاک سپرده شده است. شاید این قبور نوادگان او باشد.

ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

حدود دویست متر بالا-تر از جامع طیّار در سمت چپ خیابان، جامع عمر بن عبدالعزیز قرار دارد که مقبره او نیز در داخل شبستان است. بنای آن از به دوران عثمانی برمی‌گردد. قبر عمر بن عبدالعزیز والی عادل اموی با سنگ و پوششی سبز، بدون ضریح و قبه در حجره‌ای قرار دارد. بعضی گویند قبر عمر بن عبدالعزیز در نزدیکی شهرک معرهٔ النعمان در اطراف حلب است که قبلًا در مورد دیر سمعان و آن شهرک سخن گفتیم «(۱)».

تصویر شماره ۵۹

د: سایر صحابه مدفون در حمص

۱- عمرو بن عبسه.

۲- ابو امامه باهلی، (م ۸۱ ق.).

۱- بنگرید: تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء، ص ۲۷

ص: ۲۱۶

۳- عبداللّه بن بسرمازنی (م ۸۸ ق.).

۴- شداد بن شرحبیل.

۵- شرحبیل بن اوس کندی.

۶- عبدالرحمن بن عمیره مزنی.

۷- عبداللّه بن سفیان ازدی صحابی.

۸- سعید بن عامر بن حذیم (م ۲۰ هجری) «(۱)».

همچنین چند تن دیگر نیز در اینجا به خاک سپرده شده‌اند:

۹- قنبر غلام امام علی علیه السلام که به دست حجاج کشته شد.

۱۰- سفینه، مهران بن فروخ، غلام ایرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۱۱- کعب الاحبار، یکی از راویان یهودی که در دوران ابوبکر مسلمان شد.

۱۲- هلال بن حرث معروف به ابو حمراء غلام ایرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از شیعیان علی علیه السلام که خزانه‌دار او نیز بوده است «(۲)».

۱۳- ثوبان، غلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله متوفی ۴۵ هجری.

۱- بنگرید، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۰۴

۲- کَمّونه حسینی، آرامگاههای پاک خاندان پیامبر و ... ص ۱۰۳

ص: ۲۱۷

فصل نهم: استان‌های ساحلی

اشاره

۱- استان طَرطوس

۲- استان لاذِقّیه

۱- استان طَرطوس

«طرطوس» یکی از استان‌های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرف صلیبی‌ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلط صلیبی‌ها موجود است، از جمله:

۱- استان طَرطوس

اشاره

«طرطوس» یکی از استان‌های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرف صلیبی‌ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلط صلیبی‌ها موجود است، از جمله:

الف- قلاع طرطوس

ص:۲۱۸

ص: ۲۱۹

۱– قلعه حصن

در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی طرطوس است که در سال ۱۱۱۰ میلادی به تصرف صلیبی‌ها درآمد. پنج سال بعد آلب ارسلان سلجوقی آن را تصرف و سپس به دست ایوبی‌ها افتاد. قلعه مذکور بارها بین مسلمانان و رومیها دست به‌دست گشته و سرانجام در سال ۱۲۷۰ میلادی «ملک ظاهر بیبرس» آن را از رومی‌ها باز پس گرفت.

۲– قلعه یحمور:

بین طرطوس و صافیتا قرار دارد.

۳– حصن سلیمان:

در شرق طرطوس بوده و از آثار قبل از میلاد است. در قرن اول میلادی به معبد الهه زنوس و در دوران روم به کلیسا تبدیل شده است.

ص: ۲۲۰

۴- حصن طرطوس:

از آثار صلیبی‌ها در سال ۱۱۸۳ میلادی است که به دست صلاح الدین تسخیر گشت.

۵- قلعه الخوابی:

در شمال شرقی طرطوس قرار دارد.

ب- سایر آثار طرطوس

۱- ارادوس:

جزیره‌ای است در سه کیلومتری مقابل ساحل طرطوس. این جزیره پایتخت فینیقی‌ها بوده و اکنون در آن آثاری از آن دوران موجود نمی‌باشد.

۲- تل الکزل:

مرکز شهر قدیمی «سمیرا» بوده و در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی طرطوس در مسیر حمص واقع است. آثاری از دوره قبل از اسکندر مقدونی در آن موجود است.

۳- موزه طرطوس:

در آن آثاری از دوره یونان، روم و اسلام نگهداری می‌شود «(۱)».

۱- عفیف البهنسی، شام الحضاره، صص ۱۳۲- ۱۲۸

ص: ۲۲۱

۲- استان لاذِقّیَه

اشاره

لاذقیه یکی از استان‌های ساحلی سوریه است «بندر لاذقیه» در ۳۴۸ کیلومتری شمال غربی دمشق و در ساحل مدیترانه قرار گرفته است. جمعیت آن بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۰۰۰، ۸۸۰ نفر است. این شهر به همراه حمص در سال هفده هجری فتح گردید و در دوران ایوبی‌ها و زنگیان- در سال پانصد هجری- به اشغال نیروهای رومی درآمد.

هنگامی که درمساجد لاذقیه اذان بلند می‌شد، رومیان دستور می‌دادند کلیساها ناقوس خویش را به صدا درآورند تا صدای اذان شنیده نشود «(۱)». سرانجام مسلمانان این شهر را دوباره فتح کردند. آثاری بسیار زیبا از دوران‌های مختلف در آن باقی مانده است که عبارتند از:

الف: قلعه صلاح الدین

این قلعه که در ۲۲ کیلومتری شرق لاذقیه است به دست رومیان ساخته شده بود، در ۱۱۸۸ م توسط صلاح الدین ایوبی تسخیر شد. در داخل قلعه، آثاری از دوره بیزانس و دوره اسلامی مثل مسجد، مناره، حمام و ... موجود است. مسجد قلعه را سلطان قلاوون ساخته است.

تصویر شماره ۶۰

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۵، ص ۶

ص: ۲۲۲

ب: سایر قلاع لاذقیه

۱- قلعه کهف: در شصت کیلومتری جنوب لاذقیه.

۲- قلعه مهالبه: در جنوب قلعه صلاح الدین.

۳- قلعه بنی قحطان: در بیست کیلومتری شرق شهر جبله.

۴- قلعه مرقب: در شصت کیلومتری شهر لاذقیه و نزدیک بانیاس.

ص: ۲۲۳

ص:۲۲۴

فصل دهم: استان تدمر: پالمیرا

اشاره

ص:۲۲۵

قوس النصر: باب النصر

معبد نبو

معبد بل

حمام‌های تدمر

تدمر و آثار تاریخی آن

اشاره

یکی از مناطق سرزمین شام که از هزاران سال پیش دارای تمدن و فرهنگی درخشان بوده و در تاریخ ایران نیز اهمیتی بسزا دارد تدمر است. این شهر که در ۱۶۰ کیلومتری شرق حمص واقع شده است درعصر ساسانیان در تصرف ایرانیان بوده است.

در حدود ۷۵ هزار سال پیش در سرزمین تدمر با مساحت شصت کیلومتر مربع، انسانهایی می‌زیستند که امروزه بقایا و آثاری از آنان در غارها و ... یافت شده است. بنای این شهر را به هزاره هفتم قبل از میلاد نسبت می‌دهند. در آغاز هزاره دوم قبل از میلاد، نام تدمر در متون آشوری دیده شده و تا عصر هلنی و رومی نیز این نام همچنان مشهور بوده است.

در این دوران اسم تدمر با پالمیرا، که مشتق از نخل بوده همراه گشته است؛ چون در شمال این سرزمین نخلهای خرما کاشته می‌شده است «(۱)».

گفته‌اند: تدمر، دختر حسان بن اذینه از نوادگان سام بن نوح علیه‌السلام، دارای عجیب‌ترین خانه بوده که بر ستون‌های سنگی و مرمر ساخته شده و مردم گمان می‌کردند این بنا به وسیله جنّیان برای «سلیمان» نبی علیه السلام ساخته شده است. گویند وقتی «مروان بن محمد»- آخرین خلیفه اموی- به تخریب دیوار تدمر پرداخته و مخالفین خویش در این شهر را می‌کشت؛ به شکافی بزرگ در کنار دیوار بر خورد و پس از داخل شدن در آن، صخره‌ای یافت که شبیه خانه بود. در آن جنازه زنی بر روی تختی که با هفتاد پارچه و حله پوشیده شده بود دیده می‌شد و بر کتیبه‌ای بالای آن نوشته بود به نام خداوند، من تدمر،

۱- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱، ص ۱۳۲

ص: ۲۲۶

دختر حسان هستم. خداوند کسی را که داخل خانه من گردد، دچار ذلّت و خواری کنید لذا مروان نیز آن جا را به حال خود باقی گذاشت و بازگشت «(۱)».

تدمر که در هزاره اول قبل از میلاد مسکن آرامی‌ها و دارای تمدن درخشانی بوده، در هفدهم هجری با صلح توسط خالد بن ولید به صلح فتح شده است. «(۲)»

در شهر تدمر آثار فراوانی از دوران قبل از اسلام وجو دارد که بسیاری از آنها رو به ویرانی رفته است. آثاری که اکنون در این شهر تاریخی موجود هستند عبارتند از:

قوس النصر: باب النصر

در ابتدای ورود به شهر تدمر، دروازه‌ای است که ما را به داخل شهر راهنمایی می‌کند. از اینجا خیابان اصلی شهر تدمر، آغاز می‌شود در اطراف این خیابان، رواقها و ستون‌هایی قرار داشته که بر روی آن، تصاویر بزرگان شهر حجاری شده و در سمت راست آن نیز چهار ستون عظیم دیده می‌شود که مجسمه‌ای از زنان ساقی بر آن ساخته شده قرار یافته است. مقابل آن ستون‌ها، «قوس نصر» قرار دارد. این باب یکی از دروازه‌هایی است که این خیابان از آن می‌گذشته و کنار آن دو دروازه کوچك دیگری نیز قرار دارد. این دروازه اکنون بطور سالم پای برجا مانده است.

تصویر شماره ۶۱

معبد بل

یکی از بناهای اعجاب انگیز و جذّاب تدمر، معبد خدای بل، یعنی خدای خورشید مردم تدمر است. این معبد صحن مقدسی به صورت چهار دیواری داشته که با چهار ستون و رواق احاطه شده و در وسط آن هیکل و مجسمه مرکزی قرار گرفته است. در حقیقت این بنا، خانه رب (بل) بوده که بت و مجسمه وی در آن قرار داشته است.

۱- احسان عباس، تاریخ بلاد الشام من قبل الاسلام حتی بدایة العصر الاموی، صص ۹۸- ۹۶

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹

ص: ۲۲۷

در معبد بل کشتارگاه و حوضی برای تطهیر نیز وجود داشته است. معبد یاد شده یکی از بزرگترین معابد جهان بوده و مساحت آن به حدود چهل هزار متر مربع می‌رسیده است. گفته می‌شود بیست معبد داخل آن بوده و هزاران گروه و دسته از قبایل سرزمین شام و شهرهای تابعه و همچنین از شبه جزیره در مراسم خاص طواف برگرد بت بَعْل در آن حضور می‌یافته‌اند. بنای ساختمان مرکزی آن در ۳۲ میلادی انجام شده و بنای سایر قسمتهای آن تا دو قرن بعد نیز ادامه داشته است «(۱)».

تصویر شماره ۶۲

معبد نبو

کنار قوس النصر در قرن اول میلادی، معبدی مخصوص پرستش خدای «نبو» ساخته شده است. بر روی این معبد چهل کتیبه وجود دارد.

حمام‌های تدمر

در سمت راست خیابان مذکور، حمام‌های تدمر قرار دارد که از قرن دوم میلادی است. این حمام‌ها هر کدام چهار درب داشته و داخل آن سالن استراحت و حوضی برای آب سرد و آب گرم اختصاص می‌یافته است. وجود حمام در قرن دوم میلادی حاکی از تمدن و فرهنگ مردم تدمر است.

تئاتر و مجلس شیوخ تدمر

در سمت مقابل این خیابان، «مسرح» یا «تئاتر تدمر» قرار دارد که در قرن دوم میلادی ساخته شده است. امروزه از این مسرح تنها ستون‌ها و بعضی از پلکان‌های آن بر جای مانده است. در جنوب غربی مسرح، «مقر مجلس شیوخ» شهر که آن را اداره می‌کردند بوده و سالنی برای نشستن مردان و سالنی برای شیوخ قبایل- که از اطراف تدمر

۱- المعجم الجغرافی للقطر السوری، صص ۱۳۳- ۱۳۲؛ احسان عباس، همان کتاب، ص ۸۹۸ و ۱۰۰- ۱۰۳

ص: ۲۲۸

به این سرزمین می‌آمدند- اختصاص داشته است. و بر دیواره‌های آن نیز تصاویری است که گویا از فرماندهان جنگی و رؤسای قبایل بوده است.

معبد بعل‌شمین

پس از مسرح و میدان بازار تدمر که اکنون آثار حجره‌ها و دکاکین آن دیده می‌شود بنای «معبد بعل‌شمین»- که خدای آسمان در میان تدمریان بوده- قرار دارد. این معبد در ۱۳۲ میلادی ساخته شده و اهمیت فراوانی نزد اعراب ساکن در تدمر داشته است.

قبور تدمر

آثار بعضی از قبور مردم تدمر هم اکنون موجود است. این قبور یا بصورت جمعی و یا فردی بوده و هر خاندانی برای خود مقبره و محلی خاص با تصاویر مخصوص داشته است. قبور آنان یا در برجهای هندسی که به وسیله پلکانهایی به آنها راه می‌یافتند و یا در زمین و یا در خانه‌ها قرار داشته و بیشتر آنان از قرن اول قبل از میلاد است. امروزه دهها برج هندسی که داخل آن قبور مردم شهر بوده منظره جالبی به شهر تاریخی تدمر بخشیده است.

تصاویر شماره ۶۴

دیوار تدمر

بر گرد شهر، دیواری به طول دوازده کیلومتر ساخته بودند که اکنون آثاری از آن پا برجاست. بر اطراف و گوشه‌های این دیوار هنوز برجکهای دیدبانی از آثار «ژوستینین»- امپراطور روم- ساخته قرن ششم میلادی موجود است.

موزه تدمر

در ۱۹۶۱ میلادی در میدان ملکه زنوبیا- مقابل ساختمان شهرداری کنونی- موزه‌ای

ص: ۲۲۹

ساخته شـد که بعضـی از آثار هنری و معماری تـدمر در آن نگهـداری می‌شونـد «(۱)». شایان گفتن است متأسـفانه بسـیاری از آثار تاریخی و فرهنگی تدمر در دوران تسلط فرانسویها از این شهر خارج شده است.

۱- المعجم الجغرافی للقطر السوری، صص ۱۳۴- ۱۳۲

ص:۲۳۰

ص: ۲۳۱

فصل یازدهم: استان سویدا

اشاره

الف- بُصری و آثار اسلامی و تاریخی آن

ب- شهر تاریخی سویدا

ج- شهباء: فیلیوبولیس و آثار تاریخی آن

د- شهرک صَلْخَد یا صَرْخَد

ص:۲۳۲

ص: ۲۳۳

استان سویدا

یکی از استان‌های بزرگ جنوب سوریه است که شهرهایی چون سویدا، بُصری و شهبا در آن قرار دارند. هر یک از توابع آن، پیشینه تاریخی قابل توجه و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ این سرزمین داشته‌اند و کوله باری از فرهنگ و تمدنی بس درخشان را در دهها قرن به دوش کشیده‌اند. یکی از شهرهای تابعه استان سویدا که اهمیتی بسیار ویژه در تاریخ اسلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، شهر تاریخی بصری است.

الف- بُصری و آثار اسلامی و تاریخی آن

اشاره

بُصْری در ۱۳۲ کیلومتری جنوب دمشق است. قدمت بصری از لحاظ تاریخ و تمدن شهرنشینی به قرن‌ها پیش از میلاد می‌رسد و هم اکنون نیز آثاری از آن دوران بر جای مانده است. این شهر در قبل و بعد از اسلام، واسطه تجارتی شبه جزیره و شام بوده و کاروان‌هایی که از شبه جزیره برای تجارت به شام می‌آمدند، ابتدا توقف کوتاهی در شهر بُصری داشته و پس از انجام تجارت مقدماتی و استراحت لازم به سوی دمشق حرکت می‌کردند.

بُصری نزد مسلمانان و مورخان اسلامی نقش و موقعیتی ویژه دارد؛ زیرا حدود سی سال قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شاهد قدوم مبارک آن حضرت در سن نه یا ده سالگی بوده است. سر انجام این شهر در سیزده هجری توسط خالد بن ولید با صلح فتح گردید.

آثار شهر قدیمی بُصری، آن را بصورت ویرانه و یا مخروبه‌ای جلوه‌گر ساخته که این آثار خود بیانگر تمدنی درخشان در ورای قرنهاست. پس از قلعه و مسرح بصری که

ص: ۲۳۴

از آن سخن خواهیم گفت، تا انتهای شهر چیزی جز ویرانه و آثار مخروبه باقیمانده از بازارها، حمام‌ها، معابد و ... عصر رومیها دیده نمی‌شود. در بعضی از همین ویرانه‌ها، مردمی بسیار فقیر، با قرار دادن سقفی از برگ درختان یا چوب و سنگ زندگی می کنند.

گویی وقتی انسان وارد شـهر بصری می‌شود بنظر می‌رسد حداقل به هزار سال قبل برگشته است. اگرچه مردم آنجا خانه‌های محقری دارند اما قلبها و دلهایشان بزرگ و مهربان است.

در این شـهر آثاری تاریخی و حائز اهمیت که کوله‌باری از قرنها حوادث، آنها را راست قامت‌تر نموده وجود دارند که به شرح آنها می‌پردازیم.

۱. دروازه اصلی و تاریخی شهر

این شهر در دوران رومی‌ها و قبل از اسلام دارای دیوار و استحکامی قوی بوده که اکنون بعضی‌ازقسمتهای خراب شده آن موجود و در سمت غرب آن دروازه بزرگ و اصلی شهر با بخشی ازدیوار قدیمی آن همچنان پابرجاست. دروازه یاد شده که از آثار قرن دوم قبل از میلاداست امروزه درحدود دویست‌متری داخل‌شهر واقع‌شده واطراف آن میدان کوچکی است.

۲. قلعه و تئاتر بُصری

یکی از آثارقدیمی شهر بصری، مجموعه‌ای است که دارای قلعه، حمام، ورزشگاه و تئاتر بوده و اطراف آن خندق نسبتاً بزرگی حفر شده است. این مجموعه در مرکز شهر قرار دارد و به وسیله پلی از سنگ که بر روی خندق ساخته شده با داخل مرتبط می‌شود.

در دو طرف این پـل مجسـمه‌های سـنگی از آثار رومی‌ها نصب و از سـمت راست با عبور از درب قلعه به مسرح یا تئاتر بصـری راه می‌یابیم. پس از عبور از راهرویی بسـیار تاریک- در سـمت راست- سالنی بـدون سـقف دیـده می‌شود که نیم سـتون‌های سـنگی از دوران روم در آن باقی است و گویا سـتون‌های سـقف را تشـکیل می‌داده که تخریب شده‌اند. احتمال می‌رود این جا تالار بزرگ و میهمانسرای این قلعه بوده است. در سمت چپ این محل پلکان‌های بسیار باریک ما را به طبقه بالا راهنمایی می کنند که در حقیقت

ص: ۲۳۵

به بالا_ترین نقطه ورزشگاه یا تئاتر قلعه مرتبط است. در بالای این مکان به یکی از اعجاب انگیزترین و جذاب‌ترین اثر تاریخی و هنری یعنی ورزشگاهی از دوران روم مُشرِف می‌شویم. محوطه و شکل این مکان مشابه ورزشگاههای کنونی است که پلکانهایی بصورت نیم دایره در حدود چهل ردیف از کف تا بالا داشته و محل نشستن تماشاچیان بوده است.

فضای میدان به طول ۱۰۲ متر و ارتفاع ۲۶ متر است. که حدود پانزده‌هزار نفر را در خود جای می‌داده است. در آن دوران، این جا عرصه رزم و تنازع بقا بوده است.

گلادیاتورها، در مقابل تماشاچیان بی‌عاطفه به طور بیرحمانه‌ای به جان یکدیگر افتاده و شرط آزادی خویش یعنی کشتن رقیب را با وحشیگری هر چه تمام‌تر تحقق می‌بخشیدند. آنان با ریختن خون یکدیگر ساعاتی از نشاط را برای مردمی که از دیدن جان دادن دیگران لذت می‌بردند فراهم می کردند.

در این میدان گاهی اسرا و بردگان به کام شیران گرسنه می‌افتادند و کمتر کسی بود که می‌توانست از این معرکه جان سالم بدر برد. در سمت جنوب ورزشگاه و در قسمت تحتانی آن، جایگاه اصلی و محل نشستن امرا، پادشاهان و بزرگان بوده است. در پشت این مکان یعنی در طبقه بالای سمت راست، سالن بزرگ دیگری است که اکنون به صورت موزه‌ای مخروبه در آمده است. در این سالن نیم تنه‌ها و سرهای سنگی فراوانی از مجسمه‌های خدایان، بزرگان و اشراف برده‌دار رومی به نمایش درآمده ولی بیشتر آثار این سالن به سرقت رفته‌اند. در سمت راست این سالن، یک نقاشی دیواری بسیار زیبائی ازعصر روم و هزیزانی که از اتصال هزاران قطعه کوچک سنگی رنگین ایجاد شده به جلوه هنری این سالن افزوده است. بنظر می‌رسد از دوران رومی‌ها تاکنون در این مجموعه عظیم هیچ ترمیم و تجدد بنایی صورت نگرفته باشد.

تصویر شماره ۶۵

۳. بازار، حمام‌ها و معابد بُصری

کمی پایین‌تر از قلعه و ورزشگاه بصری، ویرانه قدیمی شهر آغاز و ابتدای آن دروازه‌ای کوچک که تنها ستون‌های آن باقی مانده‌اند دیده می‌شود که دروازه بازار

ص: ۲۳۶

بزرگ بصری بوده است. پس از آن بازار شهر قرار داشته که روزگاری همواره یکی از مراکز مهم اقتصادی سرزمین شام محسوب می‌شده است. در کنار بازار، بقایای چند حمام از قرون اولیه اسلامی که سالمتر از بقیه آثار است دیده می‌شوند. در کنار آن نیز بقایای ویرانه یک کلیسا و یا معبد متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است.

تصویر شماره ۶۶

۴. جامع عُمَری

حدود دویست متر بالاتر از بازار و در انتهای قسمتی از شهر قدیمی بصری کلیسایی در قرن اول هجری به مسجد تبدیل شده است و در ۱۳۲۷ میلادی تعمیراتی بسیار جزیی یافته ولی ترکیب بنای آن از همان دوران تاکنون باقی مانده است. مسجدی است بسیار کوچک و مأذنه‌ای چهار گوش و کوچک دارد. هم اکنون اهالی در این مسجد نماز می گزارند.

۵. دیر و کلیسای بُحیرای راهب

در سمت راست مسجد عمری، در کوچه‌های باریک و قدیمی در حدود پانصد متر بالاتر- در سمت راست کوچه- به بنای مخروبه کلیسایی بر می‌خوریم که زمانی بُحیرای راهب در آن به عبادت و تهجد، روزگار می گذرانیده است. این مکان نزد مسلمانان اهمیت و قداست ویژه‌ای دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران نوجوانی زمانی که برای انجام تجارتی همراه ابوطالب به شام آمده بود؛ مورد توجه راهب این دیر قرار گرفته وی با دیدن علائمی که در کتاب آسمانی خود از پیامبر صلی الله علیه و آله آینده دیده بود به ابوطالب گفت که وی را محافظت کن و من در ناصیه او پیامبری می‌بینم. این واقعه «(۱)»، صرف‌نظر از شاخ و برگهای فراوان و معجزات بدون دلیلی که اغلب از جانب مسیحیان و مستشرقان در منابع تاریخی آمده است، ارزش و قداستی ویژه به این مکان می‌بخشد.

کلیسایی که اکنون مخروبه آن دیده می‌شود به ظاهر در دوره بیزانس (قرن چهارم

۱- ابن‌هشام، سیرةالنبی، ج ۱، صص ۱۹۷- ۱۹۴؛ ابن‌منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن‌عساکر، ج ۲، ص ۱۰- ۶

ص: ۲۳۷

میلادی) یعنی سه قرن قبل از اسلام ساخته شده و در دوران‌های بعدی از حیّز انتفاع خارج گردیده و تعمیراتی در آن صورت نگرفته است. مساحتی حدود یکصد متر دارد و در ورودی آن آهنی و اکنون مسدود است. در دیوار انتهایی کلیسا آثار محراب آن نیز باقی است. شایان گفتن است که سقف آن نیز به مرور زمان از بین رفته و امروزه تنها دیواره‌های مرتفع آن باقی مانده است. علامت صلیبی کوچک بر دیواره غربی یعنی بالای در ورودی کنده شده و کتیبه‌ای به زبان سریانی نیز بر آن دیده می‌شود.

تصویر شماره ۶۷

۶. جامع مبرک یا ناقه

در آخرین نقطه شهر یعنی حدود سیصد متر بالاتر از کلیسای بحیرا- در سمت راست- نمای مسجدی دیده می‌شود که دارای مناره‌ای کوچک و در ورودی بسیار کوتاهی است و برای ورود به آن باید خم شد و سپس داخل آن گردید. این جا جامع مبرک است. در این مکان ناقه و شتر پیامبر صلی الله علیه و آله بر زمین نشسته که بعدها مسجدی به جای آن ساخته‌اند و «مبرک» نیز یعنی محل نشستن شتر.

در داخل مسجد، شبستان کوچکی است که در عصر حاضر تعمیراتی در آن انجام شده و اکنون مردم محل در آن نماز می‌گزارند. در سمت راست این شبستان، حجره‌ای کوچک و تاریک است و داخل آن قطعه سنگی بر روی زمین به ابعاد ۵/ ۱* ۵/ ۱ متر دیده می‌شود. نگارنده این سطور چهار گودال کوچک باندازه زانو و یا پای یک شتر که بر این سنگ فرو رفته را دیده است. ریش سفیدان محل می‌گفتند: این نشانه همان جای زانوی شتر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. «واللّٰه اعلم بالصواب».

تصویر شماره ۶۸

ب- شهر تاریخی سویدا

شهر سویدا مرکز استان سویدا است که در فاصله ۱۰۶ کیلومتری جنوب دمشق قرار گرفته است. سویدا را به ابو محمد سویدانی، که فردی بزرگوار و خَیّر بوده و نزد ابو حامد

ص: ۲۳۸

غزالی در بغداد فقه می‌خوانده نسبت داده‌اند «(۱)». امروزه در این شهر موزه بسیار جذاب و زیبایی از آثار دوره یونان و بیزانس از جمله کتیبه‌هایی از قرن سوم میلادی به نمایش درآمده است. شهر در حال حاضر ترکیبی جدید داشته و اکثر بناها و خانه‌های آن جدید است. اهالی آن به علت موقعیت بسیار مطلوب آب و هوایی و جغرافیایی آن، به زراعت مشغول و بیشتر زمین‌های آنان به کاشت زیتون اختصاص یافته است. قلعه‌ای از دوران بیزانس نیز در این شهر وجود دارد که بالنسبه کوچک و دیدنی است.

ج- شهباء: فیلیوبولیس و آثار تاریخی آن

این شهر نیز یکی از شهرهای قدیمی استان سویداست که در ۸۹ کیلومتری دمشق و کمی بالاتر از سویدا واقع شده و بنای آن را به فیلیپ، امپراطور روم- در قرن سوم- نسبت داده‌اند. شهباء دارای چند اثر تاریخی و مهم از جمله «معبد فیلیبون» است که در پنجاه متری غرب میدان اصلی شهر قرار دارد. امروزه تنها چند ستون از آن باقی مانده است.

آثار مخروبه چند حمام، قنات و تئاتر نیز از قرن سوم میلادی در آن دیده می‌شود ولی بیشتر آثار تاریخی آن در موزه شهر که دو طبقه است نگهداری می‌شود.

د- شهرک صَلْخَد یا صَرْخَد

شهرک صرخد یا صلخد کنونی در بیست کیلومتری شرق بصری قرار دارد. در این شهرک قلعه‌ای از دوران رومی‌هاست که در قرون بعدی به وسیله ممالیك و ایوبی‌ها تجدید بنا و بازسازی شده و به عنوان یك پایگاه نظامی مهم در جنگهای صلیبی استفاده می‌شده است.

از آثار تاریخی دیگر این شهرك، مناره یکی از مساجد دوران ایوبی است که تنها برپا مانده و مسجد آن مخروب شده است. امروزه اطراف این مناره میدان اصلی شهرك قرار دارد.

۱- یاقوت حموی همان کتاب، ج ۳، ص ۲۸۶

ص: ۲۳۹

فهرست منابع

اشاره

الف. منابع عربی

ب. منابع فارسی

ج. منابع انگلیسی

ص:۲۴۰

ص:۲۴۱

الف. منابع عربی

۱- قرآن کریم.

۲- آیبک صفدی، صلاح الدین خلیل بن آیبک (۷۶۴ ق.). تحفهٔ ذوی الالباب فیمن حکم بدمشق من الخلفاء و الملوک و النواب. حققه احسان بنت سعید خلوصی و زهیر حمیدان الصمصام، دمشق، وزارهٔ الثقافه ۱۹۹۱ م.

۳- ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدّین ابی الحسن علی بن عبدالکریم (۶۳۰ ق.). الکامل فی التاریخ. بیروت، دارصادر، دار بیروت ۱۹۶۵ م و قاهره ۱۲۹۰ ق.

۴-- اسدالغابه فی معرفهٔ الصحابه. بیروت دارالاحیاء الترث العربی، [بی تا] و قاهره دارالکتب المصریه ۱۳۵۸ ق.

۵- ابن اعثم کوفی، خواجه احمدبن محمد (۳۱۴ ق.). الفتوح. هند، حیدرآباد دکن، دائرةالمعارف العثمانیه، چاپ اول ۱۳۸۸ ق و بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۰۶ ق.

۶- ابن بطوطه، ابو عبداللّٰه محمد بن ابراهیم (۶۸۳- ۷۵۶ ق.). تحفهٔ النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار: الرحله، بیروت، دارالکتب اللبنانی، مکتبه المدینه [بی تا] و دارالکتب العالمی ۱۹۹۱ م.

۷- ابن بکار، ابی عبداللّٰه زبیر بن بکار بن عبداللّٰه بن مصعب بن ثابت بن عبداللّٰه بن زبیر (۱۷۲- ۲۵۶ ق.). الاخبار الموفقیات. تحقیق سامی کلی العانی، بغداد، مطبعهٔ العانی ۱۹۷۲ م.

۸-- کتاب نسب قریش، تصحیح و تألیف لیفی. بروفنسال، مصر، دارالمعارف، چاپ دوم [بی تا].

۹- ابن تغری بردی (۸۷۴ ق.). النجوم الزاهره فی اخبار ملوک مصر و القاهره. قاهره، دارالکتاب المصریه ۱۹۲۹.

۱۰- ابن جبیر اندلسی، ابی الحسن محمد بن احمد. رسالهٔ اعتبار الناسک فی ذکر الاثار

ص: ۲۴۲

الکریمه و المناسک، معروف به الرحله ابن جبیر، بیروت. دار مکتبهٔ الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م.

۱۱-- الجامع الاموی بدمشق. تحقیق محمد مطیع الحافظ، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.

۱۲- ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قزاوغلی سبط. تذکرهٔ خواص الامه فی معرفهٔ احوال الائمه. فی هامشه مطالب السئول، شافعی، به خط محمد باقر عبدالحسین اصفهانی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش.

۱۳- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییزالصحابه. مصر، مطبعهٔ مصطفی محمد ۱۳۵۸ ق و بیروت، دارالکتب العلمیه [بی تا].

۱۴-- تهذیب التهذیب، هند، مجلس دائرهٔ المعارف النظامیه، حیدر آباد دکن ۱۳۲۵ ق.

۱۵- ابن حورانی، عثمان بن احمد السویدی الدمشقی. زیارات الشام. دمشق، مکتبهٔ الغزالی ۱۹۸۱ م.

۱۶- ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن بن احمد (۷۳۶- ۷۹۵ ق.). الذیل علی طبقات الحنابله. تصحیح محمد حامد الفقی، مصر، السنهٔ المحمدیه ۱۳۷۲ ق.

۱۷- ابن سعد، ابو عبداللَّه محمد بن سعد بن منیع زهری بصری (۱۶۸- ۲۳۰ ق.). الطبقات الکبری. بیروت دارصادر، داربیروت ۱۳۷۶ ق.

۱۸- ابن شاکر الدارانی، صلاح الدین محمد بن شاکر. فوات الوفیات. تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره مکتبهٔ النهضهٔ، ۱۹۵۱ م.

۱۹- ابن شحنه، الدرالمنتخب من تاریخ الحلب. دمشق، دارالکتاب العربی، چاپ دوم ۱۴۰۴ ق.

۲۰- ابن شداد، عزالدین محمد بن علی بن ابراهیم. الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره. حققه یحیی زکریا عباره، دمشق، وزارهٔالتقافه ۱۹۹۱ م و تحقیق سامی الدهان و یحیی عباره ۱۹۵۶ م.

۲۱- ابن شهاب زهری، محمد بن مسلم بن مسلم بن عبیداللَّه (۵۱- ۱۲۴ ق.). المغازی النبویه. تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر ۱۴۰۱ ق.

۲۲- ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشید الدین (۵۸۸ ق.). المناقب الائمه: مناقب آل ابی طالب. قم، مطبعهٔ العلمیه [بی تا].

۲۳- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (۸۵۵ ق.). الفصول المهمه فی معرفهٔ احوال الائمه. بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق.

ص: ۲۴۳

۲۴- ابن طولون، القلائد الجوهریه فی تاریخ الصالحیه. تحقیق محمد احمد دهمان، دمشق [بی تا] ۱۹۵۶ م.

۲۵-- بهجهٔ الانام فی فضل دمشق الشام، بیروت، بی‌تا.

۲۶- اعلام الوری بمن ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الکبری. تحقیق احمد دهمان، دمشق، وزارهٔ الثقافه ۲۸۳ ق.

۲۷- ابن طیفور، ابن ابی طاهر (۲۸۰- ۲۰۴ ق.) بلاغات النساء. بیروت، دارالنهضهٔ الحدیثه ۱۹۷۲ م.

۲۸- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد (۳۲۸ ق.) العقدالفرید. تحقیق عبدالحمید استرحینی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.

۲۹- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبداللّه ثمری قرطی اشعری (۳۶۸- ۴۶۰ ق.).

الاستیعاب فی معرفهٔ الاصحاب. مصر، مطبعه مصطفی ۱۳۵۸ ق.

۳۰- ابن عبدالهادی، یوسف. ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، تحقیق محمد اسعد طلس. بیروت، مکتبهٔ لبنان ۱۳۶۱ ق.

۳۱- ابن عدیم (۶۶۰ ق.). زبدهٔ الحلب من تاریخ الحلب. تحقیق سامی الدهان، دمشق، معهدالفرنس ۱۹۵۹ م.

۳۲-- بغیهٔ الطلب فی تاریخ الحلب. تحقیق سهیل زکار، دمشق، [بی تا] ۱۹۸۸ م.

۳۳- ابن عساکر، علی بن حسن الشافعی (۴۹۹- ۵۷۱ ق.). تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الاماثل اواجناز بنواحیها. دمشق، مجمع اللغهٔ العربیه ۱۳۹۸ ق و تحقیق صلاح الدین المنجد، المجمع العلمی العربی ۱۳۷۱ ق.

۳۴- ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب. بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.

۳۵- ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی الحسن (۸۲۸- ۷۴۸ ق.). عمدهٔ الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، بیروت. دار مکتبهٔ الحیاهٔ [بی تا].

۳۶- ابن قلانسی، حمزه بن علی بن محمد (۴۷۰- ۵۵۵ ق.) ذیل تاریخ دمشق. قاهره، مکتبهٔ المتنبی [بی تا] و تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارحسان، چاپ اول ۱۴۰۳ ق.

۳۷- ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد. فهرسه محمد ادیب الجاور، بیروت، الرساله ۱۴۱۲ ق.

۳۸- ابن کثیر القرشی الدمشقی، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۷۰۰- ۷۷۴ ق.).

البدایه و النهایه فی التاریخ. مصر، مطبعهٔ السعاده ۱۳۵۱ ق و بیروت ۱۴۰۹ ق.

۳۹- ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰- ۷۱۱ ق.). مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر.

ص: ۲۴۴

تحقیق ریاض عبدالحمید مراد، محمد مطیع الحافظ. بیروت، دارالفکر ۱۴۰۴ ق.

۴۰- ابن هشام، محمد بن عبدالملک بن ایوب حمیری (۲۱۸ ق.). سیرة النبی صلی الله علیه و آله. تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۵۶ ق و مصطفی البابی الحلبی ۱۳۵۵ ق.

۴۱- ابراهیم حسن. حسن. تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی.

بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم ۱۹۶۴ م.

۴۲- ابیض، ملکه. التربیة و الثقافة العربیه- الاسلامیه فی الشام و الجزیره خلال القرون الثلاثه الاولی للهجره. بیروت، دارالعلم للملایین ۱۹۸۰ م.

۴۳- ابیض، انیس. رحلات فی بلاد الشام خلال القرون الثامن عشر و التاسع عشر و القرن العشرین. بیروت، دارالندوه الجدیده ۱۴۱۰ ق.

۴۴- احسان عباس. تاریخ بلاد الشام من ما قبل الاسلام حتی بدایة العصر الاموی.

عمان، مطبعة جامعه الاردنیه ۱۴۱۰ ق.

۴۵- ازدی بصری، محمد بن عبداللّه. تاریخ فتوح الشام. تحقیق عبداللّه عامر، بیروت، دارناصیف ۱۹۷۰ م. و تصحیح ولیام ناسولیس ایرلندی، کلکته ۱۸۵۴ م.

۴۶- اسدی، خیرالدین، احیاء حلب واسواقها. تحقیق عبدالفتاح رواس قلعه جی.

بیروت، دارقتیبه ۱۹۹۰ م.

۴۷- الامین، حسن. دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیه. بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۰ ق.

۴۸- الامین، محسن. اعیان الشیعه. حققه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۶ ق.

۴۹- باسمیل، محمد احمد. العرب فی الشام قبل الاسلام. بیروت. دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۵۰- البحره، نصرالدین. دمشق الاسرار. دمشق. [بی نا [] بی تا].

۵۱- بدری، ابی البقاء عبداللّه (قرن نهم). نزهة الانام فی محاسن الشام. بیروت، دارالرائد ۱۹۸۰ م.

۵۲- بدیری، احمد الحلاق و حوادث دمشق الیومیه (۱۱۵۴ - ۱۱۷۵ ق.) تحقیق، احمد عزت عبدالکریم. مصر، مطبوعات الجمعیة المصریه والدراسات التاریخیه ۱۹۴۶ م.

۵۳- بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (۲۷۹ ق.). فتوح البلدان. تعلیق رضوان محمد رضوان، مصر. المطبعة المصریه بالازهر ۱۳۵۰ ق.

۵۴-- انساب الاشراف. حققه محمد باقر المحمودی. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات چاپ دوم ۱۹۷۴ ق و مصر، دارالمعارف ۱۹۵۹ م.

۵۵- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان، سیده زینب، عقیله بنی هاشم. بیروت، دارالکتب

ص: ۲۴۵

العربی ۱۴۰۶ ق.

۵۶-- سکینه بنت الحسین علیه السلام، بیروت، دارالکتب العربی ۱۴۰۶ ق.

۵۷- البهنسی، عفیف. الشام الحضاره. دمشق، وزارهٔ الثقافه ۱۹۸۶ ق.

۵۸- بیشوف، تیودور. تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء. تعریب و تحقیق، شوقی شعث. دمشق، دارالوسیم للخدمات الطباعیه، چاپ دوم ۱۹۹۲ م.

۵۹- جعفری، بشار. السیاسهٔ الخارجیه السوریه (۱۹۸۲- ۱۹۴۶ م). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۶۰- الجندی، محمد سلیم. تاریخ معرهٔ النعمان. دمشق، وزراهٔ الثقافه ۱۳۸۳ ق.

۶۱- حافظ، محمد مطیع. حریق الجامع الاموی و بناوه (۱۳۱۱- ۱۳۲۰ ق) نصوص و وشائق للقاسمی، واصف، کرد علی والعظمی، کویت، مکتبهٔ دارالعروبه للنشر و التوزیع ۱۴۰۹ ق.

۶۲- حجاز، عبداللّه. معالم حلب الاثریه. حلب، جامعه حلب، جمعیهٔ العادیات [بی تا].

۶۳- خمّاس، نجدت. الشام فی صدر الاسلام. (من الفتح حتی سقوط الخلافهٔ بنی الامیه). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۶۴- خوارزمی زمحشری، موفق الدین احمد بن محمد (۶۶۵ ق.) المناقب. خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۶۲۱.

۶۵- الخیمی، صلاح محمد. نزههٔ الرفاق فی شرح حالهٔ الاسواق، من کتاب رسائل دمشقیه، بیروت [بی نا] ۱۹۸۸ م.

۶۶- دائرهٔالمعارف الاسلامیه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس. تهران، بوذرجمهری [بی‌تا].

۶۷- دارقیو، فارس. وصف دمشق فی القرن السابع العشر، من مذاکرات الرحالهٔ الفرنسی. تعریب احمد ایبش، دمشق، دارالمأمون للتراث ۱۴۰۳ ق.

۶۸- دهمان، محمد احمد. فی رحاب دمشق. بیروت، دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۶۹- زکی ابراهیم، محمد. مراقداهل البیت بالقاهره. مصر، مطبوعات العشیرهٔ المحمدیه، چاپ چهارم ۱۴۰۶ ق.

۷۰- زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب. تحقیق صلاح الدین المنجد.

بیروت دارالکتاب الجدید ۱۹۸۳ م.

۷۱- سابقی، حسنین. مرقد العقیله زینب علیها السلام بیروت [بی‌تا].

۷۲- سلطان، علی. تاریخ السوریه (۱۹۱۸- ۱۹۰۸ م). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۷ م.

۷۳- سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد (۹۱۱ ق.). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی.

ص: ۲۴۶

حققه محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعهٔ السعاده، چاپ اول ۱۳۷۴ ق.

۷۴-- سوفاجیه، جان، الآثار التاریخیه فی دمشق. تعریب اکرم حسن العلبی.

دمشق، دار الطباع ۱۴۱۲ ق.

۷۵-- لمحهٔ تاریخیهٔ منذ العصور القدیمه حتی الانتداب. تعریب فؤاد افرام البستانی، دمشق، الوارف ۱۹۸۹ م.

۷۶- سید علیخان، سید عبدالکریم. مقتل سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام. بیروت، دارالزهرا، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۷۷- سیل، پاتریک. الصراع علی سوریه (دراسهٔ للسیاسه العربیه بعد الحرب ۱۹۵۸ - ۱۹۴۵). تعریب سمیر عبده و محمود کلامه، دمشق، دارطلاس [بی‌تا].

۷۸- شریف القرشی، باقر. حیاهٔ الامام حسین بن علی علیه السلام. بیروت، دارالبلاغه، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.

۷۹- شهابی، قتیبه. اسواق دمشق القدیمه و مشیداتها التاریخیه. دمشق. وزارهٔ الثقافه ۱۹۹۰ م.

۸۰-- مآذن دمشق، تاریخ و طراز. دمشق، وزارهٔ الثقافه ۱۹۹۳ م.

۸۱- شوقی، ابوخلیل. اطلس التاریخی العربی، دمشق، دارالفکر ۱۴۰۴ م.

۸۲- شوقی، شعث. حلب، تاریخها و معالمها التاریخیه. حلب، جامعه الحلب ۱۹۹۱ م.

۸۳-- نقشه و راهنمای قلعه حلب، حلب، مطبوعات المدیریه العامه لاثار والمتاحف ۱۹۸۶ م.

۸۴- طباخ الحلبی، محمد راغب. اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء. صححه و علق علیه محمد کمال، حلب، دارالقلم العربی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۸۵- طبرسی، ابی منصور احمد بن ابی‌طالب (م قرن ششم). الاحتجاج علی اهل اللجاج.

تعلیق سید محمد باقر الموسوی الخراسانی. مشهد، نشر المرتضی ۱۴۰۳ ق و بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۰۳ ق.

۸۶- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴- ۳۱۰ ق.). تاریخ الرسل و الملوک: تاریخ الطبری، قاهره، مطبعهٔ الاستقامه ۱۳۵۷ و مطبعه الحسنیه ۱۳۲۴ ق.

۸۷- طبری، محب الدین احمد بن عبداللّه. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. بیروت.

دارالمعرفه [بی تا].

۸۸- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم. دلائل الامامه. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

۸۹- طلس، محمد اسعد. الآثار الاسلامیه و التاریخیه فی حلب. دمشق، مطبعهٔ الترقی

ص: ۲۴۷

۱۹۵۶ م.

۹۰- طنطاوی، علی. دمشق، صور ... من جمالها و عبر ... من نضالها، دمشق، دارالفکر چاپ دوم ۱۴۰۷ ق.

۹۱- طه حسین، علی و بنوه، مصر [بی تا]، [بی نا].

۹۲- عظیمی الحلبی، محمد بن علی. تاریخ الحلب (۵۵۶- ۴۸۲ ق) تحقیق ابراهیم ذعرور، دمشق [بی تا] ۱۹۸۴ م.

۹۳- العلبی، اکرم حسن. خطط دمشق، دارسهٔ تاریخیه شامله، دمشق، دارالطباع ۱۴۱۰ ق.

۹۴-- دمشق بین عصر ممالیک و العثمانیین (۹۲۲- ۹۰۶ ق). دمشق، الشرکهٔ المتحده للطباعهٔ و النشر، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.

۹۵- العمری، فضل اللّه. الجامع الاموی بدمشق. حققها و قدم لها محمد مطیع الحافظ، بیروت، دارابن کثیر ۱۴۰۵ ق.

۹۶- عیسی بک، احمد. تاریخ البیمارستانات فی الاسلام. بیروت، دارالرائد العربی، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۹۷- غزی البابی الحلبی، کامل. نهرالذهب فی تاریخ حلب، تحقیق و تصحیح شوقی شعث، محمود الفاخوری، حلب، دارالقلم العربی، چاپ دوم ۱۴۱۲ ق.

۹۸- قمی، عباس. سفینهٔالبحار و مدینه الحکم والاثار. تهران، کتابخانه سنایی [بی تا].

۹۹- کرد علی، محمد. غوطه دمشق. بیروت، دارالفکر، چاپ سوم ۱۴۰۴ ق.

۱۰۰-- خطط الشام. بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ دوم ۱۳۹۱ ق.

۱۰۱- کمال، منیر. الحمامات الدمشقیه، دمشق، ابن خلدون ۱۹۸۶ م.

۱۰۲- گیلانی، هیثم. الاستراتیجیات العسکریه للحروب العربیه الاسلامیه. بیروت، مرکز الدراسات الوحده العربیه ۱۹۹۱ م.

۱۰۳- لحام، ماجد. دمشق فی نصف قرن. بیروت، دارالفکر المعاصر ۱۴۱۰ ق.

۱۰۴- مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار. تهران، اسلامیه [بی تا].

۱۰۵- محمد نرسی، محمد. الامارات العربیه فی بلاد الشام فی القرنین الحادی العشر و الثانی العشر للمیلادی، مصر، الهیئهٔ المصریه العامه للکتاب ۱۹۸۰ م.

۱۰۶- محمد سالم، لطیفه. الحکم المصری فی الشام (۱۸۱۴- ۱۸۳۱ م). قاهره، مکتبهٔ مدبولی، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۱۰۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۳۴۵ ق.). مروج الذهب و معادن الجوهر.

مصر، مطبعهٔ البهیه المصریه ۱۳۴۶ ق و بیروت، دارالقلم ۱۴۰۸ ق.

۱۰۸- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، اشراف، العماد مصطفی طلاس، دمشق،

ص: ۲۴۸

مرکز الدراسات العسکریه ۱۹۹۰ م.

۱۰۹- معروف الحسنی، هاشم. سیرة الائمه الاثنی عشر، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۱ ق.

۱۱۰- مقدسی، طاهربن مطهر (۱۰۱۰ ق.). البدء و التاریخ. پاریس، تحت اشراف کلمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م و تهران مکتبة الاسلامیه ۱۹۷۲ م.

۱۱۱- ملوجی، عدنان. الطریق الی دمشق. (مذاکرات)، کتاب الاول. دمشق، دارالطباعه والنشر، چاپ دوم ۱۹۹۲ م.

۱۱۲- منقری، نصر بن مزاحم بن سیار (۲۱۲ ق.). وقعة الصفین. حققه و شرحه عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبة آیة اللّه المرعشی النجفی ۱۴۰۳ ق.

۱۱۳- موسوی المقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین او حدیث کربلا. قم، مکتبة بصیرتی ۱۳۹۴ ق.

۱۱۴- مهاجر، عبدالحمید. حجر بن عدی لایساوم فی الحق. بیروت، دارالکتاب و العتره ۱۴۱۳ ق.

۱۱۵- نزار ابساظه و محمد مطیع الحافظ. علماء دمشق و اعیانها فی القرن الثالث عشر الهجری. بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ اول ۱۴۱۲ ق.

۱۱۶- نسیم یوسف، جوزف. العدوان الصلیبی علی بلاد الشام، مصر، دارالمعرفه الجامعه [بی تا].

۱۱۷- نصراللّه، ابراهیم. حلب و التشیع. بیروت، دارالوفاء ۱۴۰۳ ق.

۱۱۸- نعیسه، یوسف جمیل، مجتمع مدینه دمشق (۱۱۸۶- ۱۲۵۶ ق). دمشق، دارطلاس ۱۹۸۶ م.

۱۱۹- نعیمی دمشق. عبدالقادر بن محمد (۹۷۸ ق.). الدراس فی تاریخ المدارس. تنظیم فهارس، ابراهیم شمس‌الدین. بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۰ ق.

۱۲۰-- دور القرآن بدمشق. تحقیق صلاح الدین المنجد، بیروت، دارالکتاب الجدید، چاپ سوم ۱۹۷۲ م.

۱۲۱-- الجامع الاموی بدمشق، حققها و قدم لها مطیع الحافظ، بیروت، دارابن کثیر ۱۴۰۵ ق.

۱۲۲- واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (۲۰۷ ق.). المغازی. تحقیق مارس جونس، بیروت [بی تا].

۱۲۳-- فتوح الشام. بیروت، دارالجیل، [بی تا].

۱۲۴- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبداللّه (۶۲۶- ۵۷۴ ق.). معجم البلدان. بیروت،

ص: ۲۴۹
دارالفکر [بی تا].
۱۲۵- یوسف الدبس، مطران. تاریخ سوریا. بیروت، مطبعة العمومیه ۱۹۰۰ م.

ب. منابع فارسی

۱۲۶- تلمسانی، ابوبکر محمد بن ابوبکر انصاری بری. جوهره در نسب و شرح احوال علی علیه السلام و آل او. ترجمه فیروز حریرچی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۱ ش.
۱۲۷- رابینوویچ، آینامار. جنگ برای لبنان (۱۹۸۵- ۱۹۷۰ م) ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی، تهران، سفیر ۱۳۶۸ ش.
۱۲۸- شیروانی، زین العابدین. ریاض السیاحه. به اهتمام آقاسی اوغلی، مسکو، ادبیات خاور ۱۹۷۴ م.
۱۲۹- فتال نیشابوری. روضة الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی ۱۳۶۳ ش.
۱۳۰- فهری زنجانی، سید احمد. مراقد اهل بیت در شام. تهران، امیر کبیر ۱۳۶۷ ش.
۱۳۱- قائدان، اصغر. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران، سازمان و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲ ش.
۱۳۲- قزوینی رازی، عبدالجلیل نصیرالدین. بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. ترجمه سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران [بی تا] ۱۳۷۱ ش.
۱۳۳- قمی، عباس. منتهی الامال. تهران، جاویدان [بی تا].
۱۳۴-- دمع السجود. ترجمه نفس المهموم. ابوالحسن شعرانی، تهران، علمیه اسلامیه ۱۳۷۴ ق.
۱۳۵- کمّونه حسینی، سید عبدالرزاق. آرامگاههای خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش.
۱۳۶- گروه نویسندگان آکادمی شوروی. تاریخ معاصر کشورهای عربی. ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، توس ۱۳۶۷ ش.
۱۳۷- گیتاشناسی کشورها. گرد آورندگان محمود محجوب، فرامرز زیارودی، تهران، گیتا شناسی چاپ اول ۱۳۶۲ ش.
۱۳۸- مطهری، مرتضی. تماشاگه راز. تهران، صدرا، ۱۳۶۴ ش.
۱۳۹- نویری، شهاب‌الدین احمد (قرن هشتم). نهایة الارب فی فنون الادب. ترجمه

ص: ۲۵۰

محمود مهدوی دامغانی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴ ش.

ج. منابع انگلیسی.

egdirbmaC -۱۴۱ .۱۹۷۴ ,asu ۱۷ .V ,acinatirb aidepolcycne wen eht -H .R .A -۱۴۰,

malsI fo yrotsiH ehT

, sserp ytisrevinueht ta .sdnal cimalsI lartnec ehT ۱۹۷۰.

۱۴۲Encyclopedia of Islam-

. H .A ,inaruoH -۱۴۳ .۱۹۸۷ nlok nvahneboR .kroy weN .nedieL .llirB .jE.

yasse lacitilop a nonabel dna airys

. sserp ytisrevinu drofxo ۱۹۸۶.

yelsmeh nehpets ,girgnoL -۱۴۴.

etadnom hcnert rednu nonabeL dna airyS.

sserp yt isrevinudrofxo ۱۹۶۸.

mailliW ,riuM -۱۴۵.

llaf dna enilceD ,esir sti etahpilac ehT.

suiluj ,nesuoh lleW -۱۴۶ .۱۸۹۱ ,nodnol,

llaf sti dna modgniK barA ehT.

nerp nezuc ,nodnol ۱۹۷۳.

ص:۲۵۱

فهرست اعلام

اشاره

۱- فهرست اشخاص

۲- فهرست اماکن

ص:۲۵۲

۱- فهرست اشخاص

ص: ۲۵۳

ص: ۲۵۴

ص: ۲۵۵

ص: ۲۵۶

ص: ۲۵۸

ص: ۲۵۹

ص: ۲۶۰

ص: ۲۶۱

ص: ۲۶۲

ص: ۲۶۳

ص: ۲۶۴

ص: ۲۶۵

ص: ۲۶۶

ص: ۲۶۷

ص: ۲۶۸

۱- فهرست اماکن

ص:۲۷۳

ص: ۲۷۳

ص: ۲۷۴

ص: ۲۷۵

ص: ۲۷۶

ص: ۲۷۷

ص: ۲۷۸

ص: ۲۸۲

ص: ۲۸۳

ص: ۲۸۵

ص: ۲۸۸

ص: ۲۸۹

ص: ۲۹۱

ص: ۲۹۲

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».